۲

سلسله کتاب های طرح معارف همکاران

سازمان بسیج اساتید دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور

تعامل قرآن و علوم

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

تعامل قرآن و علوم

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تعامل قرآن و علوم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ ش -

عنوان و نام پدیدآور: تعامل قرآن و علوم/ نگارش محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۲ ش.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.

شابک : ۰-۶۳-۲۵۳۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع : قرآن و علوم

رده بندی کنگره : ۷ ۱۳۹۲ ت۵۴ ر/۱۰۳/۶ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۲۱۴۳۹

ص :۱

اشاره

اهداء

به روح پرفتوح سید الشهداء حضرت امام حسین علیه السلام

وروح بلند امام خمینی رحمه الله و شهداء انقلاب اسلامی

تشکر

از بسیج اساتید دانشگاه های کشور

و

همکاران مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی

که زمینه ساز این اثر شدند.

ص:۵

فهرست مطالب

ص:۶

ص:۷

ص:۱۰

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

(إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ) ؛ (اسراء/ ۹)

مقدمه

قرآن چشمه جوشانی است که همه ابعاد زندگی انسان را سیراب می کند و در طول اعصار جاری بوده و هست.

مفسران، مترجمان و قرآن پژوهان در هر عصری از یکی از ابعاد قرآن بهره برده اند. هر کدام به یکی از جهات ادبی، فقهی، کلامی و ... قرآن توجه کرده اند.

اما در یک قرن اخیر به بُعد علمی قرآن توجه شد و تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن مطرح گشت و در دهه اخیر نظریه پردازی های علمی قرآن و جهت دهی به علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت.

البته این حرکت نخست در حوزه علوم طبیعی بود و کم کم به حوزه علوم انسانی گسترش یافت، و ده ها کتاب، پایگاه اینترنتی، مجله و حتی نرم افزار تولید گشت. (۱)

در سال ۱۳۸۸ش توسط مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - دامت برکاته - اخذ مبانی علوم انسانی از قرآن مطرح شد و در سال ۱۳۸۹ بر این مطلب تأکید شد و در نتیجه رویکرد تفسیر علمی قرآن مورد توجه ویژه قرار گرفت و این حرکت شتابنده می رود تا چهره علوم انسانی غربی را تغییر دهد و علوم انسانی مبتنی بر قرآن تولید شود.

ص:۱۱

۱- (۱) . لیست این موارد را در منبع شناسی در پایان همین کتاب ملاحظه کنید یا به مجله تخصصی قرآن و علم ش ۵ و ۷ مراجعه کنید.

ایشان در دیدار با خواهران قرآن پژوه فرمودند:

«مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه های کشور بصورت ترجمه ای تدریس می شود، جهان بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است، در حالیکه پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد... اگر این کار انجام شود پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از برخی پیشرفتهای علوم انسانی، می توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه گذاری کنند». (۱)

اینک در راستا و برای ارائه تاریخچه، روش شناسی و ضابطه مند کردن این حرکت علمی، نوشتار حاضر تقدیم حضور محترم اساتید بسیج دانشگاه های کشور می شود.

امید است سروران گرامی با ارشادهای خویش این نوشته را پربارتر بفرمایند.

والحمد لله رب العالمین

محمدعلی رضایی اصفهانی

۱۳۹۰/۹/۱۳

ص:۱۲

۱- (۱) . دیدار مقام معظم رهبری با بانوان قرآن پژوه ۱۳۸۸/۷/۲۸. برگرفته از سایت WWW.LEADER.IR

فصل اول: قرآن و علوم تجربی

اشاره

ص:۱۳

درآمد

قرآن کریم بارها به علم و عالمان (۱) توجه کرده و بیش از هفتصد بار ماده «علم» را به شکل های گوناگون به کار برده است و نشانه های خدا را در طبیعت به آنان یادآوری نموده، و بدینسان زمینه رشد علوم تجربی را فراهم ساخته است (ادامه همین کتاب) که از نظر تاریخ تمدن اسلامی حایز اهمیت است.

و از طرف دیگر رشد علوم تجربی در فهم و تفسیر آیات قرآن تاثیر مثبتی به جای گذاشت تا آن جا که «روش تفسیر علمی» به وجود آمد، و در مواردی اعجاز علمی قرآن پدیدار گشت؛ که مطالعه این مطلب از نظر تفسیر و علوم قرآن حایز اهمیت است و از طرف سوم گاهی چالش هایی بین قرآن و علوم تجربی ادعا شده است که نیازمند بحث است. هر چند که این چالش ها با تأمل در آیات برطرف می گردد و تعارض حقیقی بین قرآن و علم نیست (ادامه همین کتاب)

با توجه به مطالب فوق بررسی رابطه قرآن و علوم تجربی از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود.

۱- مفهوم شناسی علم و تقسیمات آن

علم چیست ؟

مفهوم لغوی کلمه «علم» و معادل های آن، مثل دانش و دانستن، روشن است (۲) ولی «علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که ما برای روشن کردن مقصود خود،

۱- (۱) . زمر/ ۹.

۲- (۲) . منطقیین علم را: حصول صوره الشیء عند العقل (حاصل شدن صورت چیزی در ذهن انسان) می دانند چنان چه مرحوم مظفر در مقدمه کتاب المنطق می گوید. ولی فلاسفه آن را به علم حصولی و حضوری تقسیم می کنند و بحث ما در علم حصولی است که همان معنای منطقی علم است، هر چند در این زمینه فلاسفه غرب سخنان دیگری دارند که در خلال بحث به آن ها اشاره خواهد شد.

از این کلمه، ناچاریم اشارات مختصری به آن ها بکنیم؛ واژه علم در این موارد و معانی به کار می رود:

۱. اعتقاد یقینی مطابق با واقع، در برابر جهل بسیط و مرکب.

۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آن ها در نظر گرفته شود، هر چند قضایای شخصی و خاص باشد مانند علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی)، علم رجال و ...

۳. مجموعه قضایای کلّی که محور خاصی برای آنها، لحاظ شده و هر کدام از آن ها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می باشد، هر چند قضایای اعتباری و قرار دادی باشد، به این معنا علوم غیر حقیقی و قرار دادی مانند لغت دستور زبان هم، علم خوانده می شود.

۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیر قرار دادی) که دارای محور خاصی باشد و این اصطلاح علوم نظری و عملی، از جمله الهیات و ما بعد الطبیعه را در بر گیرد.

۵. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسّی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست ها، به کار می برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی شمارد: این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می دهند. (۱)

هر چند جعل اصطلاح اشکال ندارد امّا اصطلاح اخیر، به خاطر دیدگاه خاص پوزیتیویست ها (۲) در دایره معرفت یقینی و شناخت واقعی انسان است که آن را محدود به امور حسی و تجربی می پندارند و لذا اندیشیدن، در ماورای طبیعت را لغو و بی حاصل می دانند. (۳)

۶. در روایات اسلامی علم در معانی دیگری از جمله معنای «نور» نیز به کار رفته است. ۴

ص:۱۶

۱- (۱) . علم در نظر آنان مطابق با کلمه Science است.
۲- (۲) . Positivisme مکتبی که توسط آگوست کنت (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷ Auguste Conte م) بنیاد نهاده شد و ریشه او در اصالت حس هیوم بود که معرفت بشر را، محدود به تجربه حسی می داند.
۳- (۳) . استاد مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱، با تلخیص.

البته در این نوشتار مقصود از علوم تجربی مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است می باشد که تقسیم بندی های مختلفی دارد، ۱و ما به تقسیم بندی علوم براساس روش، بسنده می کنیم.

۲– تقسیم بندی علوم براساس روش

در این تقسیم، علوم، به چهار گروه تقسیم می شود که به این شرح است:

الف: علوم تجربی ۲: که شامل دو قسم می شود:

اول: علوم طبیعی ۳ مانند: فیزیک، شیمی، زیست شناسی و...

دوم: علوم انسانی ۴ مانند: جامعه شناسی، اقتصاد و...

روش این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است.

ب: علوم عقلی: که آن نیز شامل دو قسم می شود:

اول: علوم منطق و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است.

دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه های مضاف (مانند فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و...) و فلسفه های غیرمضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می شود.

ج: علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و... که در آن ها از نقل استفاده می گردد (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست).

د: علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می آید مانند: علوم پیامبران علیهم السلام و عرفا. شاید این طبقه بندی، کامل ترین تقسیم علوم باشد، که تاکنون ارایه شده است.

ص:۱۷

منابع و روش های علمی که در قرآن به آن ها اشاره شده است:

قرآن کریم به روش های علمی یعنی چهار قسم علوم فوق و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجه کرده و انسان ها را به خردورزی و تفکر فرامی خواند و تشویق می کند. (۱)

و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می کند و او را به کیهان شناسی و طبیعت شناسی و انسان شناسی و... تشویق می کند. (۲)

و گاهی توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می کند و داستان های عبرت آموز پیامبران و ملت های پیشین را بیان می کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ ها و...) را گزارش و ثبت می کند. (۳)

و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان ها سخن می گوید (۴) و علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان ها می رسد (علم لدنی) گوشزد می کند. (۵)

آری هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست (۶) اما می توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده است و نمونه هایی از آن ها را در قرآن یادآوری نموده است و همین توجه قرآن به روش ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است.

۳- کاربردهای علم در قرآن

اشاره

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

۱- (۱) . در مورد تعقل ر.ک: بقره/ ۷۳ و ۲۴۲، یوسف/ ۲، انبیاء/ ۱۰، مومنون/ ۸۰، زخرف/ ۳ و در مورد تفکر ر.ک: بقره/ ۲۱۹، روم/ ۸، آل عمران/ ۱۹۱، نحل/ ۴۴، حشر/ ۲۱ و...

۲- (۲) . ر.ک: آیات سوره رعد/ ۲ به بعد، حج/ ۵، مومنون/ ۱۲ - ۲۱، نحل/ ۳ - ۱۷ و...

۳- (۳) . ر.ک: سوره انبیاء، یونس، یوسف و کهف و...

۴- (۴) . شوری/ ۵۱، مومنون/ ۲۷، طه/ ۳۸.

۵- (۵) . (وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً) ، (کهف/ ۶۵)

۶- (۶) . در مباحث بعدی در این مورد توضیحات بیش تری خواهد آمد.

الف: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»

قرآن کریم هـدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قـدرت الهی» معرفی می کند. (۱) یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است.

و نیز در برخی آیات قرآن از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می دهد سخن گفته شده است. (۲)

البتـه ایـن معنـای از علم، از مصـادیق مهم دانش، بلکه بـا فضـیلت ترین علم است، چرا که ارزش هر علم به معلومـاتی است که انسان می آموزد، (۳) و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش ترین معلومات جهان را می آموزد.

ب: علم به معنای عام

قرآن کریم می فرمایـد: (هَـلْ یَسْـتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ) (۴) «آیـا کسانی که می داننـد و کسانی که نمی دانند برابرند.»

به نظر می رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که شامل همه اقسام علم مفید می شود. (۵)

۱- (۱) . طلاق/ ۱۲.

۲- (۲) . (وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً) ، (کهف/ ۶۵)

۳- (۳) . همـان طور که از امـام علی علیه السـلام حکایت شـده: «قیمه کل امرء ما یعلمه» ارزش هر کس به چیزی است که می داند. (محجه البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶)

۴- (۴) . زمر/ ۹.

۵- (۵) . صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می داند. (ج ۱۹، ص ۳۹۳) و علامه طباطبایی رحمه الله نیز علم در آیه را مطلق می دانـد لیکن با توجه به مورد آیه آن را منطبق بر علم به خـدا می کند (ج ۱۷، ص ۲۵۷) و ذیل آیه نیز احادیثی از امام باقر علیه السـلام حکایت شـده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت علیهم السـلام هسـتند (صافی، ج ۴، ص ۳۱۶) ولی مفسران این گونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده اند وگرنه آیه شامل همه دانایان می شود. (ر.ک: المیزان و اطیب البیان ذیل آیه)

و در آیه دیگر می فرمایـد: (یَرْفَعِ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکَمْ وَ الَّذِینَ أوتُوا الْعِلْمَ دَرَجـاتٍ) ؛ (۱) «خدا کسانی از شـما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه هایی بالا می برد».

در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جـداگانه برای برتری افراد شـمرده شده است. از این جداسازی روشن می شود که خود «علم» موجب فضـیلت افراد است، و این علم مقیـد به الهیـات نشـده است پس مطلق است و شامل همه دانشـمندان می شود. (۲)

و در آیه دیگر می فرماید:

(إِنَّما یَخْشَی اللّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ) ؛ (۳) «از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند».

در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه های خدا را می شناسـند و عظمت و مقام او را در می یابند از این رو از نافرمانی او هراسناکند، (۴) اما جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه قبل از آن سـخن از نشانه های خـدا در صـحنه طبیعت هم چون نزول بـاران، رویش میوه های رنگارنگ، جاده های کوهسـتانی رنگارنگ و انسان ها و جنبنـدگان و دام ها با رنگ های مختلف است، سپس از دانشمندان فوق الذکر یاد می شود. این مطلب نشان می دهد که مقصود از علم، دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت شناسی به خداشناسی می رسند. (۵)

۱- (۱) . مجادله/ ۱۱.

۲- (۲) . علامه طباطبایی رحمه الله بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیرعالم تقسیم می کند پس آیه می فرماید علمـای بـا ایمـان دو درجـه برتری دارنـد و مومنـان یـک درجه (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی آیـت اللَّه مکـارم شـیرازی می نویسـند: گرچه آیه در مورد خاصـی نازل شـده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد، دو چیز است: ۱. ایمان؛ ۲. علم. (نمونه، ج ۲۳، ص ۴۳۸)

۳- (۳) . فاطر/ ۲۸.

۴- (۴) . مقصود از خشیت «ترس از مسئولیت توام با درک عظمت مقام پروردگار است». (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)

۵- (۵) . آیت اللَّه مکارم شیرازی پس از بیان ارتباط این بخش آیه ۲۸/ فاطر با بخش های قبلی و آیات قبل، و لزوم مسئولیت پذیری دانشمندان می نویسند: «عالمان در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه

۴- پیشینه نگارش در مورد قرآن و علم

در مورد قرآن و علم در طول تاریخ اسلام چند گونه نگارش وجود داشته است:

الف: کتاب های تفسیر: گاهی ذیل آیات مربوط به طبیعت، کیهان شناسی و ... مطالبی از علوم تجربی آورده اند، این حرکت بعد از نهضت ترجمه کتاب های علمی یونانی، ایرانی، سانسکریت و سریانی به عربی آغاز شد (۱) و برخی از مفسران هم چون طبرسی (م ۵۴۸ ق) در مجمع البیان (۲) و فخررازی (م ۶۰۶ ق) در تفسیرکبیر (۳) به مطالب علمی آیات قرآن پرداختند، و این حرکت تا مفسران عصر حاضر ادامه دارد از جمله شیخ محمد عبده (۱۸۴۸ - ۱۹۰۵ م) در تفسیر جزء عم (۴) و رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵ م) در المنار (۵) و طنطاوی جوهری (تولد ۱۸۶۲ م) در الجواهر فی تفسیر القرآن (۶) و سید قطب (۱۹۰۶ - ۱۹۳۳ م) فی ظلال القرآن، (۷) و ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه (۸) و تفاسیر دیگر. (۹)

۱- (۱) . از سال ۱۲۵ ق به بعد کتاب های علمی به عربی ترجمه شد و نهضت ترجمه در زمینه نجوم، شیمی (کیمیا) طب، هندرسه و ... آغاز شد، ابن ندیم در «الفهرست» و قفطی در «تاریخ الحکما» نام مترجمان را می برند و نیز «تاریخ التمدن الاسلامی»، جرجی زیدان (ج ۳، ص ۱۵۴ - ۱۵۵) و «تاریخ علوم عقلی در ایران» دکتر صفا به این مساله پرداخته اند.

۲- (۲) . ر.ک: ذیل بقره/ ۲۹ و ...

۳- (۳) . ر.ک: ذیل بقره/ ۲۲ و ۲۹ و ۱۶۴ و اعراف/ ۵۴ و...

۴- (۴) . ر.ک: ذیل شمس/ ۵، و ذیل سوره فیل و ...

۵- (۵) . ر.ک: ذیل بقره/ ۲۴۳ و ۲۶۰ و ...

۶- (۶) . ر.ک: ذیل بقره/ ۶۷ - ۷۲ و ...

۷- (۷) . ر.ک: ذیل مومنون/ ۱۲ و فرقان/ ۲.

۸- (۸) . ر.ک: نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰ و ج ۵، ص ۳۸۷ و ج ۱۸، ص ۴۶۶ و...

۹- (۹) . درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده که فهرست ۲۰۸ کتاب را در کتابشناسی تفسیر علمی قرآن

ب: کتاب ها اعجاز علمی قرآن: از زاویه خاص اعجاز به مباحث قرآن و علوم روز پرداخته اند و مطالبی بیان کرده اند.

از جمله عبدالعزیز اسماعیل در «معجزات القرآن فی وصف الکائنات» (چاپ شده در ۱۹۵۴ قاهره) و محمد سامی محمدعلی در «الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم» و نگارنده در «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» و ...

ج: کتاب هایی که به مباحث نظری رابطه قرآن و علم پرداخته اند: از جمله: الموافقات فی اصول الاحکام، ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که با مبانی تفسیر علمی به مخالفت پرداخته است و «التفسیر العلمی فی المیزان»، دکتر احمد عمر ابوحجر و «شناخت جریان علمی نگری به قرآن»، فروغ پارسا، «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده که به مباحث رابطه، قلمرو، تعارضات علم و دین و راه حل های آنها، با رویکرد قرآنی، پرداخته اند. و نیز «تفسیر علمی قرآن» دکتر ناصر رفیعی محمدی که به تطور تاریخی مساله توجه ویژه کرده است. و نیز قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی و نیز «القرآن و المنهج العلمی المعاصر»، المنشار عبدالحلیم الجندی، و «قرآن و علم روز»، عبدالغنی الخطیب، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، و «مدخل الی موقف القرآن الکریم من العلم» عماد الدین خلیل، العلم و الدین مناهج و مفاهیم، احمد عروه، العلوم فی القرآن محمد جمیل الحبّال و مقداد مروی الجواری.

د: کتاب هایی که به مباحث تاریخی قرآن و علم پرداخته اند، یعنی تاثیرات قرآن بر پیشرفت علوم را در طول تاریخ مسلمانان بررسی کرده اند، از جمله:

کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، که به تأثیرات عام اسلام و خاص قرآن در تشویق علم و پیشرفت علوم پرداخته است. الاسلام والهیئه سید هبه الدین شهرستانی، قرآن در اسلام، محمدحسین طباطبایی که به تأثیرات قرآن در پیدایش و رشد علوم اسلامی و تجربی و عقلی توجه داده است.

Zارائه می کند.

ص:۲۲

اسـلام و هیئت ترجمه سـید هادی خسروشاهی و علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدو میه لی، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و دکتر اسدالله علوی، تاریخ التمدن الاسلامی، جرجی زیدان و شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر و پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، و علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، که در ضمن مباحث به تاثیرات قرآن در پیشرفت تمدن اسلامی و علوم بشری اشاره کرده اند.

ه : کتاب هایی که به رابطه قرآن با علم تجربی خاصی پرداخته اند، یا موضوع مشخص بین رشته ای را در حوزه قرآن و علم، دنبال کرده اند، از جمله:

الکون و الارض و الانسان فی القرآن العظیم، عبدالحمید اعرابی، قرآن و گیاهخواری، جمشید ایمانی راد، باد و باران در قرآن، مهدی بازرگان، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی، خلق الانسان بین الطب و القرآن، محمدعلی البای، تکامل در قرآن، علی مشکینی، قرآن و روانشناسی، محمدعثمان نجاتی، الالوان فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی.

۵- اهمیت علم از منظر قرآن

قرآن کریم بیش از هفتصد بار ماده «علم» را به شکل های گوناگون به کار برده است، و دانایان را با نادانان مساوی ندانسته است (۱) بلکه دانشمندان را بر دیگران برتری داده است. (۲) یعنی علم را یکی از معیارهای برتری انسان ها بر همدیگر قرار داده است و در برخی موارد گواهی «صاحبان علم» را همردیف گواهی خدا و فرشتگان قرار داده است، (۳) که این مطلب به قول امام غزالی «در فضیلت و نبالت علم کفایت داشت». (۴)

ص:۲۳

۱- (۱) . زمر/ ۹.

۲- (۲) . مجادله/ ۱۱.

۳- (۳) . احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۱۱.

۴- (۴) . (شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَ الْمَلائِکَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ) ، (آل عمران/ ۱۸)

حتی در برخی آیات قرآن، هدف آفرینش آسمان ها و زمین را «آگاهی و علم انسان» معرفی کرده است، (۱) یعنی اگر انسان در طول زندگی خویش بر دانش خود بیفزاید، در راستای هدف خلقت حرکت کرده و به سعادت و تکامل می رسد و به خدا نزدیک می شود، و بر عکس هر کس که دانش افزایی نکند از هدف آفرینش جهان و خدا دور می شود.

قرآن کریم در آیات زیادی به کیهان شناسی، زمین شناسی، زیست شناسی، روانشناسی و مراحل آفرینش انسان اشاره کرده (۲) و توجه انسان را به منابع و مبادی و برخی گزاره های این علوم جلب کرده است، و انسان را به تدبر و تفکر و تعقل در آن ها فراخوانده است (۳) که این مطلب نوعی دانش پروری است که زمینه ساز رشد علوم در جهان اسلا گردید. (ادامه همین کتاب)

البته همان طور که گذشت توجه قرآن به علوم، اعم از علوم الهی و بشری است. (۴)

۶- مبانی تعامل قرآن با علوم تجربی

الف. اهداف اصلی و فرعی آیات علمی قرآن

اهداف قرآن را می توان از آیات خود قرآن بدست آورد، که گاهی هدف نزول قرآن را خارج ساختن مردم از تاریکی ها به سوی نور معرفی می کند. (۵) و گاهی هدف آن را «هدایت» بر می شمارد. (۶)

البته به نظر می رسد که هدف اساسی قرآن هدایت به سوی خداست که همان خارج ساختن مردم از تاریکی های جهل و گمراهی و شرک به سوی نور الهی

۱- (۱) . طلاق/ ۱۲ (در مورد این آیه ذیل مبحث کاربردهای علم در قرآن مطالبی بیان شد)

۲- (۲) . در مورد این آیات در مباحث بعدی مطالبی بیان خواهد شد.

۳- (۳) . ر.ک: آل عمران/ ۱۹۰ و نحل/ ۳ - ۱۱ و رعد/ ۲ - ۴.

۴- (۴) . ر.ک: مبحث کاربردهای علم در قرآن.

۵- (۵) . (الر كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلى صِراطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) ، (ابراهیم/ ۱).

۶- (۶) . نحل/ ۸۹ و بقره/ ۹۷ و...

توحید و علم است که خردورزی و مژده رسانی و هشداردهی و داوری و رحمت الهی زمینه ساز این خروج و حرکت در مسیر هدایت است. (۱)

اما در مورد آیات علمی قرآن از چند هدف یاد شده است:

اول: اشارات علمی قرآن به طبیعت، کیهان و ... نشانه های الهی است و در راستای شناخت معنا پیدا می کند. از این رو در سوره رعد بعد از اینکه به گستردگی زمین و کوه ها و میوه ها و زوجیت و حرکت شب و روز اشاره می کند آن ها را نشانه هایی برای متفکران معرفی می کند و در ادامه از قطعات زمین و باغ های میوه یاد می کند و آن ها را نشانه هایی برای خردورزان معرفی می کند. (۲)

دوم: اشارات علمی قرآن نشانه هایی برای درک بهتر رستاخیز و در راستای معادباوری است.

از این رو در سوره حج اشاره علمی به مراحل آفرینش انسان را با این جمله آغاز می کند: «ای مردم! اگر در مورد رستاخیز شک دارید، پس (توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم سپس از نطفه ...» (۳) و نیز در سوره طارق پس از بیان آفرینش انسان از آب جهنده بلافاصله یادآوری می کند که: (إِنَّهُ عَلی رَجْعِهِ لَقادِرٌ) ؛ «که خدا بر بازگردانیدن او (در رستاخیز) تواناست». (۴)

سوم: اشارات علمی قرآن زمینه ساز تفکر، تعقل و یادآوری انسان است. همانطور که یکی از نتایج آن نیز هست و در آیات متعدد قرآن به این مطلب اشاره شده است. (۵)

براساس این مطلب روشن می شود که هدف اساسی قرآن «هدایت» انسان است و آیات علمی قرآن نیز همان هدف اساسی را دنبال می کند یعنی توجه انسان را به توحید و معاد جلب می کند تا هدایت شود ولی اهداف فرعی هم چون

۱- (۱) . بقره/ ۲۱۳ و نساء/ ۱۰۵.

۲- (۲) . رعد/ ۳ - ۴.

۳- (۳) . حج/ ۵.

۴- (۴) . طارق/ ۵ - ۸.

۵- (۵) . ر.ک: رعد/ ۲ - ۳ و نحل/ ۱۱ - ۱۲ - ۱۳.

انگیزش تفکر و خرد انسانی، نیز برای آیات علمی قرآن قابل تصور است یعنی برای حرکت انسان در مسیر هدایت، آیات و اشارات علمی قرآن به انسان یادآوری می کند که نیروی فکر و عقل خود را به کار بندد، تا هدایت گردد.

از این روست که برخی صاحب نظران نوشته اند که «در قرآن کریم بحث درباره جهان، طبیعت و انسان به طور استطرادی و تطفلی (حاشیه ای) به میان آمده است.» (۱)

به عبارت دیگر قرآن کتاب فیزیک، گیاه شناسی، زمین شناسی و یا کیهان شناسی نیست.

قرآن کتاب انسان سازی است و نازل شده است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی (تقرب به خدای متعال) نیاز دارد به او بیاموزد، و لذا آیات مربوط به جهان و کیهان در هیچ زمینه هیچ گاه به بحث های تفصیلی، در مورد موجودات نپرداخته، بلکه به همان اندازه ای که هدف قرآن، در هدایت مردم تأمین می شده، بسنده کرده است». (۲)

البته اشارات علمی قرآن همانطور که زمینه خداشناسی و معادشناسی را فراهم می سازد، در برخی موارد به گزاره های علمی اشاره می کند که اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند و یا موجب تحریک حسّ کنجکاوی بشر شده و زمینه ساز پیشرفت علوم را فراهم می سازد. (ادامه همین کتاب) بنابراین نمی توان مطالب علمی قرآن را در حد مثال های ساده پایین آورد. بلکه اشارات علمی قرآن بخشی از معارف قرآن بشمار می آید که علاوه به هدف عمومی هدایت، و در راستای آن، اهداف فرعی را نیز دنبال می کند.

ب: قلمرو علوم تجربی در قرآن

آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟

در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که بصورت مختصر بدانها اشاره می کنیم و دلایل آن ها را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- (۱) . مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، ص ۲۲۵ - ۲۲۸.

۲- (۲) . همان.

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

برای اولین بار این انـدیشه در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ ق) دیده شده است. او سعی کرد که نشان دهد همه علوم را می توان از قرآن استخراج کرد. او می نویسد:

«پس علوم، همه آن ها در افعال و صـفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صـفات خود را توضیح می دهد و این علوم بی نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آن ها اشاره شده است.» (۱)

سپس ابو الفضل المرسی (۶۵۵ - ۵۷۰ ق) که صاحب کتاب تفسیر است این دیدگاه را بصورت افراطی می پذیرد و می گوید: «همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.» (۲)

آنگاه بدر الدین زرکشی (م ۷۶۴ ق) در «البرهان» این نظریه را می پذیرد. (۳)

و پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» دیدگاه غزالی و المرسی را می پذیرد و تقویت می کند. (۴)

و مرحـوم فیض کاشـانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقـدمه تفسـیر «صـافی» این دیـدگاه را به صورت خاصـی در قسـمتی از علوم می پذیرد. (۵)

در عصـر جدیـد هم با پیشـرفت علوم این دیـدگاه تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (متولد ۱۸۶۲م) در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد.

و جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی بنام رضا نیازمند در

۱- (۱) . احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹ چاپ دار المعرفه، بیروت.

۲- (۲) . ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸ - ۴۸۲.

۳- (۳) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱ چاپ دارالمعرفه، بیروت.

۴- (۴) . الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۷۱ - ۲۸۲ دار الکتب العلمیه، بیروت.

۵- (۵) . تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷.

سال گذشته (۱۳۷۵ ش) اظهار شد که در مقاله ای نوشت:

«کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.» (۱)

دلایل دیدگاه اول:

۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: (نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ) ؛ (۲) «و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده هر چیز است».

۲. آیاتی که اشاره به علوم مختلف می کند.

مثال: آیه ای که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد. (كَفى بِنا حاسِبِينَ) . (۳)

و از آیه (رَفِيعُ الدَّرَجاتِ) (۴) با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره را در هندسه استخراج می شود.

و علم پزشکی از آیه (وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) (۵) به دست می آید.

۳. روایاتی که دلالت می کند همه علوم در قرآن کریم وجود دارد.

مثال: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «ان اللّه تبارک و تعالی لم یدع شیئاً تحتاج الیه الامه الا نزله فی کتابه و بیّنه لرسوله». (۶)

«خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فرو گذار نکرده است مگر آنکه آن ها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده است».

۱- (۱) . مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱ تابستان ۱۳۷۵ ش.

۲- (۲) . نحل / ۸۹.

۳- (۳) . انبیاء / ۴۷.

۴- (۴) . غافر / ۱۵.

۵- (۵) . شعراء / ۸۰.

۶- (۶) . نور الثقلین، ج ۲، ص ۷۴.

۴. دلیل دیگر بر وجود همه علوم در قرآن داری مسأله بطون آن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است. (۱)

غزالی در «احیاء العلوم» به همین مطلب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است. و بعد می گوید این عدد چهار برابر می شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد. (۲)

تذکر: دلایل این دیدگاه را در هنگام ذکر دلایل دیدگاه دوم و سوم مورد بررسی و نقد قرار می دهیم.

دیدگاه دوم:

قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است.

این دیدگاه را می توان از سخنان برخی از صاحب نظران و مفسران استفاده کرد.

برای مثال ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می گوید:

«قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» (۳)

نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» نیز می نویسند:

«منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است.» (۴)

تذکر۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می شود.

تذکر۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده اند. و گر نه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار می آید چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است. (۵)

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵.

۲- (۲) . احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- (۳) . الموافقات، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵.

۴- (۴) . طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸.

۵- (۵) . آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتاب هایی تحت همین عنوان

دیدگاه سوم:

دیدگاه تفصیل؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت گری بشر به سوی خداست. و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می کند و برخی از مثال ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است.

دلایل و شواهد: در اینجا دلایل این دیدگاه را همراه با ردّ دلایل دیدگاه اول آورده می شود:

۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و نازل شده است تا انسان ها را به سوی فضیلت ها و خداشناسی هدایت کند. بنابر این ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول های آن ها، بیان کند. هر چند که این موارد گاهی اشارات حق و صادقی دارد.

این مطلب مورد تأکید مفسران قدیمی ۱ و صاحب نظران معاصر ۲ است.

۲. ظهور آیاتی که می فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست چرا که:

اولاً: این ظهور بر خلاف بداهت است چون بسیاری از فرمول های شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست.

ثانیاً: ظهور این آیات مورد انکار صریح برخی از مفسران قرار گرفته است و گفته اند که منظور وجود چیزهایی است که در مورد هدایت انسان لازم است و اینها در قرآن وجود دارد. ۳ (کل شیء امور دینی)

ثالثاً: لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث (نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ) ۴

ممکن است به چند معنا باشد: «قرآن کریم، لوح محفوظ ، اجل، علم خدا، امام مبین» (۱) پس نمی توان گفت که حتماً مراد قرآن است و همه چیز در آن است.

و همین اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بود نیز وارد است.

رابعاً: این آیات با دلیل عقل (قرینه لبّی) تخصیص می خورد و محدود می شود. چون عقل انسان حکم می کند که قرآن در راستای هدف خود (هدایت معنوی انسان) بیان همه چیز باشد نه در اموری که خارج از حوزه هدف آن است.

۳. آیاتی از قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی دارد کشف هدف آن ها فرمولهای هندسه و شیمی و... نیست بلکه این اشارات بطور استطرادی و حاشیه ای این مباحث را مطرح کرده است. یعنی صرفاً ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آن آموزش علوم نیست.

علاوه بر آنکه برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اول قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است برای مثال: آیه (رَفِیعُ الدَّرَجاتِ) ربطی به درجات دایره ندارد. و حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب موجب تفسیر به رأی می شود.

۴. مسأله بطون قرآن و علم ائمه علیهم السلام از مورد بحث ما خارج است چون موضوع بحث در اینجا این است که آیا همه علوم بشری را می توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه ؟

جمع بندی و نتیجه گیری

بنا بر آن چه بیان کردیم به این نتیجه می رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول ها و جزئیات آن) دلالت ندارد.

بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و آیاتی

۱- (۱) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و...

کـه در این زمینه است (مثـل آیه ۸۹ سوره نحـل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعـام) دلالـت بر این مطلب دارد که تمـام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. (۱)

ج: قطعیت و عدم قطعیت علوم تجربی

علوم تجربی براسـاس روش تجربی پـایه گـذاری شـده که مبتنی بر آزمـایش و خطاست، اما مشـکل از آن جا پیـدا شـد که در آزمایشات علوم تجربی، معمولاً استقراء کامل امکان عادی نداشت و در نتیجه علم تجربی قطعی و یقینی - جز در موارد خاص - پدید نمی آمد تا بتواند احتمال طرف مقابل را صفر نماید.

به عبارت دیگر مشاهـده امور و طبقه بنـدی اطلاعات و ارایه فرضـیه و تجربه آن وقتی منتهی به تشـکیل «قانون» می شود که از مرحله اسـتقراء اسـتدلالی عبور کند و این مطلب مبتنی بر تعمیم نتایج آزمایشات و از موارد جزئی به قانون کلی رسـیدن است. یعنی در حالی که ما موارد جزئی و محـدودی را مشاهـده می کنیم در مورد اموری که مشاهده نمی کنیم داوری کنیم و حکم کلی حتی برای آینده بنماییم. (۲)

از این رو تلاش هـایی توسـط دانشـمندان علوم تجربی و فیلسوفـان علم صورت گرفت تا مشـکل «اسـتقراء ناقص» را حل کنند لیکن دانشـمند انگلیسـی جدول مشـهور خود را پیشنهاد کرد. (۳) سـپس اسـتورات میـل نظر او را تکمیل کرد، (۴) و در ادامه راهکارهای مختلفی هم چون پایه گذاری استقراء بر مبدأ سبب کافی، (۵)

۱- (۱) . برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسـی تفصـیلی دلایل طرفین ر.ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، قم.

۲- (۲) . برای اطلاع از اشکالات استقراء ناقص ر.ک: صدر، محمدباقر، الاسس المنطقیه للاستقراء، ص ۲۵ - ۲۷.

۳- (۳) . ر.ک: سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، ص ۲۱۰ - ۲۴۴.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . همان، ص ۲۴۴.

استقراء ناقص در مشهودات مبتنی بر تعلیل، (۱) استقراء مبتنی بر حکم بدیهی عقلی، (۲) استقراء مبتنی بر مماثلت کامل جزئیات (۳) و استقراء مبتنی بر حساب احتمالات، (۴) پیشنهاد شد، ولی هیچکدام نتوانست مشکل استقراء ناقص را حل کند و به هر کدام از این دیدگاه های اشکالات متعددی مطرح شد. (۵)

سپس کارل پوپر (۶) فیلسوف علم معاصر اشکالات دیگری به شیوه سنتی استنتاج در علوم تجربی نمود. و آن را مخالف روانشناسی کشف و ابداع دانست و تأکید کرد که هزاران قضیه شخصیه نمی تواند نتیجه کلی بدهد و به قانون تبدیل شود، پس استقراء حجت نیست. از این رو پیشنهاد کرد بجای شیوه اثبات پذیری سنتی که همیشه بدنبال اثبات قانون علمی است، به شیوه ابطال پذیری در علم روی آوریم و مراحل «برخورد با مسأله و عدم رضایت از آن، مرحله حدس زنی، مرحله استنتاج قضایای قابل مشاهده، مرحله اقدام جهت ابطال قضایای قابل مشاهده و تجربه» را پیشنهاد کرد که اگر نظریه استنتاج شده باطل نشد در علم بماند و اگر باطل شد مبنای عمل قرار گیرد تا وقتی که نظریه کامل تری جایگزین آن شود.

بنابراین دیدگاه در علوم تجربی «قانون» وجود ندارد بلکه علم نظریه هایی است که قدرت تبیین و پیش بینی پدیده ها را دارد و به اصطلاح افسانه های مفید هستند. (۷)

از این رو ایان باربور فیزیک دان آمریکایی با طرح اشکالات متعدد (۸) در مورد

ص:۳۳

۱- (۱) . مظفر، محمدرضا، المنطق، ص ۲۶۴.

۲- (۲) . مظفر، محمدرضا، همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . صدر، محمدباقر، الاسس المنطقیه للاستقراء، ص ۱۳۵ و ۳۸۳ - ۴۰۰.

۵- (۵) . رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۹۱ به بعد.

۶- (۶) . Karl Poper (م ۱۳۷۳ ش)

۷- (۷) . ر.ک: پوپر، حدس ها و ابطال ها، ترجمه احمد آرام، و منطق اکتشافات علمی، همو.

۸- (۸) . ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، ص ۲۱۳ - ۲۱۴.

داده هـای علـوم تجربی نوشت «برخی پژوهنـدگان بر این قوانـد که نظریه هـای علمی، المثنـای واقعیت نیسـتند، بلکه سـاخته و پرداخته ذهن یا افسانه های مفیدند که به کار همارایی داده ها و یافته های آزمایش می آیند.» (۱)

بنابراین علوم تجربی ادعای واقع نمایی و قطعیت در مورد طبیعت ندارد، چه رسد به اثبات یا نفی امور ماوراء طبیعت.

به ویژه آنکه علوم تجربی بر مشاهـده حسـی اسـتوار است که محـدود و خطاپـذیر است و انسان نمی توانـد تمام محسوسات را درک کنـد و در مواردی که درک می کنـد به خطاهـای روشن (مثـل شکسـته دیـدن چوب در آب و نیز سـراب) و خطاهـای مخفی گرفتار می شود.

از این رو علوم تجربی یقین مطابق واقع برای ما به ارمغان نمی آورد. مگر در موارد خاص که عامل بیرونی به کمک یافته های علوم تجربی بیاید، مثلاً یافته علم تجربی به حد بداهت حسی برسد مثل نیروی جاذبه، و یا دلیل قطعی هم چون برهان عقلی آن را تأیید کند. (۲)

د: رابطه قرآن و علوم تجربی

در این مورد براساس حصر عقلی چهار احتمال می تواند وجود داشته باشد:

امـا براسـاس واقعیـت خـارجی و شواهـد درون متـن قرآن، روشن می شـود که قرآن کریم از علـوم تجربی جـدا نیست و رابطه خصمانه نیز با علوم ندارد، این مطلب از شواهد، توجه قرآن به علم و اشارات علمی آن و رازگوئی های علمی

۱- (۱) . همان، ص ۳.

۲- (۲) . ر.ك: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۲۰۵ و ۳۹۸ و ...

اعجازآمیز آن روشن می شود. (۱)

آری قرآن نه تنها از علم جدا نیست بلکه دانش و دانشمندان را تشویق می کند (۲) و در بیش از هزار آیه به مطالب علمی طبیعت و انسان اشاره کرده است. (۳)

قرآن کریم با آموزه های علوم تجربی نه تنها تعارض ندارد بلکه زمینه های گسترش علوم تجربی را فراهم ساخت (ادامه کتاب) و اگر در مواردی ادعا یا توهم تعارض ظاهری بین قرآن و علم شده است با تأمل در آیات یا مقدمات نظریه های علمی، تعارض بر طرف می شود. (ادامه همین کتاب)

اما تداخل قرآن و علم براساس دیدگاه «استخراج علوم از قرآن» و بر مبنای وجود همه علوم بشری در قرآن کریم با توجه به آیه (نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ) (۴) قابل طرح و توجیه است، ولی مبنای این دیدگاه در مباحث گذشته رد شد و در مورد آیه شریفه نیز توضیح دادیم که قرآن بیان کنند هر چیزی است که در راستای هدف قرآن یعنی هدایت باشد، و با توجه به قید لبی آیه وجود همه علوم در ظواهر قرآن کریم ثابت نمی شود علاوه بر آنکه این مطلب مخالف بداهت است. بنابراین «استخراج علوم از قرآن» که یکی از گونه های تفسیر علمی است مبنا و دلیل آن مخدوش است، و علاوه بر آنکه صحیح نیست موجب تحمیل و تفسیر به رأی می شود.

پس با توجه به باطل شدن سه احتمال جدایی، تداخل و تعارض قرآن و علم، احتمال چهارم یعنی رابطه سازگارا نه بین قرآن و علم ثابت می شود، چرا که تقسیم رباعی فوق حصر عقلی داشت چون بر مبنای اثبات و نفی پایه گذاری شده بود.

آری از طرفی قرآن موید و مشوق همه دانش های بشری است بلکه خود عامل

۱- (۱) . برخی از این شواهد گذشت و برخی در ادامه خواهد آمد.

۲- (۲) . ر.ك: مجادله/ ۱۱، زمر/ ۹ و ...

۳- (۳) . ر.ك: العلوم فی القرآن، محمد جمیل الحبال و مقداد مرعی الجواری، ص ۳۵ - ۳۶ و نیز ادامه همین نوشتار.

۴- (۴) . نحل/ ۸۹.

پیدایش و رشد برخی علوم شده است. و اشارات علمی اعجازآمیز و شگفتی های علمی و اشارات علمی اندیشه ساز دارد. (ادامه همین کتاب) و از طرف دیگر علوم تجربی در فهم و تفسیر آیات قرآن نقش مثبت دارند و گاهی تطابق قرآن و علوم جدید، اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند.

ه : تعارضات ادعایی بین قرآن و علم

این مبحث زیر مجموعه مبحث گسترده علم و دین است. و برخی صاحب نظران تعارض واقعی بین علم و دین را غیرممکن می دانند (۱) بلکه آن چه که به عنوان تعارض علم و دین مطرح می شود، توهم تعارض یا تعارض ابتدایی و ظاهری است که تأمل و دقت در علم و دین بر طرف می شود. (۲)

و برخی صاحب نظران نیز در این مورد یادآور شده اند که: «در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق و قطعیت علمی (از طریق مشاهده و تجربه) باشد وجود ندارد. و اگر موضوعی بدین روش و بطور قطع به اثبات رسید، مسلماً قرآن، موافق آن است نه متضاد و مغایر آن.» (۳)

اما به هر حال در برخی موارد ادعای تعارض ظاهری بین قرآن و علم شده است، از جمله در مورد آیات مربوط به «آفرینش انسان» (۴) با «نظریه تکامل» لامارک (۱۷۷۴ - ۱۸۲۹ م) و چالز داروین (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲ م) که برخی نویسندگان مسلمان بطور کلی نظریه تکامل را مردود دانسته اند به آیاتی از قرآن از جمله آیه ۵۹/ آل عمران استدلال کرده اند و آیات مخالف را توجیه نموده اند. (۵)

در حالی که ظاهر برخی آیات قرآن موافق و برخی مخالف نظریه تکامل می نماید و برخی دیگر با هر دو نظریه قابل انطباق است (۶) از این رو برخی

۱- (۱) . ر.ک: سبحانی، جعفر، مجله تخصصی کلام، ش ۱ (بهار ۱۳۷۱ ش)، ص ۷.

۲- (۲) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ص ۲۲۹ و ص ۳۹۱.

۳- (۳) . مشکینی، علی، تکامل در قرآن، ص ۲۵.

۴- (۴) . ر.ک: آل عمران/ ۵۹، صافات/ ۱۱، انعام/ ۲، حجر/ ۲۸ - ۲۹.

۵- (۵) . مهاجری، مسیح، نظریه تکامل در قرآن، ص ۵۳ - ۵۶.

۶- (۶) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۲۴۹ - ۲۷۶ که هم آیات و دیدگاه ها را

نویسندگان در مورد یک آیه دو ادعای کاملاً متعارض نموده اند از جمله در مورد آیه (وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَهٍ مِنْ طِینٍ) (۱) دکتر مصطفی محمود بر آن است که آیه اشاره صریح دارد که انسان در ابتدا از خاک آفریده نشده بلکه از سلاله ای آفریده شده که مقدمه ظهور انسان است (۲) (یعنی آیه اثبات گر نظریه تکامل داروین است) ولی برخی دیگر آیه را دلیل ردّ نظریه تکامل داروین دانسته اند. (۳)

و نیز در مورد آیه (وَ لَقَدْ خَلَقْناکُمْ ثُمَّ صَوَّرْناکُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ) (۴) آقای مشکینی آن را از جمله بهترین آیات قابل استفاده، برای اثبات نظریه (تکامل) می داند ۵ و به واژه «ثم» استدلال می کند ولی برخی مفسران معاصر با ذکر احتمالاتی در واژه «ثم» آن را ردّ می کنند. ۶

از این روست که برخی افراد برآنند که نمی توان در باب نظریه تکامل، هیچ دیدگاهی را بطور قطعی به قرآن نسبت داد ۷ و برخی دیگر برآنند که اگر نظریه تکامل بصورت قطعی اثبات شود آیات قرآن قابل تأویل است. ۸

ص:۳۷

۱- (۱) . مومنون/ ۱۲.

۲- (۲) . مصطفی محمود، القرآن محاوله لفهم العصری، ص ۵۳ - ۵۵.

۳- (۳) . بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۵۲.

۴- (۴) . اعراف/ ۱۱.

یعنی چهار احتمال در مورد گزاره های قرآن و علم وجود دارد:

توضیح اینکه تعارض واقعی گزاره قطعی علمی با گزاره قطعی قرآنی منتهی به تناقض می شود چون فرض آن است که هر دو گزاره قطعی و مطابق واقع است و یکی می گوید: الف ب است و دیگر می گوید: الف ب نیست. در حالی که در حقیقت و خارج یکی از این واقع شده است. پس باید بین اثبات و نفی این گزاره یکی را انتخاب کرد وگرنه گرفتار تناقض می شویم. از این رو برخی متکلمان مفسر برآنند که: «هرگز (تعارض علم و دین) ممکن نیست و یکی از دو طرف قضیه سست و بی پایه است، یا آنچه را که دین نامیده ایم دین نیست، یا اینکه علم حالت قطعی ندارد.» (۱)

برخی از صاحب نظران غربی تلاش کرده اند که موارد تعارض ظاهری آیات با یافته های علوم تجربی را براساس تئوری های زبان شناختی و تفاوت گذاشتن بین زبان علم (زبان ناظر) و زبان دین (زبان عامل) حل کنند. و برخی دیگر درصددند از طریق ابزار انگاری در علم و افسانه مفید دانستن علم تجربی و یا از طریق ابزارانگاری در دین و آن را وسیله صعود و معنویت انسان دانستن، تعارضات را حل کنند.

و گاهی تلاش شده که با جداسازی حوزه ها و قلمرو علم و دین، تعارض را حل کنند. (۲)

۱- (۱) . سبحانی، جعفر، مجله کلام، ش ۱، ص ۷.
۲- (۲) . ر.ک: ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص ۹۳ - ۹۵ و ص ۱۴۹ - ۱۵۱ و ص ۱۵۳ و ص ۲۸۳ - ۲۸۵. ایشان از دیدگاه های کانت، اگزیستانسیا لیت ها، پوزیتیوست ها، نظریه تحلیل

و برخی صاحب نظران مسلمان و مفسران و متکلمان معاصر نیز تلاش های دیگری برای حل تعارض علم و دین کرده اند برخی به راه حل پافشاری بر ظاهر آیه و سکوت و صبر اشاره کرده اند از جمله:

لطف الله صافی گلپایگانی با اشاره به نظریه های غیرقطعی علم، راه حل را پافشاری بر ظاهر قرآن و انتشار می داند تا شاید بعداً همان مطلب قرآن اثبات شود. (۱)

و محمدتقی مصباح یزدی در این همین راستا می نویسد:

«اگر مفاد آیه ای طبق اصول محاوره، بر نظریه ای (فلسفی، علمی و ...) منطبق بود چه بهتر و نعم بلکه تا هر جا مطابقتی به طور روشن از قرآن فهمیده می شود بپذیریم و نسبت به فرا سوی آن سکوت کنیم». (۲)

برخی دیگر راه حل تصرف در ظواهر آیات را برگزیده اند، از جمله، جعفر سبحانی با اشاره به تعارض قرآن و علم در مورد نظریه تکامل می نویسد:

«ولی با این همه، هر گاه فرضیه تحول انواع، در آینده رنگ علمی به خود گرفت و روی دلایل قطعی و روشن ثابت شد که انسان کنونی، پس از تحولات جوهری و تبدلات نوعی، موجودی دو پا و صاحب نفس ناطقه شده است و این ثبوت به مرحله ای رسید که مسئله تحول انواع در شمار مسائل قطعی و روشن که جای هیچ گونه انکار نباشد وارد ساخت؛ در این صورت ظواهر قرآن، طوری نیست که قابل تأویل و تفسیر نباشد». (۳)

به عبارت دیگر در این موارد علم قطعی قرینه تصرف در ظاهر آیات مخالف نظریه تکامل می شود.

زبانی یاد می کند و ما نیز این دیدگاه ها را در کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۲۴۷ - ۲۶۹ بررسی و نقد کردیم که بیان آن

ص:۳۹

۱- (۱) . صافی گلپایگانی، به سوی آفریدگار، ص ۸۵ به بعد.

۲- (۲) . مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، ص ۲۲۹.

۳- (۳) . سبحانی، جعفر، داروینیسم یا تکامل انواع، ص ۲۱.

البته روشن است که هر کدام از این راهکارها می تواند بخشی از تعارضات ادعایی قرآن و علم را پوشش دهد و تقسیم چهارگانه ای که در صدر بحث در این مورد شد می تواند چهارچوبی نظری برای پوشش همه بخش های تعارضات ادعائی باشد البته هر کدام از تعارضات ادعایی ویژگی های خاصی دارد که لازم است تک تک مورد بررسی و نقد قرار گیرد و راهکارهای مناسب ارایه گردد تا تعارض ظاهری برطرف شود. (۱)

۷- آیات علمی قرآن

اشاره

هر چند که موضوع این نوشتار تفسیر علمی قرآن نیست اما لازم است به آیات علمی قرآن اشاره ای داشته باشیم تا مطالب بعدی روشن تر شود.

الف. شمارگان آیات علمی

یوسف مروه تعداد آیات علمی قرآن را ۶۷۵ آیه می شمارد (۲) و محمد جمیل الحبال و مقداد مرعی الجواری تعداد آن ها را با احتساب موارد تکرار ۱۳۲۲ آیه می شمارند. (۳) که حدود ۲۰٪ کل آیات قرآن را شامل می شود.

برخی نویسندگان آیات علمی قرآن را در رابطه با علوم مختلف تقسیم کرده اند، آقای یوسف مروّه بر آن است که آیات در مورد علم پزشکی/ ۶۱، فیزیک/ ۶۳، کیهان شناسی/ ۱۰۰، زمین شناسی/ ۲۰، کشاورزی/ ۲۱، زیست شناسی (حیوانات)/ ۱۲، آفرینش و حیات/ ۳۶، جغرافیا/ ۷۳، هواشناسی/ ۲۰، شیمی/ ۹ و ... در قرآن وجود دارد. (۴)

اما محمد جمیل الحبال و مقداد مرعی الجواری همین اعداد را متفاوت

۱- (۱) . مبحث رابطه و تعارض علم و دین و بررسی مصادیق ادعائی تعارض علم و قرآن، بسیار گسترده است و ذکر همه مصادیق و راهکارهای آنها در این مختصر نمی گنجد. (ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن از نگارنده)

۲- (۲) . العلوم الطبیعیه فی القرآن، یوسف مروّه، ص ۷۶ - ۷۷.

۳- (۳) . العلوم فی القرآن، محمد حمیل الحبال و مقداد مرعی الجواری، ص ۳۵ - ۳۶.

۴- (۴) . العلوم الطبیعیه فی القرآن، ص ۷۶ - ۷۷.

گزارش داده اند. برای مثال آیات فیزیک را ۱۳۸ و آیات شیمی را ۱۱ و زمین شناسی را ۶۹ مورد گزارش کرده اند. (۱)

البته به نظر می رسد که شمارگان مختلف آیات در این مبحث براساس دیدگاه های متفاوت در مورد مبانی تفسیر علمی و تعریف آیات علمی است. همان طور که وابسته به نظر مفسر در مورد دلالت آیه و تطابق آن با یافته های علوم تجربی است. هر چند که بسیاری از این تطبیق ها و دلالت ها مورد مناقشه قرار گرفته است. (۲) علاوه بر آنکه نوع دلالت این آیات یکسان نیست (ادامه همین کتاب)

ب: اقسام آیات علمی

آیات علمی قرآن، آیاتی است که اشاره ای به مسائل طبیعی داشته باشد، اما این اشارات و گونه دلالت آن ها متفاوت است. از این رو آیات علمی قرآن به سه بخش قابل تقسیم است:

اول: اعجازهای علمی قرآن، یعنی رازگویی های علمی قرآن که در آیات بصورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است. (۳)

مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (۴) حرکت های خورشید، (۵) لقاح ابرها (۶) و زوجیت عام موجودات (۷) و مراحل خلقت انسان (۸) که قرن ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را

ص:۴۱

۱- (۱) . العلوم فی القرآن، ص ۳۵ - ۳۶.

۲- (۲) . ر.ک: «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» و «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده و نیز «تفسیر علمی قرآن» ناصر رفیعی محمدی.

۳- (۳) . رضائی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۸۵.

۴- (۴) . رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰.

۵- (۵) . یس/ ۳۸ و رعد/ ۲.

۶- (۶) . حجر/ ۱۲.

۷- (۷) . رعد/ ۲ و یس/ ۳۶ و شعراء/ ۷.

۸- (۸) . مومنون/ ۱۲ - ۱۴ و حج/ ۵ و غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۷ - ۳۹.

اعجازهای علمی قرآن دانسته اند.

البته ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده است که مورد نقد قرار گرفته است. (۱)

دوم: اشارات علمی شگفت آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می کند که شگفتی هر خواننده ای را بر می انگیزد. اما از آن جا که این مطالب بصورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید. بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه ها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر بشمار می آید که شگفت آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد.

از آن جمله، اشارات قرآن به حرکت زمین (۲) و پیدایش حیات از آب، (۳) و ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه، (۴) ممنوعیت شراب خواری (۵) و ...

سوم: اشارات علمی اندیشه ساز قرآن: آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می کند و انسان را به تفکر در آن ها دعوت می کند و گاهی آن ها را نشانه خدا و معاد می شمرد. ولی مطلب شگفت آمیز یا اعجازآمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، این گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می کند و زمینه ساز رشد علمی بشر را، بویژه در علوم تجربی، فراهم می سازد.

مثال: (أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ) ؛ (۶) «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است ؟!»

ص:۴۲

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین.

۲- (۲) . ر.ک: نمل/ ۸۹ و ... (صاحب تفسیر نمونه این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن می شمارد، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹)

۳- (۳) . ر.ک: نور/ ۴۵ و انبیاء/ ۳۰ (صاحب التمهید این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن به شمار می آورد، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۶)

۴- (۴) . ر.ک: بقره/ ۲۲۲ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰ - ۵۱.

۵- (۵) . ر.ک: مائده/ ۹۰ - ۹۱ و بقره/ ۲۱۹.

۶- (۶) . غاشیه/ ۱۷.

نیز در آیات ۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۴/ سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آن ها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آن ها بدست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره می کند که به آفرینشگر جهان پی می برند و سپاسگزاری می کنند. (۱)

چهارم: گاهی از آیات قرآن که به علم و عالمان اشاره می کند و دانش افزایی و دانشمندان را تشویق می کند، (۲) به عنوان آیات علمی قرآن یاد شده است. (۳) ولی به نظر می رسد که هر چند این آیات در راستا و مقدمه آیات علمی قرآن است و در رشد علوم بشری بویژه در میان مسلمانان مؤثر بوده است، اما در زمره آیات علمی بشمار نمی آید چرا که حاوی اشارات علمی به مسائل طبیعی نیست.

ج: تأثیر علوم تجربی در فهم آیات قرآن

از آن جا که بیش از هزار آیه قرآن به مسائل طبیعی اشاره دارد، فهم و تفسیر آن ها ارتباطی ناگسستنی با علوم تجربی دارد، (۴) همان طور که برای رفع چالش های قرآن و علم، نیازمند آشنایی با نظریه های علوم تجربی هستیم. و از همین زاویه است که روش تفسیر علمی قرآن شکل گرفته و مفسران قرآن بویژه در یک قرن اخیر، کم و بیش، از علوم تجربی به عنوان قرینه فهم و تفسیر آیات بهره برده اند و گاهی اعجازهای علمی قرآن را اثبات کرده اند.

البته این مطلب نیاز به روش شناسی خاص تفسیر علمی و رعایت معیارها و دوری از تحمیل و تطبیق های نابجای نظریه های علمی اثبات نشده بر قرآن و پرهیز

ص:۴۳

۱- (۱) . البته در میان آیات ۵ - ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت آور نیز وجود دارد که این گونه مطالب به قسم بعدی ملحق می شود.

۲- (۲) . ر.ک: زمر/ ۹، مجادله/ ۱۱، طلاق/ ۱۲ و ...

۳- (۳) . یوسف مروه ۶۴ آیه قرآن را که علم و علما را وصف می کند و آنان را تشویق می کند از آیات علمی قرآن شمرده است. (العلوم الطبیعیه فی القرآن، ص ۷۶ - ۷۷)

۴- (۴) . برخی مثال های آن در مبحث اقسام آیات علمی گذشت و برای اطلاع بیش تر ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده.

از استخراج علوم و تفسیر به رأی دارد.

د: قرآن زمینه ساز پیدایش و رشد علوم

(۱)

توجه قرآن به دانش و تشویق دانش و دانشمندان، (۲) در کنار آموزه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام که مسلمانان را به دانش افزایی تشویق می کردند (۳) زمینه های رشد علوم را در بین مسلمانان فراهم ساخت، به طوری که در مدت کوتاهی جهش علمی عظیمی در جامعه اسلامی پدید آمد و تمدن درخشان اسلامی شکل گرفت، که آن را معجزه اسلامی در فرهنگ و تمدن خواندند. همان طور که قبلاً از معجزه یونانی در فرهنگ و تمدن بشری یاد می شد. (۴)

جامعه عرب جاهلی قبل از اسلام در جزیره العرب، کم تر از بیست نفر با سواد وجود داشت. (۵) ولی همین جامعه براساس تعالیم قرآن چنان متحول شد که در قرن دوم هجری هارون الرشید، برای شارلمانی پادشاه فرانسه ساعت زنگ داری هدیه فرستاد که در اروپا آن را در ردیف عجایب هفتگانه جهان بشمار آوردند. (۶)

دکتر علی اکبر ولایتی در پژوهش خود به رشد علوم و تمدن اسلامی و نقش محوری قرآن در آن توجه کرده و می نویسد:

«حرکت تمدن سازی و شکل گیری معارف اسلامی با محوریت قرآن کریم و استفاده بهینه از علوم و معارف انتقالی از (یونان، ایران، هند و...) بود. این موضوع از اواخر سده دوم و سوم هجری آغاز شد و اوج آن در سده پنجم و ششم بود. مثلاً ریاضی، نجوم، فیزیک و پزشکی

۱- (۱) . هر چند که موضوع نوشتار قرآن و علوم تجربی است، ولی برای روشن شدن تاثیر قرآن در رشد علوم تجربی، لازم است نگاهی کلی به تاثیر قرآن در پیدایش و رشد علوم داشته باشیم.

۲- (۲) . ر.ک: زمر/ ۹، مجادله/ ۱۱ و ...

۳- (۳) . ر.ک: محمد بن یعقوب الکلینی، اصول کافی، ج اول، باب فضل العلم و محمدباقر مجلسی بحارالانوار، ج ۱ و ۲.

۴- (۴) . زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص ۳۴.

۵- (۵) . ۱۷ نفر مرد و تعداد کمی زن سواد خواندن و نوشتن داشتند. (فتوح البلدان، بلاذری، به کوشش صلاح الدین المنجد، ج ۳، ص ۵۸۰)

۶- (۶) . تاریخ علوم، پیر روسو، ص ۱۱۷، امیرکبیر.

دوران اوج خود را در همین فاصله زمانی طی کرده اند و بتدریج از درون همین تمدن، اجزاء و شاخه های دیگری مانند ادب، هنر، و عرفان روییدند.» (۱)

سپس به کارکرد قرآن در وحدت بخشی به مسلمانان و تاثیر آن در تمدن سازی اشاره می کند و می نویسد:

«یکی از ویژگی هایی که می تواند در مسیر پیدایش تمدن ها موثر واقع شود، مساله وحدت است که از همان آغاز مورد توجه اسلام بود، و قرآن کریم ضمن توصیه به این امر، محوریت وحدت بخش جامعه اسلامی را اعتقاد به «توحید» دانسته (۲) و ذات باری تعالی را مرکز ثقل این مجموعه بر می شمارد.» (۳)

دکتر عبدالحسین زرین کوب نیز به نقش وحدت بخش قرآن در رشد علوم و تمدن اسلامی توجه کرده و با طرح مساله «جهان وطنی» در اسلام می نویسد:

«در چنین دنیای (صدر اسلام) که اسیر تعصبات دینی و قومی بود، اسلام نفخه تازه یی دمید. چنانکه با ایجاد «دار الاسلام» که مرکز واقعی آن «قرآن» بود - نه شام و نه عراق - تعصبات قومی و نژادی را با یک نوع «جهان وطنی» چاره کرد. و در مقابل تعصبات دینی نصارا و مجوس، تسامح و تعاصد با اهل کتاب را توصیه کرد و علاقه به علم و حیات را ... . (۴)

جامعه اسلمی هم که وارث این تمدن عظیم (شرق و غرب) بود جامعه ایی بود متجانس که مرکز آن قرآن بود، نه شام و نه عراق، با وجود معارضاتی که طی اعصار بین فرمان روایان مختلف آن روی می داد در سراسر آن یک قانون اساسی وجود داشت: قرآن که در قلمرو آن نه مرزی موجود بود نه نژادی، نه شرقی در

۱- (۱) . ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۲۵ (با تلخیص)

۲- (۲) . (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) ، (آل عمران/ ۱۰۲).

۳- (۳) . ولایتی، علی اکبر، پیشین، ص ۳۶.

۴- (۴) . کارنامه اسلام، ص ۲۲.

کار بود نه غربی. در مصر یک خراسانی حکومت می کرد و در هند یک ترک. (۱)

و نیز تأکید می کند که: (اسلام و قرآن) با توصیه مسلمین به «راه وسط » (۲) توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. (۳)

و نیز ایشان بین انگیزه های مسلمانان و دیگران در مورد علم آموزی تفاوت می گذارد و به نقش قرآن در این زمینه اشاره می کند و می نویسد:

«در مصر و بابل حساب و نجوم پیشرفتش بخاطر ارضاء حوایج زندگی از قبیل تجارت و فلاحت بود، در صورتی که نظر یونانیان در علم و فلسفه غالباً بی شائبه بود، و برای اقناع احتیاج درونی به معرفت، ... در بین مسلمین سبب عمده حصول آنچه معجزه اسلامی (جهش علمی مسلمانان) خوانده می شود، بی هیچ شک ذوق معرفت جویی و حس کنجکاوی بود که تشویق و توصیه قرآن و پیغمبر آن را در مسلمین بر می انگیخت». (۴)

برخی دیگر از پژوهش گران تاریخ علوم اسلامی نیز بر انگیزه سازی قرآن در جذب و رشد علوم در بین مسلمانان تاکید می کنند و می نویسند:

«توجه جامعه مسلمانان کم کم به سوی علوم و صنایعی جلب شد که عمدتاً در اختیار تمدن های غیرمسلمان قرار داشت و موجب توسعه و تسهیل زندگی مادی آن ها می شد، آن ها که به برکت فرهنگ اسلام و با استفاده از معارف الهی قرآن کریم از نظر فکری به حد بالایی از کمال رسیده بودند، تشنه کسب اطلاع از معارف و اندیشه های متفاوت سایر ملل و تمدن های جهان بودند. منبع اصلی این اشتیاق، آیات قرآن احادیث بسیاری بود که مومنان را به کسب علم و فن ترغیب می کرد.» (۵)

آری قرآن کریم نه تنها در پیدایش و رشد برخی علوم مسلمانان نقش محوری

۱- (۱) . همان، ص ۳۰ - ۲۹.

۲- (۲) . (وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ) ، (بقره/ ۱۴۳).

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . کارنامه اسلام، ص ۳۵.

۵- (۵) . ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۹۳.

داشت بلکه در تسهیل و زمینه سازی ترجمه آثار و انتقال علوم غیرمسلمانان نیز نقش سازنده ای داشت.

همان طور که یکی از خدمات قرآن به دانش مسلمانان آن بود که بسیاری از علوم مقدمه فهم و تفسیر قرآن بشمار می آمد یا برای اجرای احکام قرآن لازم بود، از این رو مسلمانان بطرف آن علوم سوق داده می شدند و زمینه آشنایی مسلمانان با علوم بشری و ترجمه و جذب و رشد این علوم در بین مسلمانان فراهم می شد، دکتر زرین کوب در این زمینه می نویسند:

«درست است که آن علم مورد توصیه در اوایل عبارت بود از معرفت قران و دین، اما بعدها تمام علوم دیگر به سبب ضرورتی که گهگاه در فهم و تفسیر قرآن و آداب و مناسک دینی داشت مورد توجه مسلمانان واقع شد مخصوصاً علم ابدان – طب و متفرعات و مقدمات آن – نیز محل توجه خاص مسلمین گردید.» (۱)

ایشان با بیان اینکه «در قرآن کریم اشاره هایی هست به اینکه مسیر خورشید و ماه حساب دارد،» از این رو محاسبات نجومی مذموم تلقی نمی شد بلکه احکام نجومی که لغو بود و مایه اتلاف عمر مذموم شمرده می شد (۲) و نیز شعر و تاریخ و انساب تا جایی که موجب لغو و فساد نمی شد نه فرض بود نه مذموم، ... معهذا، بعدها به سبب فایده ای که از این مباحث در فهم و تفسیر قرآن و حدیث عاید می شد ادب و تاریخ و انساب هم مطلوب شد. (۳)

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی نیز به نقش قرآن در مورد دو دسته از علوم اشاره کرده است. دسته اول علوم که مستقیماً از «قرآن» سرچشمه گرفته و مسلمین ابتکار نموده اند، هم چون قرائت، فقه، اصول، تفسیر، نحو، صرف، معانی، بیان، بدیع و امثال آن ها که از نتیجه کاوش در قرآن مجید به وجود آمده و زبان و

۱- (۱) . کارنامه اسلام، ص ۲۶ – ۲۷.
۲- (۲) . کارنامه اسلام، ص ۲۷.
۳- (۳) . همان، ص ۲۸.

ادبیات عرب را تکامل بخشیده و نظم اجتماعی و سیاسی آنان را استوار ساخته است.

و دسته دوم علومی که در گذشته وجود داشته و طبق فرمان قرآن، مسلمین متوجه لزوم آن گردیده و در راه تکامل و رشد آن ها کوشیده اند...

مسلمانان حساب را برای تقسیم مواریث و هندسه را برای قبله شناسی و راه های حج، علوم فلک را برای کمک به اثبات رمضان و عیدها و ضبط دقیق وقت های نماز فرا گرفتند. بدون شک باید گفت انگیزه مسلمین برای اخذ دانش های مختلف دین بوده است. (۱)

علامه محمدحسین طباطبایی نیز به رابطه قرآن با علوم توجه ویژه کرده و در کتاب «قرآن در اسلام» مباحث مبسوطی در این زمینه آورده است ایشان پس از اشاره به تجلیل قرآن از علم و تشویق به تحصیل آن، (۲) نقش محوری قرآن را در جذب و رشد علوم یادآور می شود و می نویسد:

«به جرأت می توان گفت که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آن ها بصورت نقل و ترجمه در آغاز کار و بنحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود.» (۳)

سپس ایشان علوم را به چند دسته تقسیم می کند، اول علومی که خاص قرآن مجید است مثل تجوید و قرائت و... که در بین مسلمانان و در اثر قرآن پدید آمد.

دوم علومی که قرآن مجید عامل در پیدایش آن ها بوده است، مثل حدیث و رجال.

سوم علومی که قرآن و مسلمانان موجب رشد آن ها شدند مثل فلسفه و منطق و ریاضیات. (۴)

۱- (۱) . شفیعی، محمدرضا، نهضت علمی اسلامی و بولتن اندیشه، ویژه تمدن اسلامی پیشگام در علوم و فنون جدید، قسمت اول، ص ۵۱ - ۵۳.

۲- (۲) . قرآن در اسلام، ص ۹۲ - ۹۳.

۳- (۳) . همان، ص ۹۸.

۴- (۴) . همان، ص ۹۴ - ۹۷.

حال می توانیم براساس این شواهد و مطالبی که از اندیشه وران یاد کردیم، طرح کلی و سامان یافته ای از تأثیر قرآن بر رشد علوم داشته باشیم، که از سه بخش اساسی تشکیل می شود: (۱)

الف: علومی که قرآن، مستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:

در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آن ها خود قرآن کریم است. یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن به وجود آمده است و کم کم رشد یافته و به صورت دانش مستقل درآمده است، که این علوم گاهی به الفاظ قرآن و گاهی به معانی و معارف قرآن می پردازد، و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن ها کتاب های متعدد نوشته شده است، (۲) از جمله:

۱. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن ها می پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می کند.

۲. علم قرائات: که به ضبط قرائت های هفتگانه (یاده گانه یا چهارده گانه) قرآن می پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن ها را بیان می کند.

۳. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عامل و خط قرآن بصورت خاص می پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و...) و ویژگی های آن ها را بیان می کند.

۴. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تاویل، باطن و... می پردازد.

۵. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه ها و دلایل آن ها می پردازد.

۶. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.

۱- (۱) . هر چند که موضوع بحث این نوشتار، علوم تجربی است اما اشاره ای به طرح کلی تاثیر قرآن در علوم تجربی فضای بحث را روشن تر می سازد و زمینه ورود به حوزه خاص علوم تجربی می شود.

۲- (۲) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۹۵ - ۹۶.

۷. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی کرد، (۱) از این رو سنت ایشان نقش تفسیری را برای قرآن بعهده گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها ده ها کتاب تفسیر روایی در این زمینه نگارش یافتند که روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام را جمع آوری کردند. (۲)

ب: علومی که قرآن، غیرمستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:

در میان مسلمانان علومی وجود دارد که در اثر تشویق قرآن به علم و یا برای خدمت رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) به وجود آمد و کم کم رشد کرد و بصورت دانش های مستقل پدیدار گشت، و در طول تاریخ اسلام کتاب های متعددی در مورد آن ها به نگارش درآمد از جمله:

۱. علم درایه: که برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آن ها شکل گرفت.

۲. علم رجال: که برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. (۳)

۳. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم به صورت یک علم منسجم درآمد.

۴. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می پردازد و کم کم بصورت علم مستقل و گسترده ای در جهان اسلام درآمد.

۵. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آنهاست که بصورت مقدمه علم فقه نمودار شد اما در حقیقت مقدمه علم تفسیر و حدیث و فقه و... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

۱- (۱) . (وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) ، (نحل/ ۴۴).

۲- (۲) . از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نورالثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت.

۳- (۳) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۷ - ۹۶.

۶. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفظ صحیح آیات بنیان گذاری شد، (۱) ولی از آن جا که فواید عام برای تمام علوم داشت و مقدمه فهم و تلفظ هر نوع متنی بود، کم کم بصورت علوم مستقل درآمد و میراث گران بهایی برای ملت عرب سامان یافت، و دانشمندان و متخصصان کتاب های زیادی در این زمینه نگاشتند، و حتی بر ادبیات فارسی و ترکی و... نیز تأثیرات مثبت گذاشت. (۲)

۷. تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث شروع شد سپس بصورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب های تاریخ را شکل داد. (۳)

ج: علومی که قرآن باعث رشد آن ها شده است.

برخی علوم در فرهنگ و تمدن های ملت های مختلف به وجود می آید و گاهی از یک ملت به ملت دیگر منتقل می شود و رشد می یابد و گاهی این جریان بر عکس می شود.

مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند و برخی علوم را از یونان، ایران و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن ها افزودند، (۴) از جمله:

۱. فلسفه: که در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تاثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی پیدا کرد، بطوری که همه مسائل متن و براهین و ادلّه آن ها را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. (۵)

۲. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه علوم مسلمانان راه

۱- (۱) . ر.ک: شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری.

۲- (۲) . پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۳۲۱ به بعد.

۳- (۳) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۶ - ۹۵.

۴- (۴) . ر.ک: آلدومیه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام.

۵- (۵) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۹۷.

یافت اما با توجه به اینکه قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو (۱) و... توجه کرده بود، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم پیشرفت زیادی در مسلمانان پیدا کرد و کتاب های متعددی در این زمینه نگارش یافت.

۳. علوم پزشکی: در آیات قرآن کریم آموزه های متعددی وجود دارد که به علوم پزشکی مربوط می شود از این رو مفسران و دانشمندان مسلمان برای فهم و تفسیر آن ها ناچار بوده و هستند که با علوم پزشکی آشنا شوند، و همین توجه قرآن به مسائل پزشکی حس کنجکاوی مسلمانان را بر می انگیخت تا در این زمینه ها کتاب های پزشکی یونان را ترجمه کنند سپس تحقیقات بیشتری بنمایند و بر آن ها بیفزایند.

برخی از آیات مربوط به علوم پزشکی عبارتند از:

اول: بهداشت غذایی: فراخوان به غذاهای پاک و پاکیزه (بقره/ ۱۷۲ و ۷۵ مائده/ ۴ – ۵ و...) ممنوعیت غذاهای غیربهداشتی (اعراف/ ۱۷۵) ممنوعیت اسراف (اعراف/ ۳۱) و ممنوعیت خوردن گوشت مردار و خوک و خون (انعام/ ۱۴۵، نحل/ ۱۱۵ و ...) ممنوعیت شرابخواری (بقره/ ۲۱۹، مائده/ ۹۰ – ۹۱)

دوم: بهداشت شخصی از طریق وضو و غسل (مائده/ ۶ و بقره/ ۲۲۲)

سوم: بهداشت مسایل جنسی مثل ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (بقره/ ۲۲۲) ممنوعیت زنا (اسراء/ ۳۲، فرقان/ ۶۸، نور/ ۲ – ۳) ممنوعیت هم جنس بازی (اعراف/ ۸۰ – ۸۱، عنکبوت/ ۲۸ – ۲۹)

چهارم: بهداشت روانی انسان ، با یاد خدا (رعد/ ۲۸) جلوگیری از ناامیدی (یوسف/ ۸۷) دعوت به صبر (بقره/ ۱۵۳ – ۱۵۵ و آل عمران/ ۲۰۰ و ...) دعوت به توکل بر خدا (احزاب/ ۳، آل عمران/ ۱۵۹ و...) مانند آن ها.

پنجم: شفابخشی قرآن (اسراء/ ۸۲، یونس/ ۵۷، فصلت/ ۴۴) و تاثیر آموزه های آن در درمان بیماری ها مثل شفابخشی عسل (نحل/ ۶۸ – ۶۹)، روزه (بقره/ ۱۸۳ – ۱۸۵)

ششم: بیان مراحل آفرینش انسان در رحم و اشاره به اسرار آن (مومنون/ ۱۲ – ۱۴، حج/ ۵، غافر/ ۶۷ و...)

توجه قرآن به علوم پزشکی موجب شد تا این علوم در بین مسلمانان رشد کند

۱- (۱) . ر.ک: نحل/ ۱۲۵.

و کتاب های پزشکی یونانی و هندی با استقبال مسلمانان روبروگشت و ترجمه شد. از جمله تألیف دیوسکوریدس درباره مفردات پزشکی (Materia medica)رساله های روفس افسیسی فصل مربوط به جراحی از دانشنامه یونانی، تألیف «بولس اجانیطی» نوشته ها و شرح حجم جالینوس درباره طب بقراطی. (۱)

به طوری که اسحاق بن جنین از آثار جالینوس ۳۴ اثر را به عربی برگرداند، و نوشته های بدیعی نیز در علوم پزشکی تالیف کرد مثل «کتاب المسائل فی الطب للمتعلمین و رساله چشم پزشکی». (۲)

و حتی در سده سوم هجری، نوع تازه ای از نوشته های پزشکی پدید آمد. که «طب النبوی» نامیده شد و هدف از تدوین آن ها ارایه راه دیگری در برابر نظام های پزشکی موجود بود که منحصراً بر پایه پزشکی یونان قرار داشت.

مؤلفان این نوع نوشته ها بیشتر عالمان دینی بودند تا پزشک، و روش های پزشکی روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش های مذکور، در قرآن و حدیث را از نظریات درمانی برگرفته از جامعه یونانی گرا برتر می دانستند. و گاهی دو رویکرد را درهم آمیختند و یکی از قدیمی ترین نمونه های این مجموعه طب الائمه شیعیان است که به سده سوم باز می گردد. (۳)

سپس در سده چهارم و پنجم هجری دانشنامه های جامع پزشکی به عربی تالیف شد مثل کتاب المنصوری فی الطب، ابوبکر محمد بن زکریای رازی و القانون فی الطب، ابن سینا و کتاب های زیاد دیگر نوشته شد و علوم پزشکی تا قرن ها در جهان اسلام راه رشد را طی کرد (۴) و کم کم آثار جالینوس مورد نقد

۱- (۱) . فواد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، داروسازی، جانورشناسی/ دام پزشکی، ج ۳، ص ۸۲ – ۴۹ و ۷ – ۹۵ و ۲۰۳ – ۱۰۸ و دیمتری گوتاس، تفکر یونانی فرهنگ عربی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، ص ۲۱۷ و علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲- (۲) . علی اکبر ولایتی، همان، ص ۲۱۷.

۳- (۳) . علی اکبر ولایتی، همان، ص ۲۱۸ و نیز ر.ک: مختصر فی الطب، چاپ آلوارث دمُرالس و خیرون ایروسته مادرید ۱۹۹۲ م، عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، المنهج السوی و المنهل الروی فی الطب النبوی، چاپ حسن مقبولی، بیروت ۱۹۱۸ م.

۴- (۴) . علی اکبر ولایتی، همان، ص ۲۱۹.

دانشمندان اسلامی قرار گرفت (۱) و حتی آثار پزشکی شرق به غرب رسید و ترجمه شد و مورد استقبال قرار گرفت. (۲)

۵. کیهان شناسی: قرآن کریم در آیات زیادی از آسمان سخن گفته است (۳) و توجه انسان را به ستارگان و سیارات جلب کرده است، (۴) از حرکت خورشید و مکان استقرار آن سخن به میان آورده (۵) و به مراحل عبور ماه اشاره کرده است، (۶) انسان را به تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین فراخوانده (۷) و گاهی سخن از هفت آسمان به میان آورده است. (۸)

همین مطالب قرآن کافی بود که حس کنجکاوی مسلمانان را برای کیهان شناسی تحریک کند اما زمینه های دیگری نیز در احکام قرآن مثل شناخت قبله برای نماز و شناخت اول ماه برای روزه بود که موجب رشد کیهان شناسی شد.

برخی صاحب نظران عواملی که موجب احساس نیاز و علاقه مسلمانان به ستاره شناسی شد را این گونه بر می شمارد:

اول: آیات قرآن که مسلمانان را به مطالعه و تفکر در آسمان، زمین، خورشید و ماه و ستارگان تشویق می کنند.

دوم: اهمیت برخی حوادث آسمانی مانند: کسوف و خسوف در ایجاد تکالیف خاص مذهبی.

سوم: نقش مهم شناسائی موقعیت ماه و خورشید و برخی ستارگان و کرات آسمانی در بسیاری از تکالیف دینی مانند: نماز، روزه، حج، شناخت قبله و حرمت قتال در ماه های حرام. (۹)

۱- (۱) . همان، ص ۲۳۵ و کارنامه اسلام، ص ۵۲ - ۵۹.

۲- (۲) . ر.ک: دکتر زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۵۳ و آلدومیه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ص ۴۷۵ به بعد.

۳- (۳) . در قرآن ده ها بار از آسمان ها یاد شده است. ر.ک: بقره/ ۲۲ - ۲۹ - ۱۴۴ و...

۴- (۴) . ر.ک: نحل/ ۱۶، نجم/ ۱، طارق/ ۳، انعام/ ۹۷ و...

۵- (۵) . یس/ ۳۸، رعد/ ۲.

۶- (۶) . یس/ ۳۹.

۷- (۷) . آل عمران/ ۱۹۰.

۸- (۸) . بقره/ ۲۹، طلاق/ ۱۲ و...

۹- (۹) . ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۹۶ و ر.ک: کتب فقهی مثل

از ایـن رو کـم کـم آثـار کیهـان شناسـی هنـدی از سنسـکریت به عربی ترجمه شـد، (۱) و نیز زیـج شـهریاری که یادگـار زمان انوشیروان ایران بود، در زمان منصور به عربی ترجمه شد (۲) و بدستور هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۷۰ ق) کتاب «مجسطی» نوشته بطلیموس را از یونانی به عربی ترجمه کردند. (۳)

و این حرکت با نهضت ترجمه دوران مأمون عباسـی (۲۱۸ - ۱۹۸ ق) ادامه یافت و کم کم دانشـمندان مسلمان هم چون محمد بن موسـی خوارزمی (م ۲۳۴ ق) در سـتاره شناسـی و ریاضـیات پیدا شدند و موجب رشد کیهان شناسی در بین مسلمانان و در سطـح جهـان شدنـد و سه شاهکـار نجومی را در زمینه «تریـج» را در قرن چهـارم به وجود آوردنـد و رصـدخانه عظیم مراغه را ساختنـد و نیز تقـویم جلالـی که از تقـویم هـای مشـابه در اروپـا دقیـق تر و عملی تر بـود و حـتی آراء بطلیمـوس و یونانیـان را دانشـمندان مسـلمان از جمله خواجه نصیرالدین طوسی مورد انتقاد قرار دادند. و حرکت زمین در بین مسلمانان مطرح شد و ابو سعید سجزی (اواخر قرن چهارم) اسطرابی ساخت مبتنی بر فرض حرکت زمین که بیرونی از اسطراب سجزی سخن گفته است، و همین مطلب زمینه طرح نظریه کپرنیك و کپلر و گالیله شد. (۴) و برخی بعید نمی دانند که آراء دانشمندان مسلمان از طریق بیزانس به کوپرنیک رسیده باشد. (۵)

این نمونه هایی بود از تأثیرات قرآن در پیـدایش و رشد علوم، و ده ها نمونه دیگر در این رابطه وجود دارد که در این مختصـر نمی گنجد تاریخ علم پژوهان بدانها اشاره کرده اند از جمله:

تأثیر قرآن در رشد علم جغرافیا و باستانشناسی و رشد علم اخلاق و سیاست و تأثیر

ص:۵۵

۱- (۱) . علی اکبر ولایتی، همان، ص ۹۵.

۲- (۲) . همان، ص ۹۵ و دمیتری گوتاس، همان، ص ۴۰ - ۳۹.

۳- (۳) . همان، ص ۹۸ و دلیسی اونز اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، ص ۶ - ۲۴۴.

۴- (۴) . زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص ۶۸ - ۶۹ و تقی زاده، تاریخ علوم در اسلام، ص ۹۹.

۵- (۵) . زرین کوب، همان، ص ۶۹.

قرآن در شکل گیری عرفان اسلامی و ادبیات عرب هم چون صرف و نحو و خط و نگارش و حتی ضعف کاغذ و چاپ و نیز رشد ادبیات غیرعربی مثل فارسی. (۱)

آری خدمتی که قرآن کریم به فرهنگ و تمدن و علوم بشری نمود، در دنیا بی نظیر بوده و هنوز همین شیوه ادامه دارد. هر چند که مسلمانان در برخی دوره ها از آموزه های قرآنی برای رشد علم و تمدن خود استفاده کرده اند و گاهی کم توجهی نموده و خسارت آن را دیده اند.

۱- (۱) . ر.ک: زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص : ۷۹، ۸۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰ و ولایتی، علی اکبر پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۱۲۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۷، ۳۲۱.

فصل دوم: روش برداشت علمی از قرآن

اشاره

ص:۵۷

مقدمه

مباحث مربوط به قرآن و علوم تجربی سابقه ای هزار ساله دارد، که گاهی تحت عنوان استخراج علوم از قرآن، تفسیر علمی قرآن یا روش برداشت علمی از قرآن خوانده می شود و در طول تاریخ تفسیر با فراز و نشیب هایی مورد توجه مفسران و دانشمندان اسلامی و حتی غیرمسلمان بوده است.

این مبحث از طرفی به تفسیر و از طرف دیگر به اعجاز علمی قرآن و از طرف سوم به علوم تجربی مرتبط است از این رو از مباحث بین رشته ای و پایه ای برای مباحث بین رشته ای دیگر مثل قرآن و علوم سیاسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و علوم اجتماعی، قرآن و کیهان شناسی و... به شمار می آید.

این روش در طول تاریخ موافقان و مخالفان زیادی پیدا کرده است و گاهی به افراط و تفریط کشیده شده است که در این فصل از شیوه معتدل یعنی استخدام علوم در فهم قرآن و شیوه های جدید آن یعنی نظریه پردازی های علمی براساس آیات علمی قرآن بویژه در حوزه علوم انسانی در راستای جهت دهی به علوم انسانی دفاع می شود و شیوه های دیگر مثل استخراج همه علوم تجربی از قرآن یا تحمیل نظریه های علمی بر قرآن ردّ می شود.

۱- مفهوم شناسی

عبارت «برداشت یا روش تفسیر علمی» از سه واژه تشکیل شده است، واژه «روش (برداشت)» به معنای استفاده از منبع خاص در تفسیر است که معانی و

ص:۵۹

مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را بدست می دهد. و در مورد واژه «تفسیر»، تعریف های مختلف ارایه شده (۱) که حاصل آن ها چنین است: «پرده برداری از ابهامات کلمه ها و جمله های قرآن و توضیح مقاصد آن ها».

و مقصود از «علم» در عنوان «علوم تجربی» (۲) است که به دو شاخه علوم طبیعی (۳) (هم چون: فیزیک، پزشکی، کیهان شناسی و ...) و علوم انسانی (۴) (هم چون جامعه شناسی، روان شناسی و ...) تقسیم می شود.

اما صاحب نظران تعریف های متعددی در مورد تفسیر علمی ارایه کرده اند که به برخی آن ها اشاره می کنیم:

دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می نویسد:

«مقصود ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می کند و تلاش می نماید تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را، از قرآن استخراج سازد». (۵)

البته ایشان تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی دانسته است. در حالی که بنابر تعریف مشهور این دو روش تفسیری از هم جداست. و در اینجا علوم تجربی در برابر علوم عقلی (مثل فلسفه) مقصود است.

و نیز ایشان به دو قسم از تفسیر علمی یعنی «تحمیل نظریه ها بر قرآن » و «استخراج علوم از قرآن» اشاره کرده است. در حالی که در ادامه خواهیم گفت که قسم سومی از تفسیر علمی نیز وجود دارد که همان «استخدام علوم در فهم قرآن» است.

و آقای امین الخولی در مورد تعریف تفسیر علمی می نویسد:

۱- (۱) . ر.ک: راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تاج العروس، ماده فسر و طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۴، سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۹۲، طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳ و ...

۲- (۲) . EXPRIMENTAL SCINCES.

۳- (۳) . NATURAL SCINCES.

۴- (۴) . HUMANLTLES.

۵- (۵) . التفسیر والمفسّرون ، ج ۲ ، ص ۴۷۴.

«آن تفسیری است که طرفداران آن اقدام به استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن می کنند. و قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی ، انسانی در زمینه پزشکی ، کیهان شناسی و فنون مختلف ... می دانند. و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می کنند و می کوشند که این علوم را استخراج کنند». (۱)

این تعریف نیز به دو قسم تفسیر علمی یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر قرآن اشاره کرده است و اما به قسم سوم یعنی استخدام علوم در فهم قرآن اشاره نکرده است.

آقای راترود ویلانت، نیز در دائره المعارف قرآن لیدن در مقاله: تفسیر قرآن در دوره جدید، در تعریف تفسیر علمی بر استخراج از قرآن تاکید می کند و می نویسد:

«تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته ها]دستاوردهای[علوم طبیعی جدید در قرآن پیش بینی شده است و اینکه قرائن و شواهد روشن زیادی نسبت به آن ها در آیات قرآن می توان کشف نمود یافته های علمی از کیهان شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتریسته و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونتی همه از پیش در قرآن مورد تایید قرار گرفته است».

و عبدالرحمن العک تفسیر علمی را این گونه تعریف می کند:

«این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد». (۲)

البته این تعریف تا حدودی به مقصود اصلی تفسیر علمی نزدیک شده است. و از تعریف آن به صورت استخراج و تحمیل دوری گزیده است.

ولی در این تعریف روشن نشده که علوم قطعی یا نظریه های ظنّی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد.

۱- (۱) . مناهج تجدید، امین الخولی/ ۲۸۷؛ همین تعریف را سید محمد ایازی در المفسّرون حیاتهم و منهجهم ، ص ۹۳ آورده است.

۲- (۲) . اصول التفسیر و قواعده ، عبد الرحمن العک ، ص ۲۱۷.

و آقای دکتر فهد رومی در تعریف تفسیر علمی می نویسد:

«مراد از تفسیر علمی اجتهاد مفسّر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن (از طرف خدا) صادر شده و صلاحیت برای همه زمان ها و مکان ها دارد.» (۱)

آقای دکتر رفیعی نیز پس از بیان تعریف های مختلف و نقد و بررسی آن ها تعریف فوق را مناسب تر معرفی می کند. (۲)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که روشِ تفسیرِ علمیِ قرآن دارای گونه ها و اقسام مختلف است که بر اساس آن ها تعریف های متفاوتی از آن ارایه شده است، گاهی با عنوان استخراج علوم از قزآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است. اما مقصود ما در این نوشتار همان «استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است یعنی منبع علوم تجربی قطعی ، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید ، و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد.» (۳)

۲- زمینه ها و انگیزه های پیدایش تفسیر علمی و علل رشد آن

خورشید اسلام، در سرزمین عربستان طلوع کرد و اعراب آن سرزمین را - که تعداد افراد با سواد آنها، از تعداد انگشتان تجاوز نمی کرد (۴) - به علم و دانش دعوت کرد و قرآن را، به عنوان معجزه معرّفی نمود. (۵)

قرآن با دعوت به تفکّر و تعمّق در آیات الهی، خلقت آسمان ها، زمین (۶) و ...

ص:۶۲

۱- (۱) . اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر، ج ۲، ص ۵۴۹.

۲- (۲) . تفسیر علمی قرآن ، دکتر ناصر رفیعی محمدی ، ج ۱ ، ص ۱۴۰.

۳- (۳) . برای توضیح بیش تر ر.ك: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن ، از نگارنده ، ص ۲۷۴ و ص ۳۷۸.

۴- (۴) . ۱۷ نفر مرد و تعداد اندکی زن سواد خواندن و نوشتن داشتن. (فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۸۰)

۵- (۵) . بقره/ ۲۳.

۶- (۶) . رعد/ ۲ به بعد؛ یس/ ۳۸ به بعد و... .

مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اوّل هجری، به سرزمین های تازه ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگری آشنا می شدند.با فروکش کردن نسبی جنگ ها، تبادل فرهنگی بین اسلام، ادیان و تمدن های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره هارون الرّشید و مأمون شدّت گرفت. (۱)

مسلمانان علومی مانند: طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی، به آن ها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قلّه دانش رساندند، چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب ها را در زمینه طب (مانند قانون بو علی سینا)، در زمینه فلسفه (مانند شفای بو علی سینا)، ریاضیات و نجوم نگاشتند.

برای ترجمه و تألیف آثار غیر مسلمانان، در زمینه علوم مختلف، و انتقال آن ها به کشور پهناور اسلامی موجب شد تا تعارضاتی بین ظاهر بعضی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید.

دانشمندان مسلمان، در همان قرن های اولیه اسلام، در تلاش برای رفع این معضل، دو طریق را انتخاب کردند که به این شرح است:

الف) ردّ مطالب باطل این علوم که برای آگاهی مردم و ارشاد آنان صورت می گرفت ؛ زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان ، قابل خدشه و اشکال بود و از طرفی با دین اسلام هم به معارضه برخاسته بود؛ بر این اساس، کتاب هایی مانند: تهافت الفلاسفه (تألیف ابو حامد غزالی) و مفاتیح الغیب (تألیف فخر رازی) نوشته شد.

ب) انطباق آیات قرآن ، با علوم تجربی یونان ، تا به مردم ثابت کنند که قرآن بر حق و مطالب علمی آن صحیح است؛ از این رو، آیاتی از قرآن ، مانند آسمان های هفتگانه (سَبْعَ سَماواتٍ) (۲) را بر سیّارات هفت گانه که در نجوم یونانی، اثبات شده بود حمل کردند. و از اینجا بود که روش تفسیر علمی پدید آمد و رشد کرد. اما این

۱- (۱) . تاریخ التمدّن الاسلامی، جرجی زیدان، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- (۲) . بقره/ ۲۹.

شیوه تفسـیر که همواره با جـذابیت خاصـی برای جوانان و افراد تحصـیل کرده همراه بوده در طول تاریخ به صورت یکنواخت رشد نکرده است ؛ بلکه گاهی تحت تأثیر عواملی اوج گرفته و بعضی اوقات رونق خود را از دست داده است.

این شیوه تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره نخسـت از حـدود قرن دوم هجری تـا حـدود قرن پنجـم بـود (۱) که بـا ترجمه آثـار یونـانی به عربی آغاز شـد و بعضـی مسـلمانان ، سـعی کردند آیات قرآن را ، با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). نمونه های مکتوب تفسیر علمی را در آثار بوعلی سینا (۳۷۰ – ۴۲۸ ق) یافت می شود.

دوره دوم از حـدود قرن شـشم ، شـروع شـد؛ هنگامی که بعضـی دانشـمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم مختلف را ، از قرآن کریم اسـتخراج کرد (در این مورد غزالی سـر آمد بود). این دو نوع از تفسـیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند. (۲)

دوره سوم از تفسـیر علمی که موجب اوج گیری و رشـد فوق العاده آن گردیـد، از زمانی شـروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعـد علوم تجربی در مغرب زمین رشـد کرد، و کتاب های مختلف در زمینه علوم فیزیک، شـیمی، پزشـکی و کیهان شناسـی به عربی ترجمه گردیـد؛ این دوره جدید ، به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسـلام، اثرات خود را در مصـر و هندوسـتان بر جـای گـذاشت، موجب شـد تـا دانشـمندان مسـلمان، در صـدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآینـد. این مسأله آن موقع أهمیّت بیشتری یافت که

ص:۶۴

۱- (۱) . البتّه در برخی احادیث أهل بیت علیهم السـلام نیز نکات علمی در تفسـیر آیات قرآن آمـده است.مثلا در مورد تعداد ۳۶۰ مشـرق و مغرب در معارج/۴۰ (معانی الاخبار ، شـیخ صـدوق ، ص ۲۲۱) و نام سـیارات در تفسـیر تکویر/ ۱۶-۱۵ (مجمع البیان ، ج ۱ ، ص ۶۷۷) و ... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهم السلام بشمار می آید ، ولی تفسیر علمی مصطلح نیست چون از یـافته هـای علمی در تفسـیر قرآن اسـتفاده نشـده است، بلکه اهـل بیت علیهم السـلام اسـرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزیی از تفسیر روایی می شود.

۲- (۲) . ر.ک: ادامه همین کتاب، مبحث تاریخچه تفسیر علمی.

تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدّس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه ای می کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می شد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوّق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می گشت.

در این میان عدّه ای از دانشمندان مسلمان ، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با توجّه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید ، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند؛ از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ (۱) هر چند در این میان بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند (۲) - و از آن جا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده - دچار انحراف شدند یا عدّه ای از مغرضان آن ها، برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تأویلات نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی مسلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع گیری کنند و آن رایک سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان، و دانشمندان و مفسّران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند.

به طور خلاصه علل عمده شروع و گسترش این روش تفسیری در بین مسلمانان چنین بود:

ص:۶۵

۱- (۱) . ر.ک: ادامه همین فصل، تاریخچه تفسیر علمی.

۲- (۲) . آقای راترود ویلانت، در مقاله تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر، به نمونه هایی از این موارد در تفسیرهای سید احمد خان هندی اشاره می کند که موجب تأویل و انکار معجزا مثل معراج قیامت و تفسیر «جن» به افراد بدوی جنگل نشین شد. (دائره المعارف قرآن لیدن، همان) و نیز جن به میکرب تفسیر گردید. (محمد عبده، تفسیر عم جزء، ص ۱۵۸)

۱. توجّه قرآن به علم، ذکر مثال های علمی و ترغیب به تفکّر در آیات الهی در آسمان ها ، زمین و خود انسان که موجب رشد علوم، معارف و مقایسه آن ها با آیات قرآن شد.

۲. ترجمه آثار علوم طبیعی و فلسفی از یونان، روم و ایران به عربی و نشر آن در بین مسلمانان که از قرن دوم هجری به بعد صورت گرفت.

۳. این تفکر که همه علوم در قرآن هست و ما باید آن ها را از آیات ، به دست آوریم.

۴. توجّه به علوم طبیعی و کشفیات جدید ، برای اثبات اعجاز علمی قرآن نیز ، به رشد تفسیر علمی کمک کرد.

۵. پیروزی تفکر اصالت حس، در اروپا و تأثیر گذاری آن بر افکار مسلمانان و به وجود آمدن گروه های التقاطی یا انحرافی، در میان مسلمانان که به تأویل و تطبیق آیات قرآن، منجر شد. (۱)

۶. حسّ دفاع دانشمندان مسلمان در مقابل حملات غربی ها به دین و القای تفکر تعارض علم و دین ، موجب شد تا سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی، در تفاسیر و کتاب ها وارد شود.

۳- تاریخچه و دیدگاه ها و مهم ترین آثار در زمینه تفسیر علمی

اشاره

مفسّران و دانشمندان مسلمان در مورد تفسیر علمی قرآن سه دیدگاه متمایز داشته اند که با توجه به سیر تاریخی و به صورت مختصر به آن ها اشاره می کنیم:

اول: موافقان تفسیر علمی

جمعی از مفسّران قرآن ، فلاسفه و متفکّران و بسیاری از متخصّصان علوم تجربی طرفدار تفسیر علمی بوده و از علوم تجربی در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده اند. از جمله:

۱. شیخ الرییس ابن سینا(۳۷۰ – ۴۲۸ ق) فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی؛ او

۱- (۱) . ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۷ – ۸.

واژه «عرش» در آیه (وَ یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمانِیَةٌ) ؛ (۱) را به فلک الافلاک (یعنی فلک نهم هیئت بطلیموسی) تفسیر کرده است و «ملایکه» هشت گانه را به افلاک هشت گانه (قمر خورشید - زهره عطارد - زحل - مشتری - مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است. (۲)

۲. ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ ق).

ایشان در کتاب «احیاء العلوم» می گوید:

«در قرآن علوم زیادی وجود دارد و از برخی علما نقل کرده که در قرآن هفتاد و هفت هزار و دویست علم است؛ زیرا برای هر کلمه علمی است و این علوم چهار برابر می شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن و حد و مطلع و ... دارد». (۳)

و نیز در کتاب «جواهر القرآن» آورده است:

«علومی هم چون علم طب ، نجوم، هیئت العالم ، هیئت بدن حیوان ، تشریح اعضای او، علم سحر، طلسمات و غیر این ها، ریشه های آن خارج از قرآن نیست. و مثال های زیادی از آیات قرآن در رابطه با علوم مختلف بیان می کند». (۴)

۳. امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است.

او به آیه (الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً) (۵) استدلال می کند که زمین ساکن است. (۶)

و در ذیل آیه ۱۶۴ سوره بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و

۱- (۱) . حاقه/ ۱۷.

۲- (۲) . ر.ک: رسایل ابن سینا، ص ۱۲۴-۱۲۵ چاپ هند ۱۹۰۸؛ التفسیر و المفسّرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۲۶.

۳- (۳) . احیاء علوم دین ، ج ۱، ص ۲۸۹ (باب رابع از ابواب آداب تلاوت قرآن).

۴- (۴) . جواهر القرآن ، فصل پنجم ، ص ۲۵.

۵- (۵) . بقره/ ۲۲.

۶- (۶) . مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۹۴.

چین و بابل و مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می دهد.

۴. ابن أبی الفضل المرسی (۵۷۰ - ۶۵۵ ق) معتقد است: قرآن علوم اولین و آخرین را جمع کرده است و تلاش می کند که علم طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر و مقابله را از قرآن استخراج کند. و برای خیاطی، نجّاری، صید، آهنگری، کشاورزی و دریانوردی آیاتی می آورد. (۱)

۵. بدر الدین محمد بن عبداللّه زرکشی (م ۷۶۴ ق) صاحب کتاب «البرهان فی علوم القرآن» نیز معتقد است که می توان همه علوم را از قرآن استخراج کرد.

برای مثال عمر حضرت عیسی علیه السلام را از آیه (قالَ إِنِّی عَبْدُ اللّهِ) (۲) که سی و سه کلمه است استخراج کرده که سی و سه سال بوده است. (۳)

۶. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) صاحب کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» نیز قرآن را شامل تمام علوم می داند و برای مثال از آیه (وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللّهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها) (۴) استفاده می کند که عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شصت و سه سال بوده است، چون که این آیه در اوایل سوره ۶۳ قرآن (منافقین) است. (۵)- (۶)

۷. علّامه محمّدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) صاحب کتاب بزرگ بحار الانوار، در برخی از مجلّدات این کتاب مطالبی پیرامون آسمان ها آمده است و در موارد متعدّدی تفسیر علمی کرده است از جمله در مورد آیه ۲۹ سوره بقره می گوید:

«(درآیه شریفه) بدل یا تفسیر (سماء) است و هفت گانه بودن آسمان ها، منافاتی با نه گانه بودن آن ها که در علم نجوم که ثابت شده است ندارد. زیرا

۱- (۱) . ر.ک: التفسیر و المفسّرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۷۸ -۴۸۲ و التفسیر العلمی للقرآن، احمد عمر ابو حجر، ص ۱۵۹.
۲- (۲) . مریم/ ۳۰ - ۳۳.
۳- (۳) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱.
۴- (۴) . المنافقون/ ۱۱.
۵- (۵) . نک الاتقان ، ج ۲ ، ص ۲۸۲-۲۷۱ و الاکلیل فی استنباط التنزیل ، ص ۲.
۶- (۶) . در این مقطع زمانی ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) زندگی می کرده که از مخالفان تفسیر علمی شمرده شده است. دیدگاه های او را در بخش مخالفان تفسیر علمی ذکر خواهد شد.

آسمان هشتم و نهم در زبان دینی ، به کرسی و عرش تعبیر شده است». (۱)

۸. ملّاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰ ق) فیلسوف مشهور در تفسیر خویش (۲) و نیز ملّاهادی سبزواری فیلسوف مشهور در کتاب شرح منظومه (۳) همان مطالب پیش گفته را در مورد آسمان های هفت گانه و عرش و کرسی احتمال می دهند و تکرار می کنند.

۹. سیدعبدالرّحمن کواکبی (م۱۳۲۰ ق) در کتاب طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد در موارد متعددی به انطباق قرآن با علوم تجربی می پردازد. و برای جدا شدن ماه از زمین (بر طبق نظریات کیهان شناسی) به آیات ۴۱/ رعد و ۱/ قمر استدلال می کند. (۴)

۱۰. سر سید احمد خان هندی (۱۸۱۷-۱۸۹۸ م) و سیّد امیرعلی (۱۳۴۷-۱۲۶۵ ق)، از دانشمندان هندی که برای تفسیر علمی کالجی در «علیگره» تأسیس کردند و نماز و روزه و زکات و حج را بر پایه فواید جسمانی و اجتماعی تفسیر کردند و حتی قوای طبیعی مانند آب و باد و ابر را ، ملک (فرشته) می دانستند. و امکان وقوع معجزه و تأثیر دعا را انکار می کردند.

سیّدجمال الدین اسدآبادی در هند با تفسیر آنان مخالفت کرد. (۵)

۱۱. دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، در کتاب «کشف الاسرار النورانیه القرآنیه فی ما یتعلق بالاجرام السماویه و الارضیّه و الحیوانات و النبات والجواهر المعدنیّه» (چاپ ۱۸۸۰) ایشان از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید بشمار می آید.

۱۲. طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م) صاحب تفسیر «الجواهر، فی تفسیر القرآن» تفسیر ایشان را می توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۵.

۲- (۲) . تفسیر القرآن الکریم ،محمد بن ابراهیم صدرالدّین شیرازی ، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۳.

۳- (۳) . شرح منظومه ، ص ۲۶۹ (قسمت فلسفه)

۴- (۴) . طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد ص۴۳- ۴۶.

۵- (۵) . تفسیر و تفاسیر جدید، بهاءالدین خرمشاهی، صص ۵۹ - ۷۱؛ تاریخ نهضت های دینی، اسلامی معاصر، ص ۱۴۳- ۱۴۶.

ایشان در موارد متعددی از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده از جمله علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل (۱) استخراج کرده است. و در هر مبحث تفسیری بسیاری از علوم جدید را در لابه لای تفسیر آورده است. (۲)

۱۳. عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی نوشته است که عبارتند از: القرآن و العلم الحدیث، الله و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم ...

۱۴. سید هبه الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ ق) در کتاب الاسلام و الهیئه که حرکت زمین را از آیه (الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً) (۳) استفاده کرده است. (۴) و معتقد است «بیان تصدیق و تأیید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است». (۵)

۱۵. برخی از نویسندگان متأخّر ایران که در مورد تفسیر علمی قلم زده اند عبارتند از:

آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن ، محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین، حجت الاسلام اهتمام در فلسفه احکام، دکتر پاک نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ، مهندس بازرگان در کتاب های راه طی شده - باد و باران در قرآن - مطهرات در اسلام و محمدعلی رضایی اصفهانی در کتاب های درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (۱۳۷۵ ش) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۱۳۸۱ ش) اشارات علمی اعجازآمیز قرآن (۱۳۸۳ ش) و ناصر رفیعی در تفسیر علمی قرآن (۱۳۸۲ ش) و ...

تحلیل و بررسی

این افراد را می توان به چند دسته تقسیم کرد که هر گروه هدف خاصی را

۱- (۱) . بقره/ ۶۷ - ۷۲.

۲- (۲) . الجواهرفی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۹.

۳- (۳) . زخرف/ ۱۰.

۴- (۴) . اسلام و هیئت ، شهرستانی ، ترجه خرمشاهی ، ص ۱۱۰.

۵- (۵) . همان.

دنبال می کرده اند.

۱. برخی افراد در پی فهم بهتر قرآن بوسیله علوم تجربی بوده انـد، و حتی شـرایط و ضوابط تفسـیر علمی را روشن کرده انـد و تلاش نموده انـد از افراط و تفریط دوری کنند. هم چون دکتر پاک نژاد در کتاب اولین دانشـگاه و آخرین پیامبر و محمدعلی رضایی اصفهانی در تفسیر علمی قرآن.

۲. گروهی در پی اثبـات اعجـاز علمی قرآن بوده انـد. برای مثـال در مورد زوجیت عـام و زوجیت گیاهـان ادعای اعجاز علمی کرده اند. (۱) از جمله این افراد مصـطفی صـادق رافعی (م ۱۹۳۸ م) در کتـاب اعجـاز «القرآن و البلاغه النبویه» و نگارنـده در «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» بوده اند. (۲)

۳. گروهی در پی نشان دادن اهمیّت علم در نظر اسلام بوده اند.

از جمله این افراد طنطاوی و سیدهبه الدین شهرستانی بوده اند که مطالب آنان گذشت.

۴. کسـانی که تلاش کردنـد علوم مختلف را از قرآن اسـتخراج کننـد، از جمله این افراد: غزالی، المرسـی، زرکشـی، سـیوطی، طنطاوی. (۳)

دلیل عمده اکثر این افراد آن بوده که همه علوم در قرآن وجود دارد. پس می توان با دقت در آیات و با روش های خاص و با کمک علوم، آن ها را از آیات استخراج کرد.

۵. افرادی کـه نظریـه هـای ظنّی علوم را بر آیـات قرآن تطبیق کرده انـد. از جملـه این افراد می تـوان از: فخر رازی (در مـورد اسـتفاده سکون زمین از آیه ۲۲ بقره) علّامه مجلسـی، ملاصدرا شـیرازی، سـید عبدالرحمن کواکبی، و عبد الرزاق نوفل نام برد. (۴)

۱- (۱) . کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت. (ر.ک: المیزان ، ج ۱ ، ص ۷)

۲- (۲) . ما در کتاب «پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن » (انتشارات کتاب مبین ، ۱۳۸۰ ش) که در دو مجلد چاپ شد ادّعاهای اعجاز علمی را در حدود ۳۰۰ آیه ی قرآن را مورد بررسی قرار دادیم و شش مورد را پذیرفتیم و بقیه را رد کردیم.

۳- (۳) . مثال ها و نمونه های آنان گذشت.

۴- (۴) . نمونه های مطالب این افراد گذشت.

البته گاهی برخی از این افراد نظریه های علمی را بر قرآن تحمیل کرده اند. همان طور که عبد الرزاق نوفل در مورد آیه (هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها) می گوید: «مقصود از نفس واحد، همان پروتون و زوج همان الکترون است و این دو عنصری است که اتم از آن ها تشکیل شده است».

وی این مطلب را دلیل اعجاز علمی قرآن شمرده است. (۱) البته روشن است که این تفسیر با معانی لغوی و اصطلاحی و ظاهر آیه سازگار نیست و نوعی تحمیل نظر قرآن و تفسیر به رأی است.

۶. گروهی در پی اثبات افکار انحرافی خود بوده اند و تلاش کرده اند که با استفاده از علوم تجربی ، معجزات پیامبران را که در قرآن بیان شده را توجیه کرده و انکار کنند.

از جمله این افراد می توان ازسرسید احمد خان هندی و سید امیر علی و رشید رضا (۱۸۶۵- ۱۹۳۵ م) در المنار نام برد.

رشید رضا در ذیل آیه ۲۴۳/ بقره مسأله مرگ افراد را به شکست آن ها و از دست دادن استقلال و زنده شدن آنان را به استقلال و قوّت مجدّد تفسیر کرده است (۲) و ذیل آیه ۲۶۰ بقره زنده شدن چهار مرغ را در داستان ابراهیم علیه السلام به تربیت و انس آنان تفسیر کرده است. (۳) در حالی که این توجیهات مخالف ظاهر آیات و نوعی تفسیر به رأی است.

و شاید به خاطر وجود همین اشکالات بود که افرادی هم چون علّامه طباطبایی رحمه الله به تطبیق قرآن بر علوم تجربی خرده گرفتند و آن را رد کردند. (۴)

دوم: مخالفان تفسیر علمی

۱. ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) فقیه مالکی مذهب اندلسی (اسپانیایی) در

۱- (۱) . القرآن و العلم الحدیث ، ص ۱۵۶.

۲- (۲) . المنار ، ج ۲ ، ص ۴۵۸.

۳- (۳) . همان ، ج ۱ ، ص ۵۵.

۴- (۴) . کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت (نک : المیزان ، ج ۱ ، ص۷).

کتاب «الموافقات» تفسیر علمی را، انکار می کند و دلایل قایلان آن را رد می نماید و می نویسد: «در زمان نزول قرآن، اعراب علومی داشتند، مانند: نجوم، علم اوقات نزول باران، علم طب، بلاغت، فصاحت ، علم کهانت ، رمل ، جفر و ...اسلام و قرآن ، این علوم را به دو دسته تقسیم کرد: علومی که صحیح بود تصدیق کرد و بر آن ها مطالبی افزود و علومی که باطل بود (مانند کهانت، رمل و ...) را باطل اعلام نمود و منافع و مضار هر دسته را اعلام کرد. سپس برای هر دسته، مثال هایی از قرآن می آورد (۱) و بعد می گوید: «بسیاری از مردم از حدّ خود تجاوز کرده، ادّعا می کنند که در قرآن، همه علوم گذشتگان و آیندگان وجود دارد، مانند: علوم طبیعی، هندسه، ریاضی، منطق و علم حروف، ولی این صحیح نیست؛ سپس برای ادعای خود دلیل می آورد که : از سلف صالح، کسی این ادّعا را نکرده است و قرآن هم، برای بیان احکام تکالیف و احکام آخرت و مسایل جنبی آن آمده است. (۲) پس از آن، دلایل قایلان به تفسیر علمی را که به آیات قرآن مانند: (تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ ءٍ) ، (۳)(ما فَرَّطْنا فِی الْکِتابِ مِنْ شَیْ ءٍ) (۴) استناد کرده اند، رد می کند و می گوید : این آیات مربوط به تعبّد و تکلیف است و مراد از کتاب، در آیه دوم لوح محفوظ است و در مورد حروف فواتح سور، هم می گوید: که عدد جمل (حروف ابجد و تطبیق آن با آیات) اثبات نشده و این از معارف اهل کتاب است و فواتح را از متشابهات می داند. (۵)

۲. شیخ محمود شلتوت (۱۸۹۳- ۱۹۶۴ م) از علمای الازهر مصر در مقالاتی که در مجله «الرساله» در سال ۱۹۴۱ میلادی چاپ می شد به تفسیر علمی حمله کرد و عقیده داشت که ... این نوع تفسیر خطاست چون: اوّلاً قرآن برای بیان نظریات علوم و فنون نازل نشده است ، ثانیاً این طریق موجب تأویل قرآن به

۱- (۱) . التفسیر والمفسّرون، ج ۲، ص ۴۵۸، به نقل از الموافقات، ج ۲، ص ۶۹- ۷۶ (باتلخیص).

۲- (۲) . همان منبع، ص ۴۸۸ (با تلخیص).

۳- (۳) . نحل/ ۸۹.

۴- (۴) . انعام/ ۳۸.

۵- (۵) . همان منبع ، ص ۴۸۹.

صورت تکلّفی (تحمیلی) می شود که این تأویلات، با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است و ثالثاً موجب می شود که قرآن در هر زمان و مکان به دنبال مسایل علوم برود، در حالی که علوم ثبات و قرار و سخن قاطع ندارد و چه بسا امروز، چیزی را ثابت کنند و فردا مخالف آن اثبات می شود، خطاهای علوم به قرآن راه یابد و ما در مقام دفاع قرار گیریم (هر چند قرآن اشاراتی به علوم و فنون دارد).

و در ضمن مواردی از خطاها در تفسیر علمی که موجب استخراج مسایل عجیبه از آیات قرآن شده است را بر می شمارد. (۱)

۳. دکتر ذهبی از اساتید علوم قرآن و حدیث در الازهر مصر صاحب کتاب مشهور «التفسیر و المفسّرون». وی از دانشمندان متأخّر مصر محسوب می شود. ایشان به دنبال نظر شاطبی در مخالفت با تفسیر علمی می گوید:

«اعتقاد من این است که حق با شاطبی است چون دلایلی که آورده قوی است و جواب هایی که به مخالفان خود می دهد محکم است». (۲)

۴. در بعضی از کتاب ها افرادی را به عنوان مخالفان تفسیرعلمی ذکر کرده اند که عبارت اند از: (۳)

۱. استاد امین الخولی (۱۹۵۶ م).

۲. استاد عباس محمود عقاد (۱۹۶۴ م).

۳. استاد محمد عزه دروزه (متولد ۱۸۸۸ م).

۴. شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی، مؤلف کتاب مناهل العرفان فی علوم القرآن.

بعد از مراجعه به دلایل این افراد، متوجّه می شویم که چیزی اضافه بر آنچه

۱- (۱) . شماره های ۴۰۷ و ۴۰۸، مجله الرساله ، سال ۱۹۴۱ میلادی به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۲۹۹-۳۰۲، تألیف احمد عمر ابو حجر (چاپ دار القتیبه).

۲- (۲) . التفسیر و المفسّرون ، ج۲ ، ص ۴۹۱-۴۹۴ ، چاپ دوم ، سال ۱۹۷۶ م (چاپ دار الکتب الحدیث ، با تلخیص، ترجمه و تصرّف در عبارات).

۳- (۳) . التفسیر العلمی فی المیزان ، ص ۲۹۷ به بعد.

که شاطبی می گوید، ندارند یادآور می شویم که عباس محمود عقاد در دو کتاب (الانسان فی القرآن) و (قرآن و مکتب تکامل) به بحث تفسیر علمی پرداخته است، پس نمی تواند از مخالفان مطلق تفسیر علمی به شمار آید.

تحلیل و بررسی: با دقت در سخنان مخالفان روشن می شود که آنان با گونه های خاصی از تفسیر علمی مخالفت کرده اند یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن را مردود شمرده اند، که در این موارد اشکالات آنان وارد است و بدون پاسخ مانده است. ولی قائلان به تفصیل در تفسیر علمی تلاش کرده اند با ارایه معیارها و جداسازی گونه به تفسیر علمی معتدل یا استخدام علوم قطعی در فهم قرآن دست یابند تا اشکالات مخالفان بر طرف شود.

سوم: دیدگاه تفصیل در تفسیر علمی

برخی از مفسّران و دانشمندان اسلامی یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمتی دیگر را رد کرده اند؛ یعنی قایل به تفصیل در این مورد شده اند. از جمله کسانی که این راه را توصیه کرده اند این افراد هستند:

۱. سید قطب (۱۹۰۶ – ۱۹۳۳ م) متفکر اسلامی مصر که صاحب تفسیر فی ظلال است. سید قطب در تفسیر فی ظلال، به تفسیر علمی اشکال می کند و می گوید : «من تعجب می کنم که افراد ساده، سعی می کنند تا چیزهایی که در قرآن نیست به قرآن نسبت دهند و آنچه را مقصود قرآن نیست، بر آن تحمیل کنند و جزییات علوم پزشکی، شیمی، نجوم و... را از قرآن استخراج سازند و مثل این که بدین وسیله، شأن قرآن را بزرگ می کنند». (۱) سپس به دو نوع تفسیر و برداشت از آیات علمی قرآن می پردازد و یک نوع را جایز و نوع دیگر را غیر مجاز می شمارد. برای نوع غیر مجاز، انطباق تکامل با آیه (وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ) (۲) را مثال می زند که ممکن است، این نظریه تغییر کند.

۱- (۱) . تفسیر فی ظلال القرآن ، ج ۱ ، ص ۲۶۰.

۲- (۲) . مؤمنون/ ۱۲.

و برای نوع جایز آن ، آیه شریف (وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً) (۱) را مثال می زند که برای هر چیزی مانند شکل زمین و فاصله آن از خورشید، ماه، حجم خورشید و ماه، سرعت حرکت آن ها و نسبت هایی که بین آن ها برقرار است، مقدار و تناسب دقیقی است که نمی تواند تصادفی باشد و این آیه را می توان در مفهومش، توسعه داد و اشکالی ندارد. (۲)

۲. محمد مصطفی مراغی (۱۸۸۱-۱۹۴۵ م) شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر و سودان است.

ایشان از کسانی است که دو موضع مختلف، نسبت به تفسیر علمی داشته است.

در مقدمه اش بر کتاب «الاسلام و الطب الحدیث»، تألیف عبدالعزیز اسماعیل، می گوید:

«من نمی خواهم بگویم که قرآن کریم، همه علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بر دارد ، بلکه می گویم که قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش، برای انسان مهم است و عمل به آن ، انسان را به درجه کمال جسمی و روحی می رساند را، در بر دارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف ، باز کرده تا بتوانند جزییات آن علوم را طبق پیشرفت زمان، برای مردمشان بیان کنند».

و نیز می گوید: برخی تأویل قرآن می کنند برای (تطبیق با) نظریات علمی که ثبات ندارد و این خطر بزرگی برای قرآن است ... زیرا نظریات علمی که ثابت نشده است، صحیح نیست قرآن را به آنها، برگردانیم و در پایان می گوید: واجب است که آیه قرآن را به طرف علوم نکشانیم، تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه نکشانیم تا قرآن را تفسیر کنیم، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت موافق بود، آن آیه را با آن حقیقت علمی تفسیر می کنیم». (۳)

ص:۷۶

۱- (۱) . فرقان/ ۲.

۲- (۲) . ر.ک: فی ظلال القرآن ، ج ۱ ، ص ۲۶۱ - ۲۶۳.

۳- (۳) . الإسلام و الطب الحدیث، با مقدّمه ی شیخ مراغی، ص ۵، به نقل از التفسیر و المفسّرون، ج ۲، ص ۵۱۹.

مراغی در تفسیر خود ، در موارد متعدد اقدام به تفسیر علمی کرده است.

برای مثال در ذیل آیه شریفه (خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) (۱) عمد را به نیروی جاذبه عمومی تفسیر می کند. (۲)

۳. احمد عمر ابوحجر صاحب کتاب التفسیر العلمی فی المیزان، ایشان در این کتاب دلایل طرفین، در مورد اثبات و نفی تفسیر علمی را آورده است.

ایشان در پایان قایل به تفصیل در تفسیر علمی می شود و می گوید:

«آنچه نفس انسان بعد از این که به دیدگاه های طرفین نظر افکند به آن مطمئن می شود این است: کسانی که قرآن را از تفسیر علمی دور نگه می دارند بر حق هستند ؛ زیرا این نوع تفسیر، بر وهم ، ظن و تکلف در تأویل استوار است ، اما وقتی بر مطلب یقینی علمی استوار باشد، مانعی در استفاده از نور علم ، برای روشن کردن حقایق علمی وجود ندارد». (۳)

در جای دیگر می گوید:

«ما طریق میانه را انتخاب می کنیم که افراط و تفریط در آن نیست، چون وقتی قرآن کلام خداست و وجود نیز، آفریده خداوند است پس باید حقایق علمی با آیات قرآنی هماهنگ باشند». (۴)

۴. علّامه طباطبایی (م ۱۳۶۰ ش)، صاحب تفسیر شریف «المیزان» از متفکران، مفسّران و فیلسوفان بزرگ شیعه، در قرن حاضر. ایشان در مورد تفسیر علمی می فرماید: «بعضی از مسلمانان در اثر غرق شدن در علوم طبیعی و مشابه آن ها که مبتنی بر حس و تجربه است، به مذهب اصالت حس، از فلاسفه اروپا متمایل شدند و بعضی به طریق اصاله العمل (که ارزشی برای ادراکات قایل نیستند، مگر به مقداری که عملی بر آن مترتّب شود) گرایش پیدا کردند، از این رو گفتند که

۱- (۱) . لقمان/ ۱۰.

۲- (۲) . الدروس الدینیه، ص ۶۱-۶۴، نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۲۳۱.

۳- (۳) . التفسیر العلمی فی المیزان ، ص ۱۱۳ (چاپ اول ۱۹۹۱ م ۱۴۱۱ قمری ، دارالقتیبه ، بیروت).

۴- (۴) . همان منبع، ص ۱۱۸.

معارف دینی، با طریقه علمی (اصالت حسّ و مادّه) معارضت ندارد و موارد آیات مخالف این نظر را، تأویل کردند و حتی معاد را با قوانین مادّی، تطبیق نمودند و گفتند روح مادّی است و از خواصّ مادّه به دست می آید و نبوت یک نبوغ خاصّ اجتماعی است که موجب قانون گذاری، برای ایجاد مصالح می شود و نتیجه گرفتند که روایات، به خاطر خلطی که در آن هاست، قابل اعتماد نیست و تفسیر آیات قرآن، به طریق عقلی (که در تفسیرهای گذشتگان انجام می شد) را هم، علم، باطل کرد (روش عقلی را علم باطل کرد) پس قرآن را باید با علم تفسیر نمود.

در پایان چنین می فرماید: «انما الکلام فی أنّ ما أورده علی مسالک السلف من المفسّرین (انّ ذلک تطبیقاً و لیس بتفسیر) وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر». (۱)

آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال) بر ایشان نیز وارد است.

ولی علامه خود، در تفسیر بعضی از آیات قرآن از علوم تجربی و نتایج آن ها کمک می گیرند چنان چه در ذیل آیه شریفه (وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ) ، (۲) «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم» می فرماید: «منظور این است که آب دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده ای دارد ... و در بحث های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است». (۳)

در ذیل آیه شریفه (وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنّا لَمُوسِعُونَ) (۴) می فرماید مراد توسعه خلقت آسمان است، همان طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسأله نظر دارند. (۵)

ما در مباحث آینده، روشن خواهیم کرد که این دو نوع برخورد علّامه، با

۱- (۱) . المیزان ، ج ۱ ، ص ۷ - ۸ ، باتلخیص و ترجمه.

۲- (۲) . انبیاء/ ۳۰.

۳- (۳) . المیزان ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۹ (چاپ اسماعیلیان).

۴- (۴) . ذاریات/ ۴۷.

۵- (۵) . المیزان ، ج ۱۸ ، ص ۳۸۲.

تفسیر علمی بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد که همگی یک حکم واحد ندارند، از این رو علّامه در شمار قایلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می شود.

۵. آیت اللّه مکارم شیرازی صاحب تفسیر نمونه، ایشان از افراد موافق تفسیر علمی ولی معتدل، به حساب می آیند که تفسیر علمی را در یک نوع آن پذیرفته اند و در تفسیر نمونه، در موارد متعدد برای اثبات اعجاز علمی قرآن، از آن استفاده کرده اند (۱) و با نوعی از تفسیر علمی مخالفت کرده اند و آن را تفسیر به رأی می خوانند. (۲) آن جا که با تفسیر علمی موافقت دارند می فرمایند:

«گاهی هم مشاهده می شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می کند، تأکید می کنم وقتی می گوییم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال کنند فرضیه ها با گذشت زمان، دست خوش تغییر و دگرگونی می شود و نمی توان قرآن ثابت و تغییر ناپذیر را، بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد.

برای مثال: زوجیت نر و ماده ، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود». (۳)

۶. آیت اللّه محمد هادی معرفت ایشان می نویسند:

«شریعت، درس علوم طبیعی نیست و قرآن بالذات کتاب علم نیست ، مگر اشاراتی گذرا و در کنار مطالب اصلی (حکمت، هدایت، تربیت، ارشاد و...) دارد که به بعضی از اسرار وجود، اشاره می کند اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده، به طوری که علمای راسخ در علم، آن اشارات را درک می کنند چون در صدد بیان مطالب علمی نبوده، ولی در عین حال از دریای بی کران علم الهی سرچشمه گرفته است».

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ج ۱۱، ص ۴۱۰؛ ج ۱۲، ص ۲۷۵؛ ج ۱۵ ،ص ۵۶۸.

۲- (۲) . تفسیر به رأی ، تألیف استاد مکارم شیرازی ، ص ۶۹ - ۷۹.

۳- (۳) . مجله پیام قرآن ، پیش شماره ، ص ۴۸ (انتشارات دارالقرآن کریم قم).

ایشان معتقدنـد قطعیات علوم و معارف بشـری برای فهم قرآن لازم است و اشاراتی علمی در قرآن هست که بـدون اسـتفاده از علوم فهم حقیقت آن هـا ممکن نیست (۱) ولی قرآن قطعی است و علوم غیر قطعی، بنـابراین بایـد علوم بر قرآن تطـبیق شود نه بـالعکس. یعنی بـا توجّه به کشـفیات علمی، مـا از یـک آیه مطلبی را می فهمیم امـا این که بگوییم آیه حتمـاً این مطلب را می گوید نمی دانیم، بلکه اگر کسی نسبت قطعی دهد، تحمیل است که جایز نیست. (۲)

پس ایشان به طور واضح بین اسناد قطعی علوم تجربی، به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی، به نحو احتمالی فرق می گذارند، از این رو ایشان را در شـمار قایلان به تفصـیل در تفسـیر علمی ذکر کردیم.ایشان جلد ششم التمهید را به تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن اختصاص داده اند. و به طور مفصل این مباحث را مطرح کرده اند.

۷. آیت اللّه سبحانی، ایشان از افراد معتدل در تفسیر علمی محسوب می شوند؛ چنان که در مورد شرایط مفسّر می فرمایند:

«آگاهی از بینش های فلسـفی و علمی که مایه شـکوفایی ذهن و سـبب برداشت های ارزنـده ای از قرآن می گردد (از شـرایط تفسـیر قرآن به معنای واقعی است). امروز بشـر، گام های بس بلنـدی پیرامون شـناخت زمین، کیهان، حیوان و انسان برداشـته و افق های بس تازه ای در روان شناسـی و جامعه شناسـی کشف کرده. درست است که نمی توان گفت تمام آنچه را که در این مقوله ، گفته و ترسـیم کرده است صحیح است، ولی آگاهی از چنین کشفیات علمی، سبب تقویت دماغ فلسفی و علمی انسان می گردد و مـایه شـکوفایی ذهن مفسّـِر می شود و به او توان خاصـی می بخشـد، که از قرآن به صورت کـاملتری بهره بردارد. مقصود این نیست که به کمک فلسـفه یونان و یا اسـلامی و یا به کمک علوم جدید ، به تفسیر قرآن بپردازیم و قرآن را بر این افکار غیر مصون از خطا تطبیق کنیم، زیرا یک چنین کار جز تفسیر به رأی که عقلًا و شرعاً ممنوع است

ص:۸۰

۱- (۱) . التمهید ، ج ۶ ، ص ۳۱ به بعد.

۲- (۲) . درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۴۰.

نتیجه دیگری ندارد». (۱)

ایشان در کتاب برهان رسالت، در مورد جاذبه عمومی، کرویت زمین، حرکت زمین و اجرام سماوی زوجیّت گیاهان، به قرآن و علم اشاره می کند و برای اعجاز قرآن به آن ها استدلال می نماید. (۲) ایشان هر چند با تطبیق قرآن، بر علوم جدید مخالف است، اما بر لزوم استفاده از کشفیات علمی، در تفسیر قرآن تأکید می کند (پس ظاهراً با استخدام علوم در فهم قرآن، موافق است) و این تفصیل در تفسیر علمی محسوب می شود.

۸. تفصیل بین سه گونه استخراج علوم از قرآن، تحمیل نظریه های علمی بر قرآن و استخدام علوم در فهم قرآن، که نگارنده در کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (۱۳۷۵ ش) بیان کرده ام و در ادامه توضیح بیشتر خواهد آمد.

۴- شیوه های برداشت علمی از قرآن

اشاره

تفسیر و برداشت علمی از قرآن خود دارای روش های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می شود و برخی نیز به نظریه پردازی های علمی قرآن در حوزه علوم مختلف می انجامد.

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن أبی الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ (۳) زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل، می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می

۱- (۱) . تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، اثر استاد سبحانی، تنظیم سیّد هادی خسروشاهی، ص ۳۱۵.
۲- (۲) . برهان رسالت ، ص ۲۵۳-۲۸۳ (چاپ انتشارات کتابخانه صدر تهران، ۱۳۹۸ ه ق).
۳- (۳) . دیدگاه های این گروه در مبحث تاریخچه گذشت.

گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر ، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند.

برای مثال، از آیه شریفه (وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ) (۱) ابراهیم نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (۲) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره ها استفاده کردند (۳) و از آیه شریفه (إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند. (۴)

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند (۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آن ها در قرآن بیابند و هر گاه آیه ای موافق با آن نمی یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می کردند.

مثال این گونه تفسری را در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. (۶) در این تفسیر، حتّی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب

۱- (۱) . شعراء/ ۸۰.

۲- (۲) . ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.

۳- (۳) . التفسیر و المفسّرون ، ج ۲ ، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.

۴- (۴) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۵- (۵) . ر.ک : التفسیر و المفسّرون ، ج ۲ ، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.

۶- (۶) . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث ، ص ۱۵۶.

بـدبینی برخی دانشـمندان مسـلمان نسـبت به مطلق تفسـیر علمی گردیـد و یـک سـره تفسـیر علمی را به عنوان تفسـیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید برقرآن طرد کردند، چنان که علّامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۱)

البتّه در مورد این نوع تفسـیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّـِر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسـیر صـحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را و بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسـیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شـیوه از تفسیر علمی، مفسّـِر با دارا بودن شـرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسـیر معتبر، اقـدام به تفسـیر علمی قرآن می کند.

یعنی تلاش می کنـد که با اسـتفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنـای لغوی و اصـطلاحی - موافق است، به تفسـیر علمی بپردازد و معـانی مجهول قرآن را کشف و در اختیـار انسان های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

مـا در مبحث آینـده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکیـد می کنیم که در این شـیوه تفسـیری، بایـد از هرگـونه تأویـل و تفسـیر به رأی، پرهیز کرد و تنهـا به طور احتمـالی از مقصود قرآن سـخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص ، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن هاست، کمتر می تواند مطلب علمی قطعی بیان کند.

برای مثال، آیه شریفه (الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها) (۲)؛ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد». در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین

۱- (۱) . ر.ک: مقدمه ی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

۲- (۲) . یس / ۳۸.

حرکت حسّی و روزمرّه خورشید را می دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرك می بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب ، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتّی کهکشان راه شیری در حرکت است. (۱) پس می گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می شود (۲) و در فضا جریان دارد و هم چون گلوله ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است. (۳)

د: نظریه پردازی های علمی قرآن و جهت دهی به مبانی علوم انسانی

اول: نظریه پردازی های علمی قرآنی

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آن جا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آن ها فعلاً شواهد

۱- (۱) . دکتر اریك - اوبلاکر، فیزیك نوین، ترجمه بهروز بیضایی، صص ۴۵ - ۴۸.

۲- (۲) . همان، صص ۴۵ - ۴۸.

۳- (۳) . برای اطلاع از مثال های بیش تر: ر.ك: رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.

تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲ سوره رعد و ۱۰ سوره لقمان و ...) در آینده اثبات شود. این موارد را می توان بعنوان نظریه های علمی قرآنی مطرح نمود، و هم چون دیگر تئوری های علمی بدنبال شواهد تجربی آن ها بود.

مثال ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان ها: این نظریه از برخی آیات قرآن هم چون آیه ۲۹/ شوری قابل استفاده است که می فرماید:

(وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّهٍ) ؛ «و از نشانه های اوست، آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن ها منتشر ساخته است».

هر چند برخی نشانه های کیهان شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان شناخت هنوز نظریه ی قطعی در این زمینه ابراز نکرده اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می توان بعنوان یکی از نظریه های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان شناختی وسیع قرار داد. (۱)

۲. نظریه ی گسترش آسمان ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن هم چون آیه ۴۷ سوره ذاریات قابل استفاده است، که می فرماید:

(وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنّا لَمُوسِعُونَ) ؛ «و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می دهیم.»

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان. (۲) و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه ی فوق دیدگاه انبساط جهان

۱- (۱) . ر.ک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹/ شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب.

۲- (۲) . ر.ک: تاریخچه زمان، استفن هاوکینگ، ترجمه داد فرما، ص ۵۸.

قابل برداشت است. (۱) و می تواند بعنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان شناسی قرار گیرد.

۳. نظریه هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره/ ۲۹، اسراء/ ۴۴، مومنون/ ۱۷ و ۸۶، فصلت/ ۱۲، طلاق/ ۱۲، نوح/ ۱۵، نبأ/ ۱۲.

در حالی که علوم کیهان شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می گویند و در مورد آسمان های دیگر سکوت می کنند. چون وسایل ستاره شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاه های مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آن ها توجّه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان ها، محل کرات باشد. (۲)

۴. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاك و گل دلالت دارد. مثل: انعام/ ۹۸، آل عمران/ ۵۹، الرحمن/ ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت های دیگری نیز دارد) و سال هاست که نظریه تکامل توسط لامارك و داروین ابراز شده که قائل به به وجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می کنند و در این مورد کتاب های متعددی نیز

ص:۸۶

۱- (۱) . ر.ك: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.

۲- (۲) . ر.ك: رازهای آسمان های هفت گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد.

نوشته شده است. (۱)

ولی می توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان هایی از نسل میمون به وجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی های انسان فعلی در میمون ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه ی مفقوده ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می تواند شاهدی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش های زیست شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان شناسی و زیست شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب ها آمده است. (۲)

۵. نظریه پردازی های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر اینگونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

برای نمونه:

از آیات قرآن خدا محوری استفاده می شود، یعنی خدا سرچشمه همه

۱- (۱) . ر.ك: خلقت انسان، یدالله سحابی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.

۲- (۲) . ر.ك: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، جلد دوم و ...

موجودات و منتهای سیر همه موجودات است (إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) ، (بقره/ ۱۵۶) و اصولاً ـ ارزش کارها به رنگ الهی (صِبْغَةَ اللّهِ) ، (بقره/ ۱۳۵) و فی در راه خدا بودن است. در حالی که مبنای علوم انسانی جدید انسان محوری است که این مطلب در علوم انسانی بویژه علوم ترتیبی و علوم سیاسی تاثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آن ها می دهد.

در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد اسلامی بدون ربا پایه گذاری شده است در حالی که اقتصاد جدید غرب براساس سیستم ربا (به ویژه در بانک داری) شکل گرفته است اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می شویم. علوم سیاسی جدید در غرب براساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه گذاری شده است از این رو بسیاری از آیات قرآن مسائل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و ... را بیان می کند.

و هم چنین است لزوم رعایت مبانی اخلاقی و اصل عدالت و فقرزدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روانشناسی و...

آری بسیاری از آیات قرآن اشارات صریح یا غیرصریح به مبانی علوم انسانی دارد که شمارش آن ها نگارش مقالات بلکه کتاب های متعددی را می طلبد. (۱)

۵- مبانی برداشت علمی از قرآن

اشاره

شیوه برداشت و روش تفسیر علمی قرآن دارای مبانی عام تفسیری و روش شناسی است که در همه روش های تفسیری جاری است هم چون جواز و امکان تفسیر قرآن، و ممنوعیت تفسیر به رأی و حجیت ظواهر و نصوص قرآنی و نیز دارای مبانی خاص است که پیش فرض های این روش بشمار می آید، و از آن جا که این مبانی در جای خود اثبات می شود، در اینجا بدانها اشاره می شود:

۱- (۱) . در این موارد نک: قرآن و روانشناسی، محمد عثمان نجاتی، مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نظام سیاسی اسلام، نوروزی، مدیریت اسلامی، محمدحسن نبوی و...

الف: قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی

علوم تجربی حاصل کاوش ها و تجربه های بشری است که در طی قرن ها بر هم انباشته شده است، تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه نظریه های علمی اثبات نشده و قانون های علمی اثبات شده تقسیم می کردند. و اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه های مکرر تأیید می شد آن را اثبات شده و قانون علمی می دانستند. (۱)

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد اما هیچ گاه به صورت قانون در نمی آید.

یعنی در تشکیل یک نظریه علمی نخست ما به مسأله و مشکلی برخورد می کنیم، و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می زنیم. سپس در مرحله سوم قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می کنیم و در مرحله چهارم اقدام به ابطال این قضایا می کنیم. و اگر این قضایاباطل نشود ، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود در علم باقی می ماند و مبنای عمل قرار می گیرد. (۲)

بنابر این، علوم تجربی اثبات پذیر نیست بلکه ابطال پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد.

البته اینکه قضایای علوم تجربی قطعی نیست (به معنای قطع معرفت شناختی) یعنی نمی توان گفت: فلان گزاره علمی حتماً مطابق واقع و تغییر ناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی اند (به معنای قطع روانشناختی) یعنی گاهی گزاره علمی از راه مشاهده یا به وسیله قراین دیگر مثل بدیهی می گردد. هم چون

۱- (۱) . در این مورد اشکالات متعدّدی به نحوه ی استقرای ناقص علوم شده است و پاسخ هایی نیز داده شده است.(نک : مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۲۱۰-۲۴۴؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص ۳ و صص ۲۱۳-۲۱۴؛ الأُسس المنطقیه للإستقراء ، شهید صدر ، ص ۱۳۵ و ص ۳۸۳-۴۰۰؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده ، صص ۱۸۵-۲۰۰).

۲- (۲) . این دیدگاه پوپر (متوفّی - ۱۳۷۳ش) است، ر.ک : حدس ها و ابطال ها و منطق اکتشافات، تألیف پوپر، ترجمه احمد آرام؛ در آمدی بر تفسیر علمی قرآن ، از نگارنده ، صص ۲۰۰ - ۲۰۴.

«حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدیهی شده است. همان طور که گاهی انسان به وسیله قراین خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می کند، در مورد یک گزاره علمی به قطع می رسد.

در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه های ظنّی علوم تجربی تفاوت گذاشته می شود. و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست ، چرا که نظریه های ظنّیِ علوم گاهی صدها سال در حوزه علم می مانند سپس تغییر می کند، (۱) پس نمی توان تفسیر قرآن را بر آن ها بنا نهاد.

ب: وجود اشارات علمی در قرآن و لزوم استفاده از علوم تجربی در فهم و تفسیر آن ها

در قرآن کریم بیش از ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی و طبیعت و انسان و ... اشاره دارد. (۲) که این آیات حداقل سه گانه است:

اول: اشارات علمی به پدیده های طبیعی مثل حیوانات و طبیعت. (۳) که به ظاهر نکته شگفت انگیز یا اعجازآمیزی را در بر ندارد. ولی همین اشارات علمی توجه انسان را به طبیعت و کیهان و ... جلب کرده و زمینه ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است.

دوم: اشارت شگفت انگیز علمی قرآن، یعنی آیاتی که به مطالب علمی ویژه ای اشاره می کند صدور آن ها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدر اسلام بسیار بعید بوده است، برای مثال اشارات قرآن به حرکت زمین (۴) که بر خلاف هیئت بطلیموسی و دیدگاه مشهور کیهان شناسی در آن عصر بوده است.

۱- (۱) . هم چون نظریه ی بطلمیوسی (ptoemaos - قرن دوم میلادی) در مورد این که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلک به دور آن می چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. سپس توسط کپلر و کپرنیک و گالیله دگر گون شد و دیدگاه کنونی (یعنی حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.

۲- (۲) . الحبّال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص ۳۵ - ۳۶.

۳- (۳) . ر.ک: غاشیه/ ۱۷ و نحل/ ۵ - ۱۴ و...

۴- (۴) . نحل/ ۸۹.

البته این گونه موارد اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید چرا که مثلاً در مورد حرکت زمین دیدگاه غیرمشهور در یونان قبل از اسلام وجود داشته است. (۱)

سوم: اشارات اعجازآمیز علمی قرآن، یعنی گاهی قرآن کریم به زوجیت عام موجودات، (۲) نیروی جاذبه، (۳) حرکت های خورشید، (۴) مراحل آفرینش انسان (۵) و لقاح ابرها (۶) اشاره کرده که تا قرن ها بعد از اسلام کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده است، این اشارات نوعی رازگویی و اخبار غیبی قرآن بشمار می آید. تفسیر علمی قرآن شرحی بر همین اشارات علمی قرآن است.

ج: همه علوم از ظواهر آیات قرآن قابل استفاده نیست

هر چند که اشارات علمی زیادی در قرآن کریم وجود دارد، و حتی قرآن خود را بیان کننده همه چیز معرفی می کند، (وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ ءٍ) ، (۷) اما همه علوم بشری در ظواهر آن وجود ندارد چرا که چنین ادعایی خلاف بداهت است و آیه شریفه نیز قید لُبی دارد یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن موجود است. (۸)

بنابراین همان طور که گذشت استخراج علوم از قرآن صحیح نیست چون مبنای آن «وجود همه علوم در ظواهر قرآن است» و این مبنا مخدوش است. (۹)

د: رابطه سازگارانه بین قرآن و علم

ص:۹۱

۱- (۱) . اولین بار فیثاغورث سپس فلوته خوس وار شمیدس به حرکت زمین معتقد شدند (شهرستانی، سید هبه الدین، اسلام و هیئت، ص ۴۴.
۲- (۲) . یس/ ۳۶.
۳- (۳) . رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰.
۴- (۴) . یس/ ۳۸.
۵- (۵) . حج/ ۵، مومنون/ ۱۲ - ۱۴.
۶- (۶) . حجر/ ۲۲.
۷- (۷) . نحل/ ۸۹.
۸- (۸) . برخی از مفسران تصریح کرده اند که مقصود آیه ۸۹ سوره نحل بیان مسائل هدایتی است از جمله: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸؛ کشاف، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱.
۹- (۹) . در این مورد ذیل مباحث آینده همین کتاب مطالب تکمیلی بیان می شود.

قرآن کریم بارها انسان ها را به دانش افزایی فراخوانده است، و یا دانشمندان را تشویق و تمجید کرده است. (۱) و همان طور که گذشت در موارد متعددی مطالب اعجازآمیز یا شگفت آمیز علمی بیان کرده است، قرآن کریم هیچ گاه سرستیز با علم و عالمان راستین نداشته است بلکه رابطه قرآن و علم سازگارانه و مثبت است. و تفسیر علمی قرآن نوعی توضیح همین مبناست.

البته برخی تعارضات ظاهری و ابتدایی بین قرآن و علم ادعا یا توهم شده که با تأمل و دقت در آیات و علوم، بر طرف می شود، و تعارض مستقر و حقیقی بین قرآن و علم وجود ندارد. و همین مطلب نیز در ضمن تفسیر علمی روشن می شود.

ه : هدف اصلی قرآن هدایت مردم به سوی خداست

در قرآن مکرر بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم (۲) و خارج ساختن آنان از تاریکی ها به سوی نور است، (۳) بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در همین راستاست یعنی اشارت علمی قرآن گاهی به عنوان نشانه های خدا (۴) و گاهی بعنوان شواهد معاد (۵) بیان شده است پس بیان مطالب علمی هدف اصلی قرآن نیست و قرآن کتاب کیهان شناسی و فیزیک و... نیست.

۶- معیارهای برداشت علمی از قرآن

اشاره

در روش های تفسیری دو گونه شرایط و معیار وجود دارد: یک قسم، شرایط و معیارهایی عام که باید در تمام روش های تفسیری مراعات شود؛ و قسم دوم، شرایط و معیارهای خاصّی که باید در هر روش تفسیر خاص رعایت گردد. در این جا هدف ما بیان شرایط و معیارهای قسم دوم است، اما برای یاد آوری، به قسم اول نیز اشاره می کنیم.

۱- (۱) . زمر/ ۹، فاطر/ ۲۸، مجادله/ ۱۱ و...

۲- (۲) . ر.ک: بقره/ ۲ و ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران/ ۱۳۸، اعراف/ ۲۰۳، یونس/ ۵۷ و...

۳- (۳) . ابراهیم/ ۱.

۴- (۴) . ر.ک: رعد/ ۲ - ۴.

۵- (۵) . ر.ک: حج/ ۵.

الف) معیارهای عام در روش تفسیر قرآن

این معیارها شامل شرایط مفسّر و تفسیر می شود که ما آن ها را در دو دسته خلاصه می کنیم:

۱. تفسیر علمی توسط مفسّری صورت پذیرد که دارای شرایط لازم باشد؛ یعنی آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی به شأن نزول آیه، آشنایی با تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صدر اسلام در حدودی که به آیه مربوط است، اطلاع از علوم قرآن؛ مانند ناسخ و منسوخ، مراجعه به احادیث و اصول فقه، آگاهی از بینش های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی، پرهیز از هر گونه پیش داوری، تطبیق و تحمیل، آشنایی با تفسیر و عدم تقلید از مفسّران. (۱)

۲. معیارهای تفسیر معتبر در آن رعایت شده باشد؛ مانند: پیروی از روش صحیح تفسیر، عدم منافات تفسیر با سنّت قطعی، پرهیز از پیش داوری غیر ضروری، عدم منافات تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر که لازم است این معیارها در تفسیر علمی نیز رعایت گردد. (۲)

۳. پرهیز از تفسیر به رأی و استقلال رأی در تفسیر قرآن؛ یعنی مفسّر باید قبل از تفسیر، به قراین عقلی و نقلی مراجعه کرده. و پس از در نظر گرفتن آن ها اقدام به تفسیر کند.

ب) معیارهای خاص روش تفسیر علمی قرآن

۱. تفسیر علمی به وسیله علوم تجربی قطعی صورت پذیرد.

در این مورد در مبحث علم، مقصود از قطعی بودن علوم تجربی را توضیح دادیم، و در این جا اضافه می کنیم که:

یک. اگر علوم تجربی یقینی و قطعی بود ، می توان قرآن را بر اساس آن تفسیر کرد.

دو. اگر مطالب علوم تجربی به صورت نظریه های پذیرفته شده در علم باشد،

۱- (۱) . ر. ك: سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۱۳ - ۲۱۵ و نگارنده، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، صص ۵۳-۷۴.
۲- (۲) . همان.

می توان به صورت احتمالی بیان کرد که شاید این آیه اشاره به این مطلب علمی باشد. اما نمی توان به طور قطعی مطلبی را به قرآن نسبت داد؛ چرا که این علوم قطعی نیست.

سه. اگر مطالب علوم تجربی به صورت فرضیه های احتمالی در علم باشد و هنوز مورد پذیرش عام جامعه علمی قرار نگرفته و قطعی نیز نشده است، نمی توان قرآن را با آن ها تفسیر کرد؛ (۱) چرا که این فرضیه ها در معرض تغییر است و همان اشکالاتی را که مخالفان تفسیر علمی می کردند در پی دارد. (۲)

۲. دلالت ظاهر آیه قرآن بر مطالب علوم تجربی مورد، نظر روشن باشد و تحمیلی بر آیه صورت نگیرد؛ یعنی در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسایل علمی مورد نظر رعایت شود ، به طوری که معانی الفاظ و جملات آیه با مسایل علمی همخوان باشد و نیاز به تحمیل نظر بر آیه نباشد. به عبارت دیگر، در تفسیر

۱- (۱) . در قضایای علمی چند احتمال وجود دارد: الف) قضیه علمی که یقین مطابق واقع می آورد؛ چرا که تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است (و به مرحله بداهت رسیده باشد). ب) قضیه علمی یقین به معنای اعم می آورد؛ یعنی اطمینان حاصل می شود ، ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی رسد، چنان چه بیشتر قضایای اثبات شده ی علوم تجربی این گونه است. ج) قضیه ی علمی، به صورت تئوری یا نظریه ی ظنّی باشد که هنوز به مرحله ی اثبات نرسیده است. بنابر این در صورت نخست (الف) تفسیر علمی جایز است؛ زیرا قرآن و علم قطعی (که به قطع عقلی برمی گردد) تعارضی ندارد، بلکه قراین قطعی «نقلی ، عقلی و عملی» برای تفسیر قرآن لازم است. بنابر این، در صورت دوم (ب) تفسیر علمی، اگر به صورت احتمال ذکر شود ، صحیح به نظر می رسد. برای مثال گفته شود: چون ظاهر قرآن ، با حرکت انتقالی خورشید ، مطابق است به احتمال قوی منظور قرآن ، همین حرکت است. و در صورت سوم (ج) هم تفسیر علمی صحیح است؛ زیرا همان اشکالاتی را پدید می آورد که مخالفان تفسیر علمی می گفتند؛ مانند انطباق قرآن با علوم متغیر، شک کردن مردم در صحت قرآن و...

۲- (۲) . مضمون این معیار را آیت الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر ، ص ۱۴۷ آورده اند و در کلمات بسیاری از قایلان به تفسیر هم وجود داشت.

علمی به نحوی عمل شود که نیاز به توجیه و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکنیم. (۱)

۳. استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی؛ یعنی استخدام علوم در فهم علوم و تبیین و تفسیر قرآن ، و پرهیز از گونه های ناصحیح همچون؛ استخراج علوم از قرآن و تطبیق و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن.

تذکر ۳: برخی از صاحب نظران معیارهای دیگری برای تفسیر علمی ذکر کرده اند از جمله:

۳/۱. تفسیر آیات مطابق معنای نظم قرآن باشد.

۳/۲. قرآن را در معرض نظریات علمی متضاد قرار ندهد.

۳/۳. مفسّر در پی اثبات اشارات علمی قرآن به وسیله نظریات علمی باشد.

۳/۴. آیات قرآن را اصل و محور تفسیر قرار دهد، (نه مطالب علمی را)

۳/۵. مفسّر ملتزم به معانی لغوی عرب در آیات باشد.

۳/۶. تفسیر علمی با مطالب شرعی مخالف نباشد.

۳/۷. تفسیر علمی مطابق آیه باشد نه کمتر و نه زیادتر

۳/۸. تألیف و تناسب آیات و وحدت موضوعی آنان رعایت گردد. (۲)

البته برخی از معیارهای فوق به نوعی به یکی از معیارهای سه گانه پیشین باز می گردد؛ هم چون شماره ۱ و ۴ و ۷ و ۸ که به معیار دوم باز می گردد و هم چون شماره ۲ که به معیار اوّل باز می گردد.

و برخی دیگر، از شرایط عامّ تفسیر است مثل شماره ۶ و ۵ و در شماره ۳ اگر مقصود از نظریات علمی، فرضیه های اثبات نشده باشد قابل قبول نیست و اگر مقصود مطالب قطعی علوم تجربی باشد (با اصلاح در عبارت) قابل قبول است.

۷- امتیازات تفسیر علمی قرآن

ص:۹۵

۱- (۱) . همان. و نیز عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعده، ص ۲۲۴؛ عمید زنجانی، مبانی و روش تفسیر قرآن، ص ۲۵۶.

۲- (۲) . عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعده، ص ۲۲۴.

۱. در قرآن کریم حدود ۱۳۳۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد (۱) و استخدام علوم در تفسیر قرآن موجب تبیین اشارات علمی قرآن شده، و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات کمک می کند؛ برای مثال وقتی قرآن از زیان و منافع شراب سخن می گوید (قُلْ فِیهِما إِثْمٌ کَبِیرٌ وَ مَنافِعُ لِلنّاسِ) (۲) یافته های علوم پزشکی این آیه را توضیح می دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار تبیین می کند، تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می گذارد.

بلکه گاهی تفسیر برخی آیات قرآن بدون کمک گرفتن از علوم جدید بسیار مشکل می شود. برای مثال: فهم و تفسیر آیات ۱۲- ۱۴ سوره مؤمنون و آیه ۵ سوره حج نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد.و همان طور که برای فهم لغات آیه از علم لغت استفاده می کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین شناسی استفاده می کنیم.

۲. تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ (۳) یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل مطلبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بوده است و مردم از آوردن مِثلِ آن عاجز بوده اند و اکنون پس از قرن ها به طور قطعی به وسیله علوم تجربی کشف گردیده است.

از این مطب استفاده می شود که قرآن معجزه ای الهی است که نمی تواند کلام بشری باشد.

در مورد اعجاز علمی قرآن به آیاتی در مورد زوجیّت عام موجودات (و زوجیّت گیاهان)، (۴) نیروی جاذبه، (۵) حرکت خورشید، (۶) فلسفه حرمت شراب خواری، (۷) مراحل خلقت انسان، (۸) لقاح ابرها و گیاهان (۹) و... استدلال شده

۱- (۱) . الحبال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص ۳۵ - ۳۶.

۲- (۲) . بقره/ ۲۱۹.

۳- (۳) . ر.ک: معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۴- (۴) . یس/ ۳۶.

۵- (۵) . رعد/ ۲؛ لقمان/ ۱۰.

۶- (۶) . یس/ ۳۸.

۷- (۷) . بقره/ ۲۱۹.

۸- (۸) . حج/ ۵؛ مؤمنون/ ۱۴-۱۲.

۹- (۹) . حجر/ ۲۲.

است. (۱)

آقای راترود ویلانت، نیز در این مورد می نویسد:

«هواداران تفسیر علمی در صدد اثبات این معنا هستند که قرآن چندین قرن نسبت به عالمان جهان غرب تقدم دارد چرا که مطالبی را در آن زمان متذکر شده که]پس از گذشت چند قرن[تازه عالمان غربی آن ها را کشف می نمایند. اکثر شیفتگان تفسیر علمی این برتری زمانی قرآن در زمینه معرفت علمی را به عنوان نمونه بارزی از اعجاز قرآن تلقی کرده و همواره در براهین و مجادلات علمی خود در برابر غرب بر این بعد اعجاز و تقلید ناپذیری قرآن تأکید می ورزند». (۲)

۳. تفسیر علمی قرآن سبب افزایش ایمان مردم مسلمان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن و اسلام می شود؛ یعنی هنگامی که ثابت شد قرآن اشارات علمیی دارد که قرن ها قبل از کشفیات علوم تجربی آن ها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان و به ویژه جوانان نسبت به صدق قرآن بیشتر می شود؛ همان طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود می آورند و به عظمت آن اعتراف می کنند.

از این رو است که می بینیم برخی دانشمندان غربی، هم چون «موریس بوکای» در کتاب «مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته است و در موارد متعدّدی اعتراف می کند که تورات و انجیل با یافته های علوم تجربی مخالف است، اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجاز آمیزی بیان کرده است. (۳)

۱- (۱) . نک : پژوهشی در اعجاز علمی قرآن ، از نگارنده.

۲- (۲) . راترود ویلانت، مقاله تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر، دائره المعارف قرآن لیدن (پیشین)

۳- (۳) . The Bible the Quran and Science. Maurice Bucaille این کتاب چند بار به فارسی و به عربی ترجمه شده است. نام ترجمه های فارسی و عربی آن به این قرار است: - حسن حبیبی؛ عهدین، قرن و علم، انتشارات سلمان، ۱۳۵۷؛ - ذبیح اللّه دبیر؛ مقایسه ای میان تورات، انجیل و قرآن و علم، انتشارات فرهنگی و اسلامی، ۱۳۶۵؛ - التوراه و الإنجیل و القرآن و العلم الحدیث؛

۴. نظریه پردازی های علمی قرآن: همان طور که قبلاً اشاره شـد یکی از ثمرات برداشت های علمی از قرآن پدید آمدن نظریه های نو در زمینه علوم طبیعی (مثل وجود موجودات زنده در آسمان، (شوری/ ۲۹) و در زمینه علوم انسانی (مثل دیدگاه اقتصاد بدون ربا) است.

۵. جهت دهی به علوم انسانی: همان طور که قبلاً اشاره شـد یکی از ثمرات برداشت های علمی از قرآن پیـدایش مبانی جـدید برای علوم انسانی است که موجب جهت دهی جدید به این علوم می گردد.

برای مثال: رعایت اصل اساسـی عدالت در اقتصاد و توجه به اصل فقرزدایی در اقتصاد و مدیریت و نیز رعایت اخلاق اسـلامی در مـدیریت و نیز توجه به دو بعـدی بودن شخصـیت انسـان (روح و جسم) در روانشناسـی و بـا توجه به خـدا محوری به جـای انسان محوری (اومانیسم) علوم انسانی می توانـد، مبانی جدیدی برای این علوم به وجود آورد و جهت جدیدی به آن ها بدهد به طوری که علوم انسانی جدیدی در جهان پدید آید.

۸- آسیب های برداشت علمی از قرآن

۱. علوم تجربی، غالباً قطعی نیست و نظریـات و تئوری هـای آن، مـتزلزل است و بعـد از مـدّتی تغییر می یابـد و اگر قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ پس از مدّتی که آن نظریه ها تغییر کرد، مردم در مورد بیانات قرآنی شک کرده و ایمان آن ها متزلزل می گردد؛ برای مثال، این که بعضـی افراد قرآن را با هیئت بطلمیوسـی تفسیر کردند و افلاک نه گانه را با آیات قرآن تطبیق نمودنـد و پس از قرن ها آن نظریه باطل شـد، موجب گردیـد تا بعضـی گمان کنند علم هیئت جدید (کپرنیکی) با قرآن در تعارض است. (۱)

۲. تفسیر علمی در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می شود؛ زیرا افرادی

ص:۹۸

۱- (۱) . دکتر ذهبی، التفسیر و المفسّرون، ج ۲، صص ۴۹۱- ۴۹۴.

که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعدّدی که در ذیل می آید، به دام این مسأله گرفتار می آیند:

الف) بعضـی افراد تخصّص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارند و بدون داشتن شرایط یک مفسّر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کنند و این، یکی از مواردی است که افراد به دام تفسیر به رأی می افتند.

ب) برخی افراد مغرض، ممکن است با اسـتفاده از آیات ناظر به علوم مختلف، بخواهنـد نظریات خود را اثبات کننـد که گاهی این نظریات، انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با اسـتفاده از تفسـیر علمی قرآن سامان می دهند که موجب تحمیل نظرات بر قرآن می شود که از مصـادیق بـارز تفسـیر به رأی است؛ برای مثـال، کسـانی سـعی می کننـد حقـایق غیبی و ماورای طبیعی قرآن را به مسایل محسوس ربط بدهنـد و تا آن جا پیش می رونـد که می گویند: منظور قرآن از ملائکه، همان میکرب هـاست که جـان انسان ها را می گیرد. (۱) و یـا در جـای دیگر، قابیـل را حمـل بر دو دوره جامعه بی طبقه و جامعه فئودالیزمی (ارباب و رعیتی) می کنند، تا با مراحل تکامل جامعه در مکتب مارکسیسم مطابقت کند. (۲)

ج. برخی افراد می خواهنـد همه علـوم را از قرآن اسـتخراج کننـد (همـان طور که در مورد غزالی گـذشت) و در این رابطه هر مطلبی علمی را بـا قرآن تطبیق و گـاهی تحمیل می کننـد که موجب تفسیر به رأی می شود. در حالی که بیان شـد، مبنای این دیدگاه مخدوش است.

۳. تفسـیر علمی قرآن گاهی به تأویل غیر جایز منتهی می شود؛ چنان چه بعضـی افراد برای تفسـیر علمی قرآن، از حدود ظواهر الفاظ و آیات می گذرند و هر کدام از آیات را که با یک نظریه، یا قانون علمی (که مورد نظر آن هاست) منافات و

۱- (۱) . دروس سنن کائنات، ص ۴۵۱، به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابوالحجر، ص ۲۲۸.

۲- (۲) . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص۷۸.

تعارض دارد، تأویل می کنند تا بتوانند آن نظریه را، به قرآن نسبت دهند. (۱) به عبارت دیگر نظریه های اثبات نشده علمی را به قرآن تحمیل می کنند که نوعی تغییر به رأی است.

نمونه جالب این نوع تاویلات، در مورد نظریه تکامل انواع داروین صورت گرفته است. یک نفر، کتابی می نویسد باپیش فرض پذیرش نظریه تکامل و هر آیه ای که موافق نظریه تکامل است می آورد، سپس آیات مخالف را تأویل می کند و بر خلاف ظاهر آیات، آن ها را با نظریه تکامل وفق می دهد و شخص دیگر، کتابی می نویسد با پیش فرض ردّ نظریه تکامل و آیات مخالف را می آورد ، سپس آیات موافق نظریه تکامل را به نظر خود بر می گرداند و مرتکب تأویل می گردد؛ (۲) و هر دو هم، نظر خود را به قرآن نسبت می دهند و گاهی بر آن اصرار می ورزند.

نمونه دیگر آن را در بحث «عرش» و «کرسی» و تأویل آن ها، به فلک هشتم و نهم می توان دید، چنان چه نمونه دیگر آن در تأویل قصه ابراهیم، حیات و مرگ جامعه ها در تفسیر المنار ملاحظه شد. (۳) و شاید مقصود علاّمه طباطبایی نیز از «تطبیق» نامیدنِ تفسیر، همین تحمیل و تأویل آیات باشد. (۴)

۴. تفسیر علمی قرآن و آوردن مطالب علمی زیاد، در لابه لای تفسیر قرآن ، موجب می شود که مقصد اصلی آن که تربیت، تزکیه انسان و هدایت اوست، فراموش گردد؛ چنان چه پاره ای از تفسیرهای جدید (مثل طنطاوی) این گونه عمل کرده اند؛ بر این اساس، بهتر است از تفسیر علمی قرآن ، چشم پوشی کرده و مقاصد اصلی را در تفسیر ذکر کنیم.

به عبارت دیگر، تفسیر علمی موجب سوء فهم، از ذات قرآن و وظیفه آن

۱- (۱) . البته این گونه تأویل های غیر جایز، تحمیل بر قرآن و نوعی تفسیر به رأی است.

۲- (۲) . برای اطلاع بیشتر، ر.ک: مسیح مهاجری، نظریه ی تکامل از دیدگاه قرآن؛ علی مشکینی، تکامل در قرآن؛ یدالله سحابی، خلقت انسان در بیان قرآن.

۳- (۳) . مبحث دیدگاه ها به نظریه ی بوعلی سینا، علّامه مجلسی و رشید رضا در المنار، مراجعه شود.

۴- (۴) . المیزان، ج ۱، ص ۶.

می شود (چون با بیان مطالب علمی قرآن، گاهی هدف اصلی آن که تربیت انسان است، فراموش می گردد) و گمان می شود که قرآن تنها برای بیان علوم آمده است. (۱)

۵. تفسیر علمی موجب می شود که حقایق قرآنی مَجاز شود و بلاغت آن مخدوش شود؛ یعنی معانی اصلی خود را از دست بدهد (و قرآن بر اساس لغت عرب صدر اسلام معنا نشود؛ پس تفسیر علمی صحیح نیست. دکتر ذهبی در این مورد می نویسد:

«از نظر لغوی تفسیر علمی معقول نیست؛ زیرا الفاظ در طول قرون و اعصار، معنایشان تغییر می کند و معانی لغوی ، شرعی و اصطلاحی ، پدید می آید و بسیاری از این معانی جدید است که در صدر اسلام نبوده است، با این حال آیا می تواند معقول باشد خداوند که با همان الفاظ ، این معانی را که نسل ها بعد، پیدا شده اراده کرده باشد؟ این مطلب را کسی قبول نمی کند، مگر آن که عقل خود را انکار کند». (۲)

آری اگر تفسیر علمی را بپذیریم، بلاغت قرآن، مخدوش می شود؛ زیرا بلاغت عبارت از مطابقت کلام با مقتضای حال است؛ در حالی که طبق تفسیر علمی باید بگوییم که خداوند، معانی و مفاهیمی را که از الفاظ قرآن، اراده کرده، عرب ها به آن معانی جاهل بوده اند و این موجب می شود که یکی از خصایص مهم قرآن (بلاغت و مراعات حال مخاطب را) از آن سلب کنیم. (۳)

البته همان طور که در بیان دیدگاه های موافقان و قائلان به تفصیل علمی گذشت، این آسیب ها قابل پیشگری است، چون اکثر اشکالات به دو گونه «استخراج علوم از فهم قرآن و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن» وارد می شود، بنابراین اگر مفسر قرآن از گونه استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن استفاده کند، اکثر اشکالات و آسیب های فوق بر طرف می شود و همان طور که گذشت تفسیر علمی مبانی و معیارهایی دارد که لازم است مفسر قرآن آن ها را رعایت

ص:۱۰۱

۱- (۱) . تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۶۳ (با تصرّف در عبارات).

۲- (۲) . التفسیر و المفسّرون، ج ۲، صص ۴۹۱-۴۹۴ (با تلخیص و تصرّف در عبارات).

۳- (۳) . همان.

کند، که اگر بر طبق آن ها تفسیر علمی صورت گیرد، برخی دیگر از آسیب ها برطرف می شود.

به عبارت دیگر استفاده از علوم قطعی تجربی، آسیب اول را بر طرف می سازد، و تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی آسیب دوم و سوم را برطرف می سازد، و رعایت اعتدال در استفاده از روش تفسیر علمی، آسیب چهارم را برطرف می سازد.

البته سوء استفاده از روش های تفسیری یا افراط و تفریط برخی مفسران در مورد روش خاص تفسیری مخصوص تفسیر علمی نیست و این آسیب کم و بیش در بقیه روش های تفسیری نیز وجود دارد که با رعایت اعتدال و ضوابط تفسیر و مفسر، مشکل بر طرف یا کمتر می شود.

در هر صورت تفسیر علمی خلاف بلاغت قرآن نیست و موجب مجاز نمی شود چرا که قرآن برای یک زمان و مردم خاص نازل نشده است و الفاظ و مفاهیم قرآنی در هر عصری مصادیق جدیدی پیدا می کند مثل واژه «عمد» در آیه (رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) (۱) که به معنای ستون هاست ولی در طول زمان مصادیق متعددی مثل ستون خیمه و ستون های فولادی و نیروهای ستون مانند مثل نیروی جاذبه پیدا کرده است. بنابراین کشف مصادیق جدید آیات و تبیین های جدید دلیل عظمت قرآن و اوج بلاغت آن است که محصور در زندان زمان نیست. البته ممکن است برخی افراد بر خلاف معنای لغوی مطالب را بر قرآن تحمیل کنند که این خلاف لغت و بلاغت خواهد بود.

جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموع مطالبی که گذشت روشن شد که تفسیر علمی یکی از روش های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، این روش تفسیری گونه های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن صحیح نیست چون منتهی به تفسیر به رأی

۱- (۱) . رعد/ ۲.

می شود ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن صحیح است، در ضمن روشن شد که تفسیر علمی امتیازات خاصی هم چون فهم بهتر آیات علمی قرآن و اثبات اعجاز علمی را دارد ولی آسیب هایی نیز داشته است که اگر آن معیارهای آن رعایت شود و از گونه صحیح تفسیر علمی (استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن) استفاده شود غالب آسیب ها برطرف می شود.

ص:۱۰۳

فصل سوم: قرآن و علوم انسانی

اشاره

ص:۱۰۴

درآمد

قرآن کریم برای هدایت بشر به سوی سعادت و کمال مطلق فرود آمده است.

(ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ) ؛ (بقره/ ۲)، «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست؛ [و] راه نمای خود نگهداران است».

و این هدایت گری همه ابعاد و ساحت های وجودی انسان اعم از فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، روان شناختی، حقوقی و ... را شامل می شود. پس این ساحت های وجودی انسان از طرفی موضوعات هدایت قرآنی است و از طرف دیگر موضوعات علوم انسانی است. از این رو قرآن در هدف خویش (هدایت) پیوند ناگسستنی با علوم انسانی دارد. یعنی موضوع هر دو ساحت های وجودی انسان است. آری علوم انسانی داعیه دار راهنمایی بشر در ساحت های وجودی فوق است و قرآن نیز رهبری همین ابعاد را بر عهده دارد. از این رو رابطه قرآن و علوم انسانی، رابطه ای دو سویه است یعنی از طرفی قرآن در علوم انسانی تأثیرگذار است و از طرف دیگر علوم انسانی می تواند به قرآن خدمت رسانی کند.

شناخت این رابطه دو سویه در عصر حاضر از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که سرنوشت فرهنگ بشری به دست علوم انسانی است و این علوم با مبانی و اهداف خاصی در غرب شکل گرفته که گاهی با آموزه های قرآنی سازگار و گاهی ناسازگار است. پس سرنوشت و سعادت انسان در قرن بیست و یکم در حلّ درست این رابطه است.

هر چند که معظل علوم انسانی برخاسته از فرهنگ غرب، مشکل همه

ص:۱۰۶

کشورهای شرقی است اما در این میان این مشکل برای مسلمانان بیشتر است چون بسیاری از مبانی و اهداف و روش های علوم انسانی جدید در تعارض با فرهنگ و عقاید آنهاست و در این میان بهترین کتابی که می تواند منبع حل این مشکل باشد قرآن کریم است که از طرف خدای حکیم و دانا برای تمام ساحت ها و ابعاد وجودی انسان راهکارهای اساسی و حکیمانه دارد.

از این رو لازم است این رابطه بررسی و راهکارها ارایه شود تا بشریت را به سعادت رهنمون شود.

مفهوم شناسی

مقصود از علوم انسانی (Humanities Sciences)دانش هایی است که با موضوع انسان شکل گرفته است مثل جامعه شناسی، روان شناسی، مدیریت، سیاست و ... در برابر علوم طبیعی (Natural Sciences)که با موضوع طبیعت شکل گرفته است مثل زیست شناسی، زمین شناسی، کیهان شناسی و ...

هر چند که هر دو در یک تقسیم بندی زیر مجموعه علوم تجربی قرار می گیرد که خود شاخه ای از علوم بشری (علوم تجربی – عقلی – نقلی – شهودی) است. البته در مورد تقسیمات علوم و تعریف هر کدام و چیستی آن ها و شیوه شکل گیری نظریه ها و تئوری های علمی دیدگاه های متفاوتی وجود دارد که پرداختن به آن ها از حوصله این نوشتار خارج است. (۱)

پیشینه

رابطه قرآن و علوم سابقه ای هزار ساله دارد که با عنوان تفسیر علمی از آن یاد می شود. اما غالب این رابطه که در حوزه علوم طبیعی بوده است. (۲)

۱- (۱) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۲۰۰، از نگارنده و نیز کتاب حدس ها و ابطال ها و کتاب منطق اکتشافات علمی، تألیف پوپر و ترجمه احمد آرام.

۲- (۲) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده و سیر تطور تفسیر علمی، دکتر ناصر رفیعی و التفسیر العلمی فی المیزان، دکتر عمر ابوحجر.

و در چند دهه اخیر تعامل قرآن و علوم انسانی به صورت روشن مطرح شده است و تک نگاری هایی در حوزه اقتصاد، سیاست، مدیریت و ... نگاشته شده است. (۱) اما در آن ها به حوزه مباحث نظری قرآن و علوم انسانی کم تر پرداخته شده است. هر چند که در مجلات و مقالات دهه اخیر به این مباحث توجه ویژه ای شده است و حتی مطالعات و تفسیرهای میان رشته ای قرآن و علوم مثل تفسیر تربیتی قرآن و ... مطرح شده است. (۲) و اخیراً تک نگاری هایی در اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی مثل الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجبی و الاعجاز الاقتصادی، للقرآن الکریم، دکتر یونس رفیق نگاشته شده است.

اول: نقش قرآن در علوم انسانی

اشاره

قرآن کریم در چند زمینه و به چند صورت در علوم انسانی تأثیر گذاشته یا می تواند تأثیر گذارد:

الف: نوگستری (ایجاد یا گسترش برخی از علوم انسانی)

در یک نگاه تاریخی روشن می شود که برخی از علوم انسانی به صورت مستقیم و برخی دیگر به صورت غیر مستقیم تحت تأثیر قرآن شکل گرفته و یا رشد یافته است.

علامه طباطبایی رحمه الله بر این نقش تأکید می کند و برخی از این علوم را نام می برد. (البته بحث ایشان اعم از علوم انسانی و طبیعی است) از جمله:

الف: علومی که قرآن، مستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آن ها خود قرآن کریم است.

۱- (۱) . ر.ک: مدیریت از منظر قرآن و سنت، سید قوام الدین صمصمامی، قرآن و سیاست، قاضی زاده، آیات اقتصادی قرآن، سید کاظم رجایی، و نیز کتاب های قرآن و اقتصاد، سیاست و ... از بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.

۲- (۲) . ر.ک: مجله تخصصی قرآن و علم (ش ۱ – ۵) از مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی و مجله مطالعات میان رشته ای قرآن و علوم، از جهاد دانشگاهی.

یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن به وجود آمده است و کم کم رشد یافته و به صورت دانش مستقل درآمده است، که این علوم گاهی به الفاظ قرآن و گاهی به معانی و معارف قرآن می پردازد، و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن ها کتاب های متعدد نوشته شده است، (۱) از جمله:

۱. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن ها می پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می کند.

۲. علم قرائات: که به ضبط قرائت های هفتگانه (یازده گانه یا چهارده گانه) قرآن می پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن ها را بیان می کند.

۳. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عامل و خط قرآن بصورت خاص می پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و...) و ویژگی های آن ها را بیان می کند.

۴. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تأویل، باطن و... می پردازد.

۵. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه ها و دلایل آن ها می پردازد.

۶. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.

۷. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی کرد، (۲) از این رو سنت ایشان نقش تفسیری را برای قرآن به عهده گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها ده ها کتاب تفسیر روایی در این زمینه نگارش یافتند که روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت را جمع آوری کردند. (۳)

۱- (۱) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۹۵ - ۹۶.

۲- (۲) . (وَ أَنْزَلْنا إِلَيْکَ الذِّکْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) ، (نحل/ ۴۴).

۳- (۳) . از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نورالثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت.

ب: علومی که قرآن، غیرمستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:

در میان مسلمانان علومی وجود دارد که در اثر تشویق قرآن به علم و یا برای خدمت رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) به وجود آمد و کم کم رشد کرد و بصورت دانش های مستقل پدیدار گشت، و در طول تاریخ اسلام کتاب های متعددی در مورد آن ها به نگارش درآمد از جمله:

۱. علم درایه: که برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آن ها شکل گرفت.

۲. علم رجال: که برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. (۱)

۳. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم بصورت یک علم منسجم درآمد.

۴. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می پردازد و کم کم بصورت علم مستقل و گسترده ای در جهان اسلام درآمد.

۵. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آن هاست که بصورت مقدمه علم فقه نمودار شد اما در حقیقت مقدمه علم تفسیر و حدیث و فقه و... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

۶. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفظ صحیح آیات بنیان گذاری شد، (۲) ولی از آن جا که فواید عام برای تمام علوم داشت و مقدمه فهم و تلفظ هر نوع متنی بود، کم کم بصورت علوم مستقل درآمد و میراث گران بهایی برای ملت عرب سامان یافت، و دانشمندان و متخصصان کتاب های زیادی در این زمینه نگاشتند، و حتی بر ادبیات فارسی و ترکی و... نیز

۱- (۱) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۷ - ۹۶.

۲- (۲) . ر.ک: شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری.

تأثیرات مثبت گذاشت. (۱)

۷. تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث شروع شد سپس بصورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب های تاریخ را شکل داد. (۲)

ج: علومی که قرآن باعث رشد آن ها شده است.

برخی علوم در فرهنگ و تمدن های ملت های مختلف به وجود می آید و گاهی از یک ملت به ملت دیگر منتقل می شود و رشد می یابد و گاهی این جریان بر عکس می شود.

مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند و برخی علوم را از یونان، ایران و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن ها افزودند، (۳) از جمله:

۱. فلسفه: که در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تأثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی پیدا کرد، بطوری که همه مسایل متن و براهین و ادلّه آن ها را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. (۴)

۲. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه علوم مسلمانان راه یافت اما با توجه به اینکه قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو (۵) و ... توجه کرده بود، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم پیشرفت زیادی در مسلمانان پیدا کرد و کتاب های متعددی در این زمینه نگارش یافت.

در عصر حاضر نیز می توان با استفاده از قرآن در جهت دهی به مبانی علوم انسانی و نظریه پردازی های علمی قرآنی به نوگستری در علوم دست یافت و علوم

۱- (۱) . پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۳۲۱ به بعد.

۲- (۲) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۶ - ۹۵.

۳- (۳) . ر.ک: آلدومیه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام.

۴- (۴) . ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۹۷.

۵- (۵) . ر.ک: نحل/ ۱۲۵.

جدید انسانی - قرآنی به وجود آورد. (۱)

ب: جهت دهی به مبانی و اهداف علوم انسانی

یکی از از تأثیرات قرآن در علوم انسانی آن است که اهـداف و مبانی جدیدی برای آن ها تعریف می کند که در اثر آن چهره علم تغییر می کند. برای مثال:

۱. تأثیر قرآن در مبانی اهداف اقتصادی

قرآن در هـدف گـذاری اقتصـادی چرخش اموال بین همه مردم و انبـاشت نشـدن ثروت در قطب ثروتمنـد جامعه را مطرح می سازد.

(کَیْ لا یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ ...) ، (سوره حشر، آیه ۷)؛ «تا (ثروت ها) در میان توانگران شما [دست به دست] نگردد و ...».

(اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی) ، (سوره مائده، آیه ۸)؛ «عدالت کنید! که آن به خود نگه داری نزدیک تر است».

(لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ) ، (سوره حدید، آیه ۲۵)؛ «تا مردم به دادگری برخیزند».

و در مبـانی اقتصادی نگاه خاص قرآن نسبت به خـدا، جهان و انسان مطرح می شود که در نظام اقتصادی تأثیر دارد مثلاً وقتی خـدا محوری زیربنای اقتصاد باشـد و انسان بنـده و فرمانبردار خـدا و جهان در خدمت انسان فرض شود. آنگاه اقتصاد با جهت گیری خدمت به انسان در راستای نزدیکی به خدا شکل می گیرد.

پس دیگر هـدف اقتصاد ثروت آور محض نیست بلکه ثروتی مطلوب است که در راسـتای خـداپرستی و عـدالت باشـد، با این نگاه مسئولان اقتصادی و برنامه ریزان اجازه ندارند که برای به دست آوردن رشد اقتصادی بیشتر هر گونه ظلم و بی عدالتی را روا دارنـد. و کـارگزاران اقتصـادی اجـازه ندارنـد که از هر راه غیر مشـروعی (مثـل شـراب سـازی و ...) سود به دست آورنـد. هنگامی که مبانی و اهداف اقتصاد بر اساس آموزه های قرآن سامان یافت، کم کم چهره اقتصاد تغییر می کند و مکتب و نظام اقتصادی جدیدی در فضای میان رشته ای قرآن و اقتصاد شکل می گیرد.

۱- (۱) . توضیح این مطالب در مباحث بعدی خواهد آمد.

البته ممکن است علم اقتصاد و محاسبات و آمارها و ... تغییری نکند چون به عنوان ابزاری در خدمت مکتب و نظام اقتصادی است.

تذکر: گاهی قرآن علاوه بر مبانی و اهداف در گزاره های اقتصادی نیز دخالت می کند برای مثال ربا را حرام اعلام می کند و معاملات را حلال اعلام می کند.

(وَ أَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا) ، (بقره/ ۲۷۵)؛ «خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است».

این نقش آفرینی قرآن نیز برخاسته از همان مبانی و اهداف اقتصاد در قرآن است و در جهت دهی به اقتصاد کاملاً مؤثر است.

۲. جهت دهی به اهداف و مبانی دانش حقوق:

قرآن کریم در قانون گزاری اهداف، مبانی انسان شناختی، جهان شناختی و روش شناختی خاصی دارد که در شکل گیری نظام حقوقی مؤثر است هدف اساسی قرآن هدایت انسان به سوی خداست؛

(ذٰلِكَ الْكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ) ، (بقره/ ۲)؛ «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست؛ [و] راه نمای خود نگهداران است».

و هدف دیگر آن اجرای عدالت بین انسان هاست:

(وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ) ، (حدید/ ۲۵)؛ «و همراه آنان کتاب (الهی) و ترازو را فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند».

از این رو اگر قرآن قانونی ارایه می کند و روابط انسان ها را تنظیم می کند برای ایجاد عدالت است که آن هم مقدمه هدایت پذیری مردم و راهنمایی آن ها به سوی خداست تا به سعادت و کمال نهایی خود برسند.

از منظر قرآن سرچشمه قانون خداست، خدایی که حکیم و دانای به همه چیز است و خطا نمی کند، خدای متعال از طریق وحی به پیامبران، این قوانین را ارایه می کند و تخطئی از آن ها را جایز نمی شمارد:

(إِنِ الْحُكْمُ إِلاّ لِلّهِ) ، (انعام/۵۷ و یوسف/۴۰ و ۶۷)؛ «حکم جز برای خدا نیست».

ص:۱۱۳

(وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِما أَنْزَلَ اللّهُ فَأولئِکَ هُمُ الْكافِرُونَ) ، (مائده/ ۴۴)؛ «و کسانی که طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری نکرده اند، پس تنها آنان کافرند».

در حالی که نظام حقوقی رومی ژرمنی، منشأ حقوق را قانون می داند (۱) قانونی که توسط بشر وضع می شود، انسانی که علم محدود و خطا پذیر دارد از این رو قوانین بشری دائماً در حال تغییر و آزمایش و خطاست.

و نیز نظام حقوق کامن لا منشأ حقوق را عرف و رویه قضایی قضات می دانند (۲) در حالی که همان اشکال قبلی در اینجا نیز جاری است.

قرآن مبانی انسان شناختی، جهان شناختی و روش شناختی خاصی در مباحث سیاسی نیز دارد همان طور که اهداف ویژه ای را در سیاست مطرح می کند. طرح همه آن ها همان طور که قرآن گزاره های سیاسی خاصی دارد که اصول ویژه ای دارد در سیاست داخلی و خارجی را ارئه می کند مثل عدم جواز سلطه کافران بر مؤمنان در سیاست:

(وَ لَنْ يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) ، (نساء/ ۱۴۱)؛ «و خدا هیچ راهی برای (تسلّط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

البته این بحث در علوم انسانی دیگر مثل مدیریت، روان شناسی، جامعه شناسی و ... نیز سریان می یابد که در این مختصر نمی گنجد.

ج: نظریه پردازی های علمی قرآنی

(۳)

قرآن کریم برخی مطالب را در حوزه علوم انسانی مطرح می کند که سابقه ای در این دانش ها ندارد که می تواند به عنوان نظریه های رقیب در علوم انسانی مطرح شود. و موضوع پژوهش و عمل قرار گیرد تا نتایج درخشان آن ها روشن شود و

۱- (۱) . مقدمه علم حقوق، کاتوزیان، ناصر، ص ۱۱۰.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . تعبیر نظریه پردازی در این مورد با نوعی تسامح در تعبیر همراه است چرا که قرآن حقایق را بیان می کند نه نظریه های اثبات نشده در معرض آزمایش و خطارا.

زندگی انسان را به سوی سعادت رهنمون گردد و چهره علوم انسانی را دگرگون سازد؛ برای مثال:

۱. نظریه مشروعیت در نظام سیاسی:

قرآن کریم نظام سیاسی خاصی را ارایه می کند و مشروعیت را از بالا به پایین می داند و می فرماید:

(أَطِيعُوا اللّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) ، (نساء/۵۹)؛ «خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید».

این مطلب برخلاف نظام های سیاسی معاصر در جهان است که معمولاً مشروعیت حکومت را از پایین به بالا یعنی بر اساس رأی مردم می دانند. به عبارت دیگر در نظام سیاسی قرآن، رأی مردم جایگاه بلندی دراد و معیار مقبولیت حکومت است. ولی منشأ مشروعیت فرمان خداست که از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان خاص و عام ایشان جریان می یابد. و اینها در طول یکدیگر است.

اگر همین نظریه قرآنی در دانش سیاست جریان یابد کافی است که چهره نظام سیاسی قرآنی از نظام های سیاسی دیگر متفاوت شود و نظام سیاسی جدید متولد شود اجرای این نظریه قرآنی موجب سعادت بشر می شود چرا که فرمان خدای حکیم که دانای به همه اسرار هستی است در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر جاری می شود فرمانی که خطا در آن راه ندارد و مصلحت های انسان ها در آن لحاظ شده است.

در حالی که اجرای نظام های سیاسی رقیب از نوع سوسیالیستی یا دموکراسی، همیشه در معرض آزمایش و خطاست چون فرمان های برخاسته از این نظام های سیاسی بر اساس اراده انسان هاست که بدون احاطه علمی و عصمت است و در نتیجه خطاپذیر خواهد بود.

همان طور که هر روز آثار منفی حکومت های بشری را در سراسر جهان مشاهده می کنیم و حتی برخی از آن ها مثل نظام کمونیستی به بن بست خود را اعلام کردند.

ص:۱۱۵

۲. اقتصاد بدون ربا:

قرآن کریم در مباحث اقتصادی، معاملات ربوی را نفی می کند و آن را جنگ با خدا می نامد:

(فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ ...) ، (بقره/ ۲۷۹)؛ «پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده اش هستید».

در حال که اقتصاد معاصر، رباخواری امری رایج و عادی شده است و تا چند سال قبل برخی اقتصادانان بانک بدون ربا را قابل اجرا نمی دانستند. اما با راهنمایی قرآن و به برکت انقلاب اسلامی بانک های غیر ربوی رایج شد و اکنون در جهان معاصر به صورت یک نظریه و پدیده رقیب برای اقتصاد ربوی آمده است.

هر چند که هنوز دیدگاه های اسلامی در این مورد به صورت کامل اجرا نشده است و نیازمند تکمیل تجربه عملی آن است. اما اگر نظریه قرآنی اقتصاد بدون ربا به صورت نظام مند و عملی ارایه و به صورت کامل اجرا شود تحوّلی در اقتصاد به وجود می آورد و اقتصاد کشورها را شکوفا و به سوی تولید واقعی و بهتر پیش می برد.

۳. تأثیر عوامل معنوی در اقتصاد:

معمولاً در دانش اقتصاد عوامل مادی مؤثر در رشد یا کاهش رشد اقتصادی مد نظر قرار می گیرد ولی از عوامل معنوی غفلت می شود. اما قرآن کریم در کنار عوامل مادی به عوامل معنوی رشد اقتصادی جامعه توجه کرده است و می فرماید:

(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ) ، (اعراف/ ۹۶)؛ «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگه داری می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم».

یعنی ایمان و تقوا موجب نزول برکات آسمانی (مثل باران و ...) و رشد اقتصادی جامعه می شود.

البته بررسی این مطلب و نتایج آن نیازمند تحقیق نظری و میدانی وسیع است.

۴. تأثیر عوامل معنوی در کنترل افراد، بازدارندگی از تخلفات ضمانت اجرای قوانین: معمولاً در نظام های حقوق معاصر برای ضمانت اجرای قانون تنبیه های

مبـادی مثل مالی یا محرومیت اجتماعی و زنـدان در نظر می گیرنـد. اما در قرآن کریم نه تنها به تنبیه های مادی و بـدنی توجه شـده است به عوامل معنوی نیز توجه شده است چرا که عوامل معنوی مثل ایمان به خدا و معاد و ترس از عذاب های اخروی و شاهد دانستن خدا و فرشتگان و در نتیجه تقوای الهی موجب می شود که افراد خویشتن را در برابر قانون گریزی کنترل کنند و از قـانون تخلف نکننـد چرا که از نظر مومنـان مخـالفت بـا قانون گناه و جرم است و ترس از مقام الهی و انجام فرمان های او و قوانین زمینه ساز بهشت است.

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ) ؛ (اعراف/ ۲۰۱)، «به راستی، کسانی که خودنگه داری می کنند، هنگامی که وسوسه ای از شیطان با آنان تماس یابد، به یاد (خدا) می افتند؛ و ناگهان آنان بینش یابند».

(وَ أَمّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوى) ؛ (نازعات/۴۰)، «و اما کسـی که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس را از هوس منع کرده».

(ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاّ لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) ؛ (ق/۱۸)، «(انسان) هیچ سـخنی تلفّظ نمی کند، مگر آن که نزد او (فرشـته ای) نگهبان آماده(ی ثبت) است».

البته این نظریه قرآنی در مـورد عوامـل کنـترل و ضـمانت اجرای قوانین علاـوه بر دانش حقوق در دانش مـدیریت نیز می تواند مطرح شود. چرا که کنترل و ارزیـابی یکی از مباحث محوری مـدیریت است که معمولاً در دانش مـدیریت برای اجرای آن از ابزارها و عوامل مادی ارزیابی و کنترل استفاده می شود در حالی که براساس دیدگاه قرآنی یاد خدا و معاد و نظارت فرشتگان الهی الهی می تواند عوامل کنترل باشد.

د: اصلاح و بازسازی علوم انسانی

از آن جـا کـه علـوم انسـانی معاصــر در دل فرهنـگ غرب رشـد کرده اسـت مبـانی و اهـداف فرهنـگ غرب مثـل اومـانیسم و سکولاریسم در علوم انسانی معاصر اشراب شده است.

علوم انسانی معصار بر اساس انسان محوری و جـدایی دین از دنیا شـکل گرفته است و لـذت گرایی و سودگرایی حداکثری از اهداف آن است.

از این رو لاـزم است این گـونه مبـانی و اهـداف تصـحیح شـود. تـا این علوم در مسـیر صـحیح قرار گیرد و انسـان را بر اسـاس مصلحت و حکمت و دستورات الهی

به سعادت رهنمون شود.

این اصلاح و بازسازی علوم انسانی در پرتو آموزه های قرآنی ممکن است. براساس آموزه های قرآنی دین از دنیا جدا نیست و بلکه دین مجموعه مقررات و رهنمودهای الهی برای انسان از قبل از تولد تا بعد از مرگ است و دنیا زمینه ساز سعادت اخروی است. هر چند که دنیا و لذت گرایی و سودگرایی هدف نیست.

از منظر قرآن خدامحور هستی است و او مبدأ و بازگشتگاه همگان است.

(إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) ، (بقره/ ۱۵۶)؛ «در حقیقت ما از آنِ خداییم و در واقع ما فقط به سوی او بازمی گردیم».

پس لازم است که همه انسان مطیع دستورات او باشند.

آری اگر براساس این مبانی علوم انسانی تغییر کند علوم انسانی جدیدی تولید می شود که رنگ قرآنی خواهد داشت.

دوم: نقش علوم انسانی در مورد قرآن

اشاره

علوم انسانی در چند مورد و به چند صورت به قرآن خدمت رسانی می کند:

الف: تأثیر علوم انسانی در فهم و تفسیر بهتر قرآن (سامان دهی تفسیرهای تخصصی قرآن)

تفسیر قرآن هم چون دانش های دیگر بشر در طول تاریخ سیر تکاملی خویش را می گذراند و تعمیق علوم دیگر انسان در فهم و تفسیر بهتر قرآن مؤثر است. تا آن جا که در عصر حاضر سخن از تفسیرهای تخصصی قرآن با رویکرد هر یک از علوم انسانی است مثل تفسیر تربیتی قرآن، تفسیر مدیریتی، تفسیر سیاسی، تفسیر اقتصادی، تفسیر حقوقی (۱) و ... البته این تفسیرها هرکدام می تواند با سه رویکرد اساسی سامان یابد، که عبارتند از:

۱. توضیح آیات قرآن به وسیله علوم انسانی

ص:۱۱۸

۱- (۱) . ر.ک: مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۳ - ۴ - ۵، (مقالات متعددی در مورد مبانی، روش شناسی و ... تفسیرهای تخصصی قرآن و علوم انسانی دارد).

برخی آیات قرآن شامل مطالب و احکامی است که در رابطه با علوم انسانی قرار می گیرد و فهم و تفسیر بهتر آن ها نیازمند توضیحات از علوم انسانی است برای مثال:

– قرآن کریم سخن از حلال بودن معاملات و رعایت عقود می گوید:

(أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ) ؛ (بقره/ ۲۷۵)، «خدا معامله را حلال کرده».

(أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) ؛ (مائده/۱)، «به قراردادها وفا کنید».

اما تعیین و توضیح موضوعات و مصادیق جدید معاملات و پیمان ها و قراردادها نیازمند علم اقتصاد است.

یا هنگامی که قرآن کریم سخن از صله رحم و محبت به پدر و مادر و پیمان برداری مؤمنان می گوید، آثار روانی و اجتماعی آن ها با کمک روان شناسی و جامعه شناسی توضیح داده می شود که این امور تا چه اندازه در تأمین بهداشت روانی فرد و جامعه مؤثر است.

۲. استنباط نظام ها از قرآن

در هر یک از علوم انسانی دو مقوله مجزا وجود دارد: مثلاً در علوم تربیتی یک دانش تربیت وجود دارد که علمی تجربی و متکی بر آزمایش و خطا و آمار و ... است. و یک نظام تربیتی وجود دارد که دارای موضوع، قلمرو، مبانی، اهداف، روش ها، اصول و ... است. قرآن معمولاً از عناصر نظام و مکتب سخن می گوید و کمتر به جزئیات دانش می پردازد. یکی از خدمات علوم انسانی به قرآن آن است که به مفسّر کمک می کند تا با ادبیات هر دانش به استنباط نام آن علم از قرآن بپردازد.

برای مثال وقتی ما بخواهیم نظام تربیتی قرآن را استنباط کنیم با استفاده از شیوه های تفسیر موضوعی (برون قرآنی، تطبیقی و میان رشته ای) می توانیم عناصر این نظام را از قرآن استنباط کنیم:

الف: مبانی تربیت: اعم از مبانی انسان شناختی، جهان شناختی و روش شناختی قرآن در تربیت.

مثلاً انسان موجودی دو بعدی شامل جسم و روح و موجودی مختار و دارای فطرت خداجویی و ... است که هر کدام از این ها در شکل دهی و جهت دهی به تربیت انسان مؤثر است.

(وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) ، (حجر/ ۲۹)؛ «و از روح خود در او دمیدم».

(إِنّـا هَـدَيْناهُ السَّبِيـلَ إِمّا شاكِراً وَ إِمّا كَفُوراً) ، (انسان/ ۳)؛ «در واقـع، مـا او را به راه (راست) راه نمـایی کردیم، در حـالی که یا سپاس گزار است، یا بسیار ناسپاس است».

ب: اهـداف تربیت: اعم از اهـداف واسـطه ای مثـل عبـادت، تعلیم، تزکیه و ... و هـدف نهـایی کمـال انسـان که قرب الی الله و ملاقات اوست.

(هُـوَ الَّذِي بَعَـثَ فِي الْـأُمِّيِّينَ رَسُولاً ـ مِنْهُـمْ يَتْلُـوا عَلَيْهِـمْ آيـاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ ...) ، (جمعه/ ۲)؛ «او کسـی اسـت که در میـان درس ناخوانـدگان فرسـتاده ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می خوانـد [و پیروی می کنـد] و رشـدشان می دهـد [و پاکشان می گرداند] و کتاب [خدا] و فرزانگی به آنان می آموزد».

(يا أَيُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّكَ كادِحٌ إِلى رَبِّكَ كَدْحاً فَمُلاقِيهِ) ، (انشـقاق/ ۶)؛ «ای انسـان! در حقیقت، تو به سوی پروردگـارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کشی) و او را ملاقات می کنی».

ج: روش های تربیتی مثل: هشدار (انذار) بشارت (تبشیر) مقایسه، دعوت به تفکر و تعقل و تدبّر و ...

د: اصول تربیت: مثـل تـدریجی بودن تربیت از منظر قرآن و ... وقتی این موارد روشن شـد کم کم نظام تربیتی قرآن شـکل می گیرد. (۱) و این امر با کمک علوم تربیتی و براساس ادبیات آن سامان می یابد.

۳. نگاه علمی به قرآن:

مفسّـر قرآن می توانـد از منظر یکی از علوم انسـانی به آیـات قرآن نظر کنـد، (البته بـا رعـایت ضوابط و روش های معتبر و ...) برای مثال اگر کسـی با نگاه مـدیریتی به آیات قرآن بنگریـد و آن ها را مورد بررسـی و تحلیل قرار دهد در این رویکرد غالب آیات قرآن، آیات مدیریتی خواهد بود. در حالی که ظاهر آن آیات قصص گذشتگان است مثلاً:

قرآن کریم در قصه موسی درخواست ها مدیریتی او از خدا را این گونه بر می شمرد:

۱- (۱) . ر.ک: نظام تربیتی اسلام، حاجی ده آبادی.

(قالَ رَبِّ اشْـرَحْ لِی صَـدْرِی * وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی * وَ احْلُلْ عُقْـدَةً مِنْ لِسانِی) ؛ (طه/ ۲۵-۲۷)، «(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه ام را برایم بگشا * و کارم را برایم آسان گردان * و گره از زبانم بگشای».

قرآن کریم در قصه یوسف دو بشر وزیر اقتصاد را امانت و تخصص می شمارد؛

(اجْعَلْنِی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ) ؛ (یوسف/۵۵)، «مرا بر منـابع (اقتصادی) این سـرزمین بگمار [چرا] که نگهبانی دانایم».

قرآن کریم در قصه طالوت و جالوت دو شـرط رهبری را دانش و توانایی جسـمی می شمارد (وَ زادَهُ بَسْطَهً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ) ، (بقره/ ۲۴۷)؛ «به راستی که خدا او را بر شما برگزیده و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزوده است».

قرآن کریم در قصه دختران شعیب دو شرط کارگزار را توانمندی و امانت داری می شمارد:

(یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ) ؛ (قصص/ ۲۶)، «ای پدر [من] ! اورا استخدام کن، [چرا] که بهترین کسی که استخدام می کنی (شخصِ) نیرومند درستکار».

حـال اگر با این رویکرد به کل آیات قرآن بنگریم و نظام مـدیریت رحمانی خـدای متعال را از آن ها اسـتنباط کنیم می توانیم آموزه ها و پیام های مدیریتی زیادی از آیات قرآن به دست آوریم. (۱)

ب: اثبات اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی

اعجـاز علمی قرآن دارای ابعـاد زیـادی است از جمله اعجـاز ادبی و بیـانی (فصـاحتی و بلاـغت)، اعجاز در ارایه معارف عالی، اعجاز علمی در زمینه کیهان شناسی، طبی، زیست شناسی و ... که در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. (۲)

۱- (۱) . ر.ک: مدیریت از منظر قرآن و سنت، صمصام الدین قوامی.

۲- (۲) . ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی

ولی آنچه در یک دهه اخیر در حوزه اعجاز قرآن مطرح شده و مورد توجه واقع شده است اعجاز قرآن در زمینه های علوم انسانی است که کتاب های متعددی نیز در این مورد نوشته شده است از جمله:

۱. الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجب، انتشارات جدارا للکتاب العالمی، اردن، ۲۰۰۶ م.

ایشان به برخی از مصادیق اعجاز تربیتی قرآن پرداخته است از جمله آیه رضاع را مورد بحث و بررسی قررا داده است. (لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ ...) ، (بقره/ ۲۳۳)؛ «هیچ مادری به واسطه فرزندش ضررنبیند (و به او زیان نرساند)».

۲. الاعجاز الاقتصادی للقرآن، دکتر رفیق یونس المصری، ایشان به برخی از مصادیق اعجاز اقتصادی قرآن پرداخته است. از جمله به آیه: (زُيِّنَ لِلنّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَناطِيرِ الْمُقَنْطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِكَ مَتاعُ الْحَياهِ الدُّنْيا وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ) ، (آل عمران/ ۱۴)؛ «محبت امور دوست داشتنی، از زنان و پسران و ثروت های فراوان، از طلاـ و نقره و اسب های نشان دار و دام ها و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ این ها مایه بهره مندی زندگی پست (دنیا) است؛ و بازگشت نیکو، نزد خداست».

۳. الاعجاز الاقتصادی فی القرآن الکریم، دکتر اسامه سید عبدالسمیع

۴. الاعجاز القرآن فی تشریع المیراث، رفع سید العوضی

البته بحث اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی از سه جهت قابل طرح است:

یک: ارایه گزاره های علمی که قبل از قرآن سابقه نداشته است.

برای مثال در مورد اعجاز تربیتی قرآن می توان گفت که قرآن از هر سه جهت اعجاز است چرا برخی گزاره های علمی (مثل آیه ۲۳۳ سوره بقره در مورد رضاع) را مطرح کرده است (۱) که نکات تربیتی آن در مورد حقوق کودک و ضرر نزدن به

۱- (۱) . ر.ک: الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجب، ص ۱۶۰ به بعد.

پدر و مادر و فرزند و ... قبل از قرآن مطرح نشده بود. (۱)

دو: ارایه نظام علمی، که قبل از قرآن سابقه نداشته است.

برای مثال می توان از قرآن نظام تربیتی خاص و نیز نظام اقتصادی و نظام مدیریتی استنباط کرد که اگر در مقایسه با نظام های رقیب در عصر حاضر قرار گیرد روشن می شود که نظام های قرآنی جامع نگر، کامل تر، کاراتر و موافق فطرت انسانی است پس ارایه چنین نظامی از عهده انسانی که علم ناقص و خطاپذیر دارد ساخته نیست.

سه: نقش مؤثر قرآن در تحوّل علمی مسلمانان در زمینه علمی مورد بحث.

وقتی قرآن کریم در محیط جاهلی عربستان نازل شد حدود ۲۰ نفر با سواد وجود داشت و مردم از نظر تربیتی در پایین ترین سطح قرار داشتند و گرفتار جنگ های قبیله گی، تعصبات، خرافات، انحرافات عقیدتی مثل بت پرستی و ... بودند.

اما قرآن کریم توانست در مدت کوتاهی این مردم را چنان تربت کند از نظر فرهنگی، علمی و نظامی سرآمد آن عصر شوند و بر ایران و روم غلبه کنند.

نقش قرآن در تحوّل تربیتی مردم و تبدیل جاهلیت عرب به محیط رشد یافته از نظر فرهنگی و علمی، اعجاز آمیز بوده است.

همین مطالب در مورد اعجاز اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و ... نیز قابل طرح است.

سوم: روش شناسی

اشاره

تعامل قرآن و علوم انسانی به نوعی تفسیر میان رشته ای قرآن منتهی می شود از این رو لازم است به نکات زیر توجه شود تا نتایج معتبر به دست آید:

الف: استفاده از مبانی و قواعد و روش های تفسیر قرآن

۱- (۱) . البته اعجاز این آیه ادعای دکتر مصطفی رجب است هر چند که استدلال های ایشان قابل بحث و بررسی است.

در دانش تفسیر مبانی (مثل وحیانی بودن متن - عدم تحریف آن - حجیت ظواهر و ...) وجود دارد که بر هر مفسر لازم است آن ها را رعایت کند. (۱)

همان طور که قواعدی (مثل قاعده جری، کاربرد علم و علمی در تفسیر، عدم جواز استفاده از اسرائیلیات، ممنوعیت تفسیر به رأی و قواعد عام ادبی، اصول الفقه، علوم قرآن و ..) وجود دارد که بر هر مفسر لازم است آن ها را رعایت کند. (۲)

همان طور که روش های معتبر تفسیری (مثل قرآن به قرآن، روایی، عقل، علمی، اشاری (باطنی)، اجتهادی جامع) وجود دارد که از طریق آن ها می توان تفسیر قرآن کرد. (۳)

در تعامل قرآن و علوم انسانی نیز لازم است به همه این مبانی و قواعد و روش های توجه شود تا در دام تفسیر به رأی و برداشت های ذوقی و غیر معتبر نلغزیم.

ب: رعایت گونه صحیح تفسیر علمی

از آن جا که تعامل قرآن و علوم انسانی زیرمجموعه تفسیر علمی قرآن است لازم است گونه های تفسیر علمی شناخته و معیارهای آن رعایت شود: (۴)

اول) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن أبی الفضل المرسی ، غزالی و ... کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد ، دست به تأویل، می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر ،

۱- (۱) . ر.ک: منطق تفسیر (۱) مبانی و قواعد تفسیری، محمد علی رضایی اصفهانی، مبانی تفسیر، سید رضا مؤدب.
۲- (۲) . ر.ک: همان و نیز قواعد التفسیر لدی الفریقین، محمد فاکر میبدی.
۳- (۳) . ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲)، روش ها و گرایش های تفسیری، محمد علی رضایی اصفهانی، روش ها و گرایش های تفسیری، حسین علوی مهر، مبانی و روش های تفسیر، عمید زنجانی.
۴- (۴) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی.

مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند.

برای مثال، از آیه شریفه (وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ) (۱) ابراهیم علیه السلام نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (۲) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره ها استفاده کردند (۳) و از آیه شریفه (إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند. (۴)

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند (۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

دوم) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آن ها در قرآن بیابند و هر گاه آیه ای موافق با آن نمی یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می کردند.

مثال این گونه تفسیری را در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. (۶) در این تفسیر، حتّی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید برقرآن طرد

۱- (۱) . شعراء/ ۸۰.

۲- (۲) . ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.

۳- (۳) . التفسیر و المفسّرون ، ج ۲ ، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.

۴- (۴) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۵- (۵) . ر.ک : التفسیر و المفسّرون ، ج ۲ ، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.

۶- (۶) . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث ، ص ۱۵۶.

کردند، چنان که علّامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۱)

البتّه در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّـِر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را و بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

سوم) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّـِر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر ، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کند.

یعنی تلاش می کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

در این جا تأکید می کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص ، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن هاست، کمتر می تواند مطلب علمی قطعی بیان کند.

ج: استفاده از شیوه مطالعات میان رشته ای

هر چند که در تعامل قرآن و علوم انسانی می توان از همه اسلوب های تفسیر ترتیبی (به ترتیب مصحف و به ترتیب نزول) و تفسیر موضوعی (درون قرآنی - برون قرآنی - تطبیقی - میان رشته ای) استفاده کرد. (۲) ولی از آنجا که مباحث قرآن و علوم انسانی زیر مجموعه مطالعات میان رشته ای است لازم است از شیوه تفسیر موضوعی

۱- (۱) . ر.ک: مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

۲- (۲) . ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۳) محمد علی رضایی اصفهانی، مقاله شیوه های تفسیر موضوعی قرآن، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش (۶)، ۱۳۸۸ ش.

میان رشته ای به صورت گسترده استفاده شود و معیارهای آن رعایت گردد.

مباحث بین رشته ای را می توان به سه صورت تصور کرد:

الف: بررسی آراء دانشمندان علوم و مفسران قرآن به صورت مقارن که نتیجه آن تضارت آراء و تقریب افکار دانشمندان دو حوزه است.

ب: بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علم خاص، مثلاً بررسی مشروعیت حکومت از منظر قرآن و علوم سیاسی که نتیجه آن بیان دیدگاه ها در برابر هم دیگر و امکان بررسی مقارنه ای یک موضوع از دو زاویه است.

ج: بررسی یک موضوع علمی در قرآن، برای مثال بررسی روش های تربیتی از منظر آیات قرآن که گاهی این شیوه منتهی به نظریه پردازی های علمی قرآن و موضوع سازی برای علوم و جهت دهی به آن می شود.

آنچه که در مباحث بین رشته ای در این جا مقصود است، شیوه دوم و سوم است. هر چند که شیوه اول یکی از پیامدهای این مباحث خواهد بود.

معیارهای مباحث میان رشته ای یا تفسیر علمی معتبر:

تفسیر علمی قرآن یا استنباط و برداشت های علمی از قرآن کریم معیارهای خاصی دارد که عدم توجه به آن ها منتهی به بی اعتبار شدن تفسیر علمی یا تفسیر به رأی می گردد. از جمله:

۱. استفاده از علوم انسانی اطمینان آور در تفسیر آیات، (و استناد احتمالی به آیات در مواردی که علوم اطمینان آور وجود ندارد).

۲. مفسر تفسیر علمی (علاوه بر شرایط عام مفسّر) از علم انسانی مورد نظر شناخت کافی داشته باشد.

۳. مطلب علمی قرآن با نص یا ظاهر آیه یا آیات سازگاری داشته باشد.

تذکر: البته رعایت معیارها و ضوابط عام تفسیر (مثل استفاده از روش و منابع و قرائن معتبر در تفسیر و مفسّر دارای شرایط و ...) در تفسیر علمی نیز لازم است.

چهارم: آسیب شناسی

اشاره

در تعامل قرآن و علوم در طول تاریخ تفسیر قرآن، افراط و تفریطهایی

صورت گرفته است که به تفسیر علمی قرآن ضربه زده است این بحث در علوم طبیعی و علوم انسانی هر دو وجود داشته است که می توان با رعایت ضوابط و معیارها از آن ها جلوگیریی یا آسیب را به حداقل رساند. (۱)

الف: آسیب ها

از مهم ترین آسیب های تفسیر علمی در حوزه علوم انسانی موارد زیر است.

۱. تلاش برای استخراج همه جزئیات علوم از ظواهر قرآن که منتهی به تأویل های نابه جا و برداشت های ذوقی می شود.

۲. تحمیل نظریه های علمی غیر قطعی بر قرآن کریم که منتهی به تفسیر به رأی می گردد.

۳. دخالت افراد غیر متخصص در این حوزه میان رشته ای (گاهی دخالت متخصصان علوم که تخصص در تفسیر ندارند و گاهی دخالت مفسران قرآن که آشنایی کامل با علوم ندارند).

ب: راهکارها

مهم ترین راه های جلوگیری از آسیب ها یا راه برون رفت از این اشکالات رعایت معیارهای تفسیر علمی (مباحث میان رشته ای) است که بیان شد. از جمله: رعایت روش صحیح تفسیر و عدم تحمیل برظاهر آیه و انجام این کار توسط مفسران آشنا با علوم انسانی است.

۱- (۱) . ر.ک: کتاب درآمدی به تفسیر علمی قرآن و کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

فصل چهارم: نظریه پردازی های علمی قرآنی

اشاره

ص: ۱۳۰

درآمد

نظریه پردازی های علمی یکی از مسایل مهم عصر ما و ضرورتی برای پیشرفت هر دانش است. خاستگاه نظریه ها می تواند از متن دانش مورد نظر برخیزد یا از دانشی دیگر، یعنی پژوهشگر الهام یا حدس برخاسته از یک پدیده طبیعی یا از یک آیه قرآن نظریه ای ارایه می کند و با توجه به شواهد و قرائن علمی آن را سامان می دهد.

به عبارت دیگر نظریه پردازی های علمی گاهی تک تباری است و گاهی چند تباری است یعنی گاهی نظریه علمی به صورت میان رشته ای شکل می گیرد. از اینجاست که نظریه پردازی های علمی قرآن متولد می شود.

در این نوشتار بر آنیم که ابعاد مختلف این مسأله را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- پیشینه

هر چند که در مورد نظریه «نظریه پردازی علمی» در کتاب های متعددی بحث شده است (که در مبحث مفهوم شناسی به برخی از آن ها اشاره می کنیم) اما در مورد «نظریه پردازی علمی قرآن» کتاب مستقلی نیافتیم، نخستین بار این تعبیر در سال ۱۳۸۵ در عنوان نشست علمی به نام «نظریه پردازی های علمی قرآن» در جامعه المصطفی العالمیه، به کار رفت که مجله افق حوزه ش ۴۷ در آبان ماه سال ۱۳۸۴ گزارش کاملی از آن منتشر ساخت سپس در برخی محافل علمی و مقالات نگارنده از جمله مقاله «روش برداشت علمی از قرآن» مجله پژوهش های قرآنی، ش ۴۵، سال ۱۳۸۵، به کار رفته است و اکنون کم کم در جامعه علمی و قرآنی این تعبیر با تسامحی که در آن است نهادینه شده است.

۲- مفهوم شناسی

۱- نظریه

اندیشمندان برداشت ها و تفسیرهای متفاوتی از نظریه دارند: نظریه، مجموعه ای به هم پیوسته از سازه ها (Construets)، مفاهیم (Coneepts)، تعاریف و قضایاست که به منظور تبیین و پیش بینی پدیده ها، از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظامدار درباره این پدیده ها ارایه می دهد. (۱) نظریه مجموعه ای از تعریف ها و پیشنهادها درباره تعدادی متغیر بهم پیوسته است، که همه این تعریف ها و پیشنهادها، بُعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده هایی را که در اثر همبستگی ها و تداخل این متغیرها به وجود می آید، ارایه می دهد؛ (۲) نظریه ها، در واقع دام هایی هستند که ما برای آن گسترده ایم تا آنچه را که «جهان» نامیده می شود صید کنیم تا حلقه های شبکه دام را تنگ تر و تنگ تر سازیم؛ (۳) تئوری بیان کننده مجموعه ای از مفاهیم یا فرض هایی است که به صورت سیستماتیک و توجیه کرد (۴) و مجموعه ای از بیانیه هایی هستند که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند. (۵)

بنابراین در نگاهی کلی و جامع می توان گفت: نظریه (۶) بیانی منظم، انتزاعی،

ص:۱۳۳

۱- (۱) . هومن، ۱۳۷۳، ۱۱.

۲- (۲) . نادری - نراقی، ۱۳۷۵، ۳۲.

۳- (۳) . پوپر، ۱۳۷۰، ۶۳.

۴- (۴) . رابینز، ۱۳۷۶، ۴۷.

۵- (۵) . همان، ۹۵.

۶- (۶) . در خصوص نحوه ارتباط نظریه با واقعیت چهار تعبیر وجود دارد که باربور در کتاب «علم و دین» بدان اشاره کرده است: ۱- نظریه به عنوان ملخص داده ها (پوزیتیویسم): بسیاری از دانشمندان تجربی مفاهیم و نظریه ها را ملخص داده ها و محصول مشاهدات حسی و تجربی می دانند. (باربور، ۱۹۸ :۱۳۷۴)؛ ۲- نظریه هم چون وسیله ای مفید (وسیله انگاری): رایج ترین تعبیر در میان فیلسوفان تحلیل زبانی در تلاش برای روشن کردن انواع و نقش های مختلف زبان علم، برداشت وسیله انگارانه از نظریه های علمی است؛ ۳- نظریه به عنوان صورت ذهنی (ایده آلیسم): ایده آلیسم [اصالت صورت ذهنی] در تاکیدش بر سهم داننده در علم، حتی از وسیله انگاری هم فراتر می رود؛ ۴- نظریه هم چون بازنمود جهان (اصالت واقع): اصالت واقعیان [رئالیست ها] بر خلاف پوزیتیویست ها حکم می کنند آنچه واقعی است یعنی در واقع هست، مشاهده پذیر نیست و بر خلاف وسیله انگاران، طرف دار این رای اند که مفاهیم معتبر، همانقدر که مفیدند، صادق و حقیقی

موجز، متشکل از قضایا، مستدل و منطقی، مبتنی بر یک سلسله مطالعات علمی، مبین یک اصل کلی یا مجموعه ای از اصول مربوط به چگونگی و چرایی واقعیت ها یا رویدادها در سطح خرد و یا کلان است. هر نظریه تنها انعکاس دهنده و تبیین کننده بخشی از واقعیت است که در یک کلیت به هم پیوسته فهم می شود. یک نظریه معمولاً دارای چهار بعد شناختی (معرفت ناظر به واقع)، بعد عاطفی (تجسم تجربه و احساسات نظریه پرداز)، بازاندیشی (شیوه ای برای درک واقعیات)، بعد هنجاری (ارائه مفروضات پنهان و آشکار در این که واقعیت چگونه باید باشد) است. کار اصلی یک نظریه تبیین و در مرحله بعد تعمیم (و بر همین اساس، اعطای قدرت پیش بینی) است. تبیین انواعی دارد که مهم ترین و پرکاربردترین آن تبیین علی است. هر نظریه معمولاً امکان طرح سؤالات و فرضیات جدیدی درباره واقعیت را برای محقق فراهم می سازد. (۱)

عمده کارکردهای مورد انتظار از یک نظریه عبارت است از:

۱. محدود ساختن افق دید و گستره علایق محقق و جهت دادن آن در تمرکز بر پدیده های خاص یا بخش هایی از یک پدیده؛

۲. تعیین و مشخص ساختن مسیر مطالعات علمی با انواع اطلاعات مربوط ؛

۳. امکان یابی ربط اطلاعات مربوط به یک دیگر و طبقه بندی آن ها؛

۴. امکان دهی به توصیف و تبیین پدیده ها. اساسی ترین کاربرد یک نظریه، توضیح مجموع پدیده هایی است که آن نظریه بدان معطوف است؛

۵. امکان دهی به تعمیم اطلاعات و نتایج به دست آمده به سایر پدیده های مشابه؛

۶. پیش بینی حقایق و واقعیات. یک نظریه به محقق امکان می دهد تا موارد

۱- (۱) . شرف الدین، حسین، ۱۳۸۶، ص ۱-۳.

مشاهده نشده مرتبط را پیش بینی کند؛

۷. زمینه سازی برای طرح فرضیات جدید؛

۸ . آشکار ساختن و کشف شکاف های موجود در دانش بشری. نظریه ها، ابزارهای مناسبی برای روشن ساختن وضعیت موجودیک حوزه معرفتی اند؛

۹. امکان دهی به توجیه پدیده ها با حداکثر احتمال. (۱)

یک نظریه علمی و قابل قبول لزوماً باید از ویژگی های ذیل برخوردار باشد:

۱- استحکام درونی: یک نظریه خوب باید متضمن قضایای همگام و غیر متضاد باشد، ایجاد سوء تفاهم و ابهام نکند، تناقض محتوایی نداشته باشد، فرضیات آن با یکدیگر سازگار و اصطلاحات به کار رفته در آن بی ابهام باشند و قضایای آن از استحکام و تداوم منطقی برخوردار باشند.

۲- استحکام برونی: منظور از استحکام برونی نظریه آن است که قضایای آن با موازین دنیای خارج، که در واقع محک های استنباطات پژوهشی (Rasearch Inferecce)شمرده می شوند، قابل تطبیق باشد.

۳- مستندات قوی: یک نظریه مقبول باید به مجموعه قابل توجهی از اطلاعات، مستندات و شواهد متقن تکیه کند.

۴- قابلیت سنجش: یک نظریه خوب همواره باید قابلیت سنجش داشته باشد و با ارجاع به مستندات و شواهد مختلف، آمادگی لازم برای تأیید یا رد را داشته باشد.

۵. عملیاتی بودن: منظور از عملیاتی بودن یک نظریه آن است که در جهان واقع قابل اعمال و بهره گیری باشد، با واقعیات مشهود رابطه برقرارکند و به عبارتی از حالت نظری و تجریدی خارج شود. برخی این ویژگی را در ذیل «آزمون پذیری» ذکر کرده اند. در آزمون پذیری یک نظریه، برخی فیلسوفان علم قابلیت ابطال (ابطال پذیری) و برخی تأیید و اثبات (اثبات پذیری) توسط شواهد تجربی را شاخص مقبولیت و اعتبار آن ذکر کرده اند.

۶. قابلیت تعمیم: یک نظریه قابل قبول باید تا حدامکان، عمومیت داشته و به کلیه موارد مشابه قابل تعمیم باشد.

۱- (۱) . همان، ص ۵.

۷. صـرفه جویی علمی: یک نظریه خوب باید تا حد امکان موجز و مختصـر بوده و با حداقل فرضیات و مفاهیم به شرح و تبیین موضوع مورد نظر بپردازد. (۱)

لازم به ذکر است که اصولاً ـ قرآن حقـایق را بیـان می کنـد چه در حوزه عقایـد، اخلاـق، احکام یا علوم بشـری؛ بنابراین تعبیر «نظریه پردازی» در مورد مطالب قرآن کریم با نوعی تسامح قابل پذیرش است.

از این رو می توان گفت که در میان تعاریف فوق الـذکر تعریف دوم «رابینز» با مطالب قرآنی سازگارتر است. (نظریه مجموعه ای از بیانیه هاست که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند)

۲- علم

مقصود از علم در اینجا علوم بشری اعم از علوم عقلی، نقلی، شهودی و تجربی طبیعی و انسانی است. هر چند نقطه اصلی بحث در عصـر مـا در زمینه علوم طـبیعی و انسـانی است. لاـزم به یـادآوری است که در مورد مـاهیت و چیستی «علم» دیـدگاه هـای متفاوت وجود دارد (۲) (مثل: اثبات پـذیری، ابطال پـذیری، تأییدپـذیری) ولی در این جا بر آن نیستیم که پیش فرض و مبانی خاصـی را در این زمینه انتخاب کنیم، چرا که می توان بحث این کتاب را فراتر از دیدگاه های فوق ارایه کرد از این رو از این مباحث صرف نظر می کنیم.

۳- اقسام آیات علمی قرآن

قبل از ورود به بحث لازم است که نگاهی کلی به آیات علمی قرآن و اقسام آن ها داشـته باشیم تا موضوع بحث نظریه پردازی هـای علمی قرآن روشن تر شود. آیـات علمی قرآن در حوزه های مختلف علوم بشـری حـدود نیمی از قرآن را شامل می شود این آیات را می توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

اول: اعجازهای علمی قرآن، یعنی رازگویی های علمی قرآن که در آیات به

۱- (۱) . همان، ص ۸ - ۹.

۲- (۲) . ر.ک: حـدس ها و ابطال ها و نیز منطق اکتشافات، کارل پور، چیستی علم، چالمرز و در آمدی بر تفسـیر علمی قرآن، نگارنده.

صورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است. (۱)

مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (۲) حرکت های خورشید، (۳) لقاح ابرها (۴) و زوجیت عام موجودات (۵) و مراحل خلقت انسان (۶) که قرن ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجازهای علمی قرآن دانسته اند.

البته ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده است که مورد نقد قرار گرفته است. (۷)

دوم: اشارات علمی شگفت آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می کند که شگفتی هر خواننده ای را بر می انگیزد. اما از آن جا که این مطالب به صورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید. بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه ها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر بشمار می آید که شگفت آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد.

از آن جمله، اشارات قرآن به حرکت زمین (۸) و پیدایش حیات از آب، (۹) و

۱- (۱) . رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۸۵.

۲- (۲) . رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰.

۳- (۳) . یس/ ۳۸ و رعد/ ۲.

۴- (۴) . حجر/ ۱۲.

۵- (۵) . رعد/ ۲ و یس/ ۳۶ و شعراء/ ۷.

۶- (۶) . مومنون/ ۱۲ - ۱۴ و حج/ ۵ و غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۷ - ۳۹.

۷- (۷) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین.

۸- (۸) . ر.ك: نمل/ ۸۹ و ...(صاحب تفسیر نمونه این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن می شمارد، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹)

۹- (۹) . ر.ك: نور/ ۴۵ و انبیاء/ ۳۰ (صاحب التمهید این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن بشمار می آورد، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۶)

ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه، (۱) ممنوعیت شرابخواری (۲) و ...

سوم: اشارات علمی اندیشه ساز قرآن: آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می کند و انسان را به تفکر در آن ها دعوت می کند و گاهی آن ها را نشانه خدا و معاد می شمرد. ولی مطلب شگفت آمیز یا اعجازآمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، این گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می کند و زمینه ساز رشد علمی بشر را، به ویژه در علوم تجربی، فراهم می سازد.

مثال: (أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ) ، (۳) «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است ؟!»

و نیز در آیات ۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۴ سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آن ها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آن ها به دست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره می کند که به آفرینشگر جهان پی می برند و سپاسگزاری می کنند. (۴)

چهارم: نظریه پردازی های علمی قرآنی:

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آن جا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه ی الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آن ها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲ سوره رعد و ۱۰ سوره لقمان و ...) در

۱- (۱) . ر.ک: بقره/ ۲۲۲ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰ - ۵۱.

۲- (۲) . ر.ک: مائده/ ۹۰ - ۹۱ و بقره/ ۲۱۹.

۳- (۳) . غاشیه/ ۱۷.

۴- (۴) . البته در میان آیات ۵ - ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت آور نیز وجود دارد که این گونه مطالب به قسم بعدی ملحق می شود.

آینـده اثبـات شـود. این مـوارد را می تـوان به عنوان نظریه هـای علمی قرآنی مطرح نمود، و هم چون دیگر تئوری هـای علمی بدنبال شواهد تجربی آن ها بود.

مثال ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسـمان ها: این نظریه از برخی آیات قرآن هم چون آیه ۲۹ سوره شوری قابل استفاده است که می فرماید:

(وَ مِنْ آیـاتِهِ خَلْقُ السَّمـاواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّهٍ) ؛ «و از نشانه های اوست، آفرینش آسـمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن ها منتشر ساخته است».

هر چنـد برخی نشـانه هـای کیهـان شـناختی برای وجـود موجـودات زنـده و بـا شـعور در کرات دور دست ادعـا شـده است اما دانشـمندان کیهان شـناخت هنوز نظریه ی قطعی در این زمینه ابراز نکرده انـد و چیزی ثابت نشـده است؛ ولی این مطلب را می توان بعنوان یکی از نظریه های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان شناختی وسیع قرار داد. (۱)

۲. نظریه ی گسترش آسـمان هـا: این دیـدگاه از برخی آیـات قرآن هم چون آیه ۴۷ سوره ذاریات قابل اسـتفاده است، که می فرماید:

(وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنّا لَمُوسِعُونَ) ؛ «و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می دهیم.»

در مبـاحث علمی فیزیـک کیهـانی دو دیـدگاه در مورد آسـمان ها وجود دارد: یکی دیـدگاه انبساط جهان و دیگری دیـدگاه انقباض جهان. (۲) و برای هر کـدام شواهـدی مطرح گردیـده ولی اثبات نشده است. از آیه ی فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است. (۳) و می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات

ص:۱۳۹

۱- (۱) . ر.ک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹/ شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب.

۲- (۲) . ر.ک: تاریخچه زمان، استفن هاوکینگ، ترجمه داد فرما، ص ۵۸.

۳- (۳) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.

کیهان شناسی قرار گیرد.

۳. نظریه هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره/ ۲۹، اسراء/ ۴۴، مومنون/ ۱۷ و ۸۶، فصلت/ ۱۲، طلاق/ ۱۲، نوح/ ۱۵و نبأ/ ۱۲.

در حالی که علوم کیهان شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می گویند و در مورد آسمان های دیگر سکوت می کنند. چون وسایل ستاره شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آن ها توجّه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان ها، محل کرات باشد. (۱)

۴. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: انعام/ ۹۸، آل عمران/ ۵۹ و الرحمن/ ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت های دیگری نیز دارد) و سال هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قایل به به وجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می کنند و در این مورد کتاب های متعددی نیز نوشته شده است. (۲)

۱- (۱) . ر.ک: رازهای آسمان های هفت گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد.

۲- (۲) . ر.ک: خلقت انسان، یدالله سحابی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.

ولی می توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن این که تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان هایی از نسل میمون به وجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک به طور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی های انسان فعلی در میمون ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه مفقوده ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می تواند شاهدی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش های زیست شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان شناسی و زیست شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب ها آمده است. (۱)

۵. نظریه پردازی های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر این گونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

برای نمونه:

از آیات قرآن خدا محوری استفاده می شود، یعنی خدا سرچشمه همه موجودات و منتهای سیر همه موجودات است (إِنّا لِلّهِ وَ إِنّـا إِلَيْهِ راجِعُونَ) ، (بقره/ ۱۵۶) و اصولاً ـ ارزش کارها به رنگ الهی (صِبْغَةَ اللّهِ) ، (بقره/ ۱۳۵) و فی در راه خدا بودن است. در حالی که مبنای علوم انسانی جدید انسان محوری است که این

۱- (۱) . ر.ک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد دوم و ...

مطلب در علوم انسانی به ویژه علوم ترتیبی و علوم سیاسی تأثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آن ها می دهد.

در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد اسلامی بدون ربا پایه گذاری شده است در حالی که اقتصاد جدید غرب براساس سیستم ربا (به ویژه در بانکداری) شکل گرفته است اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می شویم. علوم سیاسی جدید در غرب براساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه گذاری شده است از این رو بسیاری از آیات قرآن مسایل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و ... را بیان می کند.

و هم چنین است لزوم رعایت مبانی اخلاقی و اصل عدالت و فقرزدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روان شناسی و...

آری بسیاری از آیات قرآن اشارات صریح یا غیرصریح به مبانی علوم انسانی دارد که شمارش آن ها نگارش مقالات بلکه کتاب های متعددی را می طلبد. (۱)

۴- مبانی و قواعد برداشت علمی از قرآن

اشاره

از آن جا که نظریه پردازی های علمی قرآن زیرمجموعه مباحث تفسیر علمی قرآن است، مبانی و قواعد خاصی می طلبد که در این جا به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

الف. قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی

علوم تجربی حاصل کاوش ها و تجربه های بشری است که در طی قرن ها بر هم انباشته شده است، تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه نظریه های علمی اثبات نشده و قانون های علمی اثبات شده تقسیم می کردند.

۱- (۱) . در این موارد ر.ک: قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نظام سیاسی اسلام، نوروزی، مدیریت اسلامی، محمدحسن نبوی و...

و اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه های مکرر تأیید می شد آن را اثبات شده و قانون علمی می دانستند. (۱)

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد اما هیچ گاه به صورت قانون در نمی آید.

یعنی در تشکیل یک نظریه علمی نخست ما به مسأله و مشکلی برخورد می کنیم، و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می زنیم. سپس در مرحله سوم قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می کنیم و در مرحله چهارم اقدام به ابطال این قضایا می کنیم. و اگر این قضایا باطل نشود ، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود در علم باقی می ماند و مبنای عمل قرار می گیرد. (۲)

بنابراین، علوم تجربی اثبات پذیر نیست بلکه ابطال پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد.

البته اینکه قضایای علوم تجربی قطعی نیست (به معنای قطع معرفت شناختی) یعنی نمی توان گفت: فلان گزاره علمی حتماً مطابق واقع و تغییر ناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی اند (به معنای قطع روانشناختی) یعنی گاهی گزاره علمی از راه مشاهده یا به وسیله قراین دیگر مثل بدیهی می گردد. هم چون «حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدیهی شده است. همان طور که گاهی انسان به وسیله قراین خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می کند، در مورد یک گزاره علمی به قطع می رسد.

در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه های ظنّی علوم تجربی تفاوت

ص:۱۴۳

۱- (۱) . در این مورد اشکالات متعدّدی به نحوه ی استقرای ناقص علوم شده است و پاسخ هایی نیز داده شده است.(نک : مبانی فلسفه ، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۲۱۰-۲۴۴؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه ی خرمشاهی، ص ۳ و صص ۲۱۳-۲۱۴؛ الأُسس المنطقیه للإستقراء ، شهید صدر ، ص ۱۳۵ و ص ۳۸۳-۴۰۰؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، صص ۱۸۵-۲۰۰).

۲- (۲) . این دیدگاه پوپر (متوفّی - ۱۳۷۳ش) است، ر.ک: حدس ها و ابطال ها و منطق اکتشافات ، تألیف پوپر، ترجمه احمد آرام؛ در آمدی بر تفسیر علمی قرآن ، از نگارنده ، صص ۲۰۰ - ۲۰۴.

گذاشته می شود. و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست ، چرا که نظریه های ظنّیِ علوم گاهی صدها سال در حوزه علم می ماند سپس تغییر می کند، (۱) پس نمی توان تفسیر قرآن را بر آن ها بنا نهاد.

ب: وجود اشارات علمی در قرآن و لزوم استفاده از علوم تجربی در فهم و تفسیر آن ها

در قرآن کریم بیش از ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی و طبیعت و انسان و ... اشاره دارد. (۲) که این آیات حداقل سه گانه است:

اول: اشارات علمی به پدیده های طبیعی مثل حیوانات و طبیعت. (۳) که به ظاهر نکته شگفت انگیز یا اعجازآمیزی را در بر ندارد. ولی همین اشارات علمی توجه انسان را به طبیعت و کیهان و ... جلب کرده و زمینه ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است.

دوم: اشارت شگفت انگیز علمی قرآن، یعنی آیاتی که به مطالب علمی ویژه ای اشاره می کند صدور آن ها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدر اسلام بسیار بعید بوده است، برای مثال اشارات قرآن به حرکت زمین (۴) که بر خلاف هیئت بطلمیوسی و دیدگاه مشهور کیهان شناسی در آن عصر بوده است.

البته این گونه موارد اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید چرا که مثلاً در مورد حرکت زمین دیدگاه غیرمشهور در یونان قبل از اسلام وجود داشته است. (۵)

سوم: اشارات اعجازآمیز علمی قرآن، یعنی گاهی قرآن کریم به زوجیت عام موجودات، (۶) نیروی جاذبه، (۷) حرکت های خورشید، (۸) مراحل آفرینش انسان (۹) و لقاح

۱- (۱) . هم چون نظریه ی بطلمیوسی (ptoemaos - قرن دوم میلادی) در مورد این که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلك به دور آن می چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. سپس توسط کپلر و کپرنیك و گالیله دگرگون شد و دیدگاه کنونی (یعنی حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.

۲- (۲) . الحبّال، محمد چمپل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص ۳۵ - ۳۶.

۳- (۳) . ر.ك: غاشیه/ ۱۷ و نحل/ ۵ - ۱۴ و...

۴- (۴) . نحل/ ۸۹.

۵- (۵) . اولین بار فیثاغورث سپس فلوته خوس وار شمیدس به حرکت زمین معتقد شدند (شهرستانی، سید هبه الدین، اسلام و هیئت، ص ۴۴.

۶- (۶) . یس/ ۳۶.

۷- (۷) . رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰.

۸- (۸) . یس/ ۳۸.

۹- (۹) . حج/ ۵، مومنون/ ۱۲ - ۱۴.

ابرها (۱) اشاره کرده که تا قرن ها بعد از اسلام کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده است، این اشارات نوعی رازگویی و اخبار غیبی قرآن بشمار می آید. تفسیر علمی قرآن شرحی بر همین اشارات علمی قرآن است.

ج: همه علوم از ظواهر آیات قرآن قابل استفاده نیست

هر چند که اشارات علمی زیادی در قرآن کریم وجود دارد، و حتی قرآن خود را بیان کننده همه چیز معرفی می کند، (وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ) (۲) اما همه علوم بشری در ظواهر آن وجود ندارد چرا که چنین ادعایی خلاف بداهت است و آیه شریفه نیز قید لُبی دارد یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن موجود است. (۳)

بنابراین همان طور که گذشت استخراج علوم از قرآن صحیح نیست چون مبنای آن «وجود همه علوم در ظواهر قرآن است» و این مبنا مخدوش است. (۴)

د: رابطه سازگارانه بین قرآن و علم

قرآن کریم بارها انسان ها را به دانش افزایی فراخوانده است، و یا دانشمندان را تشویق و تمجید کرده است. و همانطور که گذشت در موارد متعددی مطالب اعجازآمیز یا شگفت آمیز علمی بیان کرده است، قرآن کریم هیچ گاه سرستیز با علم و عالمان راستین نداشته است بلکه رابطه قرآن و علم سازگارانه و مثبت است. و تفسیر علمی قرآن نوعی توضیح همین مناسات.

البته برخی تعارضات ظاهری و ابتدایی بین قرآن و علم ادعا یا توهم شده که با تأمل و دقت در آیات و علوم، بر طرف می شود، و تعارض مستقر و حقیقی بین

۱- (۱) . حجر / ۲۲.

۲- (۲) . نحل / ۸۹.

۳- (۳) . برخی از مفسران تصریح کرده اند که مقصود آیه ۸۹/ نحل بیان مسائل هدایتی است از جمله: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸؛ کشاف، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱.

۴- (۴) . در این مورد ذیل مباحث آینده همین کتاب مطالب تکمیلی بیان می شود.

قرآن و علم وجود ندارد. و همین مطلب نیز در ضمن تفسیر علمی روشن می شود.

ه : هدف اصلی قرآن هدایت مردم به سوی خداست

در قرآن مکرر بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم (۱) و خارج ساختن آنان از تاریکی ها به سوی نور است، (۲) بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در همین راستاست یعنی اشارت علمی قرآن گاهی به عنوان نشانه های خدا (۳) و گاهی به عنوان شواهد معاد (۴) بیان شده است پس بیان مطالب علمی هدف اصلی قرآن نیست و قرآن کتاب کیهان شناسی و فیزیک و... نیست.

۵- روش شناسی برداشت علمی از قرآن

اشاره

از آن جا که نظریه پردازی های علمی قرآن، زیرمجموعه روش تفسیر علمی قرآن قرار می گیرد و این روش تفسیری دارای گونه های مختلف است لازم است این گونه ها مشخص شود تا جایگاه نظریه پردازی و رمز آن از تفسیر به رأی و تحمیل بر قرآن روشن شود.

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن أبی الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل، می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر ، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند.

۱- (۱) . ر.ک: بقره/ ۲ و ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران/ ۱۳۸، اعراف/ ۲۰۳، یونس/ ۵۷ و...

۲- (۲) . ابراهیم/ ۱.

۳- (۳) . ر.ک: رعد/ ۲ - ۴.

۴- (۴) . ر.ک: حج/ ۵.

برای مثال، از آیه شریفه (إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ) (۱) ابراهیم علیه السلام نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (۲) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره ها استفاده کردند (۳) و از آیه شریفه (إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند. (۴)

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود.

از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند (۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آن ها در قرآن بیابند و هرگاه آیه ای موافق با آن نمی یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می کردند.

مثال این گونه تفسیر، در تفسیر آیه ۱۸۹ سوره اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. (۶) در این تفسیر، حتّی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر ، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره

۱- (۱) . شعراء/ ۸۰.

۲- (۲) . ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.

۳- (۳) . التفسیر و المفسّرون، ج ۲، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.

۴- (۴) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۵- (۵) . ر.ک : التفسیر و المفسّرون، ج ۲، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.

۶- (۶) . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.

تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند، چنان که علّامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۱)

البتّه در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کند.

یعنی تلاش می کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص ، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن هاست، کمتر می تواند مطلب علمی قطعی بیان کند.

برای مثال، آیه شریفه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها) (۲)؛ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسّی و روزمرّه خورشید را می دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین

۱- (۱) . ر.ک: مقدمه ی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

۲- (۲) . یس/ ۳۸.

حرکت را می فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می بینیم ، همان طور که شخص سوار بر قطار ، خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب ، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتّی کهکشان راه شیری در حرکت است. (۱) پس می گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است ، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن ، و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می شود (۲) و در فضا جریان دارد و هم چون گلوله ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است. (۳)

۶- عناصر نظریه پردازی علمی قرآنی

با توجه به مطالبی که گذشت می توان نظریه پردازی علمی قرآنی را این گونه تعریف کرد: «خبر دادن قرآن از حقایق علمی، قبل از تأیید آن در علوم، که گاهی موجب توسعه یا تضییق حوزه ها و ابعاد علم می شود».

در این تعریف عناصر زیر لحاظ شده است:

۱- نظریه های علمی قرآنی، زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن است که به صورت

۱- (۱) . دکتر اریک - اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه ی بهروز بیضایی، صص ۴۵ - ۴۸.

۲- (۲) . همان، صص ۴۵ - ۴۸.

۳- (۳) . برای اطلاع از مثال های بیش تر: ر.ک: رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.

پیشگویی علمی جلوه گر می شود و به جامعه علمی عرضه می شود.

۲- قرآن حقایق علمی را بیان می کند، بنابراین تردیدهایی که در نظریه و تئوری های علمی وجود دارد در نظریه پردازی های علمی قرآن وجود ندارد. به عبارت دیگر تعبیر «نظریه» در مورد مطالب قرآنی با تسامح استعمال می شود. البته از آن جا که نظریه قرآنی توسط اشخاص از قرآن برداشت می شود امکان خطا در استنباط اشخاص وجود دارد. ولی حقایق قرآنی خطاناپذیر است.

۳- اخبار غیبی قرآن دوگونه است: برخی اخبار مربوط به گذشته است و برخی مربوط به آینده، که موضوع بحث نظریه پردای قسم اخیر است و اخبار غیبی مربوط به آینده نیز دو بخش است یک بخش اخباری است که بعد از نزول قرآن تاکنون توسط دانشمندان یکی از علوم بشری تأیید یا اثبات شده است که اعجاز علمی نامیده می شود (البته اگر شرایط دیگر اعجاز علمی را دارا باشد) و بخش دوم ااخبار غیبی است که هنوز در علم تأیید نشده است مثل مسأله هفت آسمان (سَبْعَ سَماواتٍ) و وجود موجودات زنده در آسمان ها (وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ وَ هُوَ عَلی جَمْعِهِمْ إِذا یَشاءُ قَدِیرٌ) ؛ «و از نشانه های اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن دو پراکنده کرده است؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع آوری آن ها تواناست»، (شوری/ ۲۹)؛

موضوع نظریه پردازی علمی قرآنی همین بخش اخیر از اخبار غیبی قران است.

۴- نظریه پردازی های علمی قرآنی گاهی موجب توسعه در علوم می شود.

برای مثال وقتی نظریه «شفاء بودن قرآن» (وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ) ؛ «و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می فرستیم»، (اسراء/ ۸۲). می گوید فضای جدیدی را به روی علوم پزشکی می گشاید و عامل معنوی قرآن را در ردیف عوامل دیگر در شفای دردهای جسمانی می گشاید همان طور که قرآن شفای دردهای عقیدتی، اخلاقی و روحی - روانی انسان است. و گاهی نیز قرآن سخن از اقتصاد بدون ربا می گوید: (أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا) ؛ «آن که خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است»،

(بقره/ ۲۷۵). این نظریه قرآنی اقتصـاد جدیـدی را سامان می دهـد و موجب تضـییق حوزه اقتصادی می شود هر چنـد که نتایج مفیدی نیز در شکوفایی و رشد هماهنگ و درست اقتصاد در پی خواهد داشت.

۷- ضوابط نظریه پردازی های علمی قرآن

برای اسـتنباط نظریه های علمی از قرآن (علاوه بر مبانی، روش شناسـی و شـرایطی که در تفسیر قرآن و در روش خاص تفسیر علمی بیان شده است)، (۱) ضوابـط و مقرراتی وجود دارد که رعـایت آن هـا موجب می شود تا برداشت نظریه علمی از قرآن معتبر گردد و عـدم توجه به این ضوابط موجب عـدم اعتبار نظریه علمی قرآن یا گاهی منتهی به تفسـیر به رأی می شود. از این رو رعایت این ضوابط ضروری است.

در این جا به مهم ترین ضوابط برداشت نظریه های علمی از قرآن اشاره می کنیم:

۱- نظریه علمی قرآنی از نص یـا ظـاهر آیـات قرآن قابـل برداشت باشـد. یعنی نظریه علمی بر قرآن تحمیل نشـده باشـد وگرنه تفسیر به رأی می شود. بلکه قرائن درون قرآنی و مستنداتی در متن آیات داشته باشد. به عبارت دیگر دلالت مطابقی، تضمنی یا التزامی آیات قرآن بر آن نظریه دلالت کند. تا بتوان آن را به قرآن نسبت داد و از نظر تفسیری معتبر باشد.

۲- نظریـه علمی اسـتنباط شـده از قرآن قبـل از نزول قرآن در آثـار علمی مطرح نشـده باشـد و بعـد از نزول قرآن نیز تـاکنون دانشمندان آن را مطرح و تأیید نکرده باشند. به عبارت دیگر آن نظریه علمی از ابتکارات قرآن به شمار آید.

۳- نظریه علمی قرآنی، نوعی نوآوری در یکی از حوزه های علم مثل مبانی، روش، نظام و ... به شمار آید. (۲) یعنی اثبات آن در بخشی از علم تحوّل ساز باشد.

ص:۱۵۱

۱- (۱) . ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن و نیز منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیر قرآن (مبحث روش تفسیر علمی) و نیز درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده.

۲- (۲) . در مورد نوآوری و نظرپردازی هنوز مرزبندی دقیقی صورت نگرفته است، لیکن روشن است

البته به خاطر گستره موضوعات و معارف قرآنی این نوآوری و تحوّل می تواند در مباحث نظری و یا مباحث علمی باشد.

۴- نظریه پردازی علمی قرآن امکان اثبات و تأیید علمی داشته باشد. البته ابزارهای تأیید و اثبات هر نظریه علمی، بر اساس حوزه دانش مربوطه متفاوت است. برای مثال نظریه هفت آسمان، مسأله ای میان رشته ای بین دانش قرآنی و کیهان شناسی است و به صورت طبیعی اثبات آن با ابزارهای نجومی و با روش تجربی است اما برای اثبات و تأیید نظریه شفا بودن قرآن در بُعد اعتقادی، اخلاقی و معنوی نیازمند ابزارها و روش های خاص آن هستیم.

به هر حال اگر نظریه علمی اصلاً امکان اثبات و ردّ نداشته باشد. قابل طرح در محافل علمی نخواهد بود. چون در این صورت نظریه علمی به شمار نمی آید.

البته لازم به یادآوری است که نظریه پردازی های علمی قرآنی به اعتبار شخص نظریه پرداز که آن مطلب علمی را از قرآن برداشت کرده است قابل ردّ است نه اصل حقایق قرآنی. چون ممکن است آن شخص در برداشت خود خطا کرده باشد.

۸- حوزه های نظریه پردازی های علمی قرآنی

نظریه پردازی های علمی معمولاً در یکی از حوزه ها و ابعاد دانش نوآوری می کنند و تحوّل آفرین می شوند، نظریه پردازی های علمی قرآنی نیز همین گونه است مهم ترین حوزه های نظریه پردازی در هر دانش عبارتند از:

۱- مبانی

گاهی نظریه پردازی های قرآنی در حوزه مبانی علوم است یعنی مبانی جهان شناسی و انسان شناسی قرآن در جهت دهی به علوم مؤثر واقع می شود. مثلاً ـ علوم تربیتی یا علوم سیاسی در عصر کنونی بر اساس انسان محوری سامان یافته است و همین علوم را می توان بر اساس خدامحوری و توحید سامان داد که مبنایی متخذ از قرآن کریم است.

۲- روش ها

در هر دانش روش های عام عقلی یا نقلی یا شهودی و یا تجربی وجود دارد

که تأثیر تام در شکل گیری آن علم دارد. اما در هر دانش روش های خاص نیز وجود دارد، مثل روش های تربیت در علوم تربیتی.

قرآن کریم در آیات متعدد به روش های عام علوم اشاره کرده است (۱)و نیز گاهی به روش های خاص اشاره کرده است.

جالب این است که آموزه های قرآنی گاهی در روش های عام علوم و گاهی در روش های خاص آن ها عناصری را داخل می کند و نظریه ای نو را در حوزه روش های یک دانش مطرح می کند.

برای مثال علوم تربیتی بر اساس روش تجربی استوار است اما قرآن در کنار این روش عام روش شهودی را در آن مطرح می کند و علاوه بر طرح عنصر وحی در تربیت انسان از الهامات خوب و بد به نفس انسان سخن می گوید. (وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها * فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها) ؛ «سوگند به نفس و آن که آن را مرتب ساخت * و بد کاری اش و پارسایی اش را به او الهام کرد!»، (شمس/ ۷-۸) و حتی از معلمی سخن می گوید که با علم لدنی به تعلیم و تربیت می پردازد. (وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً) ؛ «و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم»، (کهف/ ۶۷).

۱- (۱) . قرآن کریم به روش های علمی یعنی چهار قسم علوم فوق و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجه کرده و انسان ها را به خردورزی و تفکر فرا می خواند و تشویق می کند. (در مورد تعقل ر.ک: بقره/ ۷۳ و ۲۴۲، یوسف/ ۲، انبیاء/ ۱۰، مومنون/ ۸۰، زخرف/ ۳ و در مورد تفکر ر.ک: بقره/ ۲۱۹، روم/ ۸، آل عمران/ ۱۹۱، نحل/ ۴۴، حشر/ ۲۱ و...) و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می کند و او را به کیهان شناسی و طبیعت شناسی و انسان شناسی و... تشویق می کند. (ر.ک: آیات سوره رعد/ ۲ به بعد، حج/ ۵، مومنون/ ۱۲ - ۲۱، نحل/ ۳ - ۱۷ و...) و گاهی توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می کند و داستان های عبرت آموز پیامبران و ملت های پیشین را بیان می کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ ها و...) را گزارش و ثبت می کند. (ر.ک: سوره انبیاء، یونس، یوسف و کهف و...) و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان ها سخن می گوید (شوری/ ۵۱، مومنون/ ۲۷، طه/ ۳۸.) و علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان ها می رسد (علم لدنی) گوشزد می کند. ((وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً) ، (کهف/ ۶۵)

همـان طور که از نقش تجربه در تربیت انسـان غافـل نیست و همگان را به گردش گری در زمین و عبرت آموزی از تجارت و آثار گذشـتگان فرا می خواند. (یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ) ؛ «پس آیا در زمین گردش نکرده اند، تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟»، (یوسف/ ۱۰۹).

و نیز قرآن در روش های خاص تربیتی از روش تزکیه و تلاوت یاد می کند، (هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیـاتِهِ وَ یُزَکِّیهِـمْ وَ یُعَلِّمُهُـمُ الْکِتـابَ وَ الْحِکْمَـهَ وَ إِنْ کـانُوا مِـنْ قَبْـلُ لَفِی ضَـلالٍ مُبِینٍ) ؛ «او کسـی اسـت کـه در میـان درس ناخوانـدگان فرسـتاده ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می خوانـد [و پیروی می کنـد] و رشـدشان می دهـد [و پاکشـان می گردانـد] و کتاب [خـدا] و فرزانگی به آنان می آموزد؛ درحالی که قطعاً، از پیش در گمراهی آشـکاری بودنـد»، (جمعه/ ۲). که در روش های مرسوم علوم تربیتی رایج مطرح نیست.

۳- هدف دهی

یکی از حوزه هـای نظریه پردازی هـای علمی قرآن، جهت دهی به اهـداف علوم است. قرآن کریم جهان را از خـدا و به سوی خـدا می دانـد، (إِنّـا لِلّهِ وَ إِنّـا إِلَیْهِ راجِعُونَ) ؛ «در حقیقت ما از آنِ خـداییم و در واقع ما فقط به سوی او بازمی گردیم»، (بقره/ ۱۵۶) و لقـاء الله را نهایت کمال انسان معرفی می کنـد، (یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ) ؛ «ای انسان! در حقیقت، تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کشی) و او را ملاقات می کنی»، (انشقاق/ ۶).

از این رو باید تمام فعالیت های انسانی در این مسیر رهبری شود.

بنـابراین لازم است که انسـان برای خـدا علم بیـاموزد و در راه او به کـار برد و بر این اساس علوم با هـدف الهی و در خـدمت کمـال بشـر سامان می یابـد. از این رو علوم طبیعی مثل فیزیک هسته ای نمی توانـد با هـدف بمب سازی و نابودی بشـر جهت دهی شود و نیز علوم انسانی مثل اقتصاد و سیاست باید در خدمت بشر و در

چهارچوب آموزه های قرآنی جهت دهی شود. از این رو علوم انسانی سکولار و اومانیستی به کنار می رود.

۴- نظام سازی

از آیات قرآن با روش تفسیر موضوعی می توان نظام های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و ... را برداشت کرد. که هر کدام از آن ها می تواند به عنوان نظریه های علمی قرآن مطرح شود چرا که شامل عناصر نوآمد و متمایز از نظام های هم خوان در علوم جدید است.

برای مثال نظام های سیاسی معاصر عموماً از پایین به بالا طراحی شده است و مشروعیت رهبران جامعه از مردم گرفته می شود در حالی که نظام سیاسی قرآنی از بالا به پایین طراحی شده است، (أَطِيعُوا اللّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) ؛ «خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید»، (نساء/ ۵۹)، یعنی رأی مردم به رهبران جامعه از باب مقبولیت است و مشروعیت آن ها باید از ناحیه نصب الهی تأمین شود.

۵- موضوع سازی

گاهی نظریه پردازی های علمی قرآن در حوزه موضوع سازی برای علوم مختلف است که این مطلب گاهی افق های جدیدی را در برابر دانشمندان می گشاید.

برای مثال در روان شناسی سخن از انسان دو بعدی است که مرکب از جسم و روان است و حتی روان یکی از خواص مادی انسان معرفی می شود. ولی سخنی از روح گفته نمی شود. اما قرآن علاوه بر جسم سخن از روح الهی انسان می گوید، (وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) ؛ «و از روح خود در او دمیدم»، (حجر/ ۲۹ و ۷۲) اگر به این نظریه قرآنی توجه شود و حوزه پژوهش های روان شناسی به روح شناسی و نفس شناسی و مراتب آن در قرآن گسترش یابد مطمئناً چهره این دانش تغییر می کند.

ص:۱۵۵

۹- نمونه هایی از نظریه پردازهای علمی قرآن

اشاره

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که می توان از آن ها نظریه های علمی جدید استنباط کرد. که جمع آوری این نمونه ها خود کتابی مستقل می طلبد. اینک در این جا به صورت فهرست وار به شماری از مهم ترین آن ها بر اساس رشته های علمی اشاره می کنیم:

الف: در حوزه علوم طبیعی

۱- کیهان شناسی

۱/۱- وجود موجودات زنده در آسمان که هنوز در کیهان شناسی اثبات نشده است. (وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما) ؛ «و از نشانه های اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن دو پراکنده کرده است»، (شوری/ ۲۹).

۱/۲- هفت آسمان که در آیات متعدد قرآن مطرح شده ولی هنوز در کیهان شناسی یک آسمان بیش تر کشف نشده است. (اللّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ) ؛ «خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین (نیز) همانند آن ها را»، (طلاق/ ۱۲).

۱/۳- وجود نیروهایی غیر از نیروی جاذبه بین کرات آسمانی که هنوز کشف نشده است، چرا که «عمد» جمع عمود است. (خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) ؛ «(خدا) آسمان ها را بدون ستون هایی که آن ها را ببینید آفرید»، (لقمان/ ۱۰).

۲- زیست شناسی

۲/۱- سخن گفتن حیوانات با هم دیگر از جمله مورچه در مواجهه با حضرت سلیمان و لشکریانش و فهمیدن زبان آن ها توسط انسان. (حَتّی إِذا أَتَوْا عَلی وادِ النَّمْلِ قالَتْ نَمْلَةٌ یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ) ؛ «تا هنگامی که (لشکریان سلیمان) به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت: ای مورچگان، به خانه هایتان داخل شوید تا سلیمان و لشکریانش هرگز شما را پایمال نکنند، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی شوند»،

(نمل/ ۱۸).

۲/۲- سخن گفتن انسان با حیوانات و بالعکس در جریان هدهد و سلیمان.

(فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقالَ أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ) ؛ «و (مدتی) نه چندان دراز درنگ کرد (تا هدهد آمد) و گفت: «به چیزی احاطه یافتم که تو بدان احاطه نیافته ای؛ و از (سرزمین) سبا خبر بزرگِ یقینی، برای تو آورده ام»، (نمل/ ۲۲).

۳- پزشکی

۳/۱- شفا بودن قرآن برای دردهای جسمانی، روحی، روانی و ... (وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ) ؛ «و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می فرستیم»، (اسراء/ ۸۲).

۴- هواشناسی

۴/۱- تأثیر امور معنوی در بارش باران.

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً * يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً) ؛ «و گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده است * تا (باران) آسمان را پی درپی بر شما [فرو] فرستد»، (نوح/ ۱۰-۱۱).

ب: در حوزه علوم انسانی

۱- علوم تربیتی

۱/۱- نظام تربیتی قرآنی

۱/۲- تأثیر آموزه های جهان شناسی و انسان شناسی قرآن در مبانی علوم تربیتی

۱/۳- تأثیر آموزه های قرآنی در حوزه روش های تربیتی

۱/۴- تأثیر آموزه های قرآنی در حوزه اهداف تربیت

تذکر: مثال های متعددی در این موارد گذشت.

۲- اقتصاد

۲/۱- نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن.

۲/۲- اقتصاد بدون ربا (مثال آن گذشت)

۲/۳- تأثیر عوامل معنوی (تقوا) در رشد اقتصادی

(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ

كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ) ؛ «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردنـد و خودنگه داری می کردنـد، حتماً برکـاتی از آسـمان و زمین بر آنـان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکـذیب کردنـد؛ پس به خاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم»، (اعراف/ ۹۶).

ص:۱۵۷

كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ) ؛ «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگه داری می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس به خاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم»، (اعراف/ ۹۶).

۳- روان شناسی

۳/۱- تشکیل انسان از جسم و روح الهی (توضیح آن گذشت)

۴- حقوق

۴/۱- نظام حقوقی خاص قرآن

۵- سیاست

۵/۱ – نظام سیاسی قرآنی (مشروعیت از بالا به پایین)

۶- جامعه شناسی:

۶/۱ – نظام اجتماعی مبتنی بر قرآن.

۶/۲ – سنت ها و قوانین ثابت حاکم بر جامعه

۷- مدیریت

۷/۱- نظام مدیریتی مبتنی بر قرآن (مدیریت رحمانی)

۷/۲- طرح عنصر شرح صدر در مدیریت

(قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی * وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانِی) ؛ «(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه ام را برایم بگشا * و کارم را برایم آسان گردان * و گره از زبانم بگشای»، (طه/ ۲۵–۲۷).

جمع بندی و نتیجه گیری

قرآن کریم در حوزه های مختلف علوم حقایق علمی بیان کرده که هنوز در علم کشف و تأیید نشده است و این موارد می تواند به عنوان نظریه پردازی های علمی قرآن به دانشمندان علوم جدید عرضه شود تا زمینه پژوهش های جدید و جهت دهی به مبانی و اهداف علوم فراهم گردد و منتهی به تولید علم جدید گردد. البته استنباط نظریه های علمی از قرآن دارای مبانی، روش و ضوابط خاصی است که اگر رعایت شود نظریه ای معتبر ارایه می شود.

فصل پنجم: اعجاز علمی قرآن

اشاره

ص: ۱۶۰

مقدمه

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان است که معجزه جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می آید، و دلیل حقانیّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام بوده و هست و در طی چهارده قرن گذشته همگان را به مبارزه طلبی فراخوانده که اگر هر کس می تواند همانند سوره ای از آن را بیاورد. (بقره/ ۲۳)

ولی تاکنون کسی نتوانسته است به این مبارزه طلبی قرآن پاسخ دهد. اعجاز قرآن ابعاد و وجوه مختلفی دارد که یکی از آن ها اعجاز علمی قرآن است که در عصر حاضر مورد توجه ویژه قرآن پژوهان و متخصصان علوم طبیعی و انسانی قرار گرفته است. (۱)

ولی هنوز در مورد تعریف و چیستی اعجاز علمی، پرسش ها و شبهاتی مطرح است که لازم است مورد مداقه قرار گیرد. و نیز لازم است مصادیق اعجاز علمی قرآن مورد بررسی قرار گیرد تا موارد صحیح و غیرصحیح آن روشن شود. این نوشتار بر آن است که به این پرسش ها پاسخ دهد. و دیدگاه های مختلف را مورد آن بررسی کند.

الف) چیستی اعجاز علمی قرآن

۱- تاریخچه

اعجاز علمی قرآن یکی از موضوعات نوپدید در حوزه اعجاز قرآن است که

ص:۱۶۱

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ و ۲، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، و نیز اعجاز التربوی للقرآن، دکتر مصطفی رجب و ...

یکی از زیرمجموعه هـای علوم قرآن به شـمار می آیـد. هر چنـد که در مورد اعجاز قرآن در طول چهارده قرن گذشـته اسـلام کتاب های زیادی نوشته شده است. (۱) اما اعجاز علمی قرآن عمری کوتاه دارد یعنی از حـدود یک قرن قبل محمد بن احمد اسکندرانی (۱۳۰۶ ق) در تفسیر «کشف الاسرار النورانیه القرآنیه فی ما یتعلق بالاجرام السماویه و الارضیه والحیوانات والنباتات والجواهر المعدنیه» از اعجاز علمی قرآن سخن گفت.

سپس از سوی رشـید رضا در المنار (۲) و طنطـاوی در جواهرالقرآن که رویکردی بی سابقه به کشـفیات علوم تجربی در زمینه های مختلف و تطبیق آن ها بر قرآن کریم داشـتند، مطرح شـد. در دهه های اخیر نظریه نظم ریاضـی قرآن و اعجاز عـددی آن نیز، از سوی رشاد خلیفه (پژوهش گر مصـری با دکترای بیوشـیمی) به عنوان یکی از زیرشاخه های اعجاز علمی به دایره وجوه اعجاز قرآن افزوده شد.

ولی در همین مـدت کوتـاه این موضوع مورد توجه قرآن پژوهان و متخصـصان علوم مختلف قرار گرفت و کتاب ها و مقالات زیـادی در مورد اعجـاز علمی به نگـارش در آمـد و حتی پایگاه های متعـددی در اینترنت به این مبحث اختصاص یافت (۳) و مجلات علمی از جمله: فصلنامه الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه، از

۱- (۱) . ر.ک: کتاب شناس اعجاز قرآن، دکتر محمد علی رضایی کرمانی

۲- (۲) . تفسیر المنار، ج ۱، ص ۲۱۰ – ۲۱۳.

۳- (۳) . از جمله سـایت هـای زیر در مورد اعجـاز علمی قرآن مطـالبی منتشر می کننـد: www.۵۵a.net موسوعه الاعجاز العلمی فی القران و السنه www.kaheel۷.com عبد الدائم الکحیل www.nooran.org نوران رابطه العالم الاسلامیه / www.maknoon.com مکنـون الاعجـاز العلمی فی القرآن www.Miracweb.net شـبکه الاعجـاز فی القرآن والسـنه www.Zelnaggar.com الاعجــــاز العلمی فی القران والســـــنه www.afkaar.com افکـــار علیمه www.aksharemazhabi.blogfa.com اسلام، قرآن، اعجاز www.askguran.ir کانون گفتمان قرآن

رابطه العالم الاسلامی در این باب منتشر شد که تاکنون بیش از ۳۰ شماره آن منتشر شده است و شاخصه های متعددی از اعجاز علمی هم چون: اعجاز طبی، اعجاز نجومی، اعجاز زمین شناسی، اعجاز زیست شناسی، اعجاز ریاضی، اعجاز اقتصادی، اعجاز تربیتی، اعجاز اجتماعی و ... مطرح شد و کتاب ها و مقالات تخصصی در این موارد نگارش یافت برخی از مهم ترین کتاب ها در این باره عبارتند از:

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، الاعجاز التربوی للقرآن، دکتر مصطفی رجب، (موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم و السنه المطهره، یوسف الحاج احمد)، (الموسوعه العلمیه فی اعجاز القرآن الکریم والسنه النبویه، الشیخ امجد فتحی و دکتر هانی بن مرعی القلینی)، (موسوعه الذهبیه فی اعجاز القرآن الکریم والسنه النبویه، دکتر احمد مصطفی متولی)، من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دکتر حسن ابوالعینین).

۲- مفهوم شناسی اعجاز

در قرآن کریم از واژه «معجزه» و «اعجاز» برای بیان امور خارق عادت و معجزات پیامبران علیهم السلام استفاده نشده است بلکه در این مورد واژه های «آیه» (۱)، «بیّنه» (۲)، «برهان» (۳)، «سلطان» (۴) به کار برده شده است.

الف: معنای لغوی معجزه

این واژه از ریشه «عجز» است. ولغویین معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده اند:

۱. برخی ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می دانند و از این رو در

۱- (۱) . مثل: انبیاء/ ۵ و آل عمران/ ۴۹ و اعراف/ ۷۳.

۲- (۲) . مثل: اعراف/ ۷۳ و ابراهیم/ ۹.

۳- (۳) . مثل: قصص/ ۳۲ و نساء/ ۱۷۴.

۴- (۴) . مثل: ابراهیم/ ۱۱.

مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می رود. (۱)

۲. گروهی از لغویین اصل این لغت را به معنای «ضعف» می دانند. (۲) لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوز» گویند.

۳. برخی لغویین آن را به معنای فوت چیزی (از دست رفتن) می دانند. (۳)

۴. برخی لغویین آن را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» دانسته اند. (۴)

۵. برخی لغویین آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته اند. (۵)

نتیجه: به نظر می رسد که ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» است که مقابل قدرت است. و این ضعف دارای مراتبی است. و به همین لحاظ است که به زنان کهن سال عجوز گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرك و زایش خود را از دست داده اند و به مؤخّر و پشت انسان نیز «عَجُز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است.

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نشد امّا در موارد متعددی این لغت به شکل های گوناگون به کار رفته است.

مثال: «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) که مقصود همان ضعف و عجز در تولید فرزند است.

«أعجزت» (مائده/ ۳۱) که مقصود همان ضعف و نفی اقتدار است.

«معاجزین» (سبأ/ ۳۸) که استمرار حالت عجز است.

«معجزی اللّه» (توبه/ ۲) که مقصود آن است که خدا ضعیف نمی شود.

۱- (۱) . ر.ك: مفردات راغب اصفهانی و نیز ابن فارس، مقاییس اللغه، این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می کند.
۲- (۲) . مفردات راغب این را به معنای ثانوی لغت عجز می داند ولی مقاییس آن را یکی از دو معنای اصلی می داند.
۳- (۳) . ر.ك: فیومی، مصباح اللغه و اقرب الموارد، ج ۲، ماده عجز، (این معنا در هنگامی است که در مورد - اشیاء بکار رود - اعجزه شیء).
۴- (۴) . همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود - أعجزت زیداً).
۵- (۵) . همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود - عجّزته تعجیزاً).

«معجزین» (انعام/ ۱۳۴ – فصلت/ ۳۱ – نور/ ۵۷ – عنکبوت/ ۲۲)

«لیعجزه» (فاطر/ ۴۴) که مقصود ایجاد عجز است.

«اَعجاز» (قمر/ ۲۰ – حاقه/ ۷) که مقصود ریشه های درخت خرماست که بعد از کنده شدن از زمین حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می کند.

نکته اول: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر وتسلط و تفوق و حکومت است. (۱)

نکته دوم: جالب این است که لغت «معجزه» در روایات اهل بیت علیهم السلام به معنای اصطلاحی به کار رفته است و لذا معلوم می شود که این لغت از زمان ائمه علیه السلام کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می رفته است.

برای مثال به این روایت توجه کنید: عن الصادق علیه السلام: «المعجزه علامه للّه لا یعطیها الاّ انبیاءه و رسله و حججه لیعرف به صدق الصادق من کذب الکاذب»؛ (۲) «معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت های خویش عطا نمی کند تا بوسیله آن راستگویی راستگویان از دروغگویی دروغگویان باز شناخته شود».

ب: معنای اصطلاحی معجزه

بحث معجزه حداقل در چهار علم تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است.

به برخی از قدماء نسبت داده شده که آن را جزیی از علم اصول می دانستند. (مثل شیخ طوسی و طبرسی) (۳)

برخی دیگر آن را در علم کلام (عقاید) مطرح می کنند. (مثل خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح اللّه کاشانی) (۴)

۱- (۱) . حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹.

۲- (۲) . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱، و نیز میزان الحکمه، ج ۶، ص ۶۶.

۳- (۳) . ر.ک: تفسیر تبیان، ص ۳ و شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰ و علامه طباطبایی رحمه الله اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزا محمد، ص ۹. (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد. نه اصول الفقه).

۴- (۴) . ر.ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴ و نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹.

و بعضی مفسران آن را در لابلای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیاء مطرح کرده اند (مثل علامه طباطبایی در المیزان و آیت الله طیب در اطیب البیان و...) (۱)

امّا گروهی نیز آن را در علوم قرآن مطرح کرده اند (مثل سیوطی در الاتقان و آیت اللّه معرفت در التمهید). (۲)

ما در این نوشتار بر آن نیستیم که جایگاه حقیقی این بحث را مطرح کنیم امّا شاید طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف به جهت ابعاد گوناگون این بحث باشد. که هر گروهی از زاویه ای خاص بدان نظر کرده اند.

و از آن جا که این بحث در علوم مختلف طرح شده، تعریف های متفاوتی نیز از آن ارایه شده که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خواجه طوسی رحمه الله معجزه را این گونه تعریف کرده است:

«راه شناخت راستگویی پیامبر این است که بدست او معجزه ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود». (۳)

و سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می کند:

الف: امت شخص معجزه گر از آوردن مثل آن عاجز باشند.

ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.

ج: معجزه در زمان تکلیف باشد.

د: معجزه بعداز ادعای نبوت ظاهر شود ودر زمان معجزه گر، مدعی نبوت دیگری نباشد. (۴)

و: آن عمل خارق عادت باشد.

۱- (۱) . ر.ک: اطیب البیان، ج ۱، ص ۴۰ - ۵۹ و المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد.

۲- (۲) . ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳.

۳- (۳) . خواجه طوسی و علامه حلی رحمهما الله، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۴- (۴) . همان.

۲. سیوطی در الاتقان معجزه را این گونه تعریف کرده است:

«امر خارق عادتی که همراه با تحّدی و سالم از معارضه باشد». (۱)

۳. آیت اللّه خویی رحمه الله در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می آورد به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد».

و سپس ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می سازد:

الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلا ادعای خدایی نکند).

ب: آنچه می گوید بر طبق آن انجام دهد.

ج: عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.

د: تحّدی (مبارزه طلبی) کند. (۲)

۴. علامه طباطبایی رحمه الله در تعریف معجزه می فرماید:

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ما وراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است. (۳) ایشان در جای دیگر می نویسد:

«معجزه» یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنان که از لفظش پیداست امر خارق العاده ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحّدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می کند... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آن ها انس گرفته ایم و آن ها را می شناسیم». (۴)

۱- (۱) . سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳.

۲- (۲) . البیان، ص ۱۰۳.

۳- (۳) . المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

۴- (۴) . علامه طباطبایی رحمه الله، اعجازقرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۵. ایجی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه بوسیله آن قصد شود که راستگویی مدعی نبوت را ظاهر کند».

و سپس هفت شرط برای معجزه قرار می دهد: کار خدا باشد - خارق عادت باشد - کسی نتواند با آن معارضه کند - بدست مدعی نبوت انجام شود - موافق ادعای او باشد - معجزه او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند) - معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد. (۱)

۶. استاد مصباح یزدی می نویسد:

«معجزه عبارت است از: امر خارق العاده ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد». (۲)

۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته اند:

«دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغیری در وجود - کوچک یا بزرگ - که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه بدست می آید به مبارزه می طلبد». (۳)

بررسی

بررسی همه تعاریف و نقد آن ها از حوصله این نوشتار خارج است امّا می توان گفت که برخی از تعاریف ناقص و برخی دیگر قابل نقض بود. (جامع و مانع نبود) در اینجا به پاره ای از اشکالات آن ها اشاره می کنیم:

۱. یکی از شرایطی که علامه حلّی در کشف المراد بیان کرده بود این بود که:

مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد. تا معلوم شود که معجزه از او صادر شده است. در حالی که برخی پیامبران همزمان بوده اند مثل حضرت ابراهیم و

۱- (۱) . ایجی، شرح مواقف، ص ۵۴۷.

۲- (۲) . آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دوجلدی).

۳- (۳) . سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر رحمه الله نقل کرده است.

لوط ، پس ممکن است که هر دو معجزاتی داشته اند.

۲. در تعریف های علامه طباطبایی رحمه الله از معجزه قیـدهای دیگری هم لازم بود مثل اینکه «معجزه مغلوب واقع نمی شود – دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و ...».

۳. در تعریف ایجی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد».

در حالی که این عین ادعایی است که معجزه می خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است. پس نمی تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد.

و از طرف دیگر گفته بود که معجزه راستگویی (صـدق) نبوت را ظـاهر می کنـد در حالی که معجزه منحصـر به اثبات ادعای نبوت نیست بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می کند.

نتیجه

معجزه (آیه، بیّنه، برهان) عبارت است از چیزی (کار – سخن – شیء) که این ویژگی ها و عناصر را داشته باشد:

الف: خارق عادت باشد. یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند.

البته معجزه به معنی انجـام محال عقلی نیست بلکه ارتکاب محال عادی است و نیز معجزه به معنی شکسـتن قانون علیت نیست چرا که تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی است.

ب: از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود.

پس اگر چیز خارق عادت قبل از ادعای نبوت واقع شـده باشـد نمی توانـد دلیل ادعای نبوت باشد. و نیز اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود کرامت خوانده می شود و معجزه اصطلاحی نیست.

پ: همراه باتحّدی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.

ت: مغلوب واقع نشود و دیگران نیز از آوردن مثل آن عاجز باشند.

یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی تر نقض

می شود. و یا از بین می رود.

ث: برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نباشد.

پس معجزه نمی توانـد برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلم) باشد.

ج: از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.

چ: معجزه گواه صدق مدعی باشد.

یعنی آنچه که ادعا شده همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده، کور را شفا می دهد به جای آن کر شفا پیدا نکند و نیز آن معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند. مثلا به سخن آید و بگوید این مدعی دروغ گو است.

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول: جهت معجزه گر است (که باید مدعی منصب الهی و تحدّی کننده و... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد).

دوم: جهت خود معجزه است. (که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد).

سوم: جهت مردمی که برای آن ها معجزه صورت می گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند).

۳- قلمرو معجزه

الف: تناسب معجزه با زمان

پیامبران الهی وقتی به سوی ملتی مبعوث می شدنـد شـرایط زمانی و مکانی و سـطح علمی مردم را در نظر می گرفتند و مطالبی در خور فهم آنـان می آورنـد و بیـان می کردنـد. حتی معجزات انبیـاء متناسب با علوم پیشـرفته زمان خودشان بود. تا فرزانگان مردم زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند.

یعنی هر پیـامبری بـا خـارق عـادتی، از نوع پیشـرفته ترین علوم زمان خویش مجهز بوده است تا ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت روشن تر گردد. و دانشمندان

عصر در برابر آن خضوع کرده و به حقانیت آن اعتراف کنند.

در حدیثی آمده که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: که چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است. حضرت فرمودند:

«در عصر موسی سحر غالب بود و موسی علیه السلام عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق العاده ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند.

و در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه ها، کلام و شعر) بود. و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خدا مواعظ و حکمت هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجت بر آن ها تمام شد». (۱)

البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است بلکه از آن جا که معجزه ای جاویدان و برای همه زمان و مکان ها و مردم تا قیامت است. ابعاد اعجاز قرآن متنوع است و برای هر مردمی جنبه ای از اعجاز آن تبلور می یابد و درخشش دارد.

ب: اقسام معجزه

معجزات از جهات گوناگون قابل تقسیم است که به آن ها اشاره می کنیم:

۱- معجزه اقتراحی و غیر اقتراحی:

معجزه ای که با درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه اقتراحی نامند.

و معجزه ای که بدون درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه غیر اقتراحی نامند (مثل نزول قرآن و ...).

۲- معجزه حسّی و عقلی:

معجزه حسّی آن است که با حواس ظاهری انسان درک می شود مثل عصای موسی علیه السلام که مردم اعجاز آن را می دیدند. امّا معجزه عقلی آن است که پس از تعقل و تفکر اعجاز آن روشن می شود. مثل قرآن کریم.

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۴ - ۵ و علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹.

۳- معجزه موقت و دایمی:

معجزه موقت معجزه ای است که مخصوص زمان و مکان خاصـی است و بعـد از آن از بین می رود ولی برای نسل های آینـده حکایت می شود و اگر حکایت یقینی باشد برای مردم بعدی هم حجت است. مثل: ید بیضای موسـی علیه السـلام یا ناقه صالح و یا معجزات عیسی علیه السلام مثل زنده کردن مرده وخبر دادن از مواد غذایی داخل منزل دیگران. (آل عمران/ ۴۹)

معجزه بـاقیه یـا دائمی یـا جاویـدان آن است که در همه زمـان هـا و مکان ها اعجاز آن ادامه دارد و برای مردم اعصار بعـد نیز حجت است و اعجاز آن قابل اثبات است. مثل قرآن کریم که معجزه جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱)

نکته: ادیانی که موقت بوده اند مثل یهودیت و مسیحیت معجزات آن ها نیز موقت است امّا دین اسلام که همیشگی و تا قیامت است معجزه آن نیز دائمی و جاویدان است.

ج: قلمرو اعجاز قرآن

آیـاتی که تحـدّی (مبـارزه طلبی) قرآن در آن ها مطرح شـده است چنـد گونه است. گاهی مردم را در مورد کل قرآن و یا ده سوره آن به مبارزه می طلبد و گاهی می فرماید اگر می توانید یک سوره مثل آن بیاورید. به این آیات توجه کنید:

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ لا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً) ؛ (۲) «بگو اگر تمام انسان و جن جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند نخواهند توانست و لو آنکه برخی آن ها به کمک دیگران بشتابند».

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَياتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ

۱- (۱) . برای اطلاع بیشتر ر.ک : سیوطی ، الاتقان ، ج ۳، ص ۳ به بعـد و نیز میر محمـدی ، تاریخ و علوم قرآن ، ص ۱۸۵-۱۸۷.

۲- (۲) . الاسراء/ ۸۸.

اَللّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ) ؛ (۱) «آیا می گویند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم افترا می بندد (و کلام خود را کلام خدا می خواند) پس ده سوره مانند آن بسازید و بیاورید و از هر کس، غیر از خدا، می خواهید کمک بگیرید، اگر راست می گویید».

(وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ) ؛ (۲) «و اگر در مورد آنچه به بنده خود (محمد) نازل کردیم شکی دارید پس سوره ای از جنس آن بیاورید و گواهان خود را، غیر از خدا بخوانید، اگر راستگویانید».

سوره یونس آیه ۳۸ نیز مضمونی شبیه آیه ۲۳ سوره بقره دارد. (فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِثْلِهِ) با این تفاوت که کلمه «من» در سوره بقره هست اما سوره یونس «مثله» بدون کلمه «من» آمده است. (در مورداین نکته بعداً توضیح خواهیم داد).

(أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لا یُؤْمِنُونَ * فَلْیَأْتُوا بِحَدِیثٍ مِثْلِهِ إِنْ کانُوا صادِقِینَ) ؛ (۳) «یا (آیا) می گویند او قرآن را از خود بافته است بلکه ایمان نمی آورند. اگر راست می گویند پس کلامی مثل آن (قرآن) را بیاورند».

هر چند که ظاهر کلمه «مثله» این است که کل قرآن مراد باشد ولی کلمه حدیث «کلام» شامل کمتر از یک سوره هم می شود. و لذابرخی احتمال داده اند که مقدار معجزه بودن قرآن یک سوره و یا تعدادی از آیات است که به اندازه یک سوره باشد. (۴)

تذکر: نکته جالب در آیات فوق این است در آنجایی که سخن از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره آن است سخنی از یاری افراد به همدیگر است اما در جایی که سخن از یک سوره و حدیث است مسأله شاهدان - و نه یاوران - را مطرح می کند. علت این تعبیرات شاید این باشد که در صورت اول این کار برای یک نفر مشکل است و یا اینکه اشاره به وجود اعجاز قرآن و مراتب آن است.

۱- (۱) . هود/۱۳.

۲- (۲) . بقره/ ۲۳

۳- (۳) . الطور/ ۳۳ - ۳۴

۴- (۴) . ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۰.

دایره تحدّی قرآن: مبارزه طلبی قرآن سه نوع شمول دارد

۱. شمول افرادی: قرآن می فرماید: (لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ) (۱).

یعنی اگر همه افراد انسان ها و حتی جن ها جمع شوند نمی توانند. مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح عام افرادی است. به طوری که شامل همه افراد موجود انسان ها و حتی افرادی که در آینده می آیند می شود.

۲. شمول زمانی: یعنی این دعوت و تحدّی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده و همیشه ادامه دارد و لذا می فرماید (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا) . (۲)

اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید. و هرگز نخواهید توانست.

۳. شمول احوالی: در حالی که نمی توانید مثل قرآن را بیاورید یعنی اگر عرب و یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشید نمی توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می شود. (۳)

و از این شمول و عموم و اطلاق آیه می توان استفاده کرد که آن جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد. که شامل همه زمانها و همه احوال باشد. و این در حالی است که برخی مثل شاطبی می گویند اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است. و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن را بیاورند دلیل معجزه بودن قرآن است و اعصار بعدی فقط به همین مطلب احتجاج می شود. (۴)

مرجع ضمیر «من مثله»

در سوره بقره آیه ۱۲ می خوانیم: (فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ) در مورد مرجع ضمیر غایب «مثله» می توان چند احتمال را مطرح کرد:

۱. مرجع ضمیر قرآن (ماتزّلنا) باشد یعنی: «پس سوره ای از جنس (از مثل)

ص:۱۷۴

۱- (۱) . اسراء/ ۸۸.

۲- (۲) . بقره/ ۲۴.

۳- (۳) . ر.ک: التمهید فی علوم قرآن، ج ۴، ص ۲۲، موسسه النشرالاسلامی، قم، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۶ ق.

۴- (۴) . الاعجاز البیانی، ص ۶۵ - ۶۸ به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۲۴.

قرآن بیاورید».

از ظاهر آیه همین معنا استفاده می شود و مشهور در زبان ها هم همین است. و علامه طباطبایی رحمه الله در المیزان نیز این احتمال را ذکر می کند. (۱)

۲. مرجع ضمیر خدا باشد یعنی: «اگر می توانید سوره ای از مثل خدا بیاورید» این مطلب در کلام الزملکانی (م ۶۵۱ ق) به عنوان یک احتمال نقل شده که ضعیف است چرا که سیاق این آیه با آیه (فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ) (۲) واحد است در حالی که ضمیر در این آیه به خدا بر نمی گردد. (۳)

۳. مرجع ضمیر به عبد (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) بر می گردد، یعنی: «پس سوره ای از مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (که امی است) بیاورید.» یعنی صدور یک سوره مثل سوره های قرآن از فردی درس نخوانده مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ممکن نیست. این احتمال را علامه طباطبایی در المیزان (۴) می کند.

تذکر: شاید این مطلب اشاره به مراتب اعجاز نیز باشد. یعنی آوردن یک سوره با توجه به اینکه همه جهات اعجاز را در بر ندارد از فردی امّی معجزه است و از افراد امّی بر نمی آید همان طور که آوردن ده سوره (با توجه به محتوای آن سوررها و جهات عدیده اعجاز آن ها) از دست افراد کثیر با تخصص های گوناگون هم ساخته نیست.

یعنی هر آیه ای خطاب به شخص یا اشخاص خاص (امی - جن و انس) است و مرتبه ای از اعجاز را بیان می کند. و شاهد این مطلب همان چیزی است که قبلاً بیان کردیم که تحدّی قرآن در مورد ده سوره و کل قرآن همراه با اشاره به یاوران انس و جن است اما در مورد تحدّی به یک سوره سخنی از آن ها به میان نمی آید بلکه داوران و شاهدانی را برای قضاوت بین دو سوره که از فرد امی صادر می شود فرا می خواند. تا روشن شود که هیچ فرد امّی نمی تواند مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و

۱- (۱) . المیزان، ج ۱، ص ۵۸.

۲- (۲) . هود/ ۱۳ بگو پس ده سوره مانند آن (قرآن) بیاورید.

۳- (۳) . التمهید، ج ۴، ص ۷۷.

۴- (۴) . المیزان ،ج ۱، ص ۵۸.

سوره ای معجزه آسا آورد.

و از این مطلب جواب «الزملکانی» هم روشن شد که سیاق دو آیه یکسان نیست چرا که در سوره هود سخن از ده مورد – و نه یک سوره – است. و نیز در سوره هود مرجعی مثل «عبد» وجود ندارد و نیز کلمه «من» در آن جا نیست.

پس هر چند ظاهر آیه معنای اول را نشان می دهد اما معنای سوم دقیق تر بنظر می رسد.

۴. علامه طباطبایی رحمه الله در المیزان (۱) احتمال دیگر نیز مطرح می کند که ضمیر به خود سوره (بقره مثلاً) بر گردد. و سپس آن احتمال را تضعیف می کند.

د: کرانه های اعجاز قرآن

در مورد آراء و نظریه های متفاوتی از زمانهای قدیم مطرح بوده است ولی این نظریه ها را می توان در یازده دیدگاه خلاصه کرد، که ما به آن ها اشاره می کنیم و به مهمترین هر دیدگاه اشاره می کنیم و اگر یک نفر در مورد چند دیدگاه نظر مثبت دارد او را در همه موارد ذکر می کنیم:

اول: فصاحت و بلاغت:

یعنی قرآن یک معجزه ادبی است به طوری که فصیح بودن آن در حد اعلای فصاحت و بلیغ و رسا بودن آن نیز کامل است به طوری که در قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعر یا خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است. (۲)

ص:۱۷۶

۱- (۱) . المیزان، ج ۱، ص ۵۸.

۲- (۲) . این نظریه شاید مشهورترین دیدگاه در باب اعجاز قرآن است و از جمله کسانی که آن را پذیرفته اند می توان از این افراد نام برد: ۱- عبد القادر الجرجانی (م ۴۷۱ ق) (دلایل الاعجاز و الشافیه به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۴۱) ۲- السکاکی (م ۵۶۷ ق) (مفتاح العلوم، ص ۱۹۶ – ۱۹۹) ۳- فخر الدین الرازی (م ۶۰۶ ق) (نهایه الایحار فی درایه الایحار به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۵۰) ۴- قاضی عبد الجبار (م ۴۱۵ ق) (شرح الاصول الخمسه، للقاضی عبد الجبار، ص ۵۸۶ – ۵۹۴) ۵- ابن میثم البحرانی (۶۳۶ – ۶۹۹ ق) او این دیدگاه را به اکثر معتزله نسبت می دهد. (التمهید، ج ۴، ص ۸۰) ۶- شیخ محمد عبده. (همان، ص ۱۲۹) ۷- شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (۱۳۷۳ ق). (همان، ص ۱۳۲) ۸ – استاد آیت الله سید ابو الفضل میر محمدی در کتاب تاریخ و علوم قرآن، (معاصر). تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰ چاپ دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم بهار ۱۳۷۵.

دوم: سبک و نظم خاص قرآن

هر چند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است اما نظم خاص خود و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیبات کلامی آن معجزه است یعنی سبک خاص آن نه شعر نه نظم است بلکه کلامی خاص است که قابل تقلید نیست.

چرا که خداوند از همه حروف و کلمات و ترکیبات آگاهی دارد و بهترین آن ها را انتخاب کرده است ولی ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را و لذا نمی توانیم مثل او سخنی بگوییم. (۱)

سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن با روحانیت قرآن:

از همان اوایل بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود به طوری که مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می کردند تا جذب کلام الهی نشوند. و شیرینی آن را نچشند.

و همین مطلب امروزه گاهی، تحت عنوان «موسیقی قرآن» خوانده می شود که برخی از متأخران مصر و ایران به آن تمایل دارند. و می گویند این جنبه از قرآن

۱- (۱) . از جمله قائلین به این نظریه می توان از این افراد نام برد: ۱- ابن سلیمان الخطابی البستی (م ۳۸۸ ق) (ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرساله الاولی الخطایی، ص ۹ - ۲۱). ۲- ابن عطیه (م ۵۴۲ ق) (الزرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۹۷). ۳- الراغب الاصفهانی (م ۵۰۲ ق) (مقدمه تفسیر، ص ۱۰۴ - ۱۰۹). ۴- الشیخ الطوسی رحمه الله (م ۴۶۰ ق) (الاقتصاد فی اصول الاعتقاد، ص ۷۴ - ۱۶۶). ۵ - القطب راوندی (۵۷۳ ق) (التمهید،ج ۴، ص ۶۴) ۶- الزملکانی (م ۶۵۱ ق) (همان، ۷۵) ۷- شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (همان، ص ۱۳۲). ۸ - شیخ محمد جواد بلاغی (همان، ص ۱۳۳) ۹- استاد سید ابو الفضل میر محمدی نیز همین نظر را تقویت می کند. (در کتاب تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰)

معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد عاجزند. (۱)

چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی:

وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتابهای آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما، مقایسه می شود متوجه می شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل ها را متحیر می نماید. و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند و این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد امّی (بی سواد) بیان شده است قائل این سخن آیت اللّٰه خویی رحمه الله است. (۲)

پنجم: قوانین محکم قرآن:

نظام تشریع و قانون گذاری قرآن از چنان متانت و استواری برخوردار است که هیچ کس قادر نیست مثل آن را بیاورد بلکه انسان ها هر قانونی که می گذارند پس از گذشت چندی اشکالات و سستی آن آشکار می شود و خود ناچار به تغییر آن می شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و وسط ، برادری و علم دعوت می کند و در جایی که به آخرت می پردازد دنیا را هم فراموش نمی کند.

قائل این سخن نیز آیت الله خویی رحمه الله است. (۳)

ششم: برهان های عالی قرآن:

قرآن کریم وقتی سخن از توحید و معاد و نبوت می کند چنان استوار و بر اساس قوانین صحیح فکر (منطق) سخن می گوید تو گویی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ده ها سال منطق و فلسفه خوانده است در حالی که او یک فرد امّی بود. و این اعجاز

۱- (۱) . از جمله کسانی که قائل به این سخن است: ۱- ابن سلیمان البستی (م ۳۸۸ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۳۸) ۲- سید قطب (همان، ص ۱۰۴) ۳- استاد مصطفی محمود (همان، ص ۱۰۶) ۴- دکتر محمد عبدالله دراز (همان، ص ۱۱۲) ۵ - محمد صادق الرافعی. (همان، ص ۱۱۸) ۶- استاد محمد فرید وجدی. (همان، ص ۱۲۷)

۲- (۲) . البیان فی تفسیر القرآن، المقدمه، ص ۴۳ - ۹۱ و التمهید، ج ۴، ص ۱۳۵.

۳- (۳) . همان ها.

قرآن را می رساند چرا که هیچ فرد امّی نمی تواند این گونه سخن بگوید.

از جمله قائلین این سخن شیخ محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن است. (۱)

هفتم: خبرهای غیبی از گذشته و آینده:

قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته که اثری از آن ها نبود مثل قوم لوط و عاد و ثمود و... سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان شناسان این مسائل را اثبات کرده و می کند. و یا در مواردی از مسائل آینده سخن می راند مثل پیش بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است. (۲)

هشتم: اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی):

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی وا داشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده اند همان گزاره های قرآن در مورد مسایل علمی مثل: زوجیت گیاهان، حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسانها تا قرن ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند. یا به نظریه بطلمیوسی که بر خلاف آنهاست، معتقد بودند. (۳)

تذکر: شاید بتوانیم دیدگاه هفتم و هشتم را تحت عنوان «اعجاز علمی قرآن» جمع کنیم. این مورد را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن):

۱- (۱) . التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳.

۲- (۲) . از جمله قائلین این دیدگاه این افراد هستند: ۱- القطب الراوندی (م ۵۷۳ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۶۴) ۲- سید عبد الله شبر(م ۱۲۴۲ ق) (همان، ص ۱۰۰) ۳- شیخ آل کاشف الغطاء(م ۱۳۷۳ ق) (همان، ص ۱۳۲) ۴- آیت الله خویی رحمه الله (البیان، ص ۴۳ - ۹۱)

۳- (۳) . البیان فی تفسیر القرآن، خویی، ص ۴۳ - ۹۱.

قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد که گاهی در شرایط جنگ، صلح، سفر و... بود ولی با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات قرآنی وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده در طی چند سال مشغول نوشتن باشد گاهی در ابتدا و انتها و مطالب داخل نوشته تناقضاتی به چشم می خورد.

این مطلب اعجاز قرآن را می رساند که هیچ انسانی نمی تواند مثل قرآن این گونه سخن گوید. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته اند آیت الله خویی رحمه الله در البیان است. (۱)

و نیز شیخ محمد جواد بلاغی که قبل از ایشان قائل به این سخن شده اند. (۲)

دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی:

برخی از صاحبنظران بر آنند که اعجاز قرآن کریم این است که تغییر عظیم و جدّی و انقلاب بزرگی در حیات انسان به وجود آورده است که با قوانین عادی و تجربی بشر در اجتماع و سنن تاریخی سازگار نیست.

ایشان به عنوان نمونه وضع اجتماع اعراب جزیره العرب را مثال می زند که قبل از اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند ولی کتابی مثل قرآن از آن جا برخاست در حالی که هر کتاب آئینه فرهنگ و علم جامعه خویش است اما قرآن کریم بر خلاف قوانین طبیعی و اجتماعی به وجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن جدیدی کند. (۳)

یازدهم: صرفه:

برخی معتقدند که اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی دهد کسی مثل قرآن را بیاورد یعنی قدرت را از مخالفین سلب می کند. البته این نظریه به سه صورت تصویر شده است. (۴)

اول: این که بگوییم خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می کند.

۱- (۱) . البیان، ص ۴۳ - ۹۱.

۲- (۲) . التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳.

۳- (۳) . سید محمد باقر حکیم، علوم قرآن، ص ۱۲۹ - ۱۳۰. (ایشان برخی مقالات شهید صدر را در متن کتاب به صورت کامل آورده است. و این مطلب از آن مقالات است)

۴- (۴) . التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱.

دوم: اینکه بگوییم خداوند علوم لازم آن ها را سلب می کند.

سوم: اینکه بگوییم با اینکه قصد مخالفت دارند و قدرت بر آوردن مثل قرآن دارند. اما خداوند جلوی آن ها را جبراً می گیرد.

البته به این دیدگاه جواب های متعددی داده شده است. (۱) و معمولاً اساتید و صاحب نظران علوم قرآن این دیدگاه را نمی پزیرند. (۲)

دوازدهم: همه این جهات از اعجاز قرآن است (مگر صرفه):

این دیدگاه در بین قرآن پژوهان و مفسران طرفدارانی داشته است.

از جمله علامه طباطبایی رحمه الله و بر آن است که:

تمام ابعاد قرآن معجزه است ولی با اختلاف مخاطبین متفاوت است. برای مثال قرآن معجزه ادبی برای ادیبان و معجزه سیاسی برای اهل سیاست و معجزه در حکمت برای حکیمان و... است. بنابر این نظریه اعجاز قرآن شامل همه افراد و همه زمانها و همه حالات می شود. (۳)

و نیز شیخ محمد جواد بلاغی بر آن است که:

برای اعراب و بقیه مردم ابعاد دیگر اعجاز (مثل اسرار غیبی و...) وجود دارد. (۴)

و نیز آیت الله معرفت بر آن است که اگر چه ظاهر قرآن این است که (با توجه به تبحّر مردم عرب صدر اسلام در علوم ادبی) اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت است اما در دوره های بعد که خطاب عمومی شد و شامل همه بشریت گردید تحدّی قرآن هم با همه جهات صورت می گیرد و منحصر در فصاحت و بلاغت نیست. (۵)

۱- (۱) . ر.ك: التمهید، ج ۴، ص ۱۵۲.
۲- (۲) . برخی از کسانی که قائل به این سخن هستند، عبارتند از: ۱- ابن اسحاق النظام (م ۲۳۱ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱)
۲- الشریف المرتضی (سید مرتضی) (م ۴۳۶ ق) (همان، ص ۱۸۰)
۳- (۳) . المیزان، ج ۱، ص ۵۷ - ۶۷ و التمهید، ج ۴، ص ۲۳ و ص ۱۳۴.
۴- (۴) . التمهید، ج ۴، ص ۱۸۰.
۵- (۵) . همان، ص ۲۳.

البته آیت الله خویی رحمه الله نیز همه این ابعاد را نشانه اعجاز قرآن می داند. اما آن را منحصر به مخاطبین عرب یا عجم و یا اهل فن و علم خاص نمی کند. (۱)

نتیجه گیری

بنابر آنچه که گذشت، اعجاز قرآن ابعاد متعددی مثل فصاحت، بلاغت، محتوا، اخبار غیبی و...دارد. وجه و جهت تحدّی و مبارزه طلبی قرآن همه وجوه اعجاز قرآن است (غیر از صرفه که باطل است).

البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبین مختلف، متفاوت است و هر کسی را بر اساس تخصص و استعداد او و در همان زمینه به مبارزه می طلبد. هر چند اعجاز قرآن و تحدی آن شامل همه زمان ها می گردد. و همینکه در طول چهارده قرن کسی نتوانسته مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقانیت و صداقت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ثابت می شود.

ه : تعریف اعجاز علمی قرآن

مراد آیاتی از قرآن کریم است که بدین صورت باشد:

۱. رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کند، به طوری که مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود. و این مسأله علمی طوری باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نباشد.

۲. اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که در هنگام نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن طبق همان خبر واقع شود. و این خبر طوری باشد که بوسیله وسایل عادی قابل پیش بینی نباشد.

پس اگر مطلبی را قرآن خبر داده که قبلاً در کتابهای آسمانی گذشته به آن اشاره شده بوده است و یا در مراکز علمی یونان و ایران و ... در لابلای کتاب های علمی و آراء دانشمندان آمده است. و یا مطلبی باشد که طبیعتاً و یا بصورت غریزی قابل فهم بوده است این امور معجزه علمی محسوب نمی شود. (۲)

ص:۱۸۲

۱- (۱) . البیان، ص ۴۳ - ۹۱.

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۸۵.

۳. نظام های علمی قابل استنباط از قرآن نظام سیاسی، اقتصادی، تربیتی و ... که مثل آن عاجز باشند.

۴. نقش قرآن در تحول اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی جامعه صدر اسلام و هر جامعه ای که قرآن در آن اجرا می گردد به شرط آن که دیگران به صورت عادی از ایجاد چنین تحوّلی عاجز باشند.

بنابراین اعجاز علمی قرآن را به دو صورت درون متنی و یک صورت برون متنی و در مجموع به سه گونه می توان تصور کرد:

اول: وجود گزاره های علمی در قرآن که شامل اخبار غیبی نسبت به امور طبیعی یا تاریخی باشد و بعد از مدتی کشف و اثبات شود. مثل: خبر قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم/ ۲) و یا خبر قرآن در مورد زوجیت عام موجودات (وَ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ خَلَقْنا زَوْجَيْنِ) ، (ذاریات/ ۴۹).

این گونه اعجاز علمی غالباً به صورت تفسیر ترتیبی و استخدام علوم در فهم آیات قرآن صورت می گیرد.

دوم: استنباط نظام علمی از قرآن در یک رشته خاص، به صورت تفسیر موضوعی و استنباطی انجام می یگرد. برای مثال نظام و مکت اقتصادی قرآن (شامل: مبانی اقتصاد - اهداف - قلمرو - اصول - آموزه ها و ...) و نیز نظام تربیتی قرآن و نظام سیاسی قران به صورتی که دانشمندان مکاتب مادی از آوردن مثل آن نظام عاجز باشند، یعنی نظامی که قرآن ارایه می کند کار آمدتر، جامع تر و منسجم تر است به صورتی که تمام ابعاد جسمی و روحی بشر را در بر می گیرد و نتایج بهتری در سعادت بشر دارد.

سوم: اعجاز علمی برون متنی یعنی نقش تاریخی قرآن در تحول مردم از زاویه یک علم خاص مثلاً- نقش قرآن در تحول جامعه و عرب جاهلی (با خصوصیات جهل و خرافه پرستی، شرک و دخترکشی، انحرافات اخلاقی و جنگ طلبی و تعصب و ...) به یک جامعه متمدن در کمتر از دو قرن، یعنی نقش قرآن در تحوّل تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... در عینیت جامعه به صورتی که دیگران از

ص:۱۸۳

آوردن مثل آن تحوّل در آن مدت کوتاه عاجز باشند.

البته این گونه از اعجاز علمی قرآن با مطالعه فرهنگ قرآن و فرهنگ عرب جاهلی قبل از اسلام و مطالعه تاریخ مسلمانان و تحلیل تحوّلات فرهنگی و علمی آن ها به دست می آید. نکته جالب این است که اعجاز علمی قرآن در هر یک از سه گونه فوق قابل طرح و بررسی است و در کتاب هایی که در تاریخچه بحث معرفی کردیم هر کدام به گونه ای از اعجاز علمی اشاره کرده اند.

البته لازم نیست در زمینه هر علمی هر سه گونه وجود داشته باشد. هر چند که گونه اول یعنی گزاره های علمی بیش تر در علوم طبیعی و دو گونه دیگر بیش تر در علوم انسانی ادعا شده و کاربرد دارد.

توضیح آن که در قرآن کریم چهار دسته آیات علمی وجود دارد که فقط یک قسم آن اعجاز علمی است:

اول: اعجازهای علمی قرآن، یعنی رازگویی های علمی قرآن که در آیات بصورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت ها بعد از نزول آیه مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است. (۱)

مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (۲) حرکت های خورشید، (۳) لقاح ابرها (۴) و زوجیت عام موجودات (۵) و مراحل خلقت انسان (۶) که قرن ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجازهای علمی قرآن دانسته اند.

البته ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده است که مورد

۱- (۱) . ر.ك: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۸۵.

۲- (۲) . رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰.

۳- (۳) . یس/ ۳۸ و رعد/ ۲.

۴- (۴) . حجر/ ۱۲.

۵- (۵) . رعد/ ۲ و یس/ ۳۶ و شعراء/ ۷.

۶- (۶) . مومنون/ ۱۲ - ۱۴ و حج/ ۵ و غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۷ - ۳۹.

نقد قرار گرفته است. (۱)

دوم: اشارات علمی شگفت آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می کند که شگفتی هر خواننده ای را بر می انگیزد. اما از آن جا که این مطالب به صورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید. بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه ها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر بشمار می آید که شگفت آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد.

از آن جمله، اشارات قرآن به حرکت زمین (۲) و پیدایش حیات از آب، (۳) و ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه، (۴) ممنوعیت شرابخواری (۵) و ...

سوم: اشارات علمی اندیشه ساز قرآن: آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می کند و انسان را به تفکر در آن ها دعوت می کند و گاهی آن ها را نشانه خدا و معاد می شمرد. ولی مطلب شگفت آمیز یا اعجازآمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، این گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می کند و زمینه ساز رشد علمی بشر را، بویژه در علوم تجربی، فراهم می سازد.

مثال: (أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ) ؛ (۶) «و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است ؟!»و نیز در آیات ۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۴، سوره نحل به منافع حیوانات، نزول

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین.

۲- (۲) . ر.ک: نمل/ ۸۹ و ...(صاحب تفسیر نمونه این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن می شمارد، نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹)

۳- (۳) . ر.ک: نور/ ۴۵ و انبیاء/ ۳۰ (صاحب التمهید این مطلب را از اعجازهای علمی قرآن بشمار می آورد، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۶)

۴- (۴) . ر.ک: بقره/ ۲۲۲ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰ - ۵۱.

۵- (۵) . ر.ک: مائده/ ۹۰ - ۹۱ و بقره/ ۲۱۹.

۶- (۶) . غاشیه/ ۱۷.

باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آن ها و فوایـد غـذایی و زیور آلاتی که از آن ها بدست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره می کند که به آفرینشگر جهان پی می برند و سپاسگزاری می کنند. (۱)

چهارم: نظریه پردازی های علمی قرآن (جهت دهی به مبانی علوم انسانی و موضوع سازی برای علوم):

برخی اشـارات علمی در قرآن وجود دارد که هنوز به صورت پیشـگویی هـای علمی باقی مانـده و توسط علوم تجربی اثبات یا نفی نشـده است. بلکه دورنمـای مثبـتی برای آن هـا وجود دارد که می توان این دیـدگاه هـای قرآنی را در هر علم به صورت حقایق قرآنی و نظریه های علمی قرآن ارایه کرد. (۲)

و نیز در بسـیاری از آیات قرآن از مبانی و اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت و ... مطالبی بیان شده است که می توان از آن هـا در نظام سازی و جهت دهی به علوم انسانی اسـتفاده کرد. (۳) برای مثـال براساس آیات نفی ربا، می توان نظریه اقتصاد بدون ربا را مطرح کرد.

۴- مبانی و معیارهای اعجاز علمی قرآن

تفسیر آیات علمی قرآن گاهی منتهی به اثبات اعجاز علمی قرآن می شود، بنابراین اعجاز علمی زیرمجموعه تفسیر علمی قرآن به شمار می آید و همان مبانی و ضوابط تفسیر علمی بر آن حاکم است. و از آن رو که اعجاز علمی قرآن

۱- (۱) . البته در میـان آیات ۵ - ۱۷ سوره نحـل برخی نکات علمی شـگفت آور نیز وجود دارد که این گونه مطالب به قسـم بعدی ملحق می شود.
۲- (۲) . برای مثـال: مسأله گسترش جهـان در کیهـان شناسـی (وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنّا لَمُوسِـعُونَ) ؛ (ذاریات/ ۴۷)و مسأله موجودات زنده در آسمان ها (وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّهٍ) ؛ (شوری/ ۲۹) و نمونه های دیگر.
۳- (۳) . و نیز برای مثال از جریان طالوت (وَ زادَهُ بَسْطَهً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ) ؛ (بقره/ ۲۴۷) و از داستان یوسف (إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ) ؛ (یوسف/ ۵۵) و موارد مشابه می توان شرایط مدیر را از قرآن استنباط کرد.

زیرمجموعه مبحث اعجاز قرآن است لازم است ضوابط و معیارهای اعجاز را نیز دارا باشد. بنابراین لازم است در مورد اعجاز علمی قرآن موارد زیر وجود داشته یا رعایت شود:

الف: مبانی تفسیر علمی شامل مبانی عام تفسیر مثل امکان و جواز تفسیر و عدم تحریف قرآن و مبانی خاص تفسیر علمی مثل موارد زیر می شود:

۱- قرآن کتاب هدایت است و در صدد بیان همه جزئیات علوم بشری نیست و نباید انتظار داشته باشیم که همه جزئیات علوم از ظواهر قرآن استخراج شود.

۲- قرآن و علم رابطه ای سازگارانه دارند بلکه بسیاری از یافته های اطمینان آور علمی با آیات قرآن مطابقت دارد. (۱)

۳- در قرآن آیات علمی وجود دارد که در بر دارنده اشارات اعجاز آمیز علمی و خبرهای غیبی در مورد علوم است.

۴- تحدّی و مبارزه طلبی قرآن شامل جنبه اعجاز علمی نیز می شود.

ب: معیارهای تفسیر علمی شامل معیارهای عام تفسیر قرآن؛ مثل این که از روش های معتبر تفسیر استفاده شود و از قرائن معتبر تفسیر بهره گرفته شود و تفسیر به رأی نشود و مفسّر دارای شرایط آن را انجام دهد. (۲)

و نیز ضوابط خاص تفسر علمی؛ مثل این که مفسّر وارد حوزه تفسر علمی و اعجاز علمی قرآن گرد که با دو حوزه تفسیر و علم مربوطه آشنا باشد و نیز از مطالب اطمینان آور یا قطعی علمی استفاده کند و از تحمل نظریه های علمی بر قرآن و استخراج تمام جزئیات علوم از ظواهر بپرهیزد و به دنبال استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن باشد. (۳)

ج: ضوابط اعجاز قرآن که شامل ضوابط عام اعجاز و ضوابط خاص اعجاز

۱- (۱) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، جلد اول، محمد علی رضایی اصفهانی.
۲- (۲) . ر.ک: منطق تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و روش شناسی تفسیر قرآن، رجبی و دیگران.
۳- (۳) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی.

علمی می شود. از جمله ضوابط عام اعجاز آن است که مطلبی خارق عادت (مثل خبر از غیب) باشد که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و مدعی نبوت آن را آورده باشد (۱) همان طور که قرآن آن را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات نبوت خویش ارایه کرد و نیز ضوابط خاص اعجاز علمی، مثل این که:

۱- مطلب علمی با ظاهر یا نص آیه سازگار باشد وگرنه تحمیل بر قرآن و تفسیر به رأی می شود.

۲- مطلب علمی قابل اطمینان یا قطعی باشد نه نظریه ها و تئوری های علمی، وگرنه صرف احتمال تفسیری است و نمی توان به صورت قطعی به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی نخواهد بود.

۳- قبل از قرآن کسی آن مطلب علمی را نگفته باشد وگرنه شگفتی علمی قرآن می شود نه اعجاز علمی.

۴- در صدر اسلام مردم نتوانند به صورت عادی و با استفاده از ابزارهای علمی آن عصر آن مطلب را کشف کنند.

۵ - بعد از قرآن صحت و درستی آن مطلب علمی اثبات شود. (۲)

۵- چالش های مفهوم اعجاز علمی

در مورد اعجاز علمی قرآن شبهات و اشکالات متعددی مطرح شده است که این جنبه از اعجاز قرآن را با چالش هایی روبه رو کرده است، در این جا مهم ترین این موارد را بیان و بررسی می کنیم:

بعضی مخالفین اعجاز علمی، می گویند که تفسیر علمی، اعجاز قرآن را اثبات نمی کند زیرا:

۱. اینکه بعضی مطالب علمی قرآن، با اکتشافات جدید مطابق است، ثابت می کند که قرآن را یک نفر انسان عادی بیان نکرده، بلکه از طرف خدای دانای به حقایق نازل شده است ولی این مطلب نمی رساند که قرآن معجزه است چون

۱- (۱) . در این مورد در مباحث مفهوم شناسی اعجاز مطالبی بیان شد.

۲- (۲) . در این مورد در مباحث مفهوم شناسی اعجاز علمی مطالبی بیان شد.

تورات و انجیل اصلی هم، از طرف خدا نازل شده ولی معجزه نبود؛ بلکه اعجاز قرآن که تحدی قرآن برای آن است در مورد اعجاز بیانی و ادبی قرآن است که کسی مثل آنرا نمی توانست و نمی تواند بیاورد.

۲. آیات و مطالب علمی قرآن در همه سوره ها نیست، در حالی که تحدی قرآن این است که (أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ) (۱)، (وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ) . (۲)

«یک سوره مانند قرآن را بیاورید» پس اعجاز قرآن با هر سوره ای اثبات می شود، در حالی که طبق نظریه اعجاز علمی، فقط سوره هایی که آیات علمی دارد، اعجاز را ثابت می کند.

۳. اعجاز علمی قرآن موجب می شود که قرآن تابع علم شود، یعنی باید منتظر بود تا علوم بشری پیشرفت کند و اعجاز قرآن اثبات شود.

۴. اگر قرآن را بر اساس علوم بشری متغیّر پایه گذاری کنیم هرگاه نظریه های علمی تغییر کند، اعجاز علمی باطل می شود.

۵. مطالب علمی کشف شده قبل از کشف خارق عادت و معجزه نیست و بعد از کشف هم یک مطلب علمی عادی است و خارق عادت نیست.

به عبارت دیگر مطلب علمی قبل از کشف روشن نبود تا قابل صدق و کذب باشد و بعد از کشف هم خرق عادت نیست بلکه از طرق عادی می توان بدان رسید و قابل تکرار است.

۶. معجزه کاری خارق عادت است که برای اثبات منصب الهی می آورند. در حالی که در صدر اسلام ادعای اعجاز علمی نبود تا اثبات نبوت کند و در قرآن هم به آن تحدّی نشده است.

۷. آیا دانشمندانی که مطالب علمی را قبل از کشف حدس می زنند و مطابق

۱- (۱) . یونس/ ۳۸.

۲- (۲) . بقره/ ۲۲.

واقع حادث می شود اعجاز علمی دارند؟

۸. در علوم طبیعی اخبار غیبی از طبیعت معنا دارد و بعد هم توسط دانشمندان مطابقت خبر غیبی قرآن با واقع کشف می شود اما در علوم انسانی این گونه نیست چون نظریه های علمی رقیب در برخی علوم وجود دارد (مثل اقتصاد سوسیالیستی و کاپیتالیستی و نیز نظریه های هم عرض در علوم تربیتی و جامعه شناسی و روان شناسی) پس واقعیت در این موارد در اختیار ما نیست تا ماطبق مطالب علمی قرآن با آن روشن شود.

۹. تفاوت معجزه علمی با خبر غیبی چیست ؟

۱۰. اعجاز علمی ناتوانی مخاطبان احراز نمی شود چون که دانشمندانی که مطالب علمی را کشف می کنند رقیب قرآن می شوند.

بررسی

در مورد اشکالات و شبهاتی که به اعجاز علمی قرآن وارد شده بود برخی پاسخ ها داده شده یا می توان داد از جمله:

۱. معجزه عملی خارق عادت است که از کسی که ادعای نبوت دارد برای اثبات صدق ادعای او و با اذن خدا صادر می شود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوان هستند.

کسانی که می گویند مطالب علمی قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارد، منظورشان این است که آورده شدن مطالب علمی در چهارده قرن قبل که دانشمندان، بعد از قرنها آن ها را از طریق علوم تجربی کشف کردند، نشان می دهد که قرآن کلام صادر شده از یک انسان معمولی نیست، بلکه از طرف خدا آمده است (تا اینجا با اشکال کننده توافق داشتیم) پس انسان عادی نمی تواند مانند این مطالب علمی را بیاورد، نه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می توانستند و نه الان کسی می تواند، مطالب علمی قرنها بعد را بیان کند. پس قرآن معجزه بوده و الان هم نسبت به مطالب علمی که یک قرن بعد، کشف می شود معجزه است (در عین حال که اعجاز ادبی آن هم پا بر جاست.) اینکه ما از قرآن در هر زمان، یک مطلب جدید به دست می آوریم، خود اعجاز این کلام را می رساند و برای اثبات اعجاز قرآن (یا از طرف خدا

بودنش) احتیاج به دلیلی غیر خودش نداریم. تورات و انجیل از طرف خدا بود ولی اثبات صدق موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بوسیله تورات و انجیل نبود (پس نفس تورات و انجیل معجزه نبود به خلاف قرآن) بلکه اثبات تورات و انجیل (که کلام خدا باشد) احتیاج به معجزه و دلیل صدق (مثل عصای موسی) داشت همانطور که این معجزه اصل نبوت آنان را نیز اثبات می کرد.

به عبارت دیگر در مورد قرآن، معجزه و کتاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (که کلام خداست) یکی شده است اما در مورد تورات و انجیل این دو از هم جدا می شود؛ یعنی مطالب علمی قرآن دو چیز را اثبات می کند:

اول معجزه بودن قرآن و دوم اینکه از طرف خدا نازل شده است.

۲. اعجاز علمی قرآن، در بعضی سوره ها برای ما آشکار شده و در بعضی سوره ها آشکار نشده است و روشن نشدن آن ها دلیل بر عدم اعجاز علمی آن سوره ها نیست. از طرف دیگر کسی که ادعا می کند قرآن اعجاز علمی دارد نمی گوید تک تک آیات و سوره ها اعجاز علمی دارد تا اشکال به او وارد شود که تحدی قرآن در مورد تک تک سوره هاست اعجاز قرآن جهات مختلف (ادبی، علمی، عدم وجود اختلاف، قوانین عالی و...) دارد. و لازم نیست هر سوره از همه جهات معجزه باشد بلکه از یک جهت هم که معجزه باشد تحدی قرآن صحیح است.

۳. اشکال سوم به همه جهات اعجاز قرآن وارد است چون اعجاز ادبی قرآن را هم همه انسان ها خصوصاً غیر عرب هایی که اهل علم نیستند نمی توانند تشخیص دهند ولی این دلیل بی اعتباری اعجاز ادبی یا اعجاز علمی قرآن نمی شود. و از طرف دیگر تحدّی هر کس در حد معلومات اوست اگرچه اطلاع او از اعجاز قرآن و ناتوانی خویش برای هماوردی با قرآن، از طریق واسطه ای باشد یعنی از متخصص پرسش کند. علاوه بر آن که تحدّی قرآن برای هرگروه مخاطب نسبت به علم و تخصص آنان است.

۴. در مورد تبعیت توجه به چند نکته لازم است:

اولاًـ در اعجاز علمی قرآن، علم تابع قرآن است چرا که قرآن پیشگام است و مطلبی علمی را قرن ها قبل فرموده (و به صورت نظریه علمی قرآن باقی مانده) سپس علم آن را کشف می کند.

ثانیاً اعجاز علمی قرآن (و حتی ابعاد دیگر اعجاز مثل اعجاز ادبی، تشریعی و معارف بلند قرآن) مستمر است و در هر عصر مصادیق جدیدی از آن کشف می شود.

یعنی مفهوم کلی اعجاز علمی (و ادبی و ...) با یک مصداق ثابت می شود و در هر عصری که مصداق جدیدی از آن کشف می شود، استمرار می یابد و نو به نو می شود. پس اعجاز علمی قرآن یک گام از علم جلوتر است.

۵. اگر معیارهای اعجاز علمی رعایت نشود اشکال ابطال نظریه های علمی و به تبع آن ابطال اعجاز علمی وارد می شود. اما اگر معیارها رعایت شود اشکال بر طرف می شود.

از جمله معیارها آن است که اعجاز علمی قرآن بر اساس یافته های اطمینان آور علمی پایه گذاری شود چون یافته های علوم بشری دو دسته است. اکثر آن ها نظریه ها و تئوری های علمی است که قطعی نیست (چه نظریه اثبات پذیری ابطال پذیری) ولی برخی از آن ها قطعی یا اطمینان آور است. (۱)و شخصی که می خواهد اعجاز علمی قرآن را ادعا کند باید دقت کند که نظریه های علمی ناپایدار را به صورت قطعی به قرآن نسبت ندهد و بر آن تحمیل نکند که تفسیر به رأی می شود و تفسیر به رأی حرام است.

اما اگر یافته علمی قطعی یا اطمینان آور بود و با نص یا ظاهر قرآن تطابق داشت، با فرض داشتن شرایط دیگر اعجاز علمی، می توان تطابق آن مطلب علمی کشف شده را با آیه قرآن اعجاز علمی دانست.

لازم به یادآوری است که احتمال تغییر در مطالب اطمینان آور علوم در مورد همه علوم وجود دارد همان طور که در تاریخ منطق، فلسفه، فقه و ... ملاحظه می شود و اصولاً رشد علوم به همین تغییر و تکامل است و این تغییرات جزئی

۱- (۱) . ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، ص ۱۸۶ و ۳۸۳.

علوم مانع استفاده از نتایج و دست آوردهای علوم نمی شود، نه در تفسیر و علوم قرآن و نه در علوم دیگر.

۶. اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه اخبار غیبی است که در این گونه معجزات آنچه خارق عادت است آن است که مدعی معجزه، قبل از دیگران و بدون استفاده از وسایل عادی همان عصر هم نمی توانند از آن اطلاع یابند. و همین عجز مخاطبان برای اثبات اعجاز کافی است و برای نسل های بعدی به نوعی خبر می دهند که معجزه واقع شده است.

برای مثال در مورد حضرت عیسی علیه السلام در قرآن نقل شد:

(وَ رَسُولاً إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللّهِ وَ أُنَبِّئُکُمْ بِما تَأْکُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فِی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَهً لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ) ، «و (او را به عنوان) فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قرار داده که او به آنان می گوید) که من از طرف پروردگارتان نشانه ای [معجزه وار]، برایتان آورده ام؛ من از گِل برای شما [چیزی] همانند شکل پرنده می سازم و در آن می دمم، پس به رخصت خدا، پرنده ای می گردد؛ و نابینای مادر زاد و (مبتلایان به) پیس را بهبود می بخشم و مردگان را به رخصت خدا زنده می کنم؛ و از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم؛ که مسلماً در این [معجزات]، نشانه ای برای شماست، اگر مؤمن باشید». (آل عمران/ ۴۹)

در این آیه حضرت عیسی علیه السلام از چیزهایی که مردم در خانه ذخیره کرده یا می خورند خبر غیبی می دهد که با وسایل عادی ان عصر اطلاع از داخل خانه ها ممکن نبود ولی این معجزه یک بار واقع شد و الآن خبر آن به ما می رسد. معجزه علمی نیز همین گونه است. قرآن می فرماید: (وَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ) ؛ «و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکّر شوید». (ذاریات/ ۴۹) وقتی که زوجیت عام موجودات در قرن بیستم میلادی کشف شد، اعجاز علمی اثبات گردید اما بعد از اثبات خبر این معجزه به نسل های بعدی می رسد. و

ص:۱۹۳

این ماهیت اعجاز غیبی و اخبار غیبی است که اعجاز آن در تقـدم زمانی در خبر دادن بـدون اسـتفاده از وسایل عادی است که دیگران از آوردن مثل آن در همان عصـر عجاز هسـتند. البته اعجاز قرآن با معجزات پیامبران پیشین از این جهت متفاوت است که اعجاز قرآن جاویدان است و در مورد اعجاز علمی نیز استمرار آن به کشف مصادیق جدید آن در طول اعصار است از این رو اعجاز علمی تمام شدنی نیست.

۷. قرآن معجزه ای جاویـدان برای همه زمان ها و مکان هاست و ابعاد اجاز آن متعدد است که در هر عصـری یکی یا چند بُعد از اعجـاز آن جلوه گری بیشتری دارد. پس لازم نیست که همه ابعاد اعجاز قرآن در عصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و حتی در عصر ما مطرح شده باشد.

از طرف دیگر همـان طور که گـذشت تحـدّی و مبـارزه طلبی قرآن مطلق است و شامل همه ابعاد اعجاز قرآن می گردد. لیکن نسـبت به هر مخاطب در مورد علم او تحـدّی می کنـد. به ادیان صدر اسـلام می فرماید اگر می توانید کتابی با این فصاحت و بلاغت بیاوریـد و به دانشـمندان عصـر ما می فرمایـد اگر می توانید کتابی مثل قرآن بیاورید که مطالب علمی را قبل از کشـف بیـان کرده باشـد، پس تحـدّی در کـل قرآن اعم از لفظ و محتوا) کافی است و همین شامل اعجاز علمی هم می شود. لیکن بر اسـاس مخـاطب و پیشـرفت علمی بشـر در هر عصـر بُعـد جدیـدی از اعجـاز قرآن روشن می شـود. همـان طـور که اعجازهـای محتوایی دیگر مثل اعجاز تشـریعی و ... بعـداً پیـدا شـد. پس لازم نیست پیامبر یا قرآن مردم صـدر اسـلام نامی از اعجاز علمی برده باشند.

۸ . دانشـمندانی که حـدس می زننـد، اولاً پیش بینی می کننـد ولی جز قطعی از آینده نمی دهند در حالی که قرآن خبر قطعی می دهد.

ثانیاً معلوم نیست حـدس دانشـمندان مطابق وابع باشد در حالی که اخبار غیبی قرآن مطابق واقع است. این مطلب بارها به اثبات رسیده است. علاوه بر آنکه کلام صادق الهی است.

ثالثاً حدس های دانشمندان شرط معجزه را ندارد چون همراه با ادعای نبوّت و

مانند آن نیست و تحدّی ندارد.

۹. همـان طور که گـذشت اعجـاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی به انطبـاق اخبار غیبی قرآن با یافته های اطمینان آور علوم طبیعی است. اما در حوزه علوم انسانی اعجاز علمی قرآن اولاً به نظام های اقتصادی، تربیتی سیاسـی و ... است که قابل استنباط از قرآن است که مبـانی، اهـداف و روش هـای آن هـا بر نظام های دیگر برتری دارد. چون نگاهی جامعه به همه ابعاد وجودی انسان داشته و کارآمدتر است.

و ثانیـاً به تحوّل تاریخی و علمی قرآن است که در جامعه جاهلیت عرب به وجود آورد. تحوّلی اجتماعی، سیاسـی، اقتصادی و تربیتی که زندگی آنان را دگرگون کرد و ارتقاء بخشید، و آموزه های قرآن در حالی که چنین تحول علمی را دیگر کتاب ها نمی توانند ایجاد کنند.

۱۰. معجزه علمی، زیرمجمـوعه اخبـار غیـبی قرآن است که این قرآن همراه بـا تحـدّی توسـط مـدعی منصب الهی آورده شـده است.

امـا هر گونه خـبر غیـبی، معجزه نیست چون ممکن است خـبر غیـبی از بـاب کرامت باشـد و نیز هرگونه خـبر غیبی، خبر علمی نیست. بنابراین رابطه بین خبر غیبی و اعجاز علمی عموم خصوص من وجه است.

۱۱. در اعجـاز علمی قرآن ناتوانی مخاطبان قرآن در آوردن مثل آن، محقق شـده است چرا که از صـدر اسـلام که اخبار غیبی علمی در قرآن آمـده تـا هنگامی که مطلب علمی کشف می شود دانشـمندان علوم از آوردن مثل آن خبر غیبی عاجز بودنـد و بعد از کشف مطالب علمی هم، خبر اعجاز به صورت متواتر به ما می رسد.

به عبـارت دیگر نـاتوانی و عجز مخاطبـان اعجـاز در ظرف زمـانی انجـام آن کـافی است. همـان طور که در مورد اخبـار غیـبی حضـرت عیسـی علیه السـلام در مورد غذاهای ذخیره شده و خورده شده در خانه ها تحقق یافت (آل عمران/ ۴۹) و بعد از آن خبر اعجاز عیسی علیه السلام معتبر است.

پس نقش دانشـمندان کشف تطـابق کتـاب تشـریع (قرآن) بـا کتـاب تکوین (طبیعت) است. و کشف علمی دانشـمندان معجزه نیست تا رقیب قرآن باشد چون

اولاً بدو تحدّی و ادعای منصب الهی است و اصولاً خبر غیبی نیست.

تذکر پایانی

در مورد اعجاز علمی آیات در طول اعصار مطالب جدید علمی از قرآن برداشت می شود و پرونده اعجاز علمی هر آیه علمی با یک مورد بسته نمی شود، و در هر عصری تحدّی به آوردن مثل آن اعجاز علمی می شود. یعنی کسی بتواند خبر غیبی در مورد مسئله علمی قبل از اثبات بیاورد که دیگران (در آن شرایط ادعا کننده) از آوردن مثلش عاجز باشند.

بنابراین آوردن اخبار علمی با وسایل عادی در صدر اسلام معجزه بود، نه با وسایل جدید در عصر ما. همان طور که قرآن در مورد اعجاز اخبار غیبی حضرت عیسی علیه السلام در مورد غذاهای داخل منازل مردم بیان کرده است، (آل عمران/ ۴۹) که با وسایل آن زمان مردم قادر به آوردن مثل آن نبوده اند، ولی امروز می توان با دوربین ها و اشعه های خاص از این مسائل با خبر شد. در این مورد در زمان ما خبر متواتر سخن حضرت عیسی علیه السلام و واکنش مخاطبان به عنوان معجزه مطرح است.

ب) بررسی برخی موارد اعجاز علمی قرآن

اشاره

در مورد اعجاز علمی قرآن افراط و تفریط شده است یعنی برخی افراد اعجاز علمی قرآن را بطور کلی منکر شده اند (همان طور که گذشت) و برخی افراد در آیات زیادی ادعای اعجاز علمی کرده اند، که برخی از این موراد قابل قبول است اما برخی موارد قابل نقد و صاحب نظران رد کرده اند. اینک در اینجا موارد ادعای اعجاز علمی در قرآن را بررسی می کنیم:

اول: مواردی که ادعای اعجاز علمی شده و قابل دفاع شمرده شده است:

۱. نیروی جاذبه

در دو آیه قرآن (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰)، (رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) ، (خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها) بیان شده که خدا آسمان ها را بدون ستون دیدنی برافراشته است. (۱)

برخی دانشمندان و مفسران هم چون آیت اللّه مکارم شیرازی (نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰ - ۱۱۱ و پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۴۶ و آیت اللّه حسین نوری (دانش عصر فضا، ص ۵۵ - ۵۶) آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته اند، چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (۴۴۰ ق) (۲) و طبق مشهور توسط نیوتن (۱۶۴۳ - ۷۲۷ م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد (۳) سپس اشاره قرآن به ستون های نامریی بین کرات آسمانی نوعی رازگویی علمی قرآن است.

البته برخی از صاحب نظران نیز آیات فوق را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند

ص:۱۹۷

۱- (۱) . البته این تفسیر بنابراین است که جمله «ترونها» را صفت «عمد» بدانیم ولی اگر بغیر عمد متعلق به ترونها باشد معنا می شود که: خدا (همان گونه که) می بینید خدا آسمان ها را بدون ستون آفرید.» بنابراین معنای دوم آسمان ها اصلاً ستون ندارد تا دیده شود. ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است چون تقدیم و تأخیر لازم نمی آید و توسط روایت امام رضا علیه السلام (ثم عمد و لکن لا ترونها - برهان، ج ۲، ص ۲۷۸) تقویت می شود.

۲- (۲) . مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۴۱.

۳- (۳) . تاریخ علوم، ص ۲۶۴، (البته برخی نویسندگان دراینکه مبتکرنیروی جاذبه نیوتن باشد و درصحت داستان سیب تردید می کنند، ر.ک: دانش عصر فضا، ص۴۴.

اما ادعای اعجاز علمی نکرده اند (۱) و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر قرآن (مرسلات/ ۲۵ و فاطر/ ۴۱) را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند ولی ادعای اعجاز علمی در آن مورد نکرده اند. (۲)

با توجه به اینکه واژه «عمد» جمع و به معنای «ستون ها» است ممکن است نیروی جاذبه یکی از مصادیق آیه باشد یعنی احتمال دارد نیروها (ستون ها)ی متعددی بین کرات آسمانی وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده باشد.

البته پذیرش اینکه آیات (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) بر نیروی جاذبه دلالت کند متوقف بر آن است که واژه «سماوات» به معنای کرات آسمانی باشد. چون این واژه در در قرآن دارای معانی متعدد (مثل: جهت بالا، جوّ زمین، کرات آسمانی، آسمان معنوی و...) (۳) است، ولی در اینجا می توان ادعا کرد که کرات آسمانی می توانند از مصادیق آیات فوق باشد.

بنابراین برخی محققان برآنند که می توان گفت که: آیات (رعد/ ۲ و لقمان/ ۱۰) به نیروی جاذبه اشاره دارد و با توجه به عدم آگاهی مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن، از نیروی جاذبه، عظمت بیانات قرآن و رازگویی و اعجاز علمی آن در این مورد روشن می شود. (۴)

۲. حرکت های خورشید

قرآن در آیات متعددی (یس/ ۴۰ - ۳۷ و انبیاء/ ۳۳ و رعد/ ۲ و فاطر/ ۱۳ و زمر/ ۵ و لقمان/ ۲۹ و ابراهیم/ ۳۳) به حرکت های خورشید اشاره کرده و برخی

۱- (۱) . ر.ک: معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، ص ۲۴۷ - ۲۴۸ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۱ - ۴۶ و المعجزه القرآنیه، دکتر محمد حسن هیتو، ص ۱۸۰ و التمهید فی علوم القران، آیت اللّه معرفت، ج ۶، ص ۱۲۲ - ۱۲۸ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ص ۵۰.
۲- (۲) . اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یداللّه نیازمند شیرازی، ص ۸۸ - ۹۹ و الفرقان فی تفسیر القرآن دکتر صادقی، ج ۲۱، ص ۳۴۱ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۳ و دانش عصر فضا، نوری، ص ۵۵ و نمونه، ج ۱۸، ص ۱۸۷.
۳- (۳) . ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی ماده سمو و نمونه، ج ۱، ص ۶۵ و پژوهش در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۲۶.
۴- (۴) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۵۵.

صاحبنظران این آیات را اعجاز علمی قرآن دانسته اند چرا که به حرکت های مختلف است، خورشید اشاره دارد که بر خلاف تصورات رایج در محافل علمی عصر نزول بوده است. آنان آیات فوق را اشاره به حرکت های زیر می دانند:

الف: حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری، یعنی حرکت طولی خورشید به سمت معین یا ستاره ای دور دست. (۱) البته در این تفسیر (الشمس تجری لمستقر لها، یس/ ۳۸) «لام» به معنای «الی» (به سوی) و «مستقر» اسم مکان می باشد. (۲)

البته مفسران و صاحبنظران متعددی این حرکت خورشید را از قرآن برداشت کرده اند (۳) اما گودرز نجفی آن را اعجاز علمی قرآن دانسته است. چرا که اخترشناسان جدید هم چون کوپر نیک (۱۵۴۴ م) و کپلر (۱۶۵۰ م) و گالیله بر آن بودند که خورشید ثابت ایستاده است (۴) و حتی در ادعا نامه ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید کردند. (که بر خلاف گفته کتاب مقدس بود که می گفت: (خورشید) مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.) (۵) و گالیله حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. (۶)

ص:۱۹۹

۱- (۱) . نام این ستاره را «وِگاه» (نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲) یانس ثابت (المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۲۵ - ۲۶) و یا مجموعه نجوم هرکیل یا ستار ای بر ران راست «جایی» (اسلام و هیئت، ص ۱۸۱) بیان کرده اند.

۲- (۲) . لام در آیه (لمستقر لها) ممکن است به معنای الی - فی - تأکید باشد و «مستقر» می تواند مصدر میمی، اسم زمان یا اسم مکان باشد (ر.ک: المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹ و ص ۸۹ و اسلام و هیئت ص ۱۸۴ و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۳- (۳) . المیزان، نمونه، اسلام و هیئت، همان ها و دانش عصر فضا، پیشین، ص ۲۵ - ۳۶ و الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی، ج ۹، ص ۱۷۲ و زنده جاوید و اعجاز قرآن، مهندس محمدعلی سادات، ص ۲۸ - ۳۹ و قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فر، ص ۱۳۱ و القرآن الکریم و العلم الحدیث، دکتر منصور محمد حسب النبی، ص ۲۶۴.

۴- (۴) . مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۲۴ و راه تکامل، احمد امین، ج ۵، ص ۹ و اسلام و هیئت، شهرستانی، ص ۱۷۹.

۵- (۵) . کتاب مقدس، مزامیر، زبور داود، مزمور ۱۹/ ۵.

۶- (۶) . خوابگردها، آرتور کوستلر، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰.

ولی در سال های بعد کشف شد که خورشید نیز دارای حرکت های واقعی متعدد (حرکت انتقالی - وضعی - درونی) است.

چون که «فلک» به معنای مجرای کرات آسمانی (۱) یا مسیر دورانی آن ها اطلاق می شود، (۲) یعنی کرات آسمانی در مسیری دورانی شناورند. (۳)

البته این مطلب قرآن (حرکت خورشید بر مدار) بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی (۴) است که در عصر نزول در محافل علمی رایج بوده و تا هفده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. بر اساس هیئت قدیم افلاك حرکت می کنند و ستارگان در فلك ثابت هستند ولی از آیه استفاده می شود که خورشید حرکت دورانی دارد و مداری شناور است.

برخی از دانشمندان به مطالب فوق تصریح کرده اند (۵) و آیت اللّه مکارم شیرازی در نمونه (ج ۱۸، ص ۶ - ۳۸۹) این مطالب را اعجاز علمی قرآن می داند.

ج: حرکت وضعی خورشید، یعنی خورشید به دور خود می چرخد و در قرارگاه خود جریان دارد. (وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها) ، (یس/ ۳۸) البته این معنا بنابراین است که «لام» به معنای «فی» (در) باشد و «مستقر» به معنای اسم مکان باشد.

۱- (۱) . مفردات راغب، ماده فلك.

۲- (۲) . نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷.

۳- (۳) . مفردات راغب، ماده سبح.

۴- (۴) . بطلمیوس، از دانشمندان قرن دوم میلادی (فرهنگ دانستنی ها، محمدنژاد، ج ۱، ص ۷۵۲) البته برخی یادآورد شده اند که در تاریخ سه دانشمند یونانی به نام بطلیموس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلیموس غریب، بطلیموس داس و بطلیموس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلیموسی به نام اوست و متولد ۱۴۰ قبل از میلاد است (اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵.

۵- (۵) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه دبیر، ص ۲۱۵ - ۲۱۶ و دانش عصر فضا، حسین نوری، ص ۲۶ و ص ۳۵ - ۳۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۲۵۲.

برخی صاحب نظران همین معنا را از آیات برداشت کرده اند (۱) و احمد محمد سلیمان در القرآن و العلم (ص ۵ – ۳۶) این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده است. چرا که حرکت وضعی خورشید از مطالبی است که در عصر نزول کشف نشده بود.

د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین، یعنی خورشید بر اثر انفجارات هسته ای و سوخت مواد درونی آن تا چند میلیارد سال دیگر عمرش به پایان می رسد. (۲)

از این رو برخی مفسران (کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی) ، (رعد/ ۲) را اشاره به همین مطلب علمی دانسته اند. (۳)

ه : حرکات درونی خروشید، یعنی خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نور و گرما تولید کند، و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاغب داخل خورشید می شود که گاهی تا کیلومترها پرتاب می شود. (۴)

برخی محققان از تعبیر «تجری» به معنای جریان داشتن و تفاوت آن با «تحرک» از آیه ۳۸ سوره یس استفاده کرده اند که خورشید نه تنها حرکت می کند بلکه جریان دارد یعنی هم چون آب در حال حرکت زیر و رو می شود و این نکته ای لطیف و علمی است که قرآن بدان اشاره کرده و در عصر جدید کشف شده است و می تواند اعجاز علمی قرآن باشد. البته اگر «تجری» را کنایه از

ص:۲۰۱

۱- (۱) . نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲ و اسلام و هیئت، ص ۱۸۶ و دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ص ۵ – ۳۶ و پیشگوئیهای علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۳۴.

۲- (۲) . عمر خورشید را کلًا ده میلیارد سال تخمین می زنند که پنج میلیارد سال آن سپری شده است (ر.ک: فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاتر، ص ۲۱ – ۲۰، ترجمه بیضاوی و...).

۳- (۳) . دانش عصر فضا، پیشین، ص ۳۵.

۴- (۴) . در خورشید هسته های اتم های هیدروژن به هلیوم تبدیل می شود که ذوب هسته ای با جوشش هسته ای نام دارد. خورشید در هر دو ساعت و چهل دقیقه سطح آن با سرعت شش کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن ده کیلومتر تغییر می کند و این تپش خورشید است و در اثر میدان های مغناطیسی اطراف لکه ها بوجود می آید و با سرعت ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و به سرعت خاموش می شود. (ر.ک: فیزیک نوین، پیشین، ص ۲۰ و مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳).

شناور بودن در فضا ندانیم. (۱)

برخی از محققان با نقد موارد فوق به این نتیجه رسیده اند که اشارات قرآن به حرکت های خورشید نوعی رازگویی علمی است، اما در بخشی که قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود یعنی حرکت انتقالی دورانی خورشید، اعجاز علمی نیست اما در بخش هایی که بر خلاف هیئت بطلیموسی رایج در زمان نزول بیان داشته است (مثل حرکت انتقالی مستقیم، حرکت وضعی و حرکت تا زمان معین و حرکت درونی خورشید) اگر به قطعیت برسد، اعجاز علمی قرآن است. (۲)

۳. زوجیّت

در آیات متعددی از قرآن به زوجیت میوه ها و گیاهان و انسان ها اشاره شده است (رعد/ ۲ و شعراء/ ۷ و یس/ ۳۶ و همین مضمون در حج/ ۵ و لقمان/ ۱۰ و ق/ ۷ و طه/ ۵۳ و اعراف/ ۱۸۹) و در برخی آیات به زوجیت چیزهایی اشاره می کند که انسان اطلاعی ندارد (یس/ ۳۶) و در برخی آیات سخن از زوجیّت همه موجودات است (وَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ) ؛ (ذاریات/ ۴۹).

واژه زوج در عالم حیوانات به نر و ماده گفته می شود و در غیر حیوانات به هر کدام از دو چیزی که قرینه یکدیگر است گفته می شود و به چیزهای مقارن مشابه و متضاد نیز اطلاق می شود. (۳) از این رو برخی واژه زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون و پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده اند. (۴)

بسیاری از مفسران و صاحبنظران با شگفتی آیات فوق را از اشارات علمی قرآن به مسأله زوجیت گیاهان و زوجیّت عام موجودات دانسته اند (۵) و محمدتقی شریعتی این

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۸.
۲- (۲) . همان، ص ۱۶۹.
۳- (۳) . ر.ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷ – ۳۷۸.
۴- (۴) . ر.ک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبای، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص ۳۵ – ۳۶ ومطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن و الطب، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۹ – ۴۳ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص ۲۴.
۵- (۵) . ر.ک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبای، ص ۱۵ ویراسته علیرضا میرزا محمد، رابطه

مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته است (تفسیر نوین، ص ۱۱) چرا که انسان ها از قدیم می دانستند که برخی گیاهان مثل نخل زوج هستند و مسأله زوجیّت گیاهان توسط کارل لینه (۱۷۰۷ – ۱۷۸۷ م) گیاه شناس معروف سوئدی در سال ۱۷۳۱ م) ابراز شد.

بنابراین مردم عصر نزول قرآن از زوجیّت همه گیاهان اطلاع نداشتند. ولی قرآن نه تنها به این مطلب اشاره کرد. (رعد/ ۳، شعراء/ ۷ و...) بلکه به زوجیّت همه موجودات اشاره کرد (ذاریات/ ۴۹) که تا قرن اخیر کسی از آن اطلاع نداشت. (۱)

بنابراین اشاره علمی قرآن به زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات نوعی رازگویی قرآن است که حکایت از اعجاز علمی این کتاب مقدس دارد.

البته برخی از محققان برآنند که هر چند اشارات علمی قرآن در این موارد می تواند اعجاز علمی بشمار آید اما تطبیق آیه (ذاریات/ ۴۹) با مواردی هم چون الکترون ها، پروتون ها و کوارک ها قطعی نیست و حداکثر این موارد ممکن است از مصادیق آیه مذکور بشمار آید. (۲)

۴. لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها توسط بادها)

در برخی آیات قرآن به بادهای زایا و باردار کننده اشاره کرده است (وَ أَرْسَلْنَا الرِّیاحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً) ؛ (حجر/ ۲۲) مفسران و صاحب نظران آیه فوق را به دو صورت تفسیر کرده اند:

الف: برخی برآنند که این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می شوند تا گرده های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را زایا کنند، (۳) و

۱- (۱) . وجود ذرات درون اتم با بار منفی و پروتون با بار مثبت، را ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم کشف رکد. (ر.ک: ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ترجمه مرتضی صابر، ص ۹۵)

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۸۳.

۳- (۳) . منهج الصادقین، ملا فتح اللّه کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۸ و رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۶ و رهبران

احمـد محمـد سـلیمان این مطلب را اعجـاز قرآن دانسـته است چرا که بشـریت در اواخر قرن هیجـدهم یـا اوایل قرن نوزدهم به مسأله تلقیح پی برد، درحالی که قرآن قرن ها قبل از آن تذکر داده بود. ۱

ب: برخی دیگر از صاحبنظران و مفسـران آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و بارور شدن آن ها دانسته اند ۲ چرا که در ادامه آیه مسأله نزول باران را مطرح می کنـد که نتیجه لقاح ابرهاست و احمـد امین این آیه را یک معجزه جاودانی می دانـد که حـدود هزار و سـیصد و نود سـال پیش موضوعی را بیـان کرده که عصـاره و نتیجه تحقیقـات جدیـد است چرا که منظور از آیه همـان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آن ها دارد. ۳

البته مـانعی نـدارد آیه فوق اشـاره به لقـاح ابرها و گیاهان مرده باشـد ۴ چرا کـه بخش اول آیـه یـک مطلب کلی را می گـوید (زایاگری بادها) که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است ولی در ادامه آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می دهد که همان نزول باران از ابر است. همانطور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق آن ها است. ۵

البته اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها اعجاز علمی قرآن است چرا که این مطلب تا سال های اخیر برای بشـر کشف نشده بود اما اشاره قرآن به لقاح گیاهان

ص:۲۰۴

اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید چرا که انسان های صدر اسلام بطور اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان (همچون خرما) اطلاع داشتند. (۱)

۵. چینش مراحل آفرینش انسان

قرآن کریم در آیات متعددی از آفرینش انسان و مراحل آن یاد کرده است (مؤمنون/ ۱۲ - ۱۴ و حج/ ۵ و غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۷ - ۳۹ و علق/ ۲ و طارق/ ۶ و دهر/ ۲ و سجده/ ۶ - ۹ و...) از این آیات می توان استفاده کرد که مراحل زندگی انسان پانزده مرحله است که عبارتند از:

۱- خاک (یعنی تراب وطین، حج/ ۵ و مؤمنون/ ۱۲ و غافر/ ۶۷) (۲)

۲- مرحله آب (یعنی ماء، ماء دافق، ماه مهین، طارق/ ۶، سجده/ ۶ - ۹) (۳)

۳- مرحله منی (نطفه من منی، قیامت/ ۳۷ - ۳۹)

۴- مرحله نطفه مخلوط (نطفه امشاج، دهر/ ۲)

۵ - مرحله علقه (مؤمنون/ ۱۲ - ۱۴، حج/ ۵، غافر/ ۶۷)

۶ - مرحله مضغه (مؤمنون/ ۱۲ - ۱۴ و حج/ ۵)

۷- مرحله تنظیم و تصویر و شکل گیری (سجده/ ۶ - ۹)

۸ - مرحله شکل گیری استخوان ها (مؤمنون ۱۲ - ۱۴)

۹- مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان ها (همان)

ص:۲۰۵

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۲۹۳، پیشین.

۲- (۲) . در مورد آفرینش انسان از خاک،دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور آفرینش انسان اولی (آدم) از خاک باشد یا تشکّل انسان از خاک یعنی عناصر خاک در بدن انسان وجود دارد. (ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ج ۲، ص ۴۳۴ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳)

۳- (۳) . در مورد آفرینش انسان از آب، چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه حیات همه موجودات زنده بستگی به آب دارد و یا اینکه قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می دهد و یا اینکه مقصود آفرینش انسان اولیه (آدم) از آب بوده است. (ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۴۳۸ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵، ص ۱۲۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۳۲۹ و ص ۳۳۰)

۱۰- مرحله آفرینش جنس جنین (قیامت/ ۳۷ - ۳۹)

۱۱- مرحله آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان و پیدایش گوش و چشم (سجده/ ۶ - ۹ و مؤمنون/ ۱۴)

۱۲- مرحله تولد طفل (غافر/ ۶۷)

۱۳- مرحله بلوغ (مؤمنون/ ۱۲ - ۱۴، حج/ ۵ و غافر/ ۶۷)

۱۴- مرحله کهنسالی (حج/ ۵ و غافر/ ۶۷)

۱۵- مرحله مرگ (همان ها) (۱)

البته توضیح هر کدام از این مراحل بر اساس آیات قرآن و علوم پزشکی نیاز به شرح و توضیح دارد ولی این آیات اشارات علمی ارزنده ای را در بردارد که برخی پزشکان را به حیرت آورده و آن ها را دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه اعجاز بلاغی قرآن دانسته اند. (۲)

و برخی دیگر صاحبنظران غربی هم چون دکتر موریس بوکای معتقدند که:

«باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد، موافق بود نشان با این ها واضح است لیکن هم چنین بی نهایت مهم است که آن ها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسان های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بوده اند».

فی الواقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می کنیم. در تمام مدت قرون وسطی، اساطیر و نظارت صوری بی پایه، منشأ متنوع ترین آراء و تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

۱- (۱) . این دسته بندی را از کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۴۳۲ آوردیم ولی برخی از مفسران و پزشکان آیات و مراحل فوق را به گونه ای دیگر دسته بندی کرده اند و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته اند (ر.ك: نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و الفرقان و القرآن، پیشین، ص ۴۹۳ و التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، ج ۶، ص ۸۰.

۲- (۲) . طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، ص ۸۴.

آیا می دانید که مرحله ای اساسی در تاریخ جنین شناسی تصدیق «هاروی» (۱) در سال ۱۶۵۱ م بود مشعر به اینکه «هر چیزی که می زاید در آغاز از تخمی می آید.» و اینکه جنین بتدریج بخشی پس از بخشی درست می شود؟ [...] این بیش از هزاره ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان ها قرآن را می شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسان ها قرونی چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.» (۲)

برخی از محققان نیز برآنند که هر چند بیان هر کدام از این مراحل آفرینش انسان به تنهایی نمی تواند دلیل مستقلی بر اعجاز علمی قرآن باشد ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر اینکه مردم عصر نزول قرآن، آگاهی از این نظم و چینش مراحل آفرینش انسان نداشتند، بیان این مراحل و چینش آن نوعی رازگویی علمی است که می تواند اعجاز علمی قرآن بشمار آید. (۳)

دوم: موارد دیگری که ادعای اعجاز علمی شده است ولی غیرقابل دفاع شمرده شده است:

الف. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن جهان از توده ای به هم پیوسته و گازی شکل ، (که در سوره انبیاء/۳۰ و فصلت/ ۱۱ مطرح شده است.) (۴)

طنطاوی (الجواهر، ج۱۰، ص ۹۹) عبدالرزاق نوفل (القرآن و العلم الحدیث، ص ۲-۱۶۳) و احمد محمد سلیمان (القرآن والعلم، ص ۳ -۵۴) و محمد سامی محمد علی (الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۴) و محمد کامل عبدالصمد (الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم) ص ۴۷)

۱- (۱) . Harvey. پزشک انگلیسی (۱۵۷۶ - ۱۶۵۷ م).

۲- (۲) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶ - ۲۷۷ با تلخیص.

۳- (۳) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۵۶۴.

۴- (۴) . برای اطلاع از نظریه مهبانگ و دیدگاه مقابل آن ر.ک: تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاوکینگ، ترجمه دادفرما،ص ۱۴۵ - ۱۴۹، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

مطالب قرآن را در مورد آغاز جهان از اخبار غیبی و اعجاز علمی قرآن می دانند، چرا که با نظریه انفجار بزرگ (مهبانگ) (۱) و جدا شدن جهان آسمان و زمین از همدیگر و توده گازی شکل بودن (دخان) هماهنگ است.

اما هر چند که ظاهر آیات قرآن با نظریه مشهور مهبانگ بطور شگفت انگیزی هم خوان است و برخی مفسران بدان اذعان دارند. (۲) اما برخی محققان اعجاز علمی قرآن را در این مورد نمی پذیرند چرا که نظریه مهبانگ قطعی نیست و نظریه های رقیب (هم چون نظریه مهبانگ و جهان پلاسما و حالت پایدار) در این مورد وجود دارد. (۳) و در مورد آیات فوق تفسیرها و روایات دیگری نیز وجود دارد. (۴)

ب: حرکت زمین

برخی مفسران از قرآن (وتری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب، نمل/ ۸۹) حرکت زمین را استفاده کرده اند و آن را معجزه علمی دانسته اند. (۵)

و برخی دیگر از صاحبنظران از آیات دیگر قرآن (زخرف/ ۱۰، طه/ ۵۳، نبأ/ ۶) حرکت زمین را برداشت و کرده اند. (۶) و برخی دیگر از سوره شمس/ ۴ و نازعات/ ۳۰ حرکت های وضعی و انتقالی زمین را استفاده کرده اند. (۷) و برخی دیگر از سوره مرسلات/ ۳۵ حرکت های متعدد زمین را استفاده کرده اند. (۸)

۱- (۱) . برای اطلاع از نظریه مهبانگ و دیدگاه مقابل آن ر.ک: تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاولینگ، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵ - ۱۴۹، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

۲- (۲) . نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸ و ج ۱۳، ص ۳۹۴ - ۳۹۵ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹ - ۱۳۹.

۳- (۳) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۵ - ۱۰۴.

۴- (۴) . ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸ - ۲۷۹ و صافی، ج ۳، ص ۳۴۷ و نمونه، ۱۳، ص ۳۹۶.

۵- (۵) . نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹.

۶- (۶) . ر.ک: مرزهای اعجاز، پیشین، ص ۱۱۹، مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۳۵ - ۳۶، اعجاز قرآن، پیشین، ص ۱۳، القرآن یتجلی من عصر العلم، شیخ نزیه القمیحا، ص ۱۴۹ و...

۷- (۷) . پرتوی از قرآن، سیدمحمود طالقانی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۸- (۸) . اعجاز قرآن، از نظر علوم امروزی، پیشین، ص ۸۰ به بعد.

صرف نظر از اشکالاتی که به برداشت های فوق از آیات گرفته شده است، (۱) قرآن از حرکت زمین بر خلاف نظریه حاکم و مشهور عصر نزول، خبر داده است چرا که نظریه بطلیموس مبنی بر سکون و مرکزیت زمین در محافل علمی عصر نزول حاکم بود (۲) و این عظمت قرآن را می رساند ولی اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید چون قبل از اسلام برخی دانشمندان هم چون فیثاغورس، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی که قبل از بطلیموس زندگی می کرده اند قائل به حرکت زمین بوده اند. (۳) پس هنگامی که افراد عادی قبل از نزول قرآن می توانسته اند این دیدگاه را ابراز کنند، تحدّی و اعجاز در این مورد معنا ندارد.

ج: پیدایش حیات از آب

برخی صاحبنظران با استناد به آیات سوره نور/ ۴۵ و انبیاء/ ۳۰ که به منشأ پیدایش موجودات را آب معرفی می کند، آن را معجزه علمی قرآن می دانند. (۴) و برخی دیگر از مفسران و دانشوران نیز به انطباق یافته های علوم تجربی با این آیات اعتراف کرده اند. (۵) ولی برخی محققان برآنند که با توجه به معنای متعددی که مفسران در مورد این آیات بیان کرده اند نمی توان یک معنای قطعی را به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی دانست. چرا که ممکن است مقصود از آب در این اینجا منی و نطفه یا ماده اصلی بدن موجودات زنده، یا مایع آب گونه ای که خلقت جهان از آن پدید آمده یا منشأ پیدایش نخستین موجود از آب باشد. (۶)

ص:۲۰۹

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۷۰ به بعد.

۲- (۲) . تاریخ علوم، پی یر روسو، ص ۱۹۳ به بعد و خوابگردها، آرتور کوستلر، ص ۱۶۱ به بعد.

۳- (۳) . اسلام و هیئت، سیدهبه الدین شهرستانی، ص ۴۴.

۴- (۴) . التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۳۴، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۴.

۵- (۵) . ر.ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۴۴ و فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۶، ص ۱۱۱.

۶- (۶) . ر.ک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۵۰۸ - ۵۰۹ و الکون و الانسان بن العلم و القرآن، بسام دفضع، ص ۱۲۲ - ۱۲۳، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۲.

علاوه بر آن قبل از اسلام برخی فلاسفه یونان (مثل تالس) (۱) یادآور شده بودند که اصل هستی از آب است. پس مطالب آیات فوق شگفت انگیز بوده و عظمت قرآن را می رساند ولی اعجاز علمی آن را اثبات نمی کند. (۲)

د: ممنوعیت شرابخواری و اعلام زیان ها

در برخی آیات قرآن به صراحت ممنوعیت نوشیدن شراب اعلام شده است. (مائده/ ۹۱ - ۹۰) و در برخی آیات به ضررهای آن اشاره شده است (بقره/ ۲۱۹) و در برخی آیات به اشاره از آن نهی شده است. (نحل/ ۶۷ و نساء/ ۴۳)

بسیاری از پزشکان صاحبنظران و مفسران در مورد زیان های شراب و شرابخواری مطالب زیادی نوشته اند و با شگفتی از قرآن یاد کرده اند و برخی محققان آن رااز موارد اعجاز علمی قرآن برشمرده اند. (۳) چرا که قبل از اسلام شرابخواری یک عادت بشری بوده همانطور که در عصر حاضر در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان این گونه است و حتی تورات و انجیل کنونی نیز به نوعی شرابخواری را تشویق کرده است. (۴) ولی اسلام با این پدیده زیان آور برخورد کرد و این یکی از خدمات اعجازآمیز قرآن به بشریت بود.

اما می توان گفت با توجه به اینکه گزارش شده که در ادیان قبل از اسلام ممنوعیت شرابخواری وجود داشته است، (۵) بنابراین، مسأله ممنوعیت شرابخواری، خدمتی شگفت انگیز و تحسین آمیز قرآن به بشریت است اما اعجاز علمی بشمار نمی آید.

ه : ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه

قرآن کریم در سوره بقره/ ۲۲۲ به مردان دستور می دهد که در حالت عادت

۱- (۱) . فلسفه یونان، محمد غلاب، ج ۱، ص ۸ و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب، ترجمه مبشری، ص ۶۹ - ۷۰.

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۳.

۳- (۳) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۳۴۷ (البته اخیراً نظر نگارنده در این مورد تغییر کرده است.)

۴- (۴) . ر.ک: کتاب مقدس، سفر تثینه، باب ۱۴، شماره ۲۶ و انجیل متی، باب ۲۶، شماره ۲۹.

۵- (۵) . تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۲.

ماهیانه از نزدیکی با زنان دوری کنید و آن حالت را زیانبار معرفی می کند.

برخی از پزشکان، صاحبنظران و مفسران نیز زیان های این کار را برشمرده و با دیده اعجاب به قرآن نگریسته اند (۱) و حتی یداللّه نیازمند شیرازی آیه فوق را اعجاز علمی قرآن شمرده است. (۲)

اما برخی محققان برآنند که با توجه به اینکه این ممنوعیت قبلاً در تورات آمده است (۳) نمی تواند اعجاز علمی منحصر به فرد قرآن باشد. (۴)

و: برخی موارد دیگر از آیات قرآن نیز ادعای اعجاز علمی شده است که قابل نقد و رد است و ما از بررسی تفصیلی آن ها صرف نظر می کنیم. از جمله: در مورد اعجاز واژه «صمد» (توحید/ ۲) و ارتباط آن با فضای خالی داخل اتم ها، (۵) اعجاز علمی قرآن در مورد صفت «لطیف» و خلق موجودات ریز که با چشم درک نمی شوند (۶) و اعجاز علمی در مورد آتش درون شاخه های سبز درختان (یس/ ۸۰) (۷) و اعجاز علمی در مورد اینکه آسمان دنیا محل کرات آسمانی است که بر خلاف دیدگاه هیئت بطلیموسی بوده است. (۸) اعجاز علمی در مورد تشبیه شرح صدر به صعود در آسمان و تنگی نفس در اثر کمبود هوا (انعام/ ۱۲۵) (۹) و اعجاز علمی قرآن در مورد اینکه اشاره می کند کوهها هم چون میخ و زره محکم زمین را از لرزش حفظ می کند (نحل/ ۱۵). (۱۰)

نتیجه گیری

ص:۲۱۱

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۲، ص ۹۳ - ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰ - ۵۱.

۲- (۲) . اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۱۸۸ - ۱۹۴.

۳- (۳) . کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۵، شماره ۱۹ - ۲۵.

۴- (۴) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۳۷۴.

۵- (۵) . نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰.

۶- (۶) . همان، ج ۵، ص ۶ - ۳۸۷.

۷- (۷) . همان، ج ۱۸، ص ۴ - ۴۶۶.

۸- (۸) . همان، ج ۱۹، ص ۱۶ - ۱۷.

۹- (۹) . همان، ج ، ص ۴۳۵.

۱۰- (۱۰) . همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

از مجموع این مطالب نتیجه می گیریم که اعجاز علمی یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم است که در یک قرن اخیر بطور گسترده مطرح شده و در موارد محدودی (همچون: اشاره قرآن به نیروی جاذبه، حرکت های خورشید، زوجیت و لقاح ابرها و چینش مراحل آفرینش انسان) قابل قبول است و در موارد متعددی که ادعا شده است قابل نقد و ردّ است.

ص:۲۱۲

خاتمه: منبع شناسی

اشاره

ص:۲۱۴

مقدمه

در مورد هر تحقیق لازم است که منابع مربوطه شناسایی گردد. در این رابطه با توجه به مباحث پیشین (قرآن و علم) منابع زیر پیشنهاد می گردد.

اول: کلیات و مباحث نظری

۱. اجتهادات فی التفسیر العلمی فی القرآن الکریم، عادل ابوالخیر، محمد، مصر، مرکز الدلتا للطباعه، ۱۴۰۸ ق، (۱۹۸۸ م).

۲. احصاءالعلوم، فارابی، محمد بن محمد، ترجمه حسین خدیوجم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چ۲.

۳. احیاء العلوم (الاحیاء)، غزالی، ابو حامد، ۱۴۰۲ ق، دارالمعرفه، بیروت، چهار جلدی.

۴. الاسلام یتحدّی (مدخل العلمی الی القرآن)، وحید الدین خان، تعریب ظفر الاسلام خان، قم، ط ۳، دار الجیل المسلم، ۱۹۷۳ م.

۵. الاشارات العلمیه فی الآیات الکونیه فی القرآن الکریم، محمود اسماعیل، محمد، ۱۴۱۱ ق، دارالدعوه، اسکندریه.

۶. اصول التفسیر و قواعده، العک، خالد عبدالرحمن، دار النقاش، دمشق، ۱۴۱۴ه، ط ۳.

۷. الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، عبد الصمد، محمد کامل، ۱۴۱۰ ق، دار المصریه اللبنانیه، قاهره.

۸. اعجاز القرآن الکریم، عباس، فضل حسن و سناء فضل، المکتبه الوطنیه، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۱ م.

ص:۲۱۶

۹. الاعجاز القرآن و البلاغه، رافعی مصطفی صادق، النبویه، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۳م.

۱۰. اعجاز القرآن والبلاغه النبویّه، الرافعی، مصطفی صادق، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۳۹۳ ق - ۱۹۷۳ م، ۳۵۰ ص. این کتاب تحت عنوان «اعجاز قرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله و سلم» توسط عبدالحسین بن الدین به فارسی ترجمه و بنیاد قرآن، چ دوم، ۱۳۶۱ ش، منتشر کرده است.

۱۱. الاعجاز القرآنی (وجوهه و اسراره)، برکه، عبدالغنی محمد، بی جا، مکتبه وهبه، بی تا.

۱۲. اعجاز قرآن، طباطبایی، علامه محمد حسین، ۱۳۶۲ ش، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، قم.

۱۳. اعجاز قرآن، طباطبایی، علامه محمد حسین، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۲ ش.

۱۴. انسان و علوم اسلامی از دیدگاه اسلام، تاج آبادی، حسین، واحد انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی نراق، ۱۳۷۲ ش.

۱۵. اهداف آیات علمی قرآن، دکتر حمید فغفور مغربی، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۱۶. بررسی گونه های تعارض بین علم و دین، ملکیان، مصطفی، فصلنامه مصباح، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۳ ش، ش ۱۰.

۱۷. البناء العظیم، نظرات جدیده فی القرآن، دراز، محمد عبدالله، طبعه السعاده، ۱۹۶۹ م.

۱۸. البیان فی اعجاز القرآن، الخالدی، صلاح عبدالفتاح، الأردن، دارعمّار، ۱۹۸۹ م.

۱۹. پژوهشی در شیوه های اعجاز قرآن، عرفان، حسن، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۱ ق - ۱۳۶۹ ش.

۲۰. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، ولایتی، علی اکبر، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چ ۱.

۲۱. پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، مکارم شیرازی، ناصر (متولد ۱۳۰۵ ش)، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۷ ش، ۹ جلد تا کنون.

۲۲. تاریخ تمدن، دورانت ویل، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، هیئت، مترجمان، تهران، ۱۳۶۸، چ دوم.

۲۳. تاریخ علوم در اسلام، تقی زاده، سید حسن، فردوسی، تهران، ۱۳۷۹.

۲۴. التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، عمر ابو حجر، دکتر احمد، ۱۴۱۱ ق، دار قتیبه، بیروت - دمشق.

۲۵. تفسیر القرآن الکریم (جزء عمّ)، عبده، محمد، مصر، الجمعیّه الحریّه الاسلامیّه (و نشر ادب حوزه)، ۱۳۴۱ ق، الطبعه الثانیه.

۲۶. تفسیر علمی قرآن، رفیعی محمدی، دکتر ناصر، دو جلدی، انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ ش. و نیز همین کتاب تحت عنوان: سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، رفیعی محمدی، ناصر، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶، چ اول.

۲۷. التفسیر و المفسرون، معرفت، محمدهادی، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۹ق، چ۱.

۲۸. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، آیه الله محمد هادی (معاصر)، ۱۴۱۷ ق، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۶.

۲۹. الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی تا، دار الفکر، سیزده جلد.

۳۰. جهان شناسی (مجموعه معارف قرآن ۲)، مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۲ ش.

۳۱. دانش زبان شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی، دکتر علی معموری، مجله قرآن و علم، ش اول.

۳۲. دانش نشانه شناسی و تفسیر قرآن، دکتر علیرضا قائمی نیا، مجله قرآن و علم، ش اول.

۳۳. در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۶۵ ش.

۳۴. دین شناسی تطبیقی، باهنر، محمدجواد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.

۳۵. رابطه علم و دین در غرب، رضایی اصفهانی، محمد علی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹، اول.

۳۶. رابطه علم و دین، سر فرازی، عباسعلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴

ص:۲۱۸

ش.

۳۷. رابطه گزاره های قرآنی و گزاره های علمی، دکتر حمید فغفور مغربی، مجله قرآن و علم، ش اول.

۳۸. راه طی شده، بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ هشتم، بی تا.

۳۹. روش سیستم ها به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، راسل. ل. ا. ک، ترجمه محمد جواد سهلانی، بی تا، کاربرد انتشارات بعثت، تهران.

۴۰. رویکرد علمی به قرآن، ضرورت ها و چالش ها، دکتر علی نصیری، مجله قرآن و علم، ش اول.

۴۱. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، مهندس محمد علی، انتشارات فلق تبریز، ۱۳۵۷.

۴۲. سیر تحوّل علوم تجربی در جهان اسلام، سپهر، مهدی، مرکز اطلاعات علمی و فنی مجتمع فولاد مبارکه، ۱۳۷۰ ش.

۴۳. شناخت جریان علمی نگری به قرآن (روش تفسیر علمی)، پارسا، فروغ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۲ ش.

۴۴. علم و دین، باربور، ایان، ترجمه خرمشاهی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲.

۴۵. علم و قرآن، پروفسور احمد دلّال، بررسی و نقد: دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش اول.

۴۶. العلم والدین مناهج و مفاهیم، عروه، احمد، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

۴۷. الفرقان و القرآن، عبد الرحمن العک، شیخ خالد، ۱۴۱۴ ق، الحکمه للطباعه والنشر، سوریه.

۴۸. فکره اعجاز القرآن، الحمصی، نعیم، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۰ ق.

۴۹. القرآن والاحوال المناخیّه (دراسه قرآنیه)، المظفر، محسن عبدالصاحب، نجف اشرف، منشورات دار الاضواء، ۱۹۶۴ م.

۵۰. القرآن ینبوع العلوم والعرفان، فکری، السّید علی، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۰ ق – ۱۹۵۱ م، چ دوم، دو جلد.

۵۱. کارنامه اسلام، زرین کوب، عبدالحسین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.

۵۲. کتاب قرآن و دیگران، صداقت، سید علی اکبر، انتشارات روح، قم، چ ۱.

۵۳. کشّاف الاعجاز فی القرآن و السنّه، هارون، د - نبیل عبدالسلام، قاهره، مکتبه ابن سینا.

۵۴. مباحث فی اعجاز القرآن، مسلم، مصطفی، جدّه السعودیه - دارالمناره، ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۸ م.

۵۵. مبانی و روش های تفسیری، شاکر، محمد کاظم، انتشارات مرکز جهانی، ۱۳۸۲، چ اول.

۵۶. مدخل الی موقف القرآن الکریم من العلم، خلیل، عماد الدین، بی جا، مؤسسه الرساله، بی تا.

۵۷. مساله الاعجاز و الاعجاز العلمی فی القرآن، السید، رضوان، www.multaka.net.

۵۸. مسلمانان در بستر تاریخ، جعفری، یعقوب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.

۵۹. مع القرآن فی الدین والدنیا، قبلان، هشام، بیروت - پاریس، منشورات بحر المتوسط عویدات، ۱۹۸۶ م.

۶۰. المعجزه الخالده، ضیاء الدین عتر، حسن، بیروت، دار ابن حزم، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۹ ق - ۱۹۸۹ م.

۶۱. معجزه القرآن، صدقی، نعمت، بی تا، نشر عالم الکتب، قاهره.

۶۲. معجزه جاویدان، روحانی، سید ضیاء الدین، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۷۷ ق.

۶۳. المفسّرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، سیدمحمد علی، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۶۴. مکاتب تفسیری، بابایی، علی اکبر، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چ اول.

۶۵. من اعجاز القرآن، الخُشت، محمد عثمان، و لیس الذکر کالأنثی، دراسه من منظور الاسلام والعلوم الحدیثه، قاهره، مکتبه القرآن للطبع والنشر والتوزیع،۱۴۰۴ ق.

۶۶. موضوعات و بایسته های پژوهش در حوزه میان رشته ای قرآن و علوم، گروه قرآن و علم مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، تنظیم: حسن رضا رضایی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۶۷. نقش قرآن در تحول فرهنگی و فرهنگ آفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، امیر حسنین، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۶۸. وجوه من الاعجاز القرآنی، الدبّاغ، مصطفی، الاردن، مکتبه المنار، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۵ ق – ۱۹۸۵ م، ۱۹۲ ص.

دوم: قرآن و علوم طبیعی

۶۹. آسمان های هفت گانه، بلادی، سید عبدالعزیز، بی جا، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۸ ش.

۷۰. آغاز وفرجام جهان از نظر قرآن و علم، احمد مجلسی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۷۱. آفرینش جهان از دیدگاه قرآن کریم، خلیل، عماد الدین، قم، بی نا، ۱۳۶۲ ش.

۷۲. آموزه های تندرستی در قرآن، رضایی، حسن رضا، عطرآگین، قم، ۱۳۸۴، چ ۱.

۷۳. الآیات العجاب فی رحله الانجاب، احمد حامد، دکتر حامد، دارالقلم، دمشق، ۱۹۹۶ م، الطبعه الاولی.

۷۴. آیات پزشکی قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.

۷۵. آیات قرآنیه فی مشکوه العلم، المحجری، د – یحیی، بی جا، المختار الاسلامی، بی تا.

۷۶. آیات للموقنین، الصرایره، محمد، الاردن، مکتبه المنار، ۱۴۰۵ ق.

۷۷. آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مهران، جمال الدین حسین، مصر، مکتبه الأنجلو المصریه، ۱۹۹۲ م.

۷۸. آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، حسین مهران، دکتر جمال

الدین، مکتبه الانحلو المصریه، قاهره، ۱۹۹۲ م.

۷۹. احادیث طبیه، محمدی ری شهری، محمد، انتشارات دارالحدیث، تهران.

۸۰. استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، نیکبخت نصر آبادی، علی رضا، نشر قبله، تهران، ۱۳۷۸، چ ۱.

۸۱. اسرار خوراکی ها و زبان خوراکی ها، جزایری، دکتر غیاث الدین، ۱۳۶۵ ش، بی نا، چاپخانه سپهر تهران.

۸۲. اسرار و عجب، نوفل، عبد الرزاق، بیروت، دار الکتاب العربی.

۸۳. اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، اسماعیل پاشا، دکتر عبدالعزیز، بی تا، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان، بی جا.

۸۴. اسلام و هیئت، شهرستانی، سید هبه الدین، ۱۳۵۶ ش، مطبعه الغری فی النجف.

۸۵. الاسلام والاکتشافات الحدیثه، باقر، محمد امین، قم المطبعه العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

۸۶. اشارات اعجازآمیز قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، نشر معارف، ۱۳۸۴ ش، تهران.

۸۷. الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم، حافظ ابراهیم، المستشار مدحت، قاهره، مکتبه غریب، ۱۹۹۲ م.

۸۸. الاطعمه القرآنیه غذاء ودواء، عبدالعزیز دکتر محمد کمال، بی جا، مکتبه القرآن، بی تا.

۸۹. الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم الطب الوقائی، الشحات، علی احمد، القاهره، المؤسسه العربیّه الحدیثه.

۹۰. الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر محمود، مطبوعات دارالشعب، قاهره، ۱۴۰۸ ق.

۹۱. الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، محمد عبدالعزیز، دکتر عبد الحمید، بی تا، مکتبه ابن سینا، قاهره.

۹۲. الاعجاز الطبّی فی القرآن والاحادیث النبویّه الرطب والنخله، السعید، عبدالله

عبدالرزاق، جدّه، الدّار السعوديّه للنشر

۹۳. الاعجاز الطبی فی القرآن، الجلیلی (دکتر سید)، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۷ م.

۹۴. الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنه، یاسین عبد القادر، حسین، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۱۷ ق، الطبعه الاولی.

۹۵. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ارناووط ، محمد السید، بی تا، مکتبه مدبولی، قاهره.

۹۶. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، النجدی، دکتر حمید، مطبعه جوهر الشام، دمشق، ۱۴۱۴ ق.

۹۷. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، سامی محمد علی، بی تا، دارالمحبه، بیروت دار النور، دمشق، ۱۴۱۶ ق.

۹۸. اعجاز القرآن فی حواس الانسان (دراسه فی الانف و الاذن و الحنجره فی ضوء الطب و علوم القرآن و الحدیث)، عبدالعزیز دکتر محمد کمال، بی تا، مکتبه ابن سینا، مصر.

۹۹. اعجاز القرآن فی خلق الانسان، عبدالعزیز دکتر محمد کمال، دراسه فی الانف والاذن والحنجره فی ضوء الطب وعلوم القرآن والحدیث، القاهره، مکتبه ابن سینا.

۱۰۰. اعجاز القرآن فی وقایه الانسان، محمد سراج الدین زکریا، ا . د (السیده اصلاح اسماعیل امین)، القاهره، نهضه مصر، ۱۹۹۳ م.

۱۰۱. الاعجاز الکونی فی القرآن، السیّد الجمیلی، قاهره، دار زاهد القدسی، ۱۹۸۸ م.

۱۰۲. اعجاز علمی قرآن، معرفت، آیه الله محمد هادی (معاصر)، این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است و ما آن را نزد نویسنده محترم ملاحظه کردیم.

۱۰۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، ید اللّه، شرکت چاپ میهن، ۱۳۳۵ ش، چ چهارم.

ص:۲۲۳

۱۰۴. اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ ش، قم.

۱۰۵. اکتشافات قرن بیستم (سیارات)، آسیموف، ایزاک، ۱۳۶۱ ش، ترجمه علیرضا توکلی صابری، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۱۰۶. الالوان فی القرآن الکریم، الهاشمی، عبدالمنعم، بی جا، دار ابن حزم، بی تا.

۱۰۷. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پاک نژاد، دکتر سید رضا، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش.

۱۰۸. اهداف و روش شناسی آیات پزشکی، حسن رضا رضائی، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۱۰۹. باد و باران در قرآن، بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش)، تهران، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ه .

۱۱۰. بررسی تناقض آیات طبّی با علوم پزشکی، دکتر حسین علایی، حسن رضا رضایی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۱۱۱. بررسی مباحث نظری روایات طب اسلامی، پایان نامه ارشد سید اعجاز حسین موسوی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۱۱۲. بررسی محیط زیست و عوامل تخریب آن از منظر قرآن و حدیث، پایان نامه ارشد محمد ابراهیم کریمی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۱۱۳. بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بیماران بعد از عمل جراحی شکم، نیکبخت نصر آبادی، علیرضا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم پزشکی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۱۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، رضایی اصفهانی، محمد علی، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵ ش.

۱۱۵. پیشگویی های علمی قرآن، زمانی، مصطفی، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۵۰ ش.

۱۱۶. تاریخ التنجیم عند العرب، شامی، یحیی، نشر عزّ الدین، ۱۴۱۴ق، چ اول.

۱۱۷. تاریخ طب ایران پس از اسلام، نجم آبادی، محمود، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

۱۱۸. التداوی بالقرآن، السلیم، محمد ابراهیم، بی جا، مکتبه القرآن، بی تا.

۱۱۹. تذکره الفقهاء ، العلامه الحلی: الطبعه القدیمه، الناشر المکتبه الرضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.

۱۲۰. التساؤلات الکونیه علی ضوء العلم والقرآن، ساعی، محمد یوسف، دمشق، دار المعرفه، ۱۴۱۵ ق.

۱۲۱. تسعه عشر ملکاً بیان ان فریه الاعجاز العددی للقرآن خدعه بهائیه، ناجی محمد محی الدین، حسین، الزهراء للاعلام العربی، قاهره، ۱۴۰۵ ق.

۱۲۲. تفسیر الآیات الکونیه، شحاته، عبدالله، بی جا، دارالاعتصام، بی تا.

۱۲۳. تفسیر الآیات الکونیه فی القرآن الکریم، عشری، عبدالمنعم السیّد، الهیئه المصریه العامه للکتاب، مصر، ۱۹۸۵ م.

۱۲۴. التفسیر العلمی للآیات الکونیه فی القرآن، حامد أحمد، قاهره، ۱۹۸۰.

۱۲۵. التفسیر العلمی للایات الکونیه فی القرآن، حنفی احمد، بی تا، دار المعارف، مصر.

۱۲۶. تکوین الجنین فی القرآن، الطاهری، طارق شفیق، بغداد، مطبعه المعارف، ۱۳۵۸ م.

۱۲۷. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۱۲۸. تکامل در قرآن، نصر، سید حسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.

۱۲۹. تنبیه العقول الانسانیه لما فی القرآن من العلوم الکونیه والعمرانیه، المطیعی، محمد نجیب، حلب، مکتبه احمد ربیع، بی تا.

۱۳۰. الجراد فی القرآن الکریم والعلم الحدیث، السیّد غنیم، کارم، قاهره، دار الصحوه للنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ ق، ۲۷۶ ص، این کتاب علاوه بر نویسنده فوق یک نویسنده دیگر دارد (عبدالعظیم محمد الجمال).

۱۳۱. جلوه های اعجاز در قرآن کریم، عظیم زاده اردبیلی، فائزه، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۳۲. حقایق القرآن والعلم الحدیث، تحسین، عامر، عراق شرکه معمل ومطبعه الزهراء الحدیثه المحدوده، ۱۴۰۶ ق.

۱۳۳. خدا و اختراعات از دیدگاه علم و قرآن، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ نهم، ۱۳۷۰ ش، پنج جلد.

۱۳۴. خلق الانسان بین الطب والقرآن، البار، محمد علی، بی جا، الدار السعودیّه للنشر، بی تا.

۱۳۵. خلق الانسان دراسه علمیه قرآنیه، طیره، عبدالفتاح محمد، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، بی تا.

۱۳۶. خلق السموات والارض فی سته ایّام فی العلم والقرآن، عطیّه، حسن حامد، تونس، مؤسسات عبدالکریم بن عبدالله، ۱۹۹۲ م.

۱۳۷. خلقت انسان از نظر قرآن، مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، محمد تقی مصباح (محمود محمدی عراقی)، قم، انتشارات شفق.

۱۳۸. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۵۱ ش، چ سوم.

۱۳۹. داروینیسم یا تکامل انواع، سبحانی جعفر، قم، انتشارات توحید، با مقدمه سید هادی خسرو شاهی، بی تا.

۱۴۰. دانش عصر فضا، نوری، آیه اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش.

۱۴۱. در جستجوی خدا، مکارم شیرازی، ناصر، انتشارات نسل جوان، قم.

۱۴۲. درس هایی از ستاره شناسی، مدرسه ستاره شناسی مریلند، ترجمه امیر حاجی خداوریخان، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی علیه السلام، ۱۳۶۶ش.

۱۴۳. دلیل الحیران فی آیات من القرآن، الحسینی، خلف محمد، قاهره، دارالنهضه مصر للطبع و النشر.

۱۴۴. دوران تألیف، نجم آبادی، محمود، تصنیف کتب طبی در تمدن اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ه . ش.

۱۴۵. دین ارکان طبیعت، رهسپار، احمد، بی جا، کانون انتشارات شریف، بی تا.

۱۴۶. راز آسمان های هفت گانه، مرادی، ایمان، اصفهان، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش.

۱۴۷. راههای خداشناسی در طبیعت، تجلیل، ابو طالب، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ ش، چ دوم.

۱۴۸. رسالت قرآن در عصر فضا، حجازی، سید عبدالرضا، تهران، کانون انتشار، چ ششم، خرداد ۱۳۵۶ ش.

۱۴۹. روش های کشف آموزه های اقتصادی اسلام، یوسفی، احمد علی، مجله اقتصاد اسلامی، سال ۶، تابستان ۱۳۸۵.

۱۵۰. زمین در فضا، سبحانی، قریب، یعقوب پور، نشر آفتاب، ۱۳۶۳ش، چ اول.

۱۵۱. زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، صادقی، دکتر محمد، بی تا، کتابفروشی مصطفوی بوذر جهرمی، تهران، چ دوم.

۱۵۲. ساکنان آسمان از نظر قرآن، محمودی، عباسعلی، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۲ ش، چ چهارم.

۱۵۳. السمع و البصر فی القرآن الکریم، سلامه، دکتر علی محمد، منشورات جمعیه الدعوه الاسلامیه العالمیه، طرابلس لیبی، ۱۹۸۶ م.

۱۵۴. سنریهم آیاتنا، السّبیعنی، عدنان، بیروت (الدّار الشامیّه)، دمشق (دارالقلم)، ۱۴۱۳ ق.

۱۵۵. شگفتی های آیات پزشکی در قرآن، رضایی، حسن رضا، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷، چ ۱.

۱۵۶. شگفتی هایی از اعجاز در قرآن کریم، الفندی، دکتر محمد جمال الدین، ترجمه سید حسین میر دامادی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.

۱۵۷. الشمس والقمر بحسبان، عبدالجواد، احمد، دمشق، مطبعه محمد هاشم الکُبتی، ۱۴۰۵ ق.

۱۵۸. شناخت مقدماتی ستارگان، حیدرزاده، توفیق، نشر گیتاشناسی، ۱۳۶۴ ش، چ اول.

ص:۲۲۷

۱۵۹. طب اسلامی، ادوارد براون، مسعود رجب نیا، انتشارات بنگاه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، چ ۱.

۱۶۰. الطب القرآنی غذاء ودواء، عبدالله، محمد محمود، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۱۶۱. الطب القرآنی یعالج السحر والمسّ الشیطانی، سید محمود، محمد، بی جا، دار الندوه العالمیه.

۱۶۲. الطب الوقائی فی الاسلام، العمید الصیدلی، عمر محمود عبدالله، شرکه معمل و مطبعه الزهراء الحدیثه، عراق، موصل، ۱۴۱۰ ق.

۱۶۳. طب و دین، مجله پژوهش حوزه، سال پنجم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، ش ۱۸ – ۱۷.

۱۶۴. الطبیعه فی القرآن الکریم، الزیدی، کاصد یاسر، عراق، وزاره الثقافه والاعلام دارالرشید للنشر، (المرکز العربی للطباعه والنشر، بیروت)، ۱۹۸۰ م.

۱۶۵. عقاید داروین و دانش ژنتیک، باب الحوائجی، نصر الله، تهران، بحث نظریه اسلام.

۱۶۶. العلوم الطبیعه فی القرآن، مروّه، یوسف، بیروت، منشورات مروّه العلمیّه، ۱۳۸۷ ق.

۱۶۷. فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، حقیقی، ک، م، بی تا، انتشارات لوکس (نوید)، شیراز، ج ۱.

۱۶۸. فلسفه احکام، اهتمام، احمد، چاپخانه اسلام، اصفهان، ۱۳۴۴ ش.

۱۶۹. قرآن بر فراز اعصار، نوفل، عبدالرزاق، قم، انتشارات نهضت، ترجمه و پاورقی از ابوالفضل بهرام پور و محمود شکیب با مقدمه یحیی نوری، ۱۳۴۹ ش.

۱۷۰. القرآن معجزه المعجزات، دیدات، احمد، القاهره، مکتبه القرآن، بی تا.

۱۷۱. قرآن و آخرین پدیده های علمی، رضایی فر، مهندس جعفر، انتشارات فوژان، ۱۳۷۵ ش.

۱۷۲. قرآن و اختراعات جدید، محمدی زنجانی، علی، قم، چاپخانه اسلام.

۱۷۳. القرآن و الطب الحدیث، عبد الرضا علی، دکتر صادق، دار المورخ العربی، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۱۷۴. القرآن و الطب، سلیمان، احمدمحمد، دار العوده، بیروت، ۱۹۸۱ م، الطبعه الخامسه.

۱۷۵. القرآن و العلم الحدیث، حسب النبی، دکتر منصور محمد، الهیئه المصریه العامه للکتاب، مصر، ۱۹۹۱ م.

۱۷۶. القرآن و العلم الحدیث، نوفل، عبد الرزاق، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۱۷۷. القرآن و العلم، سلیمان، احمد محمد، دار العوده، بیروت، ۱۹۸۱ م، الطبعه الخامسه.

۱۷۸. القرآن و المنهج العلمی المعاصر، الجندی، المستشار عبدالحلیم، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۴ م.

۱۷۹. قرآن و بهداشت جنسی، حمید اکبری، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۱۸۰. قرآن و پدیده های طبیعت از دید دانش امروز، نظیری، یحیی، تهران، سحاب کتاب، با مقدمه محمد تقی شریعتی، ۱۳۵۸ ش.

۱۸۱. قرآن و تکامل، سحابی، یدالله، تهران، انتشارات راه امام.

۱۸۲. قرآن و طبیعت، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۲ ش، حداقل شش جلد آن چاپ شده است.

۱۸۳. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ۱۳۶۲ ش، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران. اصل کتاب تحت عنوان «اضواء من القرآن علی الانسان والنشأه الکون» در مکتبه دار الفتح، دمشق، ۱۳۹۰ ق، به چاپ رسیده است.

۱۸۴. القرآن و علوم العصر الحدیثه، فوّاز عُراجی، ابراهیم، بیروت، دار النهضه العربیه، ۱۴۰۹ ق.

۱۸۵. قرآن و علوم روز، افتخاریان، سید جواد، انتشارات افتخاریان، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۱۸۶. قرآن و علوم طبیعت، گلشنی، دکتر مهدی، نشر مطهر، تهران، ۱۳۷۵ ش.

ص:۲۲۹

۱۸۷. قرآن و قانون تنازع بقا، طباطبایی، علامه محمد حسین، قم، انتشارات اهل بیت، ۱۳۶۰ ش.

۱۸۸. قرآن و کتاب های علمی در رابطه هفت آسـمان و هفت زمین و خلقت انسان، شهیدی، فضل الله، با مقدمه و اهتمام قاسم صافی، به ضمیمه سه مقاله دیگر، تهران، چاپ خواجه، ۱۳۶۰ ش.

۱۸۹. قرآن و کیهان شناسی، سید عیسی مسترحمی، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.

۱۹۰. قرآن و گیاه خواری، ایمانی راد، جمشید، تهران، چاپخانه سعید نو، ۱۳۹۸ ق.

۱۹۱. قرآن و مسئله ای از حیات، مطهری، مرتضی (شهادت ۱۳۵۸ ش)، بی جا، بی نا، بی تا.

۱۹۲. قرآن و مکتب تکامل، عقاد، عباس محمود، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۸ ش.

۱۹۳. قرآن و نجوم، سید عیسی مسترحمی، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۱۹۴. القرآن والعلوم الکونیّه، حکیمی، محمد رضا، مطابع دار القبس للصحافه والطباعه والنشر.

۱۹۵. القرآن والعلوم، الدهان، سعید ناصر، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵ ق.

۱۹۶. القرآن والعلوم، ناصر الدین، سعید، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، کربلاء، ۱۳۸۵ ق.

۱۹۷. القرآن یتجلی فی عصر العلم، القمیحا، نزیه، دار الهادی، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

۱۹۸. القرآن یفکّ لِغز الارض، عبدالجبار، شاکر، بغداد، مطبعه اسعد، ۱۹۸۵ م.

۱۹۹. قرآن، انسان و طبیعت، حکیمی، محمود، قم، مرکز انتشارات دار التبلیغ اسلامی.

۲۰۰. قوانین الله ولیست قوانین الطبیعه، عفیفی، محمود سـراج الـدین، قـاهره، دارالفکر العربی، چ دوم، ۱۹۷۹ م، ۱۷۶ ص، و در چاپ دوم کلمه «آیات

التوحید» به عنوان اضافه شده است.

۲۰۱. کشف الأسرار النورانیه فیما یتعلق بالأجرام السماویه،الاسکندرانی، محمد بن محمد، بی جا، بی تا.

۲۰۲. الکون والأرض والانسان فی القرآن العظیم، اعرابی، عبدالحمید، دمشق - بیروت، دارالخیر، ۱۴۱۵ ق.

۲۰۳. الکون والقرآن یبحث فی علم الفلک، حسن الحلبی، محمد علی، بغداد، مطبعه الجامعه، ۱۴۰۵ ق.

۲۰۴. الکون والنسبیّه بین القرآن الکریم والنظریه، خیر الاحمر، عبدو محمد، دمشق، مکبته الاسد، ۱۹۹۴ م.

۲۰۵. الکون و الانسان بین العلم و القرآن، دفضع، بسّام، بی تا، مطبعه الشام، بی جا.

۲۰۶. گذشته و آینده جهان، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، انتشارات طباطبایی، قم، ۱۳۴۹ ش، چ دوم.

۲۰۷. گیاهان در قرآن، حسین فاروقی، دکتر محمد اقتدار، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش، چ اول.

۲۰۸. الله و قرآن از دیدگاه علم، باب السلام، دوشیزه م، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۵۵ ش.

۲۰۹. الله والعلم الحدیث، نوفل، عبد الرزاق، قاهره، مؤسسه دار الشعب، ۱۹۷۷ م.

۲۱۰. الله والکون، الفندی، دکتر محمد جمال الدین، مصر، الهیئه العامه للکتاب، ۱۹۸۷ م.

۲۱۱. مایر دگانی، ترجمه محمد رضا خواجه پور، نجوم به زبان ساده، نشر گیتاشناسی، ۱۳۸۲ش، چ دهم.

۲۱۲. محی الدین العجوز، شیخ احمد، معالم القرآن فی عوالم الاکوان، دار الندوه الجدیده، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۲۱۳. مراحل رشد جنین از منظر قرآن، غلامرضا نور محمدی، مجله میان

رشته ای قرآن کریم، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۲۱۴. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۲۱۵. مظاهر کونیّه فی معالم قرآنیّه، عبدالله، محمد محمود، بیروت، دار مکتبه التربیه.

۲۱۶. مع الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق ، الطبعه السابعه. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران، ۱۴۰۴ ق.

۲۱۷. مع القرآن، فی الکون، الفندی، دکتر محمد جمال الدین، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲ م.

۲۱۸. مع الله فی السماء، زکی، احمد، دار الهلال، این کتاب در کتابخانه مرکز فرهنگ قرآن قم موجود است.

۲۱۹. معالم القرآن فی عوالم الأکوان، ابن العجوز، احمد محی الدّین، بی جا، دار الندوه الجدیده، ۱۴۰۷ ق.

۲۲۰. معجزات قرآن در عصر فضا و کامپیوتر، احمدی محمود، انتشارات مسعود احمدی، ۱۳۶۴ ش.

۲۲۱. المعجزه العلمیه فی القرآن و السّنه، عزین دانی (عبدالمجید الزندانی)، قاهره.

۲۲۲. معجزه القرآن الکریم ، خلیفه رشاد، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۳ م، الطبعه الاولی.

۲۲۳. المعجزه القرآنیه (الاعجاز العلمی و الغیبی)، هیتو، دکتر محمد حسن، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۲۲۴. معجزه القرن العشرین فی کشف سباعیه و ثلاثیه اوامر القرآن الکریم، علیوی، ابن خلیفه، دارالایمان، دمشق، ۱۴۰۳ ق.

۲۲۵. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، بوکای، موریس، ۱۳۶۵ ش، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ سوم. و همین کتاب تحت عنوان «عهدین، قرآن و علم» توسط حسن حبیبی ترجمه

شده است انتشارات سلمان، ۱۳۷۵ ش، تهران. و نیز ترجمه عربی آن تحت عنوان «التوراه و الانجیل و القرآن و العلم الحدیث» توسط انتشارات دار الکندی، بیروت، ۱۳۹۸ ق. و نیز ترجمه عربی تحت عنوان «دراسه الکتب المقدسه فی ضوء المعارف الحدیثه» توسط دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۸ م. اصل کتاب تحت این عنوان است: بوکای، موریس، القرآن والعلم الحدیث، مصر، دارالطلائع، ۱۹۹۳ م.

۲۲۶. ملامح کونیّه فی القرآن، عبدالجبار، شاکر، بغداد، مکتبه الشرق الجدید، ۱۹۸۵ م.

۲۲۷. من اشارات العلوم فی القرآن الکریم، سید الاهل، عبدالعزیز، بیروت، دار النهضه الحدیثه، ۱۳۹۲ ق.

۲۲۸. من الآیات العلمیه، نوفل، عبد الرزاق، قاهره - بیروت، دار الشروق، ۱۴۰۹ ق.

۲۲۹. من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم، النجدی، ابوزهرا، الوکاله العالمیه للتوزیع، ۱۹۹۰ م.

۲۳۰. من علم الطب القرآنی، الشریف، دکتر عدنان، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰ م.

۲۳۱. من علوم الارض القرآنیه (الثوابت العلمیه فی القرآن الکریم)، الشریف، دکتر عدنان، ۱۹۹۴ م، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعه الثانیه. من علم الفلک القرآنی (الثوابت العلمیه فی القرآن الکریم)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۱ م.

۲۳۲. المنظومات العددیه فی القرآن العظیم برهان احصائی فی احکام البناء القرآنی، بدران، مهندس مصطفی ابو سیف، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۱۸ ق.

۲۳۳. النحر الماد مّن البحر المحیط ، ابوحیان الأندلسی، ویراسته ب. دینّاوی و ح. دینّاوی، دو جلد در سه مجلّد، بیروت، ۱۹۸۷.

۲۳۴. نحل العسل فی القرآن والطب، علی البنبی، محمد، مصر، الأهرام التجاریه القاهره، ۱۹۸۷ م.

۲۳۵. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، نصر، سید حسین، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.

۲۳۶. النظریه القرآنیه الکونیه حول خلق العالم، الجائی، سلیم، بی تا، مطبعه نضر، دمشق.

۲۳۷. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۲۳۸. نفحات من الاعجاز الطبّی فی القرآن الکریم، علی لفته، جلیل، ۱۱۴۰ ق - ۱۹۹۰ م.

۲۳۹. نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، راشدی، لطیف، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۲۴۰. النوم والارق والاحلام بین الطب والقرآن، شمسی باشا، حسّان، جدّه - السعودیّه، دار المناره للنشر والتوزیع، ۱۴۱۱ ق.

۲۴۱. الوان من اعجاز القرآنی، الاَمیری، محمد وفا، حلب، دارالرضوان، بی تا.

۲۴۲. هفت آسمان و زمین، دکتر علیرضا رضایی، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۲۴۳. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

۲۴۴. هیئت و نجوم اسلامی، زمانی قمشه ای، علی، نشر سماء، ۱۳۸۱ ش، چ اول.

سوم: قرآن و علوم انسانی

۲۴۵. الآراء التربویه للعلماء المسلمین (آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم وتربیت ومبانی آن)، الاعرافی، علیرضا، قم، دفتر همکاری حوزه ودانشگاه، ط ۱، ۱۳۷۷.

۲۴۶. آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، رفیعی، بهروز، سمت، تهران، ۱۳۸۱.

۲۴۷. آزادی سیاسی از دیدگاه قرآن، پایان نامه ارشد نصر الله نظری، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۴۸. آزادی سیاسی از منظر قرآن و اعلامیه حقوق بشر، پایان نامه ارشد ابوالقاسم محمد انور الکبیر، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۴۹. آسیب شناسی تفسیر و تفاسیر تربیتی قرآن، احمد ذبیح افشاگر، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۲۵۰. آموزه های قرآنی و نقش نورون های آیینه ای مغز در اثبات اثر مشاهده و نیت در ایجاد رفتار متقابل، فرانک فرزدی، اکرم جهانگیر، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۲۵۱. آواشناسی، حق شناس، علی محمد، آگاه، ۱۳۶۹ش.

۲۵۲. آیین معاشرت در اسلام، صحفی، سید محمد، کانون نشر معارف خوزستان، بی تا.

۲۵۳. اخلاق مدیریت در اسلام، محمدی ری شهری، محمد، هدف، قم، ۱۳۶۹، چهارم.

۲۵۴. اسلام پزشک بی دارو، امین شیرازی، احمد، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ش، چ هشتم.

۲۵۵. اسلام و تربیت کودکان، بهشتی، احمد، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش، چ اول.

۲۵۶. اسلام و چالش اقتصادی، چپرا، محمدعمر، مترجمان: میرمعزّی، هادوی نیا، یوسفی و جهانیان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.

۲۵۷. اسلام و روانشناسی، بستانی، محمود، ترجمه محمود هویشم، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ دوم، مشهد: ۱۳۷۵ ش.

۲۵۸. اصول بهداشت روانی، حسینی، ابوالقاسم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چ دوم، ۱۳۷۹ش.

۲۵۹. اصول مدیریت از دیدگاه قرآن، صفر مراد حسین اف، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۶۰. اصول مدیریت سمت، رضائیان علی، تهران، ۱۳۶۵.

۲۶۱. الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، رجب، مصطفی، ۲۰۰۶ م.

۲۶۲. اقتراح مبانی و روش شناسی تفسیر مدیریتی، دکتر سید صمصام الدین قوامی،

امیر لطفی و دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۲۶۳. اقتراح مفهوم شناسی و روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن، علی رضا اعرافی، علی همت بناری و محمد علی رضایی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۲۶۴. اقتصادنا: محمد باقر الصدر، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، ۱۴۰۸ه . ق.

۲۶۵. امدادهای غیبی در زندگی بشر، مطهری، مرتضی، صدرا، تهران، ۱۳۷۲، چ ششم.

۲۶۶. انسان پیش از تاریخ (پیدایش انسان)، رهبری، احمد، از مجموعه دانستنیهای قرآن، انتشارات مارلیک، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۲۶۷. اولین همایش نقش دین در بهداشت روان، دوست محمدی، هادی، و نیز غباری تباب، باقر و دیگران، دفتر نشر نوید اسلام، قم ۱۳۷۶ ش.

۲۶۸. اهداف و انگیزه ها، نظام اقتصاد اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

۲۶۹. ایمان مذهبی به عنوان یکی از عوامل کاهش دهنده شدت و دوره سوگ، شاه محمدی، دکتر داود، ۱۳۷۶ ش، مجموعه چکیده ۴۰ سخنرانی، همایش نقش دین در بهداشت روان، ش ۳۱، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

۲۷۰. باورهای مذهبی و اثرات آن ها در بهداشت روان، غباری ثباب، دکتر باقر، ۱۳۷۶ ش، فصلنامه اندیشه و رفتار (مجله روانپزشکی بالینی)، ش ۹ – ۱۰.

۲۷۱. بررسی تأثیر آموزش آموزه های قرآن بر بهبود پذیرش اجتماعی، بهرام صالح صدق پور، مجید محمودیان، حمیدرضا سلمانیان، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۲۷۲. بررسی تطبیقی روش های تربیت کودک از منظر قرآن و حدیث و علوم تربیتی (۷ سال نخست)، مراد الگون، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۷۳. بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، سید کاظم چاووشی، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۲۷۴. بهداشت روان در اسلام، صانعی، سید مهدی، بوستان کتاب، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۳۸۲ ش.

۲۷۵. بهداشت روان در قرآن، دکتر احمد صادقیان، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۲۷۶. بهداشت روانی، شاملو، سعید، تهران، رشد، چ سیزدهم، ۱۳۷۸ش.

۲۷۷. بهداشت روانی، گنجی، حمزه، تهران، ارسباران، بهار ۱۳۷۸ش.

۲۷۸. پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه ی خراسان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.

۲۷۹. پیامدهای روانشناختی و جامعه شناختی حسن خلق در قرآن و سنت، اسعد علی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۸۰. پیش نیازهای مدیریت اسلامی، مصباح یزدی، محمد تقی، انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۹، چ اول.

۲۸۱. پیش فرض ها و مبانی مطالعات مدیریتی قرآن، دکتر سید رضا مؤدب، امیر علی لطفی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۲۸۲. تاثیر تلاوت قرآن بر کاهش اضطراب و افسردگی، یوسفی لویه، مجید، و فاطمه حسن پور، ۱۳۷۶ ش، خلاصه مقالت همایش نقش دین در بهداشت و روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

۲۸۳. تربیت از دیدگاه وحی، عبد المجید رشید بور، مؤسسه دین ودانش، قم ۱۳۶۳ش.

۲۸۴. تعامل فقه وتربیت: علی همت بناری، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.

۲۸۵. التعبیر الفنی فی القرآن، شیخ امین، بکری، بی جا، دار الشروق، ۱۹۷۳ م.

۲۸۶. التفسیر التربوی للقرآن الکریم، الباز انوار، دار النشر للجامعات مصر ۱۴۲۸، اول.

۲۸۷. تفسیر تربیتی سوره ی حمد، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش سوم.

ص:۲۳۷

۲۸۸. تمهید لمبانی التفسیر التربوی، دکتر سید رضا مؤدب و هاشم ابوخمسین، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۲۸۹. توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن، عبدالخالق کریمی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۹۰. جامعه شناسی انحرافات، شیخاوندی، داور، چاپ دقت، نشر مرندیز، ۱۳۷۳ش، چ سوم.

۲۹۱. جزوات روان شناسی، ایمانیان، شهین، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ش ۱۳.

۲۹۲. جن و شیطان، دست داده، زین العابدین، مجتمع هنری شهید مصلی نژاد، جهرم، ۱۳۷۷ ش.

۲۹۳. حقوق اقتصادی زن در قرآن و روایات، سورابی فوسینی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۲۹۴. خانواده در قرآن، بهشتی، احمد، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ اول، تهران، ۱۳۷۳ش.

۲۹۵. خانواده و تربیت کودک، قائمی، علی، انتشاارت دار التبلیغ، قم، بی تا.

۲۹۶. خانواده و خانواده درمانی، مینو چین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲۹۷. خدا و انسان در قرآن، ایزوتسو، توشیهیکو، ترجمه احمد آرام، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۱.

۲۹۸. خصائص المنهج التربوی فی القرآن وطرقه، الدکتور السیدنذیر یحیی الحسنی، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۲۹۹. خواطر و تأملات فکریه بین الأدب والعلم والقرآن، شریف عبدالکریم، د، مصر، اخبار الیوم اداره الکتب والمکتبات، ۱۴۰۸ ق.

۳۰۰. درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ سلمان فارسی، ۱۳۶۳ ش.

۳۰۱. درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، دادگر، یدالله، نشر نی، ۱۳۸۴، چ اول.

ص:۲۳۸

۳۰۲. درمان بحران های روحی از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، محمد هادی قربانی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۰۳. دعا درمانی، لیلا اتفاق، کامران آزما، اکرم جهانگیر، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۳۰۴. دیباچه ای بر مدیریت اسلام، جمعی از نویسندگان، سازان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ اول.

۳۰۵. رابطه قرآن و آزادی و چالش های آن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۳۰۶. رابطه قرآن و دانش فقه، دکتر محمد فاکرمیبدی، مجله قرآن و علم، ش اول.

۳۰۷. روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، بی ریا، ناصر و دیگران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵، چ اول.

۳۰۸. روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن، محمد احسانی و علی همت بناری، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۳۰۹. روش شناسی تفسیر حقوقی قرآن، دکتر میرخلیلی و حمید رضا نوری، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۳۱۰. روش شناسی تفسیر قرآن، بابایی، علی اکبر و دیگران، الهادی، قم، ۱۳۷۹، چ اول.

۳۱۱. روش شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی، دکتر مهدی رستم نژاد و سید مفید حسینی کوهساری، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۳۱۲. سیری در اندیشه سیاسی عرب، عنایت، حمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۵، چ ششم.

۳۱۳. سیمای تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از منظر قرآن، فائق ولی اف، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۱۴. شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، محمد جمال خلیلیان، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۴ ش.

۳۱۵. شیوه همسرداری، فضل الله، محمد حسین، انتشارات پیام آزادی، چ اول، تهران، ۱۳۷۳ش.

۳۱۶. الصحه النفسیه فی القرآن و السنه «بهداشت روانی»، سید لیث حیدری، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۱۷. طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، کواکبی، عبدالرحمن، حلب، طبع حلب،۱۹۵۷ م.

۳۱۸. علم النفس الاجتماعی، د. أحمد عبد العزیز سلامه، د. عبد السلام عبد الغفار، دار النهضه العربی، القاهره ۱۹۷۲م.

۳۱۹. غایه حیاه الانسان کما یصوّرها الدین والعلم، العک، خالد عبدالرحمن، بی جا، دار الالباب، بی تا.

۳۲۰. فقر و غنا در قرآن، شاکر، محمد کاظم، نشر رایزنان، چ اول، تهران، ۱۳۷۸ش.

۳۲۱. فلسفه تربیتی اسلام، الجمالی، محمد فاضل، ترجمه غلام رضا سعیدی، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۵۴.

۳۲۲. فمنیسم از دیدگاه قرآن، حسین رحیمی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۲۳. القرآن فی ضوء الفکر المادی الجدلی، عیتانی، محمد، بیروت، دار العوده، چ دوم، ۱۹۸۱ م.

۳۲۴. قرآن کریم از نظر موازین بهداشتی جدید، اعرابی واعظ ، سید اسماعیل، تهران، انتشارات کتابفروشی و چاپخانه تابان، ۱۳۴۶ ش.

۳۲۵. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ ش، قم.

۳۲۶. قرآن و روانشناسی، نجاتی، محمد عثمان، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژو هش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، چ دوم.

۳۲۷. قرآن و نظام توزیع ثروت، دکتر مهدی رستم نژاد، مجله قرآن و علم، ش دوم.

۳۲۸. قرآن وحقوق، عباس نژاد، محسن، و جمعی از نویسندگان، بنیاد پژوهش های قرآنی مشهد، ۱۳۸۵، چ اول.

۳۲۹. قلمرو تفسیر تربیتی، غلامحسین ناطقی، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۳۳۰. قواعد التفسير التربوی للقرآن الكريم، دكتر محمد فاكر ميبدی، احمد ازرقی، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۳۳۱. كليات روانشناسی، قلی زاده، فرض الله، نشر احرار، تهران، بی تا، اول.

۳۳۲. الكون و الانسان بين اسلام و القرآن، بسام دفضع، مطبعه الشام، بی جا، بی تا.

۳۳۳. كودك از نظر وراثت و تربيت، فلسفی، محمد تقی، تهران: نشر معارف اسلامی، بی تا.

۳۳۴. گامی فراسوی روان شناسی اسلامی، شرقاوی، محمد حسين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۳۳۵. ماهيت و ساختار اقتصاد اسلامی، يوسفی، احمد علی، مركز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و انديشه.

۳۳۶. مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همكاری حوزه و دانشگاه سازمان سمت، ۱۳۷۱ ق.

۳۳۷. مبانی تربيت از ديدگاه قرآن، بهشتی، محمد، سازمان اتشارات فرهنگ و انديشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.

۳۳۸. مبانی حقوق بشر، حقيقت، صادق، پژوهشكده فرهنگ و انديشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، چ اول.

۳۳۹. مبانی معناشناسی نوين، شعيری، حميدرضا، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱ش.

۳۴۰. مبانی و اصول علم اقتصاد، دكتر يدالله دادگر، دكتر تيمور رحمانی، انتشارات دفتر تبليغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۳۴۱. مثبت انديشی از نگاه قرآن و روايات، روح الله كيا، مدرسه عالی امام خمينی رحمه الله.

۳۴۲. مجموعه علمی تخصصی در زمينه علوم انسانی معرفت، قم - مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمينی، س پنجم، ش ۱.

۳۴۳. مجموعه مباحثی از مديريت در اسلام، نقی پورفر، ولی الله، مركز

مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، اول.

۳۴۴. مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روان، دفتر نشر معارف، ۲ مجلد، ۱۳۸۲، چ ۱.

۳۴۵. مجموعه مقالات همایش بین المللی بررسی اندیشه های اقتصاد شهید صدر.

۳۴۶. مدیریت از منظر کتاب و سنت، قوامی، سید صمصام الدین، دبیرخانه مجلس خبرگان، قم، ۱۳۸۲، چ اول.

۳۴۷. مدیریت اسلامی، افجه ای، سید علی اکبر، واحد فوق برنامه بخشی فرهنگی دتفر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴، چ اول.

۳۴۸. مدیریت در اسلام، جمعی از نویسندگان، زیر نظر سید مهدی الوانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۴، چ سوم.

۳۴۹. مدیریت گزینش از منظر قرآن و حدیث، پایان نامه ارشد سید محبوب حسینی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۵۰. مدیریت و فرماندهی در اسلام، مکارم شیرازی، ناصر، هدف، قم، ۱۳۶۹، چ چهارم.

۳۵۱. مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، پروفسور خورشید احمد، ترجمه: محمد جواد مهدوی، آستان قدس روضی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۴، چ اول.

۳۵۲. مطهرات در اسلام، بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش)، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۳۳ ش، چ دوم.

۳۵۳. مقایسه ویژگی های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با دیدگاه مدیریت از تئوری های غربی، علی نجات بخش اصفهانی، بهاره شهریاری، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۳۵۴. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، کاتوزیان، دکتر ناصر، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ش، چ۲۷.

۳۵۵. مقدمه علم حقوق، کاتوزیان، ناصر، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹،

ص:۲۴۲

چ بیست و هفتم.

۳۵۶. مقدمه ای بر روانشناسی، ترجمه: محی الدین بناب، مهدی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۸ ش، چ اول.

۳۵۷. مقدمه ای بر معرفت شناسی علم اقتصاد، غنی نژاد، موسی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۳۵۸. مکتب و نظام اقتصادی اسلام، هادوی تهرانی، مهدی.

۳۵۹. مناسبات انسانی در مدیریت اسلامی، حسینی سیاهپوش، سید محمود، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، چ اول.

۳۶۰. منهج التربیه الإسلامیه، محمد قطب، بیروت، دار الشروق، ۱۴۰۱ه - ۱۹۸۱م.

۳۶۱. منهج التربیه فی التصور الإسلامی، علی أحمد مدکور، دار الفکر العربی، القاهره، الطبعه الأولی، ۱۴۲۲ه - ۲۰۰۲م.

۳۶۲. موانع تربیت در قرآن و راهکارهای برخورد با آن، کارشناسی ارشد علی عباس، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۶۳. موسیقی در تاریخ و قرآن، اسماعیل پور، علی، تهران، انتشارات ناس، ۱۳۶۸ ش.

۳۶۴. نخستین تفسیر تربیتی، میرزاخانی، حسین، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۹، چ اول.

۳۶۵. النظام التربوی فی الاسلام: باقر شریف القرشی، الطبعه الاولی، شریعت، قم، ۱۴۲۷ه . ق.

۳۶۶. نظام تشویق و تنبیه در قرآن و سنت، کارشناسی ارشد شبررضا، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

۳۶۷. نظام حقوق زن در اسلام، مطهری، مرتضی، تهران، ۱۳۶۹، چ چهاردهم.

۳۶۸. نظام حقوقی اسلام، قنواتی، جلیل، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۷، چ اول.

ص:۲۴۳

۳۶۹. نظریه خانواده درمانی مینو چین با دیـدگاه اسـلام در باب خانواده، سالاری فر، محمـدرضا، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.

۳۷۰. نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، آقانظری، حسن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چ اول.

۳۷۱. نقش باورهای دینی در مدیریت، محسن ملاکاظمی، مجله قرآن و علم، ش چهارم.

۳۷۲. نقش ترتیب نزول در تفسیر تربیتی قرآن، عبدالکریم بهجت پور، مجله قرآن و علم، ش سوم.

۳۷۳. نقش دین در خانواده، احسانبخش، صادق، نشر جاوید، رشت، ۱۳۷۴ش.

۳۷۴. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، باقری، خسرو، انتشارات مدرسه ۱۳۷۲، چ سوم.

۳۷۵. نگرشی بر اقتصاد اسلامی، دادگر، یدالله، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، چ اول.

۳۷۶. نگرشی بر مدیریت اسلامی، تقوی دامغانی، سید رضا، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، چ دوم.

۳۷۷. نگرشی بر مدیریت در اسلام، جمعی از نویسندگان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲، چ اول.

۳۷۸. همزیستی مسالمت آمیز ادیان از دیدگاه قرآن و حدیث، هادی حسن رضوی، مدرسه عالی امام خمینی رحمه الله.

چهارم: قرآن و علوم عقلی

۳۷۹. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، نهاد جرّار، بسّام، المؤسسه الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق، الطبعه الثانیه.

۳۸۰. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، نوفل، عبد الرزاق، مطبوعات الشعب، قاهره، الجزء الاول، ۱۴۰۹ ق، الطبعه الثالثه.

۳۸۱. الاعجاز حدثیه وعلمّیه ورقمیّه فی القرآن، ابوالسعود، دکتررفیق، دارالمعرفه، دمشق، ۱۴۱۰ ق.

۳۸۲. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، احمدی، محمود، انتشارات مسعود احمدی، بی جا، ۱۳۷۱ ش.

۳۸۳. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، یزدانی، عباس، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مؤسسه کیهان، قم، ۱۳۷۵ ش.

۳۸۴. اعجاز قرآن، خلیفه رشاد، ۱۹۸۳ م، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تحلیل آماری حروف مقطعه، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵ ش.

۳۸۵. اعجازات حدیثه علمیه و الرّقمیه فی القرآن، أبوالسّعود، بیروت، ۱۹۹۱.

۳۸۶. الریاضیات فی القرآن الکریم، خلیفه، خلیفه عبدالسمیع، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۸۷ م.

۳۸۷. عقل و عقل گرایی در فلسفه و قرآن، نفیسه امیری، عبدالحسین خسروپناه، فصل نامه تخصصی سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، ش ۲.

۳۸۸. القرآن علی ضوء العقل، القیشاوی، عبدالله، مصر، بی تا، بی نا.

پنجم: منابع لاتین

۳۸۹. Deyond Probility - God's Massage In Mathematice.

۳۹۰. Quran Visual Presen Tation of The Miracle.

۳۹۱. The bible the Quran and science: Maurice Bucaille.

۳۹۲. The Quran: an Encyclopedia Oliver Leaman.

ششم: سایت های مرتبط با قرآن و علم

الف: سایت هایی که مستقیماً به تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن می پردازد.

۳۹۳. www.۵۵a.net موسوعه الاعجاز العلمی فی القران و السنه

۳۹۴. www.afkaar.com افکار علیمه

۳۹۵. www.aksharemazhabi.blogfa.com اسلام، قرآن، اعجاز

۳۹۶. www.askguran.ir کانون گفتمان قرآن

۳۹۷. www.kaheelv.com عبد الدائم الکحیل

۳۹۸. www.maknoon.com مکنون الاعجاز العلمی فی القرآن

۳۹۹. www.miracleofguran.net پژوهشکده اعجاز قرآن

۴۰۰. www.Miracweb.net شبکه الاعجاز فی القرآن والسنه

۴۰۱. www.nooran.org / نوران رابطه العالم الاسلامیه

۴۰۲. www.Zelnaggar.com الاعجاز العلمی فی القران والسنه

ب: برخی از سایت ها که به صورت فرعی به تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن می پردازد.

۴۰۳. www.aftab.ir/

۴۰۴. www.al۳beer.com/

۴۰۵. www.alalamonline.ne -

۴۰۶. www.alejaz.net-

۴۰۷. www.al-hodaonline.com/

۴۰۸. www.aljazeera.net

۴۰۹. www.al-tef.com/

۴۱۰. www.alwarag.net/

۴۱۱. www.andisheqom.com/.

۴۱۲. www.arrouiah.com/

۴۱۳. www.asemaneazim.com

۴۱۴. www.cqcs.ir/

۴۱۵. www.daneshnameh.roshd.ir..

۴۱۶. www.ebnmaryam.com/

۴۱۷. www.edunews.ir

۴۱۸. www.elnaggarzr.com/

۴۱۹. www.emad.ir/

۴۲۰. www.geocities.com/

۴۲۱. www.goonagoon.org/

۴۲۲. www.hawaaworld.com...

۴۲۳. www.hawzah.net/ /.../

۴۲۴. www.hespress.com/...

۴۲۵. www.iqra-ta.tk

۴۲۶. www.iranclubs.org/

۴۲۷. www.iranculture.org/

۴۲۸. www.islam-pdf.blogfa.com/

۴۲۹. www.islampedia.com

ص:۲۴۶

۴۳۰. www.jasas.net/vb

۴۳۱. www.lakii.com/

۴۳۲. www.loot.ir

۴۳۳. www.m۱۲c.com/v

۴۳۴. www.m۱۲s.com/v

۴۳۵. www.old.qom.ac.ir

۴۳۶. www.old.qom.ac.ir

۴۳۷. www.p-khorshid.ir

۴۳۸. www.porsemanequran.com

۴۳۹. www.quran.sbu.ac.ir/

۴۴۰. www.rahpouyan.com

۴۴۱. www.rasoolnoor.com

۴۴۲. www.roshd.org/...

۴۴۳. www.sasad.fatehnet.net..www

۴۴۴. www.sceince۴islam.com

۴۴۵. www.sez.ae/vb

۴۴۶. www.sunni-news.com/?p ۱۲۷

۴۴۷. www.tasabeeh.com

۴۴۸. www.tebyan.net/

۴۴۹. www.yaahi.com

۴۵۰. www.yeganehmonji.blogfa.com/–

ص:۲۴۷

فهرست منابع

۱. ابن سلیمان الخطابی البستی، تحقیق محمد خلف الله احمد رود - محمد زغلول سلام، ثلاث رسائل فی الاعجاز القرآن، الرساله الاولی الفطائی، دارالمعارف، مصر - القاهره، ۱۹۷۶ م، رقم الطبعه ۳.

۲. ابن فارس بن زکریا، أبی الحسین أحمد، معجم مقاییس اللغه، المحقق، عبد السلام محمد هارون، اتحاد الکتاب العرب، بی جا، ۱۴۲۳ق.

۳. احصاءالعلوم، فارابی، محمد بن محمد، ترجمه حسین خدیوجم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چ۲.

۴. احیاء العلوم (الاحیاء)، ابوحامد غزالی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ ق، چهار جلدی.

۵. اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، نشر قدیانی، بی جا، ۱۳۷۰ش.

۶. استفن ویلیام هاوکینگ، تاریخچه زمان، ترجمه حبیب الله دادفرما، نشر کیهان، تهران، ۱۳۷۵ش.

۷. اصول التفسیر و قواعده، العک، خالد عبدالرحمن، دار النقاش، دمشق، ۱۴۱۴ه، ط ۳.

۸. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت، چاپ اسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ۴ جلدی.

۹. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق)، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم، دکتر مصطفی رجب، انتشارات جدارا للکتاب العالمی، اردن، ۲۰۰۶ م.

۱۱. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، اثر یدالله نیازمند شیرازی، چاپ چهارم شرکت چاپ میهن سال ۱۳۳۵.

۱۲. اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، احسن الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۳. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، قم، ۱۳۶۲ ش.

۱۴. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، زندگی نامه شیخ طوسی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، تهران، ۱۳۶۰.

۱۵. امین، احمد، راه تکامل، بی تا، ترجمه بهشتی، لاری و امامی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، هفت جلدی.

۱۶. انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، دلیس اولیری ترجمه احمد آرام، نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۱۷. انجمن مقدس ایران (ناشر)، کتاب مقدس، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۷ م و ۱۹۳۲ م، شامل تورات و انجیل و کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان، ۴۲۱ ص.

۱۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پاک نژاد، دکتر سید رضا، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش.

۱۹. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۲۰. باد و باران در قرآن، بازرگان، مهدی (۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش)، تهران، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ه .

۲۱. بحارالانوار، مجلسی، علامه محمد تقی، ۱۳۸۵ ش، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۱۰ جلد.

۲۲. برهان رسالت، جعفر سبحانی، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۹۸ق.

۲۳. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللّه، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق.

۲۴. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۷۸م.

۲۵. بهبودی، محمد باقر، هفت آسمان، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه، ۱۰۶ ص.

۲۶. بو علی سینا، شیخ الرئیس، رسائل ابن سینا، طبع هندی، بی تا.

۲۷. البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، آیه الله سید ابو القاسم، المطبعه العلمیه، قم، ۱۳۹۴ ق.

۲۸. پرتوی از قرآن، طالقانی، سید محمود، شرکت سهامی انتشار، تهران، چهارم، ۱۳۶۲ ش.

۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ش.

۳۰. پوپر، کارل ریموند، حدس ها و ابطال ها، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشار، ۱۳۶۸.

۳۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول.

۳۲. پیشگویی های علمی قرآن، زمانی، مصطفی، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۵۰ ش.

۳۳. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹.

۳۴. تاریخ علوم، پی یر، روسو، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، تهران چاپ چهارم، ترجمه چاپ چهل و دوم کتاب، ۱۳۴۴ ش.

۳۵. تاریخ نگارش های عربی، فوائد سزگین، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰.

۳۶. التبیان فی التفسیر القرآن، الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، النجف، المطبعه العلمیه، ۱۳۷۶ ق - ۱۹۵۷ م، ده جلد.

۳۷. تحریر الوسیله، امام خمینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۶ ش.

۳۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، الطبعه الاولی، ۱۳۷۱ ش.

۳۹. التفسـیر و المفسّرون ، ج۲ ، ص ۴۹۱-۴۹۴ ، چـاپ دوم ، سال ۱۹۷۶ م (چـاپ دار الکتب الحـدیث ، با تلخیص، ترجمه و تصرّف در عبارات).

۴۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.

۴۱. تفسـیر الفرقان فی تفسـیر القرآن بالقرآن و السـنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسـلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق.

۴۲. تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه الطبعه الثالثه، بی تا، ۱۲ جلدی.

۴۳. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۴۴. تفسیر صافی، کاشانی، محمد محسن فیض، ۱۴۰۲ ق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعه الثانیه، ۵ جلدی.

۴۵. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، قم، انتشارات موسسه نشر و تبلیغ کتاب، ۱۳۶۴.

۴۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت داراحیاء الثراث العربی، الطبعه الخامسه، ۱۳۸۶ ق.

۴۷. تفسـیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسـی (امین الاسـلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۴۸. تفسیر منهج الصادقین، کاشانی، ملافتح الله، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ ش.

۴۹. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۵۰. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمدهادی معرفت، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.

۵۱. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.

۵۲. التوراه و الانجیل و القرآن و العلم الحدیث»، انتشارات دار الکندی، بیروت، ۱۳۹۸ ق.

۵۳. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، درالفکر العربی، قاهره، مصر، ۱۴۱۹ق.

۵۴. جواهر القرآن، تألیف ابوحامد غزالی، چاپ بیروت، المرکز العربی للکتاب، دمشق، بیروت.

۵۵. جواهر الکلام، الشـیخ محمـدحسن النجفی، التحقیق: عباس القوچانی، دارالکتب الاسـلامیه، آخونـدی، الطبعه الثالثه، ۱۳۶۷ ش.

۵۶. الجواهرفی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳جلدی.

۵۷. جین دمن مک اولیف (سرویراستار)، دائره المعارف قرآن لیدن، انتشارات بریل، (لیدن) هلند.

۵۸. چیستی علم، آلن اف چالمرز، مترجم: سعید زیبا کلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۵۹. حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت های دینی سیاسی معاصر، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱ش.

۶۰. خرم شاهی، بهاء الدین. تفسیر و تفاسیر جدید، چاپ اول انتشارات کیهان ۱۳۶۴.

ص:۲۵۰

۶۱. الخطیب، عبدالغنی، قرآن و علم امروز، ترجمه: مبشری، اسدالله، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ش، چ اول.

۶۲. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش.

۶۳. در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۶۵ ش.

۶۴. دراسات حول الاعجاز البیانی فی القرآن، المحمدی عبدالعزیز الحناوی، دارالطباعه المحمدیه، قاهره، ۱۴۰۴ق.

۶۵. دراسه الکتب المقدسه فی ضوء المعارف الحدیثه، دار المعارف، قاهره، ۱۹۷۸ م

۶۶. درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن (منطق تفسیر قرآن)، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۶۷. الدروس الدینیه، عبدخدایی، غلامحسین، تهران، ۱۳۸۶ق.

۶۸. دفضع، بسام، الکون والانسان بین العلم والقرآن، سوریه، مطبعه الشام، ۱۴۱۱ ق.

۶۹. دیمتری گوتاس، تفکر یونانی فرهنگ عربی، ترجمه محمد سعید حنائی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱.

۷۰. رابطه علم و دین، سر فرازی، عباسعلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۷۱. راز آسمان های هفت گانه، مرادی، ایمان، اصفهان، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش.

۷۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المکتبه الرضویه، تهران، ۱۳۳۲ ش.

۷۳. رجایی، سید محمد کاظم، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، بهار ۱۳۸۲ش.

۷۴. رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۷۵. رضائی فر، مهندس جعفر، ۱۳۷۵ ش، قرآن و آخرین پدیده های علمی، انتشارات فوژان.

۷۶. رفیعی محمدی، دکتر ناصر، تفسیر علمی قرآن، دو جلدی، انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ ش.

۷۷. زمخشری، محمود ابن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، نشر دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

۷۸. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، محمد علی، انتشارات فلق تبریز، ۱۳۵۷.

۷۹. زیدان، جرجی، بی تا، تاریخ التمدن الاسلامی، دارالمکتبه الحیاه، بیروت، پنج جلد در دو مجلد.

۸۰. سبحانی جعفر (معاصر)، داروینیسم یا تکامل انواع، قم، انتشارات توحید، با مقدمه سید هادی خسرو شاهی، بی تا، ۱۵۹ ص.

۸۱. سبزواری، حاج ملا هادی (متولد ۱۲۱۲ ق)، شرح منظومه، ایران، انتشارات دار العلم، بی تا،

۸۲. السکاکی (م ۵۶۷ ق)، مفتاح العلوم، دارالکتب العلمیه، بیروت – لبنان، ۱۴۰۷ ه – ۱۹۸۷ م، الطبعه الثانیه.

ص:۲۵۱

۸۳. السیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، دارالفکر بیروت – لبنان، ۱۴۱۶–۱۹۹۶م، الطبعه الأولی.

۸۴. سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

۸۵. سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، رفیعی محمدی، ناصر، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶، چ اول.

۸۶. السیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، دار الفکر بیروت – لبنان، الطبعه: الأولی، سنه الطبع: ۱۴۱۶ – ۱۹۹۶م.

۸۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ۱۴۰۵ ق.

۸۸. الشاطبی، أبو سحاق؛ الموافقات فی أصول الشریعه، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۳م.

۸۹. الشرتوتی اللبنانی، السعید سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۳ق.

۹۰. شرح الاصول الخمسه، للقاضی عبد الجبار، مکتبه وهبه، القاهره ۱۴۱۶ ه – ۱۹۹۶ م.

۹۱. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی یا دائره المعارف قرآن مجید، الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.

۹۲. شهرستانی، سید هبه الدّین، (الاسلام والهیئه) اسلام و هیئت، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

۹۳. الشیرازی، صدر الدین محمد؛ تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ط ۲، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.

۹۴. شیعه پایه گذار علوم اسلامی، آیت الله سید حسن صدر – ترجمه سید محمد مختاری، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی ۱۳۵۴.

۹۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، به سوی آفریدگار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.

۹۶. صدر، الاسس المنطقیه للاسنقراء، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات الطبعه الرابعه، ۱۴۰۲ ق، ۴۷۹ ص.

۹۷. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

۹۸. طباطبایی، محمد حسین؛ قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۹۹. طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، کواکبی، عبدالرحمن، حلب، طبع حلب،۱۹۵۷ م.

۱۰۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ اول، نشر صدوق، ۱۴۱۷ ه ق.

۱۰۱. عثمان نجاتی، محمد، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، مشهد، ۱۳۷۷ش.

۱۰۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.

۱۰۳. عضد الدین ایجی، عبدالرحمن بن احمد، المواقف، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق.

۱۰۴. علوم اسلامی و نقش آن در تحولات علمی جهان، آلدومیه لی، ترجمه: محمد رضا شجاع رضوی - دکتر اسدالله علوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول آبان ۱۳۷۱.

۱۰۵. العلوم الطبیعه فی القرآن، مروّه، یوسف، بیروت، منشورات مروّه العلمیه، ۱۳۸۷ ق.

۱۰۶. علوم القرآن، حکیم، سید محمدباقر، ۱۴۱۷ ق، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعه الثالثه.

۱۰۷. العلوم فی القرآن، محمد جمیل الحبّال، مقداد مرعی الجواری، دارالنفاس، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه ۱۹۹۸ م.

۱۰۸. علوی مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۰۹. عمر ابو حجر، احمد، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت – دمشق، دار قتیبه، ۱۴۱۱ ق – ۱۹۹۱ م، ۵۶۳ ص.

۱۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی (معاصر)، مبانی و روش های تفسیری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۱۱. عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات سلمان، ۱۳۷۵ ش، تهران.

۱۱۲. غزالی، محمد، الاقتصاد فی اصول الاعتقاد، بی تا، بی جا.

۱۱۳. فخر الدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق، چ سوم.

۱۱۴. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمه للطباعه والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق.

۱۱۵. فرهنگ دانستنی ها، نژد، محمد، جهان دانش، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.

۱۱۶. فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، حقیقی، ک، م، بی تا، انتشارات لوکس (نوید)، شیراز، ج ۱.

۱۱۷. فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیری القرن الرابع عشر، الرومی، عربستان سعودی، الطبعه الاولی، بی نا، ۱۴۰۷ ق، سه جلدی.

۱۱۸. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، محجه البیضاء، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۳ ق.

۱۱۹. قاضی زاده، کاظم، سیاست و حکومت در قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۲۰. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ش.

۱۲۱. القرآن و الطب الحدیث، عبد الرضا علی، دکتر صادق، دار المورخ العربی، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۱۲۲. القرآن یتجلی فی عصر العلم، القمیحا، نزیه، دار الهادی، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

۱۲۳. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۶ ق.

۱۲۴. قوامی، صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۸۳.

ص:۲۵۳

۱۲۵. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹، چ بیست و هفتم.

۱۲۶. کارل ریموند پوپر، منطق اکتشافات علمی مترجم حسین کمالی، ویراستار عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

۱۲۷. کارنامه اسلام، زرین کوب، عبدالحسین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.

۱۲۸. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، خواجه طوسی و علامه حلی رحمهما الله، نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۱۲۹. کلینی، ثقه الاسلام محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۳۶۵، شمسی.

۱۳۰. کوستلر، آرتور، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، تهران، امیرکبیر، کتاب های جیبی،۱۳۸۸.

۱۳۱. ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، امیرکبیر، کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۴۸.

۱۳۲. مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سازمان سمت، ۱۳۷۱ ق.

۱۳۳. محمد حسب البنّی، د. منصور، القرآن الکریم والعلم الحدیث، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۰ م.

۱۳۴. محمد عبده، تفسیر القرآن الکریم (عم جزء)، نشر ادب حوزه، بی تا.

۱۳۵. مرزهای اعجاز، ابوالقاس خویی، مترجم: جعفر سبحانی، انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۶۳.

۱۳۶. مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۱۳۷. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳ ش، چهاردهم.

۱۳۸. مصطفی محمود، القرآن محاوله لفهم عصری للقرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۹۷۳.

۱۳۹. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۴۰. مظفر، محمد رضا، المنطق، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق – ۱۹۸۲ م، ۴۵۶ ص.

۱۴۱. مع الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، (طب در قرآن، ترجمه علی چراغی) ۱۴۰۴ ق، مؤسسه علوم القرآن، دمشق ، الطبعه السابعه.

۱۴۲. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی. قم ، موسسه در راه حق، ۱۳۷۳ ش.

۱۴۳. معانی الاخبار، شیخ الصدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.

۱۴۴. المعجزه القرآنیه (الاعجاز العلمی و الغیبی)، هیتو، دکتر محمد حسن، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۱۴۵. معرفت، آیه الله محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.

۱۴۶. المفسّرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، سیدمحمد علی، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۱۴۷. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، موریس بوکای، ترجمه: ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش، چ نهم.

۱۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (متولد ۱۳۰۵ ش – معاصر)، تفسیر به رأی، قم، مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، ۱۳۶۷ ش، ۹۶ ص.

۱۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۹ش.

۱۵۰. المکاسب، شیخ اعظم انصاری، انتشارات دار الحکمه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه ق.

۱۵۱. مناهج تجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر الادب، امین الخولی، دارالعمعرفه، ۱۹۶۱م، ۱۳۴۰ش.

۱۵۲. المنهج السوی و المنهل الروی فی الطب النبوی، عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، چاپ حسن مقبولی، بیروت ۱۹۱۸ م.

۱۵۳. مهاجری، مسیح، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۱۵۴. مودب، رضا، مبانی تفسیر قرآن، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۹، اول.

۱۵۵. میر محمدی زرندی، سید ابو الفضل، تاریخ و علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش، چ چهارم.

۱۵۶. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، تحقیق و نشر: دارالحدیث، الطبعه الاولی.

۱۵۷. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، (نشر موسسه بوستان کتاب)، قم، ۱۳۸۲، چ هفتم.

۱۵۸. نظام تربیتی اسلام، حاجی ده آبادی، محمد علی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۵۹. نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، راشدی، لطیف، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۶۰. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵، چ دهم.

۱۶۱. نوری، حسین (معاصر)، دانش عصر فضا، قم، نشر مرتضی، ۱۳۷۰ ش.

۱۶۲. نوفل عبدالرزاق، القرآن والعلم الحدیث، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۹۳ ق.

۱۶۳. هاشمی نژاد، عبدالکریم، رهبران راستین، صبا، تهران، چ دوم، ۱۳۵۴.

۱۶۴. Rotraud wielandt, Exegesis of the Quran: Early Moern and contemporary. In Excyclopadia of the Quran V: ۲.

مجلات

۱۶۵. دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم (ش ۱-۵)، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، قم.

۱۶۶. فصلنامه پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۶، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران، ۱۳۸۸ش.

۱۶۷. فصلنامه تخصصی کلام، ش ۱، بهار ۱۳۷۱ش.

۱۶۸. ماهنامه اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)، تهران.

۱۶۹. مجله بینات، ش سوم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، قم، ۱۳۷۵.

۱۷۰. مجله پیام قرآن، پیش شماره، انتشارات دارالقرآن کریم، قم.

۱۷۱. مجله مطالعات میان رشته ای قرآن و علوم، جهاد دانشگاهی.

۱۷۲. هفته نامه الرساله، سال ۱۹۴۱.

بسمه تعالی

زندگی نامه دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

در ۱۳۴۱/۲/۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد، دوره دبستان و راهنمایی را در محل تولد و دوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی (خوارزمی) گذراند. سپس در سال ۱۳۶۰ در جبهه به دفاع از کشورش پرداخت.

تحصیلات: در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) گردید و تا دوره سطح عالی و یک سال خارج در آن حوزه گذراند، در سال ۱۳۶۴ ازدواج نمود. آنگاه در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم گردید و به مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت: صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد و موفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم حوزه (دکتری فقه) شدند و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم و دکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

مسئولیت ها: ۲۵ سال تدریس علوم اسلامی به ویژه علوم قرآن و تفسیر در حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی و مسئول مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه، مسئول مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)، مسئول و سردبیر سه مجله تخصصی قرآن و علم، قرآن پژوهی خاورشناسان، علوم و معارف قرآن.

امتیازات: احراز چهارده رتبه علمی و جایزه از مراکز، همایش ها و جشنواره ها، انتشار ۶۱ کتاب، انتشار بیش از ۱۲۰ مقاله ی علمی، راهنمایی، مشاوره و داوری بیش از ۸۰ پایان نامه ارشد و دکتری، تأسیس ۱۲ رشته قرآنی.

آدرس: قم، خیابان سمیه، خیابان شهید رجایی، کوچه ۴، پلاک ۷۷، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج).

تلفکس: ۷۷۳۴۰۹۴ - ۰۲۵۱، Rezaee@quransc.com

ص:۲۵۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹